



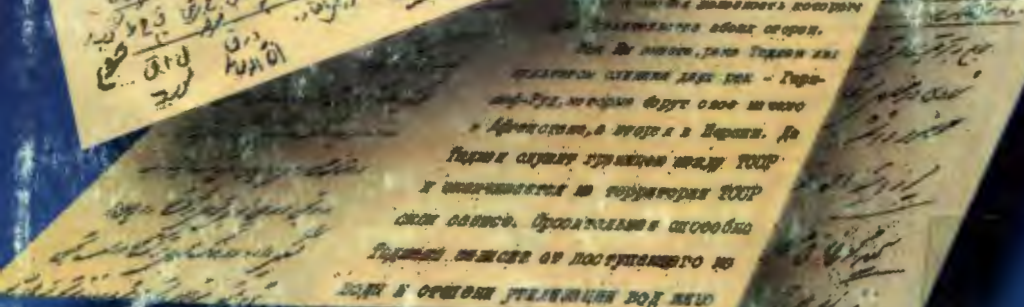
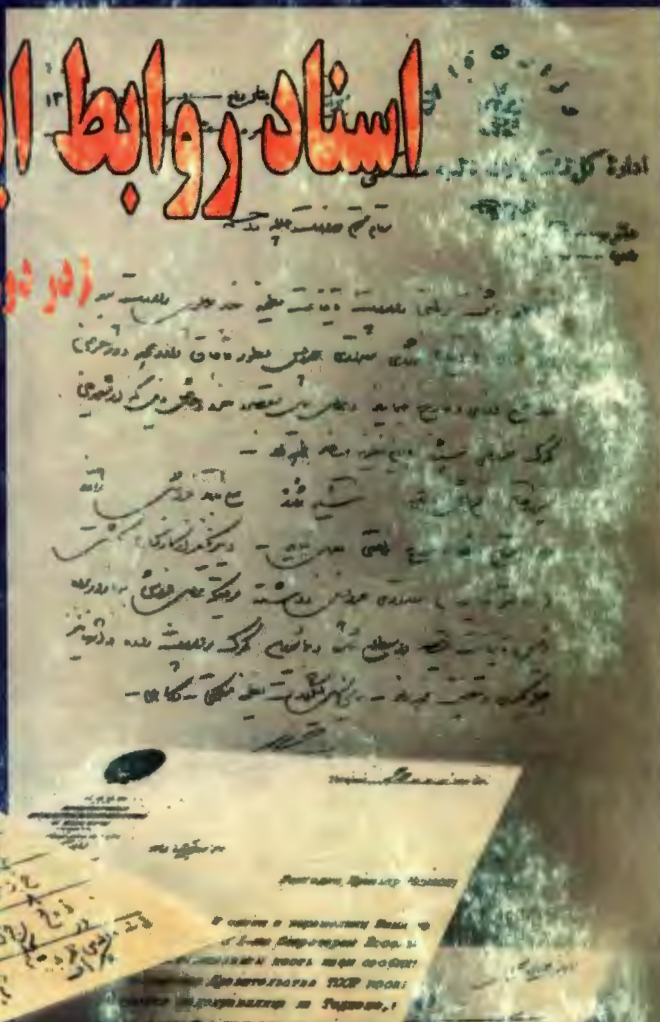
اسناد روابط ایران و شوروی

(دوره رضاشاه ۱۳۰۴-۱۳۱۸ ه.ش)

سازمان اسناد ملی ایران

پژوهشگاه اسناد

به کوشش: محمود ظاهر احمدی



انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

پشت و پنجمین سال تأسیس سازمان اسناد ملی ایران

۳۷

THE UNIVERSITY OF CHICAGO



100

100





Publication of Iran National Archives Organization

**Records of Iran and USSR Relations in Reza Shah Era
(1925-1943)**

by: Mahmood Taher Ahmadi

Records Research Center

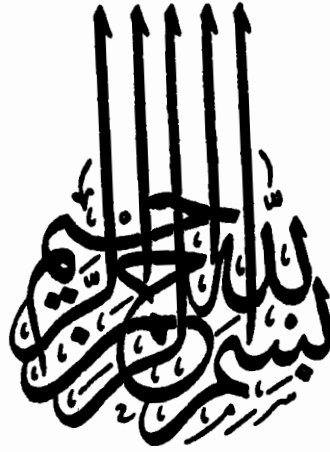
25th anniversary of Iran National Archives Organization

1996

قیمت : ۶۰۰۰ ریال



۲



اسناد روابط ایران و شوروی

(در دوره رضاشاه / ۱۳۰۴ - ۱۳۱۸ هـ.ش)

سازمان اسناد ملی ایران

«پژوهشکده اسناد»

به کوشش: محمود طاهراحمدی

انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

(بیست و پنجمین سال تأسیس سازمان اسناد ملی ایران)

۱۳۷۴

طاهر احمدی، محمود

اسناد روابط ایران و شوروی (در دوره رضاشاه/ ۱۳۰۴ - ۱۳۱۸ ه.ش) / به
کوشش: محمود طاهر احمدی. - تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده
اسناد، ۱۳۷۴.

چهل، ۲۷۹ ص.: نمونه

۱. ایران - روابط خارجی - روسیه شوروی. الف. سازمان اسناد ملی ایران.
پژوهشکده اسناد. ب. عنوان

۹۵۵/۰۸۲۲

DSR ۱۴۸۰/ ط ۲ الف ۴



نام کتاب: اسناد روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه (۱۳۰۴ - ۱۳۱۸ ه.ش)

به کوشش: محمود طاهر احمدی

ناشر: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

نشانی ناشر: تهران، خیابان ولیعصر، بعد از چهارراه طالقانی، خیابان شهید فرهنگ حسینی، ساختمان شماره ۳.

پلاک ۲۳، کد پستی: ۱۵۹۳۶، تلفن: ۶۴۶۱۹۸۳ - ۶۴۰۴۷۸۱

حروفچینی و لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی امید

چاپ: سه‌پند

تاریخ نشر: ۱۳۷۴

نوبت چاپ: اول

قطع: وزیری

تیراژ: ۴۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق برای سازمان اسناد ملی ایران محفوظ است.

فهرست مندرجات

موضوع	شماره صفحه
پیشگفتار	هفت - هشت
مقدمه	نه - بیست و پنج
فهرست تفصیلی اسناد	بیست و هفت - سی و هفت
شماره تنظیم اسناد	سی و هشت - چهل و یک
فصل اول: روابط سیاسی	۱ - ۷۳
فصل دوم: روابط اقتصادی	۷۵ - ۱۴۸
فصل سوم: سرحدات	۱۴۹ - ۲۰۴
فصل چهارم: مهاجران	۲۰۵ - ۲۳۴
فصل پنجم: روابط فرهنگی	۲۳۵ - ۲۴۸
گزیده تصاویر اسناد	۲۴۹ - ۲۶۶
فهرست اعلام	۲۶۷ - ۲۷۹

پیشگفتار

شناخت دقیق روابط ایران با دیگر کشورها، بخصوص ممالک همجوار، در دوره معاصر کاری است ضروری و مهم. در این میان روابط ایران و شوروی (سابق) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وجود مرز مشترک آبی و خشکی، سلطه‌گریها و هجوم سیاسی - فرهنگی اتحاد شوروی در قالب کمونیسم و احزاب چپ سبب شد تا رابطه ایران با شوروی بسیار مهمتر از روابط ایران با دیگر همسایگان جلوه کند.

سیاست سلطه‌گری روسیه تزاری در ایران در دوره قاجاریه روابط خاصی را بین دو کشور ایجاد کرده بود و در دوره پهلوی به گونه‌ای دیگر شاهد این سلطه‌گری هستیم. درباره هر دو دوره تا کنون مقالات و کتابهای مختلفی انتشار یافته است که اغلب این نوشته‌ها کمتر مستند به اسناد دولتی بوده‌اند.

از این رو «سازمان اسناد ملی ایران» بر آن است تا از میان اسناد آرشیوی موجود، اسناد مربوط به روابط ایران با کشورهای همسایه را به تدریج به چاپ برساند. بدین منظور و در گام نخست گزیده‌ای از «اسناد روابط ایران و شوروی» به چاپ می‌رسد. اسناد این مجموعه مربوط به روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و اتحاد شوروی سابق در روزگار پهلوی است. در این دوران به این دلیل که در هر دو کشور ایران و شوروی، رژیمهای جدیدی که یکی با اتکا به کودتای نظامی و دیگری با انقلاب بلشویکی بر سر کار آمد، به ضرورت روابط جدیدی بین دو کشور برقرار شد که در ظاهر با روابط روسیه تزاری با ایران در دوران قاجار کاملاً تفاوت داشت. بدین لحاظ بررسی اسناد روابط رژیمی که خود را از سلطه‌گریهای تزاری برکنار می‌دانست و به مردم دنیا می‌نمایاند که کشور شوراها یگانه حامی خلقهای تحت ستم در برابر امپریالیسم است با یکی از همسایگان خود، جالب و درخور توجه می‌باشد. از سوی دیگر این اسناد تا حدودی بیانگر دیپلماسی ایران در دوره مذکور با اتحاد شوروی است که همواره میان موضع ضعف و قدرت نوسان داشت. همچنین اسناد مزبور نشان می‌دهد، شوروی از راههای گوناگون و حمایت از کمونیستهای ایران در پی این بود تا حضور خود را در ایران گسترش دهد، و حتی بر خلاف

قوانین بین‌المللی گهگاه از تجاوز به خاک ایران نیز دریغ نداشت و در مناسبات اقتصادی خود با ایران نیز در پی منافع خود بود و کمتر به منافع مشترک دو کشور توجه می‌نمود.

به هر رو، تمام اسناد این مجموعه از میان انبوه اسنادی که در سازمان ملی ایران نگهداری می‌شود انتخاب شده‌اند، ولی به دنبال فروپاشی نظام حاکم بر شوروی سابق و باز شدن درهای بسته، مطمئناً اسناد فراوانی در آرشیوهای مختلف روسیه دربارهٔ موضوع این کتاب وجود دارد که امیدواریم با دستیابی به آن اسناد بتوانیم کاستیهای این مجموعه را نیز تدریجاً برطرف کرده و نکات تازه‌ای را پیرامون این روابط تقدیم پژوهشگران تاریخ نماییم.

در پایان لازم می‌دانم از کوششهای آقای محمود طاهراحمدی پژوهشگر گرامی پژوهشکده اسناد به خاطر تدوین این مجموعه سپاسگزاری کنم.

سید حسن شهرستانی

رئیس سازمان اسناد ملی ایران

مقدمه

در سازمان اسناد ملی ایران، اسناد فراوانی درباره روابط ایران و شوروی نگهداری می شود. انبوهی از این سندها مربوط به مناسباتی است که از انقلاب بلشویکی در روسیه آغاز شد و تا رویدادهای پس از شهریور ۱۳۲۰ در ایران ادامه یافت و سرانجام با بیرون رفتن نیروهای ارتش سرخ از شمال کشور به شکلی دیگر درآمد.

انقلاب بلشویکی در روسیه و پس از آن، حکومت رضاشاه در ایران، هریک به نوبه خود سبب دگرگونیهایی در روابط میان دو کشور شد که پاره‌ای از آن دگرگونیها در این اسناد جلوه گر است. مجموعه حاضر گزیده‌ای است از اسناد مزبور، آن هم در فاصله زمانی آبان ۱۳۰۴ تا مرداد ۱۳۱۸. این اسناد موضوعهای مختلفی را در بردارند که آنها را در پنج فصل به قرار زیر منظم کرده‌ایم:

روابط سیاسی، روابط اقتصادی، سرحدات، مهاجران و روابط فرهنگی.

آغازگر برقراری روابط نوین بین دو کشور، حکومت انقلابی و نوپایی بود که بر اثر سرنگون شدن دولت تزاری در روسیه به قدرت رسید. اما پیش از آن، چون پیروزی انقلاب روسیه بارقه امید در دل ملیون و آزادی خواهان ایران برجای نهاده بود، کسانی از این گروه که می پنداشتند دوران ستمگری روسیه تزاری در ایران به سر رسیده است، بر آن شدند تا نخستین برگ این دفتر را خود بکشایند. از این رو در روز یکشنبه، ۱۳ آوریل ۱۹۱۷/۱۲ فروردین ۱۲۹۶ هشتاد و نه نفر از مشاهیر ایرانی، شامل بعضی از نمایندگان سه دوره گذشته مجلس شورای ملی و وطن دوستان آزادی خواه، تلگرافی به مجلس دومای روسیه فرستادند و در آن، پس از ابراز خشنودی از پیروزی ملت بزرگ روس، انقلاب روسیه را به پرتو درخشانی تشبیه کردند که سرانجام جهان را

روشن خواهد کرد و واپسین تاریکیها را خواهد زدود.^۱

در آن سو نیز، هنگامی که در مارس ۱۹۱۷ حکومت لوف و کرنسکی زمام امور را در روسیه به دست گرفت، فرصتی پیش آمد تا اقوام ساکن در قفقاز و آسیای مرکزی برای دستیابی به آزادی خود به تکاپو برخیزند. ساکنان این مناطق در آغاز می‌خواستند همراه با استقلال داخلی، ارتباط با روسیه را نیز حفظ کنند؛ اما با پخش نخستین اخبار انقلاب پتر و گراد، میهن‌پرستان نواحی مزبور برآن شدند که به یکباره خود را از حکومت روسیه برهانند. بدین سبب کمیته‌هایی محلی از میهن‌پرستان قدرت خواه در قفقاز و ترکستان تشکیل شد. با وجود این عناصر برجسته این کمیته‌ها منشویک‌هایی بودند که می‌خواستند به روسیه وفادار بمانند؛ به این شرط که در امور داخلی خود استقلال داشته باشند.^۲ در این میان کسانی هم خواهان الحاق قفقاز به ایران بودند؛ حتی پس از فرونشستن آتش جنگ اول جهانی هیأتی از بادکوبه به تهران آمد و با اعضای دولت ایران دیدار کرد. شاید شهرهایی که براساس دو عهدنامه گلستان و ترکمان‌چای از ایران جدا شده بود، دوباره ضمیمه ایران شود. در همین اوان، یعنی هنگامی که کنفرانس صلح ورسای در ۱۸ ژانویه ۱۹۱۹ تشکیل شد، دولت ایران برای دستیابی به حقوق خود و جبران آسیبهایی که از جنگ دیده بود، هیاتی را به پاریس فرستاد و در بیانیه‌ای که حاوی دعاوی ایران بود به مسئله استرداد سرزمینهایی که روسیه تزاری و انگلیس به قهر از ایران جدا کرده بودند اشاره کرد و درخواست نمود نواحی مذکور به ایران بازگردد؛ اما دولت انگلیس از پذیرفتن نمایندگان ایران در کنفرانس خودداری کرد و در نتیجه به هیچ یک از دعاوی ایران ترتیب اثر داده نشد. پس از آن مجدداً محمد امین رسول‌زاده، رهبر حکومت آذربایجان قفقاز که پیش از این سردبیر روزنامه ایران نو بود، آمادگی خود را برای بازگرداندن آذربایجان قفقاز به ایران اعلام کرد و نمایندگانی هم به تهران فرستاد.^۳ سرانجام پس از سقوط دولت قفقاز به دست بلشویکها این خواسته‌ها نیز به محاق فراموشی سپرده شد. در عین حال بلشویکهای حاکم در شوروی که انقلاب ایران را «کلید یک انقلاب سراسری» در شرق تلقی می‌کردند، برای جلب دوستی ایران به پا خاستند و در نخستین گام، شورای کمیسرهای خلق در ۳ دسامبر ۱۹۱۷ در بیانیه‌ای خطاب به مسلمانان

۱. درباره این تلگراف بنگرید به: منشور گرکانی، رقابت روسیه و انگلیس در ایران، به اهتمام محمدرفعی مهرآبادی، چاپ اول، (تهران، ۱۳۶۸)، ص ۴۳

۲. ژرژلنچافسکی، غرب و شوروی در ایران - سی سال رقابت، ترجمه حورا یآوری (تهران، ۱۳۵۲)، ص ۲۸ - ۲۹

۳. محمدعلی مجد (فطن السلطنه)، گذشت زمان - خاطرات محمدعلی مجد (فطن السلطنه)، بی‌جا، بی‌تا، ص

روسیه و شرق، امپریالیسم تزاری را در ایران محکوم و معاهده ۱۹۰۷ را ملغی کرد و اعلام داشت: به محض خاتمه مخاصمات، نیروهای روسی فوراً از ایران خارج خواهند شد و حق ایرانیان در تعیین سرنوشت خویش تضمین خواهد گشت. دلگرم‌کننده‌تر از این بیانیه، یادداشت مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۱۸ تروتسکی، وزیر امور خارجه به دولت ایران بود که علاوه بر الغای قرارداد ۱۹۰۷، تمام معاهدات منعقدہ بین دو کشور که حقوق مردم ایران را در یک موجودیت آزاد و مستقل به نحوی محدود ساخته یا در آن مداخله می‌کردند، ملغی ساخت.^۱ از سوی دیگر وقتی دولت شوروی متوجه گسترش روزافزون نفوذ انگلستان در ایران گردید و دریافت که انگلیسیها از ایران به عنوان پایگاهی برای حمله به شوروی و حمایت از رژیمهای استقلال طلب در سرزمین روسیه استفاده می‌کنند و به خصوص منطقه شمالی ایران که منطقه نفوذ سنتی روسیه در ایران بود تحت اشغال و نفوذ بریتانیا درآمده است، بر آن شد تا با ایجاد روابط نزدیک به برقراری نفوذ مجدد خود در ایران اقدام کند و ضمن محو نفوذ بریتانیا ایران را نیز درزمره اعمار کمونیست خود درآورد.^۲ از این رو در ۱۷ ژانویه ۱۹۱۸ دولت بلشویک، نیکلابراوین نخستین فرستاده رسمی خود را به ایران فرستاد. چون در آن هنگام هیچ یک از دولتهای جهان حکومت جدید شوروی را به رسمیت نشناخته بودند، ایران نیز رژیم جدید را به رسمیت نشناخت. سفیر دولت تزاری در ایران نیز حاضر نشد سفارت خانه را به براوین تحویل دهد. در عوض دولت ایران، تنها یک ساختمان برای براوین اجاره کرد، بدون آن که با او وارد مناسبات رسمی شود. سرانجام پس از مدتی براوین از ایران به افغانستان رفت و به جای او کالومیتسف از سوی استپان شائومیان، رئیس حکومت بلشویکی باکو به ایران آمد و در ۳۰ شهریور ۱۲۹۷ به طور رسمی خود را به وزارت امور خارجه معرفی کرد؛ اما دولت ایران او را به رسمیت نشناخت و حتی افسران روسی شاغل در ارتش ایران به تکاپو افتادند او را دستگیر کنند. کالومیتسف پس از آگاهی از تصمیم افسران روسی از تهران گریخت و خود را به لنکران رساند، سپس با مقدار زیادی پول و اسلحه به ایران بازگشت؛ ولی در بدو ورود به خاک ایران، نزدیک به شهر دستگیر و به فرمان فیلیپ اف، معاون قزاقخانه اعدام شد. پس از این رویداد دیگر هیچ نماینده رسمی از سوی دولت شوروی به ایران گسیل نشد تا آن که بعد از عقد قرارداد ۱۹۲۱، رتشتین به عنوان

۱. علی اصغر زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، چاپ اول (تهران، ۱۳۷۲)، ص ۴۶

۲. ایرج ذوقی، تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ (۱۹۰۰ - ۱۹۲۵)، چاپ اول (تهران، ۱۳۶۸)، ص ۲۵۹ - ۲۶۰

نخستین وزیر مختار رسمی شوروی به ایران آمد.^۱ در این میان بی‌نظمی و اغتشاش در شهرهای مرزی ایران که عامل بیشتر آنها بلشویکهای قفقاز بودند به بی‌اعتنایی ایران نسبت به ایجاد روابط دوستانه با شوروی کمک می‌کرد. اسناد زیر مؤید این دیدگاه است:

در تلگرافی که نایب‌الحکومه آستارا در ۳ ثور (اردی‌بهشت) ۱۲۹۷ به تهران فرستاد، به «مقام رفیع وزارت جلیله داخله» خبر می‌دهد که پس از گذشت دو روز از بمباران شهر لنکران به وسیله کشتی جنگی بلشویکها «اهالی باقید تأمین مال و جان تسلیم می‌شوند ... بالشویکها در قتل و غارت مضایقه ندارند. اتباع دولت علیه دچار خسارت مالی و جانی گردیده، اهالی به جنگلها متواری و پناهنده [شده‌اند]. قنسول [کذا] دولت علیه از بنده درخواست می‌نمایند از مقامات عالیه استر حاماً استدعا نمایم برای خاتمه دادن به قتل نفوس و تأمین جان و مال بقیه اتباع دولت علیه ایران با سفیر بالشویکها داخل مذاکره شده و از معظم‌الیه [بخواهند] تلگرافات لازمه را [در این مورد] صادر فرمایند.»^۲ همچنین درنامه وزارت امور خارجه به وزارت داخله در ۱۸ شوال ۱۳۳۶ [۴ مرداد ۱۲۹۷] آمده است: «... از چندی به این طرف بالشویکها در انزلی و حدود آستارا شروع به شرارت و اعمال خودسرانه و تعرض به ایرانیها نموده و روز به روز بر سوء رفتار و حرکات شرارت‌آمیز خود می‌افزایند و چون بالشویکهای مقیمین این نقاط تابع حکومت بالشویک مرکزی روسیه نمی‌باشند، اقدام از طرف نماینده بالشویک مقیم تهران نیز مشرئمر واقع نمی‌شود. نظر به این‌که اولیای آن وزارت جلیله وظیفه مخصوصی در حفظ انتظام و آسایش عمومی دارند، این است که لزوماً خاطرنشان می‌نماید که به وسیله تهیه و اعزام قوه و استعداد کافی اقدامات لازم در حفظ و حراست مال و جان عموم ایرانیان این نقاط فرموده، نتیجه اقدامات خود را نیز به وزارت امور خارجه مرقوم فرمایند.»^۳

بدین ترتیب تلاش دولت شوروی برای برقراری روابط نزدیک با ایران به جایی نرسید تا این که متن قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس منتشر شد. خبر امضای قرارداد مزبور طوفانی از خشم در میان ملیون ایرانی برانگیخت. در این میان سیاست صبر و انتظار را که دولت شوروی از پیش اتخاذ کرده بود به سرآمد و به یکباره موضع آن کشور در قبال ایران تغییر یافت. لهذا در ۲۸ اوت ۱۹۱۹ وزارت امور خارجه شوروی در یک بیانیه شدیدالحن مستقیماً کارگران و دهقانان ایران

۱. منشور گرکانی، پیشین، ص ۴۶ - ۴۷

۲. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت کشور ۲۹۳۰۰۳۷۹۸

۸۳۱ ع ۵ ب ۱۱

۳. سازمان اسناد ملی ایران، پیشین

را مورد خطاب قرار داد و پس از حمله شدید به دولت ایران و امپریالیسم انگلیس، قرارداد مزبور را کاغذپاره‌ای خواند که به وسیله آن حاکمان ایران خود و کارگران و کشاورزان را به راهزنان انگلیسی فروخته‌اند.

پیداست بیم دولت شوروی از انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ بدین سبب بود که از این پس ایران پایگاهی برای انگلیس و ضدیت با افکار بلشویکی خواهد بود و دیگر شوروی نمی‌تواند از ایران به عنوان یک کانون نشر کمونیسم در آسیا بهره ببرد. از این رو رژیم بلشویکی پس از فراغت از مسایل خود و به ویژه پس از سرکوبی جنبشهای استقلال طلب یا خیزشهای ضدانقلابی ماورای قفقاز و ماورای خزر و تصرف باکو برآن شد تا بقایای فعال ضدانقلاب را در بیرون مرزهای خود، یعنی ایران سرکوب و خطر بالقوه نیروهای انگلیس را در دریای خزر دفع کند.^۱ اینست که در ۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۸ واحدهای دریایی ارتش سرخ در بندر انزلی پیاده شدند و در ۱۶ خرداد تأسیس جمهوری سوسیالیستی گیلان از سوی رهبران نهضت جنگل اعلام شد. بروز چنین هنگامه‌هایی ادامه زمامداری و ثوق‌الدوله، رئیس‌الوزرا و عاقد قرارداد ۱۹۱۹ را غیرممکن ساخت. از این رو رئیس‌الوزرا در ۳ تیر ۱۲۹۹ به ناچار از مقام خود کناره گرفت و از ایران خارج شد.

دولت جدید را مشیرالدوله پیرنیا تشکیل داد. همو بود که از همان آغاز زمامداری، مشاورالممالک انصاری را به مسکو فرستاد تا به نمایندگی از سوی دولت ایران به طور مستقیم با دولت شوروی درباره عقد قرارداد مودت بین دو کشور به گفتگو بنشیند. در این هنگام که مقدمات تفاهم و دوستی بین ایران و شوروی فراهم شده بود، بنابر یک گزارش تلگرافی از سرخس به تاریخ ۱۰ سنبله [شهریور] ۱۲۹۹ بلشویکها اسباب ناراحتی و آزار ایرانیان ساکن در سرخس ترکمنستان شوروی را فراهم ساخته و «اتباع دولت علیه را» که همه «تاجر و کاسب و دارای علاقه به آن سمت هستند، مجبوراً تکلیف به زیر اسلحه رفتن و عملگی کرده‌اند» و به اعتراض «کارگزار» هم که «برای مذاکره» به آن سو رفت، ترتیب اثر ندادند.^۲

به هر حال، گفتگو در مسکو همچنان ادامه داشت و می‌رفت تا به عقد قرارداد مودت منجر شود که از آن سو نیز در ایران، مقدمات، کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ فراهم می‌گشت. در همین حین کاراخان، معاون وزارت خارجه شوروی در یادداشتی به کارگماری تئودور رشتین را به سمت سفیر شوروی در تهران به اطلاع دولت ایران رساند. (۲۸ نوامبر ۱۹۲۰/۷ آذر ۱۲۹۹) این

انتصاب سبب شد تا یادداشتهایی بین ایران و شوروی بر سر تخلیه نیروهای شوروی از خاک ایران مبادله شود. کاراخان فرا خواندن سربازان شوروی از ایران را منوط به خروج سربازان انگلیس از ایران کرده بود. به این ترتیب از همان وقت واحدهای ارتش انگلیس شروع به بیرون رفتن از خاک ایران کردند؛ اما هنوز سربازان شوروی خاک ایران را ترک نکرده بودند. در نتیجه پس از روی کار آمدن دولت سیدضیاءالدین طباطبایی، رتشتین در مارس ۱۹۲۱/ فروردین ۱۳۰۰ هنگام ورود به ایران در مرز متوقف شد و صدور ویزای وی مشروط به خروج کامل سربازان شوروی از ایران گردید.^۱ اما شورویها برخلاف مفاد عهدنامه مودت ایران و شوروی (۲۶ فوریه ۱۹۲۱/ ۷ اسفند ۱۲۹۹) نه تنها اقدامی برای خروج نیروهای خود از گیلان نکردند، بلکه در خرداد و تیر ۱۳۰۰ تعداد دیگری از واحدهای نظامی خود را در انزلی پیاده کردند. سرانجام پس از آمد و شدهایی چند، رتشتین بدون قید و شرط وارد ایران شد و پس از مذاکراتی که دولت ایران با او به عمل آورد، شورویها آمادگی خود را برای خروج از ایران اعلام نمودند و در ۱۷ شهریور ۱۳۰۰ واحدهای دریایی ارتش شوروی بندر انزلی را به قصد باکو پشت سر گذاشتند. دولت شوروی که با عقد قرارداد مودت ۱۹۲۱ به اهداف خود در ایران دست می یافت، در گفت و گوهای خود با انگلستان نیز به نتیجه مطلوب رسید و از حمایت دولت سوسیالیستی گیلان دست برداشت.^۲ با این همه دولت شوروی به مفاد قرارداد مودت خود با ایران پابرجا نماند و در مواردی از آن تخلف ورزید. در گزارشی که مصدق السلطنه در ثور (اردی بهشت) ۱۳۰۱ از آذربایجان برای مشیرالدوله فرستاد می خوانیم: «... خط آهن ماکو در اثنای جنگ عمومی در سال ۱۹۱۵ شروع و در سال ۱۹۱۷ خاتمه یافته. دولت تساری روسیه بدون تحصیل امتیاز و یا اجازه از دولت علیه باقوه نظامی راه مزبور را ساخته و قیمت اراضی هم که خط آهن از آنجا عبور کرده به مالکین آنها تاکنون پرداخت نشده. دولت تساری روسیه برای مالکیت راه آهن ماکو هیچ عنوان و دلیل موجهی نداشته، حالا دولت ساویت روسیه برای پاره ای ملاحظات نظامی و اقتصادی با عناوین مختلفه و بدون داشتن مدرک مشروع درصدد تصرف آن می باشد.»^۳ رئیس الوزرا در پاسخ با توجه به نکات حقوقی عهدنامه نوشت: «راه مزبور به موجب عهدنامه به مالکیت دولت ایران مفوض شده» بنابراین «با سفارت داخل مذاکره شده از تصرف» آن راه «سفارت را منصرف نمایند.»^۴

۲. ایرج ذوقی، پیشین، ص ۳۸۴ - ۳۸۵

۱. ژرژ لنچافسکی، پیشین، ص ۸۷

۳ و ۴. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت کشور ۸۲۹ ع ۵ ب ۱ - ۲۹۳۰۰۳۷۹۶

در گزارش دیگری از انزلی در سرطان [تیر] ۱۳۰۱ دربارهٔ کاوش یک کشتی پست آمده است: کشتی مزبور «حامل یک مترالیوز [مسلسل] و پنج نوار مترالیوز و مقداری اسلحه و مبلغ زیادی پول بوده ... چهار نفر مأمورین سیاسی نیز با این کشتی وارد انزلی [شده‌اند]. از قرار اظهار، [اینها] ویس قنصل روس [هستند] که تهران می‌روند.»^۱

در عین حال تبلیغات گستردهٔ شورویها به ویژه در مناطق مرزی همچنان ادامه داشت. برای نمونه، امین تذکرهٔ خوی در گزارشی به تاریخ ۲۸ قوس [آذر] ۱۳۰۱ نوشت: «بعضی از ارامنه و یا روسی که به اسم تجارتخانه و غیره به خوی می‌آیند در ضمن تجارت با بعضی از مهاجرین مسلمان قفقاز دست به هم گشته، مخفیاً مشغول تبلیغات مسلک کومونیست هستند. چنانچه استنباط می‌شود آمدن ابرام آقا رودینکوف به جهت دادن دستورالعمل این مسأله بوده»^۲ همچنین در ۲۲ حوت [اسفند] ۱۳۰۱ «فرماندهٔ قوای آذربایجان» به «وزیر جنگ و فرماندهٔ کل قشون» گزارش داد که در آستارا «روز ۲۲ رجب از طرف روسها داکین را مسدود و اهالی را دعوت به نطق کردند. ناطق در ضمن نطق، شرح مفصلی بر علیه اسلامیت و راجع به عالم نسوان عنوان و در خاتمه اظهار داشته که از امروز تمامی طبقات نسوان ساکن آستارای روس بایستی بی‌چادر در کوچه و بازار گردش کنند. تاکی در گوشه‌های خانه روحشان خفه شود. جمعی از خانمهای مسلمان در محل نطق حاضر بوده‌اند.»^۳

در ۲۹ حوت ۱۳۰۱ نیز در «تلگراف رمز ایالت نظامی آذربایجان» به وزارت داخله، امیرلشکر آذربایجان، ضمن گزارش خود دربارهٔ افتتاح کلوپ روسها چنین خبر داد: «روز اول انقلاب روسیه را نیز در کلوپ جشن گرفته، اشخاصی که رفته بودند همین قدر احساس کرده‌اند که مقصود از تأسیس این کلوپ فقط تحریکات و دعوت ایرانیان برای انقلاب است و قطعاً در سرحدات و سایر ولایات نیز به همین رویه اقدام و در صورت ادامه، بدیهی است در آتیه مفاسدی بروز خواهد کرد که جلوگیری آن بسی دشوار خواهد بود ...»^۴

علی‌رغم تحریکات شوروی، دولت ایران که خود را در موضع ناتوانی می‌دید، می‌کوشید با رفتاری مناسب نسبت به اتباع شوروی در ایران، نظر شورویها را به سوی خود جلب کند. در دستورالعمل وزارت داخله به ایالت خراسان در ۱۲ برج اسد (مرداد) ۱۳۰۲ چنین آمده است:

۱. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت کشور ۷۱۵ و ۱۱۴ - ۲۹۰۰۰۲۷۲۰

۲. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت کشور ۳۲۲ غ ۲ ب ۱ - ۲۹۳۰۰۴۱۰۲

۳. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت کشور ۲۲۱ ن ۱۱۵ - ۲۹۰۰۰۴۲۱۸

۴. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت کشور ۸۰۱ ع ۵ ب ۱ - ۲۹۳۰۰۳۷۶۸

«به طوری که اطلاع دارید در نتیجه عهدنامه ایران و روسیه کاپیتولاسیون ملغی و امور اتباع روس اعم از حقوقی و جنایی به محاکم داخلی مربوط گردید ... اینک به مناسبت اهمیت موضوع، نظر آن حکومت جلیله را به حسن جریان رسیدگی و تحقیقات در ماده متظلمین و مقصرین قانونی اتباع روس جلب نموده، به طور کلی اخطار می‌شود: اولاً در موقع ارجاع امور اتباع روسیه به محاکم عدلیه کاملاً مراقبت بفرمایید که بدون مسامحه و تعلل انجام یافته و محاکم عدلیه در اجرای تحقیقات، حسن روابط ایران و روسیه را ملحوظ داشته از هرگونه اضرار و خسارت غیرقانونی نسبت به آنها جلوگیری نمایند. ثانیاً درباره اتباع روس که برحسب مقتضیات قانون، جلب و توقیف می‌شوند، غدغن نمایند مأمورین امنیه و نظمیه و دوایر و شعب استنطاق و همچنین محاکم جزایی طوری با آنها رفتار نمایند که مخالف رویه نبوده، محل ایراد و اعتراض واقع نشده، عملیات و اقدامات مأمورین دولت را بر خلاف تمدن و انصاف و بی‌اطلاعی از قوانین و ترتیبات معاصر ننموده و بلکه از حسن سلوک و رفتار مأمورین دولت و رویه عادلانه آنها ناراضی نباشند.»^۱

با تمام این احوال در طی این سالها دولت شوروی برآن بود تا با گسترش روابط اقتصادی و تجاری خود توان اقتصادی ایران را تحکیم بخشد تا از این راه وابستگیهای شدید اقتصادی ایران به انگلیس را قطع کند و همسایه‌ای غیر وابسته به انگلستان برای خود فراهم نماید. بدین قرار در آخر سال ۱۳۰۲/۱۹۲۳ شورویها توجه خود را به برقراری روابط گسترده اقتصادی با ایران معطوف داشتند. البته پیش از انقلاب روسیه تجارت شمال ایران یکسره در انحصار روسها بود. بازرگانان روسیه محصولات کشاورزی را از ایران خریداری و به روسیه صادر می‌کردند و در مقابل قند و شکر و پارچه و چوب و... به ایران می‌فروختند.^۲ در سال ۱۹۲۰ که تجارت خارجی در شوروی دولتی اعلام شد و شورویها نیز کوشش می‌کردند بازرگانی با شمال ایران را مانند گذشته در دست خود نگه‌دارند، برای تجار ایرانی در رویارویی با وضع جدید دشواریهایی رخ نمود که برای مدتی مانع هر نوع داد و ستد شد. در حقیقت امور بازرگانی شوروی از طریق «سازمان تجاری دولتی» که ارگانی وابسته به دولت شوروی بود صورت می‌گرفت و این شیوه محدودیتهای زیادی برای بازرگانان آزاد کشورهای شرقی از جمله ایران فراهم می‌کرد. در نوامبر ۱۹۲۲ دولت شوروی برآن شد صورتی از کالاهایی که از ایران به شوروی و بالعکس از

۱. سازمان اسناد ملی ایران. اسناد وزارت کشور ۵۴۸ ن ۱۱۳۳ - ۲۹۰۰۰۶۴۴۹

۲. محمدعلی مجد، پیشین، ص ۱۲۴

شوروی به ایران صادر می شد تهیه نماید و استثنائاً اجازه دهد که تجارت بین دو کشور از طریق بخش خصوصی صورت گیرد. در ۲۲ فوریه ۱۹۲۳ دولت شوروی صورت تهیه شده از کالاهای متبادله بین دو کشور را تأیید و تصویب کرد. سپس در ۲۷ مارس به مأمورین گمرکی خود در مرزها فرمان داد که کالاهای مندرج در صورت مزبور بدون اخذ پروانه از مقامات سازمان تجارتی دولتی به شوروی وارد و صادر شود. با استفاده از تسهیلات فراهم شده، بازرگانان ایرانی به بهره مطلوب دست یافتند و در نتیجه تعادل درستی در تجارت خارجی ایران به وجود آمد.^۱ در این میان مذاکراتی که از پیش برای عقد قرارداد تجارتی بین دو کشور در جریان بود، همچنان ادامه داشت. برای این منظور نماینده ایران، یعنی سید حسن تقی زاده بیش از یک سال بود که در مسکو به سر می برد. در این مدت او بدون آنکه موفق شود قرارداد اصلی تجارتی ایران و شوروی را به تصویب برساند، تنها توانست دو موافقتنامه درباره مبادلات پستی و تلگرافی و وسایل حمل و نقل بین دو کشور را با کاراخان امضا کند. (ژوئیه ۱۹۲۳ / تیر ۱۳۰۲) سبب اصلی به توافق نرسیدن دو دولت بر سر امضای قرارداد تجارتی این بود که دولت شوروی می خواست، علاوه بر آزادی عمل در امور بازرگانی خود، اختیار تعیین بهای کالاهای نیز به نماینده بازرگانی آن کشور در تهران سپرده شود و در مقابل حاضر نبود مانند این امتیاز را برای ایران قایل گردد. همچنین از کالاهای ایرانی که از راه ترانزیتی شوروی به اروپا صادر می شد حق ترانزیت می گرفت؛ ولی از کالاهای وارده به ایران چیزی مطالبه نمی کرد و این خود سبب می شد بازرگانان ایرانی از این بابت متضرر شوند.^۲

از سوی دیگر بنا بر پاره ای از اسناد، کنسولگری دولت شوروی در برخی کانونهای مهم داد و ستد از روابط تجارتی بازرگانان ایران با دولت شوروی حربه ای ساخته بود که در مواقع ضروری آن را برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود به کار می برد. برای نمونه در گزارش برج جوزای (خرداد) ۱۳۰۳ «اداره نظمیه تهران» به وزارت داخله آمده است: «برحسب راپرتی که به وسیله بعضی ارامنه رسیده است، کنسولگری دولت شوروی روس باطناً در امور انتخاب یک نفر نماینده ارامنه شهر تبریز دخالت داشته و فوق العاده ساعی بوده و هستند که الکساندر وارتانیان که عضو فرقه هنجاک^۳ بوده و ارتباط مخصوصی با کنسولگری دولت شوروی دارد انتخاب شود

۱. ایرج ذوقی، پیشین، ص ۳۸۸ - ۳۸۹

۲. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، چاپ اول (تهران، ۱۳۷۳) ص ۱۷

۳. اصل: هنجاق (نام یک حزب سیاسی ارمنی بوده است.)

و اغلب شخص مزبور به قنصلگری شوروی روس تردد می نماید. بر حسب راپرتی که اخیراً رسیده است از طرف تجارتخانه های دولت شوروی روسیه به تجار ارامنه که در تبریز و مراغه با آنها طرف داد و ستد هستند اخطار و تهدید نموده اند که هرگاه در انتخاب الکسان [در] مزبور مساعدت نکرده و ممانعت نمایند، مال التجاره آنها را نخواهند گذاشت به روسیه برود.^۱

با وجود این تجارت ایران و شوروی رونق خاصی پیدا کرده بود و شرکت های مختلط روسی - ایرانی همراه با بخش خصوصی ایران و بازرگانان آزاد فعالیت زیادی به خرج می دادند. بعضی از این سازمانها و شرکت های فعال عبارتند از:

۱- بانک ایران و شوروی با شعبه های خود در تبریز، رشت و انزلی.

۲- شرکت بازرگانی ایران و شوروی.

۳- شرکت بازرگانی تولید و صادرات ابریشم ایران.

۴- شرکت بازرگانی پنبه ایران و شوروی.

۵- شرکت حمل و نقل ایران و شوروی.

۶- شرکت حمل و نقل اواطوریان.

۷- شرکت قند ایران و شوروی.

۸- شرکت نفت ایران و آذربایجان.

۹- شرکت نساجی ایران و شوروی.

بدین سبب رونق بازار تجارتي ایران و شوروی به حدی رسید که در سال ۱۳۰۴/۱۹۲۵ ایران بزرگترین صادر کننده کالای تجاری به شوروی در میان کشورهای آسیایی شد. به طوری که از یازده میلیون روبل مبادلات تجاری بین کشورهای آسیایی و شوروی، هفت و نیم میلیون روبل آن به ایران اختصاص داشت.^۲ در این باره، در ۸ اکتبر ۱۹۲۷/۱۵ مهر ۱۳۰۶. کمیتری تجارت اتحاد شوروی در بخشی از گزارش خود به مناسبت عقد قرارداد تجارتي ایران و شوروی نوشت: «مبلغ داد و ستد تجاری بین ایران و شوروی در سال ۱۹۲۰ دویست و بیست هزار منات و در ۱۹۲۲ دو میلیون و دویست و پنجاه و شش هزار بود. این مبلغ در طی دو سال ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ به بیست و نه میلیون و هشتصد و بیست و یک هزار بالغ گردید که پنج درصد

۱. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت کشور ۲۹۳۰۰۲۲۳۱

۱۱ ب ۴ ۵۲۶

۲. ایرج ذوقی، پیشین، ص ۳۹۰

۱. تجارت خارجی اتحاد شوروی را در آن سال اقتصادی شامل می‌شد.^۱ در اواخر سال ۱۹۲۵ نیز نمیسری تجارت اتحاد شوروی به تجار ایرانی اجازه داد که از دهم ژانویه سال بعد تا دهم مارس معادل هفت میلیون منات اجناس و کالاهای تجارتي ایران را که عوارض جواز به آنها تعلق نمی‌گیرد وارد بازار بادکوبه کنند مشروط به این‌که فروش اجناس مزبور بر مبنای تعادل میان واردات و صادرات به انجام رسد. علاوه بر این اجازه داده شد اجناس صادراتی به طور آزاد از دهم فوریه تا دهم آوریل از گمرکات سرحدی وارد خاک شوروی شوند.^۲

در همین اوان، یعنی در ۹ آبان ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی با یک نشست و برخاست نمایشی که تمهیدات آن از پیش آماده شده بود، خلع سلطنت خاندان قاجار را به تصویب رساند و «رضاخان پهلوی» را «به ریاست موقت مملکت» انتخاب کرد.^۳ انگلستان نخستین دولتی بود که در ۱۲ آبان حکومت موقت را به رسمیت شناخت و پس از آن دولت شوروی در فردای همان روز به این کار مبادرت ورزید.^۴ به گمان حاکمان شوروی کودتای رضاخان مظهر انقلاب طبقه متوسط ایران بود و این خود نشان می‌داد که ایران از دوران نیمه فئودالی به عصر نیمه بورژوازی پای می‌نهد. بنابراین از همان آغاز سلطنت رضاشاه روابط ایران و شوروی به ظاهر دوستانه می‌نمود، اما هنوز اختلافات حل نشده‌ای وجود داشت که مهمترین آن، همان روابط بازرگانی بین دو کشور بود. اینست که برخلاف اظهار دوستی شورویها با حکومت جدید ایران، دولت شوروی در ۳۰ ژانویه ۱۹۲۶ بدون اطلاع قبلی دوباره مقررات اخذ اجازه صدور کالا به شوروی را صادر کرد که این امر زیان فراوانی برای تجار ایرانی به بار آورد.^۵ به این ترتیب سرحدات شمالی کشور به روی صدور کالا بسته شد و دیگر مال‌التجاره‌ای از شهرهای شمالی بیرون نرفت و در نتیجه بار دیگر توازن واردات و صادرات به هم خورد. بازرگانان ایرانی برای مقابله با تصمیم دولت شوروی در بهمن ۱۳۰۵ مبادرت به تشکیل «جمعیت نهضت اقتصاد» کردند. این کتاب آمده است. در اوایل اسفند، نمایندگان جمعیت نهضت اقتصاد شمال خود را به تهران رساندند و در هفتم همان ماه در محل تشکیل جلسه هیأت دولت با رئیس‌الوزرا (حسن مستوفی) ملاقات کردند. این گروه می‌خواستند یا قرارداد عادلانه تجاری بین ایران و شوروی

۱. روزنامه اطلاعات، سال دوم، شماره ۳۲۶، ص ۳، شنبه ۱۵ مهر ۱۳۰۶

۲. روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۱۱۴، ص ۱، چهارشنبه، ۷ دی ۱۳۰۵

۳ و ۴. همین کتاب، فصل اول، سند شماره ۲، ص ۳. ۵. ایرج ذوقی، پیشین، ص ۳۹۱

منعقد شود، یا در برابر سیاست اقتصادی شوروی، ایران نیز مقابله به مثل کند.^۱ فردای آن روز جلسه فوق‌العاده هیأت دولت تشکیل شد و راجع به تقاضای تجارت‌گفتگو به عمل آمد. به همین منظور یورنیف، سفیر دولت شوروی در ایران، در جلسه هیأت وزرا حضور یافت و در مورد عقد قرارداد تجارتی با رئیس‌الوزرا به گفتگو پرداخت.^۲ در ۱۷ اسفند رئیس‌الوزرا اعلام کرد که دولت تصمیم دارد نماینده‌ای از سوی خود به مسکو اعزام کند تا با نمایندگان دولت شوروی وارد مذاکره شود.^۳ این نماینده وزیر امور خارجه، علی قلی انصاری (مشاور الممالک) بود که در ۲۸ اسفند ۱۳۰۵ عازم مسکو شد و گفتگوهای خود را با مقامات شوروی آغاز کرد. مذاکرات به کندی پیش می‌رفت و به قول نمایندگان نهضت اقتصاد بندر پهلوی «از تضرع و استغاثه تجار به پیشگاه اولیای دولت و اعزام آقای انصاری تا امروز [۲۲ فروردین ۱۳۰۶] نتیجه مطلوبه حاصل نشد [و] ... عرصه بر اهالی تنگ و برای تجارت‌رقمی باقی نماند که زاید بر این انتظار بکشند».^۴

بنابراین جمعیت نهضت اقتصاد که از پیش، آهنگ آن داشت تا در ۲۱ فروردین گمرک شمال را زیر نظر خود اداره کند به دولت اعلام کرد: «از دیروز گمرکات سواحل تحت نظر جمعیت گرفته شد. چنانچه از طرف دولت گمرکات شمالی تا انعقاد قرارداد مسدود نشود از طرف جمعیت با هر پیش‌آمدی بسته خواهد شد».^۵

از سوی دیگر در فروردین ۱۳۰۶ عده‌ای از بازرگانان تهران به همراه نمایندگان جمعیت نهضت اقتصاد رشت به دیدار شاه رفتند و پس از بیان اوضاع تجاری شمال از او خواستند به هیأت دولت دستور دهد که در عقد قرارداد تجارتی تسریع کنند. شاه نیز وعده داد در آتیۀ نزدیک، امور معوقه فی مابین دولتین حل و تسهیلات تجارتی فراهم خواهد شد.^۶

سرانجام علی قلی انصاری در سفر تقریباً شش ماهه خود موفق شد مذاکرات مربوط به قرارداد تجاری ایران و شوروی را به سامان رساند. این قرارداد در ۸ مهر ۱۳۰۶ به امضا رسید. قرارداد مزبور یک پیمان بازرگانی قطعی و جامع نبود و تنها یک موافقتنامه تجارتی به شمار می‌رفت. دولت ایران نیز می‌دانست این موافقتنامه چیزی جز یک ترتیب موقت نیست که پس از

۱. روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۱۶۲، ص ۲، یک شنبه ۷ اسفند ۱۳۰۵

۲. روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۱۶۳، ص ۱، دوشنبه ۸ اسفند ۱۳۰۵

۳. روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۱۷۲، ص ۱، جمعه ۱۹ اسفند ۱۳۰۵

۴ و ۵. همین کتاب، فصل دوم، سند شماره ۱۱، ص ۸۲

۶. روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۱۹۲، ص ۱، دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۰۶

دو سال خاتمه خواهد یافت.^۱

مع هذا همین قرارداد غیرقطعی و موقت «اثرات فیض در ارواح افسرده تجار و علاق‌مندان تجارت که به فقر و فلاکت اقتصادی دچار شده بودند بخشید.»^۲ و بازرگانان ساری به همراه دیگر تاجران و کشاورزان شهرهای شمالی «برای تجدید اتحاد و تکمیل قرارداد بین دولت علیه و دولت شوروی درب عمارت ایالتی را چراغانی مفصلی کرده، تمام مردم از اعیان و تجار و غیره برای تبریک حاضر و در بازار هم کسبه چراغانی داشتند.»^۳

دیری نباید که پس از گذشت نه ماه از انعقاد قرارداد تجاری ایران و شوروی که «دایر به طرز موازنه واردات و صادرات مملکتین» بود، معلوم شد: «قیمت اجناس ایرانی وارده به خاک شوروی قریب ۵۵ میلیون منات و اجناس شوروی صادره به ایران ۶۴ الی ۶۸ میلیون منات» بوده است و در نتیجه «کسر عمل تجارت ایران ۹ الی ۱۳ میلیون منات» می شده است.^۴ علاوه بر این در گزارش «هیأت تجار و اتحادیه دلال بافروش» به حکومت آن شهر در اعتراض به «سیاست تجارتی روسیه و مجری و عامل قوی آن، یعنی شعبه بافروش بانک روس پرس» با استناد به ارقام و آمار چنین می خوانیم: «قیمت امتعه مازندران در سنوات اخیر سال به سال تنزل کرده و در اواخر آبان ماه ۱۳۰۷ به متنها درجه قوس نزول رسید ... و بی پولی سرتاسر بازار بافروش را فراگرفت ...»^۵

جالب توجه آن که بنابر گزارش ۱۹ اسفند ۱۳۰۸ حکومت گیلان به وزارت داخله: «بانک شوروی تعهدنامه‌ای تنظیم و از فقر و استیصال تجار استفاده و به وسیله تحمیل آن، آخرین دینار و هستی آنان را ... به خود انتقال می دهد ... [نتیجه] این اقدام نه فقط متضمن محو و فناء ثروت، بلکه موجب تهیه وسایل استرقاق^۶ اقتصادی تجار و تجارت شمال است و نباید قضیه را عادی و نتیجه را ساده تلقی کرد.»^۷ در گزارش دیگری که حکومت مازندران در تیر ۱۳۰۹ برای وزارت داخله فرستاد، ضمن بیان «وضعیات قیمت صادرات تجارتی که از مازندران به روسیه حمل می شده» است، «تنزل قیمت صادرات و امتعه داخلی» را برمی شمرد و در پایان «علت اصلی

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، پیشین، ص ۲۸
 ۲. همین کتاب، فصل دوم، سند شماره ۳۴، ص ۱۰۴
 ۳. پیشین سند شماره ۳۵، ص ۱۰۵، مقایسه کنید با گزارش روزنامه اطلاعات از مجلس جشن جمعیت نهضت اقتصاد در محل مجمع (مطبعة روشنایی): روزنامه اطلاعات، سال دوم، شماره ۳۴۹، ص ۲-۳، شنبه ۱۳ آبان ۱۳۰۶
 ۴. پیشین، سند شماره ۴۸، ص ۱۱۳-۱۱۵
 ۵. پیشین، سند شماره ۵۰، ص ۱۱۶-۱۱۹
 ۶. استرقاق: بنده گرفتن، بنده شمردن، در این جا منظور وابستگی اقتصادی است.
 ۷. همین کتاب، فصل دوم، سند شماره ۵۲، ص ۱۱۹-۱۲۰

تنزل این اجناس» را «به واسطه فشار غیرحقه‌ای» می‌داند که هر دم از سوی روسها وارد می‌شود.^۱ از سوی دیگر وقتی در اسفند ۱۳۰۹ قانون انحصار تجارت خارجی به تصویب مجلس شورای ملی رسید، جنرال کنسول شوروی در تبریز «ضمن صحبت دوستانه [با حاکم آذربایجان] راجع به قانون انحصار تجارت خارجی، اظهار داشت: «اگر در اجرای این قانون نظر خصوصی و تبعیض نشود و فقط به جهت تشویق و حمایت مصنوعات داخلی باشد، از طرف دولت شوروی کاملاً استقبال خواهد شد ... والا اگر این ترتیب مربوط به جریاناتی باشد که بر ضد اقتصادیات شوروی در اروپا تجهیز شده، دولت شوروی با وسایل مربوطه مجبور به دفاع خواهد شد.»^۲ ظاهراً یکی از همین «وسایل مربوطه دفاعی» همان چیزی است که در گزارش مرداد ۱۳۱۰ نظمیۀ ایالتی آذربایجان آمده است: «بانک روس حاضر است در حدود یک میلیون تومان به تجار قرض داده و مساعدت نماید. اکثر تجار و بازاریان نیز در این اوقات به بانک مذکور گرویده و معاملات می‌کنند و از این نقطه نظر تا درجه‌ای معامله بانک ملی و شاهنشاهی و پهلوی مقطوع شده است.»^۳ همچنین در گزارش دیگری از اداره نظمیۀ ایالتی آذربایجان در آذر ۱۳۱۰ می‌خوانیم: «بانک روس اخیراً مطالبات خود را جمع نموده و به کسی هم قبض نمی‌دهد... و علت این کار رواج پیدا کردن بازار سبزه است که بانک می‌خواهد خرید آن را به خود و مؤسسات شوروی منحصر نموده و در این مورد شکستی به تجار وارد نماید.»^۴

به طور کلی قرارداد تجارتی ۱۳۰۶ راه به جایی نبرد. به ویژه آن که داد و ستد تهاثری که در موافقتنامه مزبور پیش‌بینی شده بود بازرگانان ایرانی را به شدت ناراضی کرد، زیرا مؤسسات بازرگانی شوروی در وضع ممتازی قرار داشتند که می‌توانستند بهترین کالاها را برای خودشان نگه دارند و به تجار ایرانی در برابر محصولات که به شوروی صادر می‌کردند، کالاهایی بدهند که در ایران بازار فروش نداشت. با این وصف موافقتنامه مزبور عیناً در سال ۱۳۱۰ تجدید شد. که تبعاتی دیگر در برداشت.^۵ سرانجام در ۲۲ ژوئیه ۱۹۳۵/۲۹ مرداد ۱۳۱۴ «اولیای تجارتی دولتین» قرارداد دیگری را منعقد کردند به این امید که «افزایش تجارت طرفین را به طور تصاعدی» بنمایاند.^۷

۱. پیشین، سند شماره ۵۵، ص ۱۲۱ - ۱۲۲

۲. پیشین، سند شماره ۶۸، ص ۱۳۲

۳. پیشین، سند شماره ۷۲، ص ۱۳۳ - ۱۳۴

۴. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، پیشین، ص ۲۹

۵. همین کتاب، فصل دوم، اسناد شماره ۷۳ - ۷۶، ص ۱۳۴ - ۱۴۰

۶. پیشین، سند شماره ۷۹، ص ۱۴۵

از جمله موارد مورد اختلاف، یکی هم مسایل مرزی و تجاوز پی در پی شورویها به خاک ایران بود. مأموران شوروی گاهی با «احداث نهر جدید و تغییر مجرای رودخانه اترک» می‌کوشیدند به زیرکی و ظرافت به «شانزده فرسخ مربع از اراضی مسلمة... ایران» دست‌اندازی کنند^۱ و گاه نزدیک به «شصت نفر از اتباع شوروی... به خاک ایران... تجاوز و هریک، ده پانزده طناب زمین» را به یاری ماشینهای کشاورزی زیرکشت می‌بردند و محصول «پنبه و کنجد» آنها را «به روسیه حمل» می‌کردند.^۲

پایه پای این گونه فعالیتها، گسترش کمونیسم در ایران نیز در دیدگاه شورویها قرار داشت و هیچ‌گاه از آن غافل نمی‌شدند. شورویها از یک سو باتوجه به امکانات خود و بهره‌گیری از مهاجران و از سوی دیگر با شرکت در انجام خدمات رفاهی برای مردم ایران، تلاش می‌کردند خود را دوستدار ایرانیان جلوه دهند و به تدریج اعتماد آنها را جلب کنند و از این راه به اهداف سیاسی خود دست یابند. مثلاً در یکی از گزارشهای مهر ۱۳۰۷ نظمیة قم به وزارت داخله، آمده است: «اداره پنبه روس قصد تأسیس یک باب مریضخانه که فقرا را مجاناً معالجه نماید، در قم داشته و محلی را برای مریضخانه مزبور در شهرنو معین کرده...»^۳ البته در بین دولتمردان ایران کسانی بودند که از پیش به ترفندهای سیاسی شورویها آگاه شده باشند. اینست که حاکم گیلان و طوالش ضمن بیان چگونگی انتقال «مریضخانه بلدی» بندر پهلوی به دولت ایران، توجه اولیای دولت را به این نکته جلب می‌کند «که کارکنان دولت جماهیر شوروی معلوم است برای پیشرفت سیاست خود خیلی مساعدت با این مؤسسه ملی [بیمارستان پهلوی] می‌کنند و از همین راه مردم و مرضی را مرهون عاطفه و توجهات خود کرده‌اند».^۴

تلاشهای آشکار و پنهان مأموران شوروی در گسترش کمونیسم چیزی نبود که دولت ایران در مقابل آن سکوت کند. بدین سبب، هم «کاملاً مواظب اعمال و رفتار اشخاصی که از قفقازیه به ایران مسافرت»^۵ می‌کردند بود و هم تلاش می‌کرد، مهاجران را از نواحی مجاور مرزهای شمالی که اسکان و اشتغال آنها نیز گرفتاریهایی برای دولت ایران دربرداشت به نواحی مرکزی سوق دهد.^۶ همچنین دولت ایران برای خنثی کردن تبلیغات شورویها، زمانی قانون منع «دایر نمودن تلگراف یا تلفن بی سیم»^۷ را به تصویب می‌رساند و نسبت به تأسیس و افتتاح کلوپ

۱. پیشین، فصل سوم، سند شماره ۱۶، ص ۱۶۴ - ۱۶۵

۲. پیشین، سند شماره ۲۵، ص ۱۶۹

۳. پیشین، سند شماره ۱۶، ص ۱۲

۴. پیشین، سند شماره ۱۵، ص ۱۱

۵. پیشین، فصل چهارم همین کتاب

۶. پیشین، فصل اول، سند شماره ۱۸، ص ۱۳

۷. پیشین، فصل اول، سند شماره ۱۸، ص ۱۳

شورویها سختگیری می‌کرد^۱ و زمانی از مسافرت دانش‌آموزان ایرانی به شوروی «برای گردش و ملاحظه صنایع» آن‌جا جلوگیری می‌نمود^۲. این رویدادها و اقدامات دوسویه سبب شد روابط ایران و شوروی به سردی گراید. به ویژه آن‌که در خرداد ۱۳۱۰ قانون ممنوعیت فعالیت‌های کمونیستی به تصویب مجلس شورای ملی رسید و در ادامه همین روند، دولت ایران در سال ۱۳۱۶ پنجاه و سه نفر اعضای یک شبکه کمونیستی را بازداشت و به محاکمه کشید. به نظر می‌رسد «گرفتاری یک عده از ایرانیان در عشق‌آباد»^۳ در اسفند ۱۳۱۶ و «کلیه ایرانیانی که در خاک شوروی مورد تعقیب دوایر مربوطه شوروی واقع» شده بودند،^۴ نباید بی‌ارتباط با محاکمه پنجاه و سه نفر باشد. به ویژه آن‌که بنابر گزارش فرمانداری رشت در ۸ شهریور ۱۳۱۷ «مأمورین شوروی، نسبت به اتباع دولت شاهنشاهی، خاصه آنهایی که در فنون مختلفه، متخصص بوده ... فوق‌العاده آزار و اذیت روا داشته و در تحت فشار و شکنجه، جبراً می‌خواهند از آنها اقرار و اعتراف راجع به این‌که به عنوان جاسوس به منفعت دولت شاهنشاهی کار می‌کرده‌اند اخذ نمایند که در نتیجه، محکوم به اعدام و حبس ممتد گردیده‌اند»^۵ علاوه بر این دولت شوروی در همان سال نزدیک به سه هزار و پانصد تن از مهاجران ایرانی ساکن در قفقاز را از خاک شوروی بیرون کرد. این کار تیرگی روابط بین دو کشور را بیش از پیش افزایش داد. در میان مهاجران مزبور افراد مشکوکی وجود داشت که پس از حمله متفقین به ایران معلوم شد مأموران مخفی و جاسوسان شوروی بوده‌اند.^۶ سردی و تیرگی روابط ایران و شوروی تا سال ۱۳۲۰ همچنان به قوت خود باقی ماند و با ورود متفقین به ایران و اشغال شمال کشور به وسیله ارتش شوروی، فصلی دیگر در روابط دو کشور گشوده شد.



اسناد هریک از پنج فصلی که در این مجموعه گرد آمده‌اند، زیر مجموعه‌هایی دارند، مشتمل بر موضوعهای متنوع که هرکدام به ترتیب تاریخی منظم شده‌اند. رسم‌الخط اسناد به منظور سهولت در خواندن به طور کلی دگرگون شده است. هدف از انتشار این مجموعه، آشنا ساختن پژوهشگران با گزیده‌ای از انبوه اسناد وزارت کشور و مربوط به روابط ایران و شوروی است. از این رو تا حد امکان اسناد مشابه که موضوع آن به سبب نظام خاص اداری در برگ‌های متعدد

۱. بنگرید به فصل پنجم همین کتاب.

۲. پیشین، فصل پنجم، سند شماره ۱۴، ص ۲۴۷ و سند شماره ۱۵، ص ۲۴۸.

۳. پیشین، فصل اول، سند شماره ۷۸، ص ۶۲. ۴. پیشین، سند شماره ۸۰، ص ۶۳.

۵. پیشین، سند شماره ۸۴، ص ۶۵. ۶. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، پیشین، ص ۳۴.

نوشته شده حذف شده است.

علاوه بر اسناد وزارت کشور، تعدادی از اسناد نخست‌وزیری نیز مربوط به روابط ایران و شوروی است که تلاشهای سیاسی - اعتقادی کمونیستهای ایران را دربر می‌گیرد. این اسناد پیش از این در یکی از کتابهای منتشر شده از سوی سازمان اسناد ملی ایران با نام «فعالیت‌های کمونیستی در دوره رضاشاه» به چاپ رسیده است. بدین سبب تنها دو سند از اسناد چاپ شده در کتاب مذکور در فصل اول این کتاب و به شماره‌های ۳ و ۴۲ آمده است.^۱ متن معدودی از اسناد نیز در اصل افتادگی و پارگی داشت که در پاورقی به آنها اشاره شده است.

لازم است در این جا از همکاری آقایان، حمید لیلانمهرآبادی، مدیر و محمد بقایی، معاون مدیریت خدمات آرشیوی و نیز خانمها، هما قاضی و نسرین نگهبان، آقایان علیرضا حسینی و مرتضی معصومیان، کارکنان محترم اداره حفظ و نگهداری مدیریت خدمات آرشیو تشکر کنم. همچنین از آقای نصرت‌الله امیرآبادی که کار نظارت فنی بر چاپ این مجموعه را بر عهده داشتند سپاسگزاری می‌کنم.

انتشار این مجموعه با پیگیریهای آقای دکتر کیانوش کیانی، رئیس و سرکار خانم فاطمه قاضیها، معاون پژوهشکده اسناد و آقای محمدعلی حق‌شناس، مدیر آموزش و انتشارات سازمان اسناد به انجام رسید که سپاسگزار این بزرگان هستم.

در پایان از جناب آقای سیدحسن شهرستانی، ریاست محترم سازمان اسناد که با مساعدتهای خود از اهداف پژوهشی سازمان و پژوهشکده اسناد پشتیبانی می‌کنند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

محمود طاهراحمدی

۱. بنگرید به: کاوه بیات (به کوشش)، فعالیت‌های کمونیستی در دوره رضاشاه (۱۳۱۰ - ۱۳۰۰)، سازمان اسناد ملی ایران، فصل اول، سند شماره ۳۸، ص ۳۳ و سند شماره ۸۳، ص ۶۳ - ۷۴

فهرست تفصیلی اسناد

فصل اول: روابط سیاسی

شماره سند	موضوع سند	صفحه
۲- ۱	ابلاغیه وزارت امور خارجه راجع به شناسایی رضاخان پهلوی به ریاست موقت مملکت.....	۴- ۳
۳	گزارش اعتراض ایرانیان مقیم بادکوبه به تصمیم مجلس مؤسسان.....	۴
۱۳- ۴	گزارشهایی درباره کارهای خلاف قانون قنصلگری شوروی در شیراز و احضار جنرال قنسل شوروی به مسکو.....	۹- ۵
۱۴	تقاضای توقیف مجله نسوان شرق.....	۱۰
۱۵	گزارش حکومت گیلان از چگونگی انتقال مریضخانه بلدی بندر پهلوی به صحنه کل مملکتی.....	۱۱
۱۷- ۱۶	گزارش تشکیل کمیته ای در قفقاز به طرفداری از الحاق آذربایجان به آذربایجان شوروی.....	۱۳- ۱۲
۲۷- ۱۸	متحدالمآل هیات وزرا درباره تأسیس تلگرافخانه و تلفن بی سیم، کسب تکلیف راجع به دستگاه تلفن و تلگراف دولت شوروی در بندر پهلوی، تقاضای قنسل شوروی در استرآباد برای نصب رادیو، تنظیم نظامنامه برای صدور اجازه نصب تلگراف بی سیم و تلفن از سوی خارجیه!.....	۱۸- ۱۳
۲۸	گزارش تصمیم اداره پنبه روس برای تأسیس مریضخانه در قم.....	۱۸
۲۹	دستور وزارت امور خارجه به حکام ایالات و ولایات برای تعیین میزان اموال غیر منقول اتباع خارجه.....	۱۹

۳۰	۲۰ - ۱۹	صورت اموال غیر منقول سفارت شوروی در شهرهای ایران.
۳۶ - ۳۱		فرودیک هواپیمای شوروی در مشهد و پناهنده شدن خلبان آن به دولت ایران.
۳۸ - ۳۷	۲۳ - ۲۰	فرار یکی از اتباع شوروی به ایران.
۴۲ - ۳۹	۲۴	گزارش مفصلی از سوابق و عملکرد افراد مشکوک به فعالیت‌های کمونیستی در اردبیل و نمین و آستارا و اقداماتی که در تعقیب و تبعید آنها باید انجام شود.
۴۷ - ۴۳	۳۷ - ۲۵	شکایت اهالی علمدار و گرگر از رفتار مأموران دولتی و همراهی مؤسسه پرس فلوپیک شوروی با رعایا بر ضد مالکان مناطق مزبور.
۴۹ - ۴۸	۴۰ - ۳۸	گزارش نظمیه تبریز از سوابق و عملیات مأموران قنسولی دولت شوروی.
۵۰	۴۳ - ۴۰	گزارش رئیس نظمیه شمال غرب از تبلیغات کمونیستی روسها زیر پوشش مؤسسات تجارتي.
۵۳ - ۵۱	۴۵ - ۴۳	شکسته شدن مجسمه لنین در کلوب بندر پهلوی از سوی اتباع ایران.
۶۰ - ۵۴	۴۷ - ۴۵	شکایت جنرال قنسول شوروی از آرامنه داشناک و تقاضای جلوگیری از تبلیغات ضد شوروی آنها در ایران.
۶۱	۵۱ - ۴۷	اخراج دوتن از اتباع شوروی از کشور به اتهام تبلیغ و پخش کتب مضره.
۶۲	۵۲	دستور جلوگیری از شرکت ایرانیان در مجالس جشن اول ماه مه.
۶۴ - ۶۳	۵۲	اعتراض قنسولگری شوروی در خوزستان به بازداشت یک تن از اتباع شوروی.
۶۷ - ۶۵	۵۴ - ۵۳	اعتراض قنسول شوروی در کرمانشاه و نایب اول سفارت شوروی به توقیف مترجم قنسولگری و سختگیری نظمیه نسبت به اتباع و مؤسسات تجاری شوروی.
۶۹ - ۶۸	۵۶ - ۵۴	گزارش حکومت همدان از ایجاد بی‌نظمی در مناطق غربی کشور به وسیله مأموران شوروی و سوءظن نسبت به گردانندگان سینما مایاک همدان و روسهای مقیم آن جا.
۷۴ - ۷۰	۵۸ - ۶۱	اعتراض قنسول شوروی در گرگان به تفتیش یک کشتی.
۷۵	۶۱	گزارش نظمیه اصفهان از ارتباط روسها با گرجیهای مقیم فریدن.

گزارش شهربانی اصفهان دربارهٔ عکسبرداری قنسول شوروی از عابران و بانوان.....	۷۷ - ۷۶
۶۲ - ۶۱.....	
گزارش دستگیری گروهی از ایرانیان مقیم عشق آباد.....	۸۰ - ۷۸
۶۳ - ۶۲.....	
دستور رسیدگی به وضع ابنیه و اراضی متعلق به قنسولگریهای شوروی در اصفهان.....	۸۲ - ۸۱
۶۴.....	
گزارش دستگیری و شکنجهٔ ایرانیان مقیم بادکوبه و عریضهٔ دو تن از اتباع ایران به فرماندار رشت دربارهٔ این موضوع.....	۸۶ - ۸۳
۶۷ - ۶۵.....	
گزارش دیدار سرکنسول شوروی در بندر پهلوی با فرماندار رشت و مطالب مطرح شده در ملاقات مزبور.....	۸۸ - ۸۷
۷۱ - ۶۷.....	
تقاضای دکتر کارومیناسیان برای تأسیس بیمارستانی در اصفهان، سوء ظن نسبت به پیشینه و اعمال وی.....	۹۳ - ۸۹
۷۳ - ۷۱.....	

فصل دوم: روابط اقتصادی

گزارش اجتماع تجار و کسبهٔ قزوین در اعتراض به وضع صادرات و واردات تجارتي ایران و شوروی.....	۱
۷۷.....	
گزارش تصمیم نهضت اقتصاد برای تصرف گمرکات و اقدام دولت برای جلوگیری از آن.....	۴ - ۲
۷۹ - ۷۸.....	
نامه‌های متبادله بین رئیس مجلس شورای ملی و رئیس الوزرا دربارهٔ تلگرافهای نهضت اقتصاد و قرارداد تجارتي ایران و شوروی.....	۶ - ۵
۸۰ - ۷۹.....	
تلگرافهای متبادله بین جمعیت نهضت اقتصاد رشت و رئیس مجلس شورای ملی و رئیس الوزرا دربارهٔ تصرف گمرکات و جلوگیری از واردات و صادرات کالاهای تجارتي.....	۱۰ - ۷
۸۱ - ۸۰.....	
تلگراف نهضت اقتصاد بندر پهلوی به رئیس الوزرا و ... راجع به قرارداد تجارتي ایران و شوروی و تصرف گمرکات.....	۱۱
۸۲.....	
تلگراف اتحادیهٔ تجار مشهد به مجلس شورای ملی دربارهٔ روابط تجاری ایران و شوروی.....	۱۳ - ۱۲
۸۳ - ۸۲.....	

۱۴	تلگراف جمعیت نهضت اقتصاد رشت به ریاست وزرا و ... درباره اقدامات نامطلوب دولت شوروی در امر صادرات و واردات..... ۸۳ - ۸۴
۱۵ - ۱۶	تلگراف نهضت اقتصاد تبریز به ریاست وزرا و ... درباره بحران اقتصادی کشور و تقاضای مقابله به مثل با دولت شوروی..... ۸۴ - ۸۵
۱۷	تقاضای جمعیت نهضت اقتصاد تهران از دولت برای پاسخ به خواسته‌های نهضت اقتصاد در امر تجارت با شوروی..... ۸۵ - ۸۶
۱۸ - ۱۹	گزارش رئیس فواید عامه گیلان درباره تظلمات و خواسته‌های تجار و اشغال گمرکات..... ۸۶ - ۸۷
۲۰ - ۲۱	گزارش اداره فواید گیلان درباره اجتماع اعضای جمعیت نهضت اقتصاد در تلگرافخانه رشت..... ۸۷ - ۸۸
۲۲ - ۲۳	تظلم کسبه بارفروش و تقاضا از مجلس شورای ملی درباره تسریع در انعقاد قرارداد تجارتی ایران و شوروی..... ۸۸ - ۹۰
۲۴	تهدید دولت از سوی جمعیت نهضت اقتصاد رشت به بستن گمرکات..... ۹۱
۲۵	گزارش حکومت گیلان از تعطیلی تجارتخانه‌ها و اجتماع تجار در پهلوی برای بستن گمرکات و اقدام حکومت گیلان در جلوگیری از آن..... ۹۱ - ۹۳
۲۶ - ۲۷	گزارش تلگرافخانه بندر پهلوی از خروج مال التجاره‌های متعلق به مؤسسات شوروی از گمرکات و تعطیل تجارتخانه‌ها و اجتماع تجار در بندر پهلوی..... ۹۴
۲۸	دستور رئیس الوزرا به حکومت گیلان برای جلوگیری از بستن گمرکات..... ۹۴ - ۹۵
۲۹	گزارش رئیس کل تشکیلات نظمیه به رئیس الوزرا درباره اجتماع تجار در گمرک بندر پهلوی..... ۹۵
۳۰ - ۳۱	متن اعلامیه نهضت اقتصاد درباره اوضاع اقتصادی کشور و روابط تجارتی ایران و شوروی..... ۹۶ - ۱۰۰
۳۲ - ۳۳	صورت مجلس کمیسیون اداره حکومتی بندر پهلوی درباره گزارشهای تلگرافخانه راجع به توقیف دفاتر گمرکی..... ۱۰۰ - ۱۰۴
۳۴	تبریک شش نفر از تجار ساری به رئیس الوزرا به سبب اختتام عقد قرارداد تجارتی ایران و شوروی..... ۱۰۴

گزارش جشن و چراغانی در ساری به سبب عقد قرارداد تجارتی ایران و شوروی.....	۳۵
۱۰۵.....	
شکایت بیست نفر از تجار بندر پهلوی از سه تن تجار ایرانی مقیم شوروی.....	۳۶ - ۳۷
۱۰۶ - ۱۰۵.....	
گزارش تقاضای تجار بندر جز از قنصل شوروی برای تأسیس شعبه بانک در بندر جز.....	۳۸
۱۰۷ - ۱۰۶.....	
اجازه تأسیس شعبه بانک ایران و روس در بندر جز، قوچان و... ..	۳۹ - ۴۰
۱۰۸ - ۱۰۷.....	
گزارش نظمیۀ بندر پهلوی درباره ورود چرونس به ایران و خروج طلا از کشور توسط اتباع شوروی و همدستی چند نفر از کارکنان گمرک با آنها.....	۴۱ - ۴۲
۱۰۹ - ۱۰۸.....	
تصویب قانون ورود و خروج چرونس از ایران.....	۴۳
۱۰۹.....	
دستور وزارت مالیه درباره جلوگیری از رواج چرونس کاغذی در ایران و گزارش چگونگی ورود و رواج آن در استرآباد.....	۴۴ - ۴۵
۱۱۰ - ۱۰۹.....	
نظر کمیسیون اداره مالیه گیلان درباره تصویب نامه اجازه ورود چرونس به کشور.....	۴۶
۱۱۱.....	
گزارش کمیسیون اداره مالیه آذربایجان درباره قانون جلوگیری از رواج چرونس کاغذی در آذربایجان.....	۴۷
۱۱۳ - ۱۱۱.....	
گزارش مطالعات وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه درباره اوضاع تجارتی ایران و شوروی از ۹ مهر ۱۳۰۶ تا ۹ تیر ۱۳۰۷.....	۴۸
۱۱۵ - ۱۱۳.....	
گزارش مشروح هیأت تجار و اتحادیه دلال بارفروش درباره اوضاع تجارتی مازندران و مقایسه آن با سالهای پیش از جنگ اول جهانی، چگونگی معامله و رفتار بانک روس با تجار و درخواست تأسیس شعبه بانک ملی در بارفروش.....	۴۹ - ۵۰
۱۱۹ - ۱۱۵.....	
گزارش حکومت گیلان درباره اقدامات بانک شوروی و متن تعهدنامه بانک مزبور با تجار.....	۵۱ - ۵۳
۱۲۱ - ۱۱۹.....	
گزارش حکومت مازندران به وزارت اقتصاد ملی درباره تنزل قیمت صادرات و امتعه داخلی.....	۵۴ - ۵۵
۱۲۲ - ۱۲۱.....	
تأسیس شعبه بانک ایران و روس در ساری بدون اجازه دولت ایران، چگونگی برخورد مسئولان با شعبه مزبور و اجازه فعالیت به آن.....	۵۶ - ۶۰
۱۲۴ - ۱۲۲.....	

گزارش حکومت مازندران از مراسم افتتاح شعبه بانک ایران و روس در ساری، نظر حکومت مازندران و وزارت داخله درباره علت تأسیس شعبه بانک مزبور.....	۶۴ - ۶۱
نظر دولت شوروی درباره تصویب قانون تجارت خارجی در مجلس شورای ملی ایران.....	۶۶ - ۶۵
تلگراف حکومت تبریز به وزارت داخله درباره بررسی واکنش تجار، کسبه و مردم نسبت به قانون انحصار تجارت خارجی.....	۶۷
گزارش نظمیۀ شمال غرب از عملیات بانک شوروی و اعطای وام به تجار تبریز و مقاصد بانک مزبور از مساعدت با تجار.....	۷۰ - ۶۸
گزارش اداره نظمیۀ درباره عملیات بانک روس و اخذ مطالبات خود از تجار.....	۷۲ - ۷۱
گزارش حکومت گیلان از اعتراض تجار رشت و بندر پهلوی نسبت به چگونگی تجارت با شوروی و مذاکره نمایندگان تجارتنی شوروی با حکومت گیلان.....	۷۴ - ۷۳
گزارش مذاکره ژنرال قنسل شوروی با حکومت گیلان و اعتراض قنسل به تجار گیلان به سبب ضدیت با مؤسسات تجارتی شوروی.....	۷۵
بیانیه جمعیت تجار بندر پهلوی درباره وخامت اوضاع تجارتی و افشای مقاصد مؤسسات تجارتی شوروی در روابط تجاری خود با تجار ایرانی.....	۷۶
پروتکل جلسات منعقدۀ در وزارت امور خارجه با حضور محمد علی فروغی، کارا خان و.....	۷۸ - ۷۷
گزارش اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه وزارت امور خارجه درباره سیاست تجارت خارجی ایران، تجارت ایران و شوروی و احصائیه واردات و صادرات ایران.....	۷۹

فصل سوم: سرحدات

گزارش کارگزاری خراسان به وزارت امور خارجه درباره قرارداد تقسیم آبهای مرزی بین ایران و شوروی.....	۱
--	---

۲	صورت مجلس مذاکرات هیأت ایرانی با نمایندگان دولت شوروی در خصوص بهره‌برداری دو کشور از رودخانه‌ها و آبهای سرحدی.	۱۵۴-۱۵۳
۵-۳	گزارش کارگزار مشهد و علی‌قلی خان سپاهی درباره تقسیم آبهای مرزی بین ایران و شوروی.	۱۵۷-۱۵۴
۸-۶	نظر وزارت مالیه درباره آبهای سرحدی و معاهده ۲۶ فوریه ۱۹۲۱. پاسخ رئیس‌الوزرا به وزارت مالیه و درخواست تسریع در اجرای مواد پروتکل ایران و شوروی.	۱۵۹-۱۵۷
۹	تلگراف سفیر کبیر اتحاد شوروی به رئیس‌الوزرا درباره احداث سدی در مسیر رودخانه تجن و بیان شرایط شوروی بر احداث سد.	۱۶۱-۱۵۹
۱۰	درخواست وزارت مالیه از رئیس‌الوزرا به منظور تسریع در تشکیل کمیسیون بررسی تقسیم آبهای سرحدی خراسان.	۱۶۲
۱۲-۱۱	گزارش اهالی جعفربای درباره تجاوز دولت شوروی و تصاحب شانزده فرسنگ از خاک ایران.	۱۶۳-۱۶۲
۱۵-۱۳	شکایت اهالی پيله سوار از مأموران شوروی به سبب تعدی به کشاورزان ایرانی و توقیف زمینهای آنها.	۱۶۴-۱۶۳
۱۸-۱۶	گزارش وزارت جنگ به رئیس‌الوزرا درباره تجاوز مأموران سرحدی شوروی و تصرف شانزده فرسخ از اراضی ایران، اعتراض دولت ایران به شوروی.	۱۶۶-۱۶۴
۲۳-۱۹	گزارش تجاوز روسها به خاک ایران و تغییر علائم سرحدی و دستور مقابله با تجاوز روسها.	۱۶۸-۱۶۶
۲۴	ضبط اموال مسافران ایرانی در مرز جلفا به وسیله مأموران شوروی.	۱۶۹-۱۶۸
۲۵	تجاوز اتباع شوروی به خاک ایران و تصاحب زمینهای کشاورزی.	۱۶۹
۳۰-۲۶	تجاوز مأموران شوروی به خاک ایران و احداث نهر و خط‌آهن و کشاورزی در زمینهای مورد اختلاف بین دو کشور، پیشینه موارد اختلاف از سال ۱۲۸۰ به بعد، برخورد دولت ایران با تجاوز مأموران شوروی.	۱۷۳-۱۷۰
۳۳-۳۱	گزارش ارکان حرب کل قشون از تجاوز مأموران شوروی به خاک ایران در نقاط مرزی پيله سوار و سختگیری نسبت به اتباع ایران.	۱۷۵-۱۷۳

اقدام نظامیان ایران برای جلوگیری از تجاوز روسها و شکایت سفارت شوروی از تجاوز نظامیان ایران به خاک شوروی.....	۱۷۶ - ۱۷۵	۳۴
گزارش نظمیه شیروان درباره رفتار مأموران سرحدی شوروی با اتباع ایران.....	۱۷۷ - ۱۷۶	۳۶ - ۳۵
گزارش نظمیه قوچان از فریب خوردن ایرانیان ساکن در حدود مرزی و جاسوسی برای روسها.....	۱۷۸ - ۱۷۷	۳۸ - ۳۷
تجاوز مأموران شوروی در سرحدات اردبیل و آستارا و تصرف زمینهای سرحدی، برخورد دولت ایران با دولت شوروی.....	۱۸۰ - ۱۷۸	۴۱ - ۳۹
مذاکرات حکومت استرآباد با قنصل شوروی درباره خلیج حسینقلی.....	۱۸۱ - ۱۸۰	۴۴ - ۴۲
گزارشهای سفارت ایران در مسکو از گفتگوهای سفیر ایران با کارا خان و دیگر مسئولان وزارت خارجه شوروی در خصوص رفع اختلاف سرحدی.....	۱۸۹ - ۱۸۱	۵۴ - ۴۵
پیشنهاد سفارت ایران در مسکو به کمیسریای ملی امورخارجه شوروی درباره تشکیل کمیسیون مخصوصی از نمایندگان دو کشور برای حل مسایل مرزی.....	۱۹۰	۵۶ - ۵۵
اقدام سفارت ایران در مسکو برای جلب توجه کمیسریای ملی امورخارجه شوروی به نقض مصونیت ارضی ایران از سوی مأموران سرحدی شوروی.....	۱۹۱	۵۷
متن مذاکرات وزیر امورخارجه با سفیر کبیر شوروی در تهران درباره رفع اختلافات مرزی.....	۱۹۶ - ۱۹۱	۶۱ - ۵۸
گزارش وزیر امورخارجه از گفتگوهای خود با لیتوینف راجع به روابط ایران و شوروی.....	۱۹۷	۶۳ - ۶۲
متن نامه وزارت امورخارجه به سفارت ایران در مسکو راجع به تعیین خط سرحدی ایران و شوروی و الغای ماده ۱۳ قرارداد ۱۹۲۱.....	۲۰۰ - ۱۹۷	۶۵ - ۶۴
پاسخ کفیل ستاد ارتش و وزیر امورخارجه به رئیس الوزرا درباره تجاوز مأموران شوروی به خاک ایران و نصب نشانه‌های مرزی.....	۲۰۱ - ۲۰۰	۶۷ - ۶۶
گزارش شرکت سهامی زراعتی سرخس درباره جلوگیری مأموران سرحدی شوروی از کشاورزی رعایای ایرانی در اراضی کند کلی.....	۲۰۲ - ۲۰۱	۶۸

- ۶۹ گفتگوی سفیر ایران در مسکو با وزارت امور خارجه شوروی درباره نهر
 حسن خانلو و خط مرزی بهرام تپه..... ۲۰۲
- ۷۰-۷۳ پناهنده شدن یک سرباز شوروی به خاک ایران و ورود هشت نفر از
 مأموران شوروی به نوروزآباد و ربودن دو تن از اتباع ایران.
 ۲۰۲-۲۰۴.....

فصل چهارم: مهاجران

- ۱-۳ گزارش نظمیه شیراز درباره ورود چند نفر قفقازی به شهر..... ۲۰۷-۲۰۸
- ۴-۵ نامه حسین کی استوان به رئیس الوزرا درباره اخطار ایران به مهاجرین
 روسیه..... ۲۰۸-۲۰۹
- ۶-۷ گزارش اداره تذکره سرخس راجع به مهاجرت اتباع ایران به شوروی به
 سبب رفتار مباشرین خالصه..... ۲۰۹-۲۱۱
- ۸-۱۰ عرض حال مهاجرین قفقاز ساکن در آذربایجان به وزارت دربار.
 ۲۱۱-۲۱۴.....
- ۱۱-۱۳ گزارش محمود جم از چگونگی اسکان مهاجران ترکمن و ایرانیهای مقیم
 عشق آباد به ایران..... ۲۱۴-۲۱۶
- ۱۴ گزارش نظمیه گیلان درباره سبب مهاجرت اتباع شوروی به ایران..... ۲۱۶
- ۱۵ دستور رئیس الوزرا درباره گماردن مهاجران شوروی به کارهای مناسب.
 ۲۱۷.....
- ۱۶ دستور وزارت داخله به حکومت خمسه درباره اشتغال و تهیه وسایل
 زندگی مهاجران شوروی..... ۲۱۷
- ۱۷-۱۹ اخراج یکی از اتباع شوروی از ایران و متن عرض حال وی به وزیر
 داخله..... ۲۱۸-۲۱۹
- ۲۰-۳۸ اعزام گروهی از مهاجران شوروی به اصفهان، مشکلات متعدد ناشی از
 اسکان و اشتغال آنها، ناتوانی مهاجران از اداره امور زندگی، کوشش
 نظمیه اصفهان برای حل مسایل مهاجران و ناتوانی بلدیة از کمک به این
 افراد..... ۲۱۹-۲۲۹
- ۳۹-۴۰ گزارش وزارت داخله درباره مهاجران شوروی و اقدام آنها برای کسب
 تابعیت از کشورهای ترکیه و آلمان..... ۲۲۹-۲۳۰

گزارش رئیس اداره کل شهربانی راجع به مهاجران کلیمی شوروی در کرمانشاه که عازم فلسطین هستند. خودداری قنصلگری انگلیس از صدور ویزا برای کلیمیها، پاسخ رئیس الوزرا به وزارت داخله در این مورد.	۴۱ - ۴۴
۲۳۰ - ۲۳۱	
اخراج یک تن از اتباع شوروی از ایران و عرض حال وی به وزارت داخله.	۴۵ - ۴۶
۲۳۲ - ۲۳۳	
نامه چهارده نفر از مهاجران شوروی به شاه و شکایت از تبعید خود به یزد و درخواست بازگشت به تبریز.	۴۷ - ۴۹
۲۳۳ - ۲۳۴	
بخش نامه وزارت داخله درباره خودداری از استخدام مهاجران اتباع شوروی در ادارات دولتی.	۵۰
۲۳۴	

فصل پنجم: روابط فرهنگی

درخواست جنرال قنصل شوروی در مشهد برای افتتاح کلوپ اتباع شوروی، متن نظامنامه کلوپ، شرایط وزارت داخله برای تأسیس کلوپ.	۱ - ۵
۲۳۷ - ۲۴۳	
گزارش نظمیة ایالتی آذربایجان از مراسم سالگرد فوت لتین در کلوپ شوروی.	۶
۲۴۳	
گزارش وزارت امور خارجه از جلسه منعقد شده در وزارت امور خارجه درباره کلوپهای شوروی، پاسخ وزارت داخله به اداره تشکیلات نظمیة در این مورد.	۷ - ۸
۲۴۳ - ۲۴۵	
نامه سفیر کبیر شوروی به وزیر امور خارجه ایران راجع به کلوپهای شوروی، پاسخ وزارت داخله به وزارت امور خارجه در صدور اجازه برای افتتاح کلوپ.	۹ - ۱۱
۲۴۵ - ۲۴۶	
اخطار نظمیة استرآباد به متصدی کلوپ شوروی، درخواست قنصل شوروی برای صدور اجازه افتتاح کلوپ.	۱۲ - ۱۳
۲۴۶ - ۲۴۷	
گزارش نظمیة بندر پهلوی از تصمیم مدرسه شوروی برای اعزام دانش آموزان ایرانی به شوروی جهت گردش علمی و ممانت دولت ایران از مسافرت دانش آموزان.	۱۴ - ۱۵
۲۴۷ - ۲۴۸	

شماره تنظیم اسنادی که در این مجموعه به کار رفته است.

فصل اول

شماره اسناد

شماره تنظیم آرشیوی

(آرشیو سازمان اسناد ملی ایران)

۴۱۵ ع اب آ - ۲۷۴۸ - ۲۹۳۰۰	۲-۱
۲۰۹ غ ۳ ب آ - ۴۳۱۹ - ۲۹۳۰۰	۳
۷۳۲ ع ۵ ب آ - ۳۷۶۶ - ۲۹۳۰۰	۱۳-۴
۴۲۱ ظ ۳ ب آ - ۰۱۹۹۰ - ۲۹۳۰۰	۱۵-۱۴
۵۲۸ غ ۳ ب آ - ۰۴۴۰۵ - ۲۹۳۰۰	۱۷-۱۶
۸۱۴ ع ۵ ب آ - ۰۳۷۸۱ - ۲۹۳۰۰	۲۷-۱۸
۸۱۶ ع ۵ ب آ - ۰۳۷۸۳ - ۲۹۳۰۰	۲۸
۵۱۶ غ ۲ ب آ - ۰۴۱۶۸ - ۲۹۳۰۰	۲۹
۵۳۳ غ ۲ ب آ - ۰۴۱۸۵ - ۲۹۳۰۰	۳۰
۲۲۹ غ ۱ ب آ - ۰۳۹۴۵ - ۲۹۳۰۰	۳۶-۳۱
۳۰۷ غ ۲ ب آ - ۰۴۰۸۷ - ۲۹۳۰۰	۳۸-۳۷
۱۲۱ غ ۵ ب آ - ۰۴۷۷۸ - ۲۹۳۰۰	۴۲-۳۹
۳۹۵ و آ ب ا - ۰۲۹۴ - ۲۹۰۰۰۰	۴۷-۴۳
۷۴۲ و آ ب ا - ۰۲۰۸۲ - ۲۹۰۰۰۰	۴۹-۴۸
۱۲۱ غ ۵ ب آ - ۰۴۷۷۸ - ۲۹۳۰۰	۵۰
۷۰۶ ع ۵ ب آ - ۰۳۷۴۰ - ۲۹۳۰۰	۵۳-۵۱

۲۹۳۰۰۲۲۳۳-آ ۴ ب ۵۲۶	۶۰-۵۴
۲۹۳۰۰۳۸۳۶-آ ۲۰۸ غ اب آ	۶۱
۲۹۱۰۰۴۷۵۵-آ ۳۴۵ ف ا آ	۶۲
۲۹۰۰۰۲۱۰۱-آ ۳ ب ۷۶۴	۶۳
۲۹۰۰۰۲۱۰۱-آ ۳ ب ۷۶۲	۶۴
۲۹۰۰۰۱۳۷۲-آ ۲ ب ۷۹۰	۶۵-۶۷
۲۹۰۰۰۲۱۰۵-آ ۳ ب ۷۶۵	۶۸
۲۹۰۰۰۳۵۴۷-آ ۵ ب ۷۵۱	۶۹
۲۹۰۰۰۱۴۲۹-آ ۲ ب ۸۴۸	۷۰-۷۴
۲۹۱۰۰۲۴۷۶-آ ۴ ب ۴۰۳	۷۵
۲۹۱۰۰۱۹۹۴-آ ۲ ب ۵۳۸	۷۶-۷۷
۲۹۳۰۰۴۳۲۵-آ ۳ ب ۲۱۵ غ	۷۸-۸۰
۲۹۱۰۰۱۴۱۸-آ ۵ ب ۵۰۳ ط	۸۱-۸۲
۲۹۳۰۰۴۳۲۶-آ ۳ ب ۲۱۶ غ	۸۳-۸۶
۲۹۳۰۰۳۸۲۷-آ ۱۱۸ غ اب آ	۸۷-۸۸
۲۹۱۰۰۱۴۷۸-آ ۵ ب ۶۱۳ ط	۸۹-۹۳

فصل دوم

۱۰۴۰۱۴-۱۸۲۹	۱-۳۳
۲۹۰۰۰۳۹۲۰-آ ۱۷ ن ا ب	۳۴-۳۵
۱۰۴۰۱۴-۱۸۱۹	۳۶-۳۷
۲۹۳۰۰۲۵۱۳-آ ۵ ب ۵۱۸	۳۸-۴۰
۲۹۰۰۰۲۰۷۱-آ ۳ ب ۷۳۱	۴۱-۴۷
۱۰۴۰۱۴-۱۸۲۳	۴۸
۲۹۳۰۰۲۴۹۰-آ ۵ ب ۴۲۶	۴۹-۵۰
۲۹۰۰۰۷۸۶۶-آ ۲ ب ۱۲۷	۵۱-۵۳
۲۹۳۰۰۴۸۴۷-آ ۵ ب ۲۳۵ غ	۵۴-۵۵

۲۹۳۰۰۲۵۱۳-آ ۴ب ۵۱۸ظ	۶۴-۵۶
۲۹۳۰۰۳۷۶۳-آ ۵ب ۷۲۹ع	۶۷-۶۵
۲۹۳۰۰۳۴۸۹-آ ۴ب ۸۱۲ع	۷۲-۶۸
۲۹۰۰۰۵۰۰۴-آ ۱ب ۶۳۳ن	۷۶-۷۳
۱۰۲۰۰۷-۱۳۶۸	۷۸-۷۷
۲۹۰۰۰۲۸۲۱-آ ۴ب ۸۱۷و	۷۹

فصل سوم

۱۰۲۰۰۷-۱۲۱۷	۱۰-۱
۱۰۲۰۰۷-۱۲۱۹	۱۲-۱۱
۲۹۰۰۰۲۳۸۱-آ ۴ب ۲۴۴و	۱۵-۱۳
۱۰۲۰۰۷-۱۲۱۹	۱۸-۱۶
۲۹۰۰۰۲۳۴۱-آ ۴ب ۲۰۴و	۲۳-۱۹
۲۹۰۰۰۱۳۱۷-آ ۲ب ۷۳۵و	۲۴
۱۰۶۰۰۱۲-۱۹۲۲	۲۵
۱۰۶-۱۱-۱۹۲۲	۳۴-۲۶
۲۹۰۰۰۰۲۴۳-آ ۱ب ۳۴۴و	۳۸-۳۷
۱۰۶-۱۱-۱۹۲۲	۴۱-۳۹
۲۹۰۰۰۲۰۳۳-آ ۳ب ۶۹۲و	۴۴-۴۲
۱۰۲۰۰۷-۱۳۶۸	۵۰-۴۵
۱۰۲۰۰۷-۱۴۵۲	۵۷-۵۱
۱۰۲۰۰۷-۱۴۵۱	۶۳-۵۸
۱۰۲۰۰۷-۱۴۴۸	۶۹-۶۴
۲۹۳۰۰۴۰۸۳-آ ۲ب ۳۰۳غ	۷۳-۷۰

فصل چهارم

۱۲۰۰۱۴-۴۱۵۰	۳-۱
-------------	-----

۱۲۰۰۱۴ - ۴۲۵۱	۵ - ۴
۲۹۰۰۰۱۳۱۸ - ۱ آ ۲ و ۷۳۶	۷ - ۶
۲۹۳۰۰۴۱۰۴ - ۱ آ ۲ غ ۳۲۱	۱۰ - ۸
۲۹۳۰۰۴۱۳۹ - ۱ آ ۲ غ ۴۲۲	۱۳ - ۱۱
۲۹۳۰۰۴۰۸۴ - ۱ آ ۲ غ ۳۰۲	۱۴
۲۹۳۰۰۴۰۸۷ - ۱ آ ۲ غ ۳۰۷	۱۶ - ۱۵
۲۹۰۰۰۰۶۳۲ - ۱ آ ۲ و ۷۶۳	۱۹ - ۱۷
۲۹۱۰۰۱۹۵۰ - ۱ آ ۲ ظ ۴۲۴	۳۸ - ۲۰
۲۹۳۰۰۴۱۲۱ - ۱ آ ۲ غ ۷۱۲	۴۰ - ۳۹
۲۹۳۰۰۳۹۶۲ - ۱ آ ۲ غ ۲۲۹	۴۴ - ۴۱
۲۹۳۰۰۳۹۶۰ - ۱ آ ۲ غ ۶۲۷	۴۶ - ۴۵
۲۹۳۰۰۳۹۶۲ - ۱ آ ۲ غ ۶۲۹	۴۹ - ۴۷
۲۹۱۰۰۱۴۱۸ - ۱ آ ۵ ط ۵۰۳	۵۰

فصل پنجم

۲۹۰۰۰۳۹۴۴ - ۱ آ ۲ ن ۴۴۱	۵ - ۱
۲۹۰۰۰۲۸۴۰ - ۱ آ ۲ و ۸۳۶	۱۳ - ۶
۲۹۰۰۰۷۷۷۶ - ۱ آ ۲ ه ۸۳۶	۱۵ - ۱۴

فصل اول

روابط سیاسی

وزارت امور خارجه، ۱۶ آبان ۱۳۰۴، نمره ۱۹۲۳۲، فوری

حکومت جلیله تهران و توابع

ابلاغیه‌ای راجع به شناسایی والاحضرت اقدس، دامت عظمت به ریاست موقت مملکت تهیه شده که حسب الامر مبارک، تلواً ارسال می‌دارم که بفرمایید امشب در صفحه اول تمام جراید طبع نمایند.

حسن مشار^۱

وزارت امور خارجه، بدون تاریخ، بدون نمره

ابلاغیه وزارت امور خارجه

راجع به شناسایی والاحضرت اقدس، رضاخان پهلوی، دامت عظمت به ریاست موقت مملکت ایران به ترتیبی که تا حال از دول متحابه رسماً اظهار شده^۲:

روز چهارشنبه ۱۳ آبان ماه، مطابق ۴ نوامبر [۱۹۲۵]، مراسلاتی از جناب مسیو یورینف^۳ نماینده مختار دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در شناسایی والاحضرت اقدس به ریاست موقت مملکت رسید. و خود جناب یورینف نماینده مختار، سه ساعت بعد از ظهر

۱. حسن مشار (مشارالملک). وزیر امور خارجه در دولت سردار سپه. از ۷ شهریور ۱۳۰۳ و پس از آن در دولت محمدعلی فروغی از ۲۹ آذر تا ۱۰ دی ۱۳۰۴.

۲. این دولتها عبارت بودند از: انگلیس در سه‌شنبه ۱۲ آبان، شوروی در چهارشنبه ۱۳ آبان، آلمان در پنج‌شنبه ۱۴ آبان، ایتالیا، بلژیک، مصر و لهستان در جمعه ۱۵ آبان.

۳. اصل: یورنِف.

پنج‌شنبه ۱۴ آبان ماه، مطابق ۵ نوامبر، شرفیابی حاصل و حضوراً نیز مدلول مراسلات ارسالی را از طرف دولت متبوعه خود ابلاغ نمودند.

وزارت امور خارجه

۳

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، ۲۴ دی ۱۳۰۴، نمره ۳۵۱، مستقیم

مقام منبع وزارت جلیله داخله^۱، دامت شوکته

از قرار راپرتهایی که به وسیله مسافرین تازه‌وارد از بادکوبه و تفلیس مأخوذ شده، به تحریک دشمنان این مملکت بعضی از مهاجرین ایرانی مقیمین بادکوبه و سایر بلاد قفقازیه، مخصوصاً در بادکوبه و تفلیس، نمایشاتی بر خلاف جریان اخیر ایران داده شده که با تصمیمات مجلس مؤسسان مخالفتها نموده و اظهار داشته‌اند: ماها از سلسله قاجار ناراضی و از این که طرز حکومت فعلی ایران هم به رژیم شاهنشاهی و سلطنت موروثی اداره بشود نیز ناراضی بوده و اعتراض خودمان را علنی به جریانهای امپریالیستی که در ایران سیر می‌نماید اعلام می‌نماییم. و لازم است عملیاتی را که فعلاً جریان دارد پروتست و جداً طرز حکومت را تغییر داده و کمونیست نماییم. جراید واصله [از] بادکوبه و غیره نیز ممد این قبیل مسموعات و حکایات است. با استدعای عطف توجه به این قبیل انتشارات که حسب‌الوظیفه لازم بود به عرض مبارک اولیای معظم وزارت جلیله برسانند، مستدعی است تعلیمات مقتضیه به مأمورین دولت علیه مقیمین قفقاز اعطا شود.

کفیل ایالت، احمد مشایخ

[حاشیه ۱]: سواد راپرت کفالت ایالت آذربایجان برای جلب توجه وزارت جلیله امور خارجه فرستاده می‌شود.

[حاشیه ۲]: اداره سیاسی به وزارت خارجه آگاهی دهد.

۱. وزیر داخله در آن هنگام، سرلشکر محمود انصاری (امیر اقتدار) بوده است. از ۷ شهریور ۱۳۰۳ تا ۲۹ آذر

ایالت فارس، سواد مشروحه اداره نظمیه شیراز ۲۹ فروردین ۱۳۰۵، نمره ۱۸۷

مقام منیع ایالت جلیله، دامت شوکته

برای استحضار خاطر مبارک، سواد راپرت رضاخان، آژان نمره ۲۲ ناحیه مرکز را لفاً تقدیم می‌دارد. رئیس نظمیه فارس [امضا] سواد راپرت آژان نمره ۲۲، ۲۸ فروردین ۱۳۰۵

مقام محترم ریاست نظمیه فارس، دامت شوکته - ساعت ۱۲ نصف شب یوم قبل با لباس مبدل برای انجام خدمتی که مقرر فرموده بودید از طرف خیابان دروازه باغشاه به طرف محل مأموریت خود می‌رفتم. نزدیک قنسولخانه روس که رسیدم، دیدم یک نفر از اشخاص شهری از قنسولخانه خارج و به طرف کل شهرین از خط وسط سبزیها برای شهر حرکت می‌کرد. قدری که جلو رفتم، شخص مذکور را خیلی متوحش و نگران دیدم که متصل می‌ایستاد و به اطراف خود نگاه می‌کرد.

به نظر بنده مظنون آمد و خیال کردم که او را تعاقب کنم. خود را به کناری کشیده و مراقب بودم که چه خواهد شد. مشارالیه پس از اندکی تأمل اطمینان حاصل کرد که من رفته و دور شده‌ام. رو به شهر حرکت کرد بنده به فاصله مختصری که در تاریکی بتوانم او را مواظب باشم در عقب می‌رفتم. پشت دارالوکاله مشارالیه متوجه شد که من در عقب می‌آیم. ایستاد و مرا صدا کرد. ناچار نزدیک رفتم. پرسید: کیستی و کجا می‌روی؟ گفتم: این جاده مشاعی^۱ است شما می‌روید، من هم به مقصد خود می‌روم. آهنگ خود را تند کرده و گفت: باید بگویی که کجا می‌روی. فهمیدم این شخص فرنگی است که لباس ایرانی پوشیده. بیشتر کوشش برای فهم قضیه کردم و در حالی که مشارالیه با صدای خشن مرا مورد مؤاخذه قرار داده می‌گفت: حتماً بگو که کی هستی و به کجا می‌روی. بنده فرصت کرده کبریت خود را مقابل صورت آن شخص آتش زده، روشن کردم. دیدم که مستر والدین^۲، جنرال قنسول روس است. به مجردی که من این کار را کردم ایشان فوق‌العاده متغیر شده و شروع به فحاشی و بدحرفی را به من کردند. من ناچار و برای این که متشخص شده و عقب کار خود بروم، خودم را معرفی کردم و نمره سینه خود را به ایشان ارائه داده و گفتم: برای انجام مأموریتی تبدیل لباس داده‌ام. بعد از این که بنده را هم شناختند باز به فحاشی خود ادامه داده و با کمال عجله به طرف قنسولخانه مراجعت کردند

۲. اصل: ولدین

۱. اصل: مشاهی

لباس ایشان کت و شلوار مشکی و کلاه پوست کشی و دکمه لباس باز و کفش گیوه داشته.
آژان نمرة ۲۲، رضاخان سرکمیساریای مرکز

۵

وزارت داخله، ۳۰ فروردین ۱۳۰۵، نمرة ۴۷۹

وزارت جلیله داخله

قنسل روس، مقیم شیراز بدون رعایت مقررات قانونی مداخلات مستقیم در امور دارد و بی اطلاع کارگزاری^۱ فارس تصرفات غیر مشروع در موارد می نماید. شب هنگام فرستاده در معجر [۱] ی المیاه و جدول قنات صاحب دیوانی که در بساتین شهر شیراز جریان دارد تصرفاتی نموده و صاحبان قنات مزبور از اقدامات بی رویه مشارالیه شکایت کرده اند. سواد شرحی که به کارگزاری نوشته شده است برای استحضار خاطر محترم جوفاً ایفاد می دارد. مقرر فرمایید با مراجعه به مقامات لازمه جلوگیری از اقداماتی که کتباً و تلگرافاً به مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت شوکته را پرت داده ام بنمایند. والی ایالت فارس

[امضا] مهدی نصیر

[حاشیه]: سواد به وزارت امور خارجه

۶

وزارت داخله، رمز ایالت فارس، ۳۰ فروردین ۱۳۰۵، نمرة ۶۶

وزارت جلیله داخله

قنسل روس در خیابان و معبر عمومی که قنسلگری روس است، یک سگ را که روز بسته [و] شب باز و موجب مزاحمت عمومی را متعمداً فراهم کرده. به نظمیة دستور دادم، چنانچه مجدداً اقدام نماید با گلوله سگ را بزنند.

مهدی نصیر

[حاشیه]: اداره جنوب - به عرض رسید. سواد [را] به وزارت امور خارجه بفرستید.

۷

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی، ۲۰ اردی بهشت ۱۳۰۵، نمره ۱۰۸۲، خیلی فوری

وزارت جلیله داخله

در جواب مرقومه اول اردی بهشت، نمره ۳۴۲ زحمت افزا می گردد که مساله ملاقاتهای شبانه و تغییر لباس قنصل شوروی در شیراز، اگرچه به سفارت کبرای شوروی تذکر داده شد، ولی متمنی است مقرر فرمایند تحقیق شود که مقصود از تغییر لباس چیست و ملاقات [در] شبها با چه اشخاصی می شود.

از طرف وزیر^۱ [امضا]، [مهر وزارت امور خارجه]

۸

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی، ۱۶ تیر ۱۳۰۵، نمره ۲۷۴۳/۱۷۸

وزارت جلیله داخله

در جواب مرقومه مورخه نهم خرداد، نمره ۱۵۱۳۹، راجع به قنصل شیراز، زحمت افزا می گردد که اخیراً مسیو والدین کفیل ژنرال قنصلگری شیراز به مسکو احضار و دیگری به جای او انتخاب شده است.

[امضا]، [مهر وزارت خارجه]

۹

وزارت داخله، ۲ مرداد ۱۳۰۵، نمره ۲۳۱۶

وزارت جلیله داخله

در تعقیب نمره ۱۴۶، راجع به اقدامات و عملیات قنصلگری دولت شوروی روسیه، مقیم شیراز، سواد مشروحه نمره ۱۲۹۰ نظمی را برای استحضار خاطر مبارک جوفاً ایفاد و سواد

۱. پس از استعفای میرزا حسن خان مشارالملک از مقام وزارت امور خارجه در ۱۰ دی ۱۳۰۴، این وزارتخانه با کفالت میرزا داودخان مفتاح السلطنه اداره می شد.

مشروحه ایالت را به کارگزاری درمورد راپرت مزبور تقدیم می دارد.

والی ایالت فارس [امضا] مهدی نصیر

[حاشیه]: سواد دو فقره اوراق ملفوف به وزارت امور خارجه فرستاده شود.

۱۰

وزارت داخله، مشروحه اداره نظمی، ۲۵ تیر ۱۳۰۵، نمره ۱۲۹۰

مقام منبع ایالت جلیله، دامت شوکته

امروز از جنرال قنصلگری دولت جمهوری اشتراکی شوروی روس، مقیم شیراز، حضور یک نفر مفتش را تقاضا نمودم. میرزا رحیم خان مفتش را اعزام و در مراجعت اطلاع می دهد که ابراهیم علی اف، تاجر تبعه دولت معزی الیها را به جرم این که از روسیه بدون پاسپرت مسافرت نموده، روز قبل مقارن ساعت ۱۲ ظهر در جنرال قنصلگری مذکور توقیف کرده اند و امروز ظهر محبوس مشارالیه از سوراخ راه آب فرار کرده است. و به وسیله مفتش مشارالیه یک نفر آژان خواسته اند که غروب امروز به جنرال قنصلگری اعزام گردد که به معیت نمایندگان خودشان برای تفتیش و به دست آوردن محبوس مذکور اقدام نمایند. از طرف این اداره به وسیله تلفن جواب داده شد به اداره محترمه کارگزاری مراجعه نمایند تا دستور مقتضی نظمی صادر گردد.

رئیس نظمی فارس

۱۱

وزارت داخله، اداره ایالتی فارس، ۲ مرداد ۱۳۰۵، نمره ۲۳۱۷

کارگزاری محترم مهم امور خارجه فارس

از اقدامات خارج از وظیفه جنرال قنصل دولت شوروی روس، مقیم شیراز، شرحی در تحت نمره ۱۲۹۰ نظمی رسیده که سواد آن جوفاً ارسال می شود با مراقبات و مواظبت هایی که نسبت به حفظ حقوق اتباع دول متحابه مرعی و منظور است، البته تصدیق خواهید فرمود که بدون مراجعه به کارگزاری و مقامات مربوطه قانونی این قبیل اقدامات جنرال قنصلگری بر

خلاف عهد بوده و دور از صلاحیت است، و حقاً اعتراض نموده کارگزاری محترم را هم متوجه می‌نمایم که علی‌الوظیفه از اقداماتی که مخالف با عهد و مقررات قانونی و منافعی با حسن مناسبات دوستانه و اتحاد بین‌الدولتین است جلوگیری نموده، جلب توجه مأمورین محترم دولت شوروی را به ایفای وظایف بنمایند.

[امضا]

۱۲

وزارت داخله، ۱۳ مرداد ۱۳۰۵، نمره ۲۵۷۹

وزارت جلیله داخله

در تعقیب معروضه نمره ۲۳۱۶، راجع به عملیات قنصلگری دولت شوروی روسیه، خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که پس از وصول راپرت، شرح لازم به کارگزاری نوشته شد که سواد آن را به ضمیمه سواد مشروحه جوابیه نمره ۵۷۲ کارگزاری برای استحضار خاطر مبارک جوفاً ایفاد می‌دارد.

والی ایالت فارس، [امضا] نصیر

۱۳

وزارت داخله، اداره جنوب، ۲۶ مرداد ۱۳۰۵، نمره ۱۴۵۳۷

ایالت جلیله فارس

در جواب مراسله نمره ۲۵۷۹ ایالت جلیله به موجب مراسله‌ای^۱ که در چندی قبل از وزارت جلیله امور خارجه رسید، مسیو والدین کفیل قنصلگری شیراز به مسکو احضار و دیگری به جای او انتخاب شده است.

[امضا]

وزارت داخله، اول دی ۱۳۰۵، نمره ۹، محرمانه

وزارت جلیله داخله

عطف به نمره ۶۲۲۴ و تعقیب نمرات بعدیه آن به عرض این معروضه پرداخته. یک فقره روزنامه منطبعه بندر پهلوی را که موسوم به نامه نسوان شرق^۱ و مدیره آن عیال ضرابی است که پیشتر رئیس یکی از مدارس پهلوی بوده، لفاً ارسال می دارد. شوهر مرضیه خانم ضرابی، مدیره روزنامه فعلاً در یکی از مدارس پهلوی معلم و این روزنامه هم مثل سایر موسسات ایرانی در آن بندر فی الحقیقه ارگان اجانب است و مروج منویات آنها، به یک زنی که خودش هم مدیره مدرسه انائیه یک سرحدی است، نباید اساساً امتیاز روزنامه داد. در بندری که همسایه اجنبی، کشتی خود را متصل به پُرت نگهداشته و کارکنان سیاسی و اقتصادیش به وسیله قوای بحریه و نظامیان خود، اداره شیلات را بدون این که قراردادی با دولت بسته باشند به قوه قهریه ضبط نمایند و عامل عمده عملجات شیلات، یوزباشی حسینعلی را که چهل و هشت سال است در شیلات بر عملجات ریاست داشته برای اجرای نفوذ و منویات خود این طور خارج می نمایند و هستی او را از بین می برند و پلیس دولت را برای تحقیق راه نمی دهند، نامه نسوانش هم این می شود که ملاحظه می فرمایید. بالاخره در نتیجه عدم توجه حقیقی که اسم بی رسم آن مسالمت جویی است، تمامت نظریات اجانب چنان که تا به حال پیشرفت کرده بعدها بالاتر از اینها قوی خواهد شد و بالتیجه حق مالکیت ایران در این بندر که مهمترین مواقع سرحدی و بنادر ایران است روزافزون تحلیل خواهد رفت. بنده این جا نسبت به مذاکره با رئیس معارف اقداماتی کرده ام، اما عقیده دارم به فاصله کم با تهیه ایرادی این نامه توقیف، مأمور معارف بندر پهلوی را هم که اعلان را نمره گذاشته از آن جا احضار و به یکی از ولایات غیر سرحدی ایران مأموریت بدهند تا این مامورین و این جراید و مؤسسات نتوانند با راه و مرام پست خودشان و منفعت پرستی، حیثیات و هستی دولت و ملت ایران را در همچو سرحدی دستخوش اغراض شامتکارانه^۲ خود قرار دهند و این طورها به تضییع حق دولت پردازند.

۱. نسوان شرق. مجله ای بود ویژه بانوان به سردبیری مرضیه ضرابی که در بندر پهلوی و هر ماه دو شماره منتشر می شد. تأسیس ۱۳۰۴

۲. اصل: شامتکانه

۱۵

وزارت داخله، اداره حکومت گیلان و طوالش، اول دی ۱۳۰۵، نمره ۱۰، محرمانه

به طوری که با تلگراف تحت نمره ۱۲ در جواب رمز نمره ۱۱۴۷ آن وزارت جلیله معروض داشته‌ام، بر اثر امر مبارک آقای دکتر موسی خان، رئیس صحنه شمال را با احکام صادره به عهده حکومت بندر پهلوی و رئیس بلدیۀ آنجا روانه پهلوی نمودم که مریضخانه بلدی را تحت نظر دکتر عبدالله خان، رئیس قرائتین آنجا تسلیم نمایند تا جزو صحنه کل مملکتی اداره شده باشد. اعضای انجمن بلدی آنجا عموماً و حاج یوسف زمان اف که خانه شخصی او مریضخانه است، خصوصاً خیلی مخالفت کرده، پس از جلسات و مشورت‌های زیاد قرار داده‌اند، ده روز به آنها فرصت داده شود تا انجمن نظریات خود را به تهران گفته، اگر در مدت مزبور بر طبق مرام خود احکامی از تهران صادر نکردند مریضخانه را تسلیم صحنه کل مملکتی نمایند. دکتر موسی خان هم این استمهال را پذیرفته و مقتضی ندیده است مقاومت شدیدی نموده باشد. البته اهتمام می‌شود بعد از ده روز مریضخانه تسلیم به دکتر عبدالله خان گردد، اما به این نکته دولت به ضرورت باید عطف توجه نماید که کارکنان دولت جماهیر شوروری معلوم است برای پیشرفت سیاست خود خیلی مساعدت با این مؤسسه ملی می‌کنند و از همین راه مردم و مرضی رامهون عاطفه و توجهات خود کرده‌اند. البته وقتی مریضخانه بلدی تسلیم صحنه کل مملکتی شد طبعاً روسها دیگر مساعدتی نخواهند کرد و اگر آن وقت مریضخانه خوب اداره نشود در انتظار موهون و سخت به سیاست دولت هم توجه ضرر خواهد داد. ما باید این مؤسسه را که امروز در حکم یک مؤسسه خارجی است همین که تحویل گرفتیم به قدری مرتب و خوب نگاهداریم که اجانب، وسیله به دست نیاورده، نتوانند افکار جامعه را به خود از این راه توجه دهند. در ذیل عرض مراتب فوق نظر اولیای آن وزارت جلیله را توجه می‌دهد به صورت حساب بلدیۀ پهلوی که مخصوصاً در جریده نسوان شرق درج کرده‌اند. ضمناً عرضه می‌دارم جریده ترغیب^۱ هم یکی از جرایدی است که در رشت طبع می‌شود و ارگان اجانب است و از بلدیۀ پهلوی فقط همین جریده را آبونه شده‌اند.

[امضا]، [مهر حکومت گیلان]

۱. ترغیب، روزنامه‌ای خبری بود که اسدالله یآوری آن را در رشت منتشر می‌کرد. تاسیس سال ۱۳۰۳

۱۶

وزارت امور خارجه، ادارهٔ دویم سیاسی، ۷ دی ۱۳۰۵، نمرهٔ ۲۹۹۵، محرمانه

وزارت جلیلهٔ داخله

از قنصلگری ایران در ایروان راپرت محرمانه رسیده است که سواد آن را لفاً ارسال می‌دارد. نظر به این که قضیه خیلی مهم و قابل دقت است، بدیهی است او امر لازمه صادر خواهند فرمود که مامورین آن وزارت جلیله کاملاً مواظب اعمال و رفتار اشخاصی که از قفقاز به ایران مسافرت می‌کنند بوده باشند. از طرف وزارت خارجه هم به مامورین قفقازیه دستور داده شد که در ویزا دادن به اتباع ایران خیلی دقت نمایند، به این معنی قبل از این که بدانند منظور از مسافرت مسافر و هویت او چیست ویزا ندهند.

[امضای فتح‌الله پاکروان]^۱

[حاشیه]: خیلی فوری، ادارهٔ شمال اقدامات مقتضی نموده به عرض برساند.

۱۷

ادارهٔ دویم سیاسی، سواد راپرت قنصلگری ایروان، ۱۴ آذر ۱۳۰۵، نمرهٔ ۱۸۱۰۱

از قرار اطلاع خصوصی که به این قنصلگری رسیده، چندی است در آذربایجان قفقاز کمیته‌ای تشکیل شده که مرام آنها یکی نمودن آذربایجان ایران با آذربایجان قفقاز است. به عبارت اخیری کمیتهٔ مزبور در تحت این عنوان که چون اهالی آذربایجان ایران و قفقاز هر دو از طایفهٔ مغول بوده، قومیت و ملیت آنها یکی است و به کلی از ملت فارس مجزا می‌باشند. لذا می‌بایستی این دو قسمت با هم متحد گشته، یک حکومت جمهوری شوروی تشکیل دهند و برای نیل به این مقصود هم کمیتهٔ مزبور مشغول عملیات شده، در هر یک از حکومت‌های متحدهٔ قفقازیه مثل تفلیس، ارمنستان، نخجوان و غیره شعبه تشکیل داده، همه وقت مبلغین نیز با وجه تبریز اعزام می‌دارند. چندی قبل هم شخصی موسوم به کریم کریم اف را با یک نفر زن یهودیه و مقداری وجه برای تبلیغ به تبریز اعزام داشته بودند که مشارالیه چندین کُرت به تبریز رفته و مراجعت کرده است. نظر به اهمیت موضوع حسب‌الوظیفه مراتب را به عرض رسانده، برای

۱. پاکروان در آن هنگام معاون وزارت امور خارجه بود. از ۱۹ مهر ۱۳۰۵ تا ۴ بهمن ۱۳۰۷

تحقیق از صحت و سقم خبر مزبور قضیه را تعقیب نموده، نتیجه را در ثانی به عرض خواهد رساند.

[امضا] سواد مطابق اصل است.

۱۸

وزارت داخله، متحدالمال به حکام و ولات، ۲۸ شهریور ۱۳۰۶، نمره ۳۱۷

نظر به این که برحسب تصمیم هیات وزرای عظام، دایر نمودن تلگراف یا تلفن بی سیم از طرف هر کس و در هر نقطه که باشد موکول به اجازه دولت است، و قنسولگریها یا اشخاصی که بخواهند تلگراف یا تلفن بی سیم دایر نمایند، باید قبلاً از دولت تحصیل اجازه نموده، سپس به نصب آن مبادرت ورزند. بنابراین لازم است مدلول این تصمیم را در موقع لزوم رعایت نموده و به مأمورین قلمرو خود دستور دهند از نصب و تأسیس تلگراف یا تلفن بی سیم به هر اسم که باشد جلوگیری نمایند.^۱

[حاشیه]: از هیات محترم وزرای عظام سؤال شود که راجع به دستگاههای موجود چه اقدامی باید کرد.

۱۹

وزارت داخله، حکومت گیلان و طوالش، اداره حکومت بندر پهلوی،

۶ مهر ۱۳۰۶، نمره ۱۰۲۴

مقام منبع وزارت جلیله داخله^۲، دامت شوکته

در جواب مرقومه متحدالمال نمره ۳۱۷ راجع به دایر نمودن تلگراف یا تلفن بی سیم به استحضار خاطر مبارک می‌رساند و کراراً به مقام وزارت جلیله و هم حکومت گیلان راپرت داده شد که دو دستگاه تلگراف بی سیم، روسها در بندر پهلوی دارند که یک دستگاه آن از قبل از انقلاب روسیه در اداره پرت دایر نموده و یک دستگاه دیگر را علی‌التحقیق در اوایل شهریور ماه

۱. قانون مزبور، ابتدا در جلسه ۱۱ شهریور ۱۳۰۶ هیأت وزرا در کابینه مهدی قلی هدایت طرح شد و به تصویب رسید و سپس به صورت متحدالمال نمره ۵۰۰۱ به وزارت داخله ابلاغ شد.

۲. حسین سمیعی (ادیب‌السلطنه)، وزیر داخله در کابینه اول و دوم مهدی قلی هدایت، از ۱۱ خرداد ۱۳۰۶ تا ۳۰ دی

۱۳۰۴ در اداره شیلات (لیانازوف سابق) نصب کرده‌اند. و نیز سه دستگاه تلفن بی سیم (ناقل صوت) یکی در کلوپ روسها و یکی در اداره شیلات، دیگری در ویس قنصلگری دایر نموده، به آن وسیله ارکسترها و تیاترهای که در روسیه داده می شود هر شب استماع می نمایند. و مدلول متحدالمال مبارک دستوری است که اگر کسی بخواهد در آتیه به نصب تلگراف یا تلفن بی سیم مبادرت کند باید با اجازه دولت باشد. البته مدلول امر مبارک بعدها رعایت خواهد شد، و به اداره نظمی هم تعلیمات لازمه داده شده است. ولی مستدعی است مقرر فرمایید راجع به آنهایی که قبل از صدور این متحدالمال دایر شده، این اداره چه وظیفه دارد. آیا باید آنها را به وسیله اداره نظمی ضبط و توقیف نماید یا خیر. صدور دستور فوری را در این موضوع منتظر است.

حکومت بندر پهلوی [امضا]

۲۰

وزارت داخله، بدون تاریخ، نمره ۴۷۸

حکومت جلیله میلان

از مضمون نمره ۶۸۲۸ راجع به دستگاه تلگراف بی سیمی که سابقاً روسها در بندر پهلوی دایر نموده اند اطلاع حاصل گردید. نظر به این که موضوع مذکور در تحت مطالعه و هنوز نسبت به آن اتخاذ تصمیم قطعی نشده، لازم است غذغن فرمایید فعلاً از دایر نمودن تلگراف یا تلفن بی سیمی که مامورین دول خارجه یا اشخاص متفرقه در آتیه درصدد نصب آن برآیند جداً جلوگیری نمایند تا تکلیف دستگاههای موجوده از طرف مقام منیع ریاست وزرای عظام معین گردد.

[امضا]

[حاشیه]: از مقام منیع ریاست وزرای عظام در این باره شرحی رسیده و تعیین تکلیف قطعی را موکول به رسیدن راپرت کمیسیونی که برای مطالعه در وزارت امور خارجه تشکیل شده است فرموده‌اند.

۲۱

وزارت داخله، ۲۵ شهریور ۱۳۰۶، نمره ۵۵۲

مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت عظمته

نظر به این که در دستورالعمل نمره ۵۰۰۱، راجع به تصمیم هیأت محترم دولت در باب تأسیس تلفن و تلگراف بی سیم نصب این قبیل دستگاهها موکول به اجازه دولت گردیده است و از طرفی هم در بعضی نقاط برای دایر نمودن این گونه دستگاهها به وسیله عمال وزارت داخله تقاضای صدور اجازه می شود و چون معلوم نیست کدام یک از وزارتخانه ها صلاحیت اظهار نظر نسبت به این گونه تقاضاها و اتخاذ تصمیم مستقل را دارند، علی هذا مستدعی است تکلیف وزارت داخله را در این قبیل موارد معین و اعلام فرمایند تا بر طبق آن رفتار شود.

[امضا]

۲۲

ریاست وزرا، ۲۹ آبان ۱۳۰۶، نمره ۶۴۲۰

وزارت جلیله داخله

در جواب مراسله نمره ۵۵۲، توضیحاً زحمت افزاست که ادارات نظمی مکلف به اجرای مفاد متحدالمال، راجع به تلگراف و تلفن بی سیم خارجه خواهند بود. به اداره کل تشکیلات نظمی بر طبق متحدالمال مزبور دستور لازم صادر فرمایید.
[حاشیه]: به هر اداره راجع است ابلاغ نمایند.

۲۳

وزارت داخله، سواد مراسله قنسولگری، ۷ آبان ۱۳۰۶، نمره ۳۱۲

حضور محترم آقای کفیل حکومت جلیله استرآباد

آقای کفیل محترم، نظر بر این که در این قنسولگری و در کلوپ اتباع شوروی در بندر جز، خیال نصب رادیو پیرنمیک را داریم. برحسب مقررات هیأت محترم ریاست وزرا، با کمال

احترام متمنی است برای نصب آن اجازه نامچه بالفوره مرحمت شود. در این موقع احترامات صمیمانه خود را تجدید می دارد.

قنصل استرآباد زاسلاوسکی [امضا]

۲۴

وزارت داخله، ۲۵ دی ۱۳۰۶، نمره ۲۶۲۸

مقام منیع وزارت جلیله داخله، دامت شوکته - تعقیب معروضه نمره ۲۰۵۸، ۸ آبان که سواد مراسله قنصلگری دولت شوروی مقیم استرآباد راجع به نصب رادیو پریمینک تقدیم داشته بود تاکنون جواب و تعیین تکلیف مرقوم نفرموده اند. مستدعی است تعیین تکلیف فرمایند که جواب قنصلگری داده شود که مطالبه دارند.

[مهر حکومت استرآباد]

۲۵

وزارت داخله، ۱۲ اسفند ۱۳۰۶، نمره ۱۳۲۸

حکومت استرآباد

از مفاد نمره ۲۶۲۸، راجع به تقاضای قنصلگری شوروی در باب نصب یک دستگاه رادیوکنسرت، اشعار حاصل گردید. نظر به این که صدور اجازه نصب این قبیل دستگاهها با اداره نظمیست، لذا به اداره کل تشکیلات نظمی نوشته شد که برای صدور جواز تعلیمات لازمه به نظمی محل صادر نمایند.

[امضا]

۲۶

وزارت داخله، اداره امور سیاسی، بدون تاریخ، نمره ۷۹۳

وزارت جلیله جنگ

نظر به این که به موجب مراسله نمره ۷۰۲۰ ریاست وزرای عظام اجازه نصب تلگراف و تلفن بی سیم در خاک ایران باید از طرف وزارت داخله صادر گردد و چون برای صدور این قبیل

اجازه‌ها مقرر است بدو نظامنامه‌ای تنظیم و پس از تصویب هیأت محترم دولت به موقع اجرای عمل گذارده شود، علی‌هذا برای تدوین نظامنامه مزبور در روز چهارشنبه ۲۲ ماه جاری، ساعت ده صبح کمیسیونی مرکب از نماینده آن وزارت جلیله و نمایندگان وزارتین امور خارجه و پست و تلگراف در وزارت داخله انعقاد خواهد یافت که در این باب مطالعات لازمه به عمل آمده، پروژه نظامنامه مزبور تهیه شود، بنابراین خواهشمندم غدغن فرماید نماینده آن وزارت جلیله در موقع مقرر به کمیسیون مزبور حضور به هم رسانیده و در تهیه طرح نظامنامه مشارکت نماید.

[امضا]

۲۷

راپرت کمیسیون، بدون تاریخ، بدون نمره

حسب الامر برای این که مطالعاتی راجع به تلگرافهای بی سیم خارجیه در ایران به عمل آمده و معلوم شود خارجیه در ایران حق نصب تلگراف بی سیم داشته‌اند یا خیر و در صورت نداشتن به موجب چه قانون و نظامنامه این حق از آنها سلب شده است و آیا در خارجه نسبت به سفارتخانه‌های خارجی در این باب چه معامله می‌شود و در چه نقاط ایران تلگراف بی سیم خارجیه فعلاً موجود است و آیا می‌توان اجازه داد اتباع خارجه یا داخله تلفنهای بی سیم (رادیو) برای اخذ صوت داشته باشند یا خیر کمیسیونی در اداره دویم سیاسی با حضور بعضی از آقایان مدیران وزارت خارجه و آقای آرسن خان، رئیس کل تلگراف منعقد گردید. پس از مذاکراتی که به عمل آمد، آقای آرسن خان اظهار داشت: قانونی در ۳۰ اردی بهشت ۱۳۰۶ از مجلس شورا گذشته و در آن می‌نویسد: «تبصره - نصب دکل برای اخذ اخبار، با اجازه دولت خواهد بود.» خیلی ناقص و قابل تفسیر است و چون برخی از سفارتخانه‌ها نصب تلگراف بی سیم نموده‌اند که بعضی از آنها اخذ خبر نموده و بعضی دیگر، هم اخذ و هم خبر می‌دهد و باید تکلیفی برای آنها معین شود. در این باب وزارت پست و تلگراف مشغول تهیه قانون جدیدی است که تکلیف کلیه این قضایا معین خواهد شد. اما نسبت به رادیو که اخذ صوت نموده و کنسرت‌های خارجه را استماع می‌نماید، به طور کلی عقیده کمیسیون این بود که دادن این حق به اتباع داخله و خارجه مطابق مقرراتی بی ضرر خواهد بود، به شرط آن که از این بابت حقی

هم در ماه به دولت بپردازند، ولی نظر به مراتب معروضه در فوق تصمیم قطعی در این موضوع هم اتخاذ نگردیده و این طور در نظر گرفته شد که در ضمن تهیه لایحه قانونی تکلیفی هم برای این کار معین شود. در خاتمه این نکته را هم معروض می‌دارد، ضمن متحدالمال ۵۰۰۱، صادره از مقام ریاست وزاری عظام که قید شده است نصب تلفن از طرف هر کس و در هر نقطه باشد باید قبلاً از طرف دولت تحصیل اجازه شده باشد، چون معین نشده اجازه دهنده کدام یک از وزارتخانه‌ها هستند و از طرف کمیسر اخیراً ژنرال قنصل شوروی در تهران تقاضای صدور اجازه برای نصب رادیوی ضبط در قنصلگری کرمانشاه و یک دستگاه برای شرکت پنبه قم نموده، مستدعی است از هر جوابی که باید داده شود مرقوم فرمایند و ضمناً مرجع این امور را هم معین فرمایید که کدام یک از دوایر دولتی است. [امضا]

۲۸

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی، ۹ مهر ۱۳۰۷، نمره ۱۳۲۶۵

از نظمیه قم راپرت می‌دهند، اداره پنبه روس قصد تأسیس یک باب مریضخانه که فقرا را مجاناً معالجه نماید، در قم داشته و محلی را برای مریضخانه مزبور در شهر نو معین کرده و از عموم رؤسای دوایر دولتی و محترمین دعوت نموده. روز ۳۰ شهریور ماه گذشته اولین روز افتتاح مریضخانه بوده، مدعوین در محل مزبور حضور به هم رسانیده، پس از مختصر نطقی از طرف کارکنان دولت شوروی راجع به روابط دوستی و صمیمیت با دولت علیه ایران، افتتاح مریضخانه را به عموم اعلام داشته، ضمناً مذاکرات و تعریفات فوق‌العاده از کلاه پهلوی و لباس ملی نموده‌اند. با این حال معین الاسلام، رئیس کابینه حکومتی قم، با عمامه و رضاخان، منشی حکومت، با کلاه سابق وارد مجلس شده بودند. در صورتی که دو نفر مذکور در موقع انجام وظیفه دارای کلاه پهلوی و لباس ملی می‌باشند، در آن مجلس با آن لباس ورود کرده‌اند. نظمیه نیز تقاضای عطف توجه به این قسمت نموده که حکومت آن جا را برای جلوگیری از حرکات اشخاص تذکر دهند.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

سرتیپ درگاهی

[حاشیه]: در جواب بنویسید، این اشخاصی که برخلاف مقررات رفتار کرده‌اند باید جداً تعقیب شوند. ۷/۷/۱۲

۲۹

وزارت امور خارجه، اداره کل امور سیاسی، اداره ممالک شرقیه،
۵ خرداد ۱۳۰۹، نمره ۳۱۹، محرمانه

وزارت جلیله داخله

متمنی است، مقرر فرمایند، دستور لازم فوری محرمانه به کلیه ولات و حکام ایالات و ولایات صادر فرمایند که در حوزه ماموریتی خود هر چه زودتر ممکن شود، مسایل ذیل را معین و راپرت کامل آن را ارسال دارند:

۱- عده مالکین اتباع خارجه با ذکر اسامی آنها.

۲- تبعه کدام دولت هستند.

۳- تعیین اموال غیر منقولی را که فعلاً مالک هستند؛ مخصوصاً املاک مزروعی.

بدیهی است، مقرر خواهند فرمود، نتیجه را هر چه زودتر اطلاع بدهند.

مهر وزارت خارجه

[حاشیه]: به ادارات بدهید که این دستور را فوراً صادر نمایند.

۳۰

وزارت امور خارجه، اداره جماهیر شوروی، اول تیر ۱۳۰۹، نمره ۸۶۵۵

وزارت جلیله داخله

سفارت کبرای شوروی، در ضمن یادداشتی که به وزارت امور خارجه راجع به ثبت اموال غیر منقول خود ارسال داشته، املاک ذیل را در ولایات صورت داده است:

۱. در استرآباد - محوطه‌ای با دو خانه و ابنیه.

۲. رشت - قطعه‌ای زمین و یک عمارت دو طبقه و یک عمارت یک طبقه با تمام ابنیه.

۳. تبریز - مقر تابستانی مارالان که مرکب از دو باب خانه و دو قطعه باغ محصور به دیوار

خشتی، و در شهر دو باب خانه با ابنیه مجاور، قطعه‌ای بایر در خارج شهر. (باغ)

۴. اصفهان - باغ محصور به دیوار با تمام عمارات و ابنیه واقع در آن.

۵. مشهد - باغ بزرگ و خانه قنسلگری با تمام ابنیه.

۶. بندر شاه - خانه قنصلگری سابق.

۷. سیستان - دو باب خانه و یک قطعه باغ با تمام ابنیه.

۸. قطعه قنصلگری در رضائیه.

۹. قطعه قنصلگری در ماکو

۱۰. قطعه قنصلگری در کرمانشاه.

وزارت امور خارجه نسبت به دعاوی آنها راجع به قطعاتی که در رضائیه ادعا می‌کنند و همچنین در کیفیت قضیه اراضی واقعه در کرمانشاه مطلع است، ولی چون نسبت به سایر نقاط اطلاعاتی ندارد، متمنی است غدغن فرمایند، فوراً مراتب از حکام مربوطه تحقیق و کیفیت قطعات مزبوره را و این که ادعایی نسبت به آنها است یا نیست و فعلاً در تصرف نمایندگان قنصلی شوروی می‌باشد یا خیر، به وزارت امور خارجه مرقوم فرمایند. چون قضیه فوریت دارد، تسریع در اقدام آن را تقاضا می‌نماید.

[امضا]، مهر وزارت امور خارجه

[حاشیه]: از اداره اول اقدام شد، سواد [را] به اداره دوم بفرستید که از آن اداره هم اقدام به عمل آید.

۳۱

وزارت امور خارجه، اداره کل امور سیاسی، اداره جماهیر شوروی،

۲۱ مهر ۱۳۰۹، نمره ۱۹۴۹۳

وزارت جلیله داخله

از سفارت کبرای شوروی اطلاع می‌دهند، یک طیاره متعلق به دولت شوروی که از سیستم یونکرس و راننده آن پتر ایوانف نام دارد و دارای علامت ۱۲۷ - ۱۳ - F است و بنا بوده از خاک شوروی به افغانستان طیران نماید. راننده آن، طیاره را به مشهد آورده و اظهار داشته است: از خاک شوروی فرار اختیار نموده. سفارت کبرای شوروی تقاضا دارد، فوراً دستور تلگرافی به ایالت خراسان داده شود که طیاره و راننده آن را تحت نظر بگیرند که مبادا از آن جا هم طیاره را ببرد تا تکلیف آن معلوم شود. متمنی است دستور تلگرافی صادر، چگونگی قضیه را استعلام و نتیجه را مرقوم فرمایند تا جواب مقتضی داده شود.

[حاشیه]: محرمانه، خیلی مهم. اداره اول، از وزارت خارجه نماینده فرستاده‌اند که از مخابره تلگراف اطلاع حاصل نمایند. رمزاً مراتب را به ایالت تلگراف کنید و بفرستید فوراً رمز شود و به امضا برسانم. ۹/۷/۲۱

۳۲

وزارت داخله استخراج تلگراف خراسان، ۲۲ مهر ۱۳۰۹، نمره ۱۱۰۳

وزارت جلیله داخله

نمره ۱۰۹۸ واصل، راپرت قضیه تحت تلگراف نمره ۱۹۵۰ به دفتر مخصوص عرض شده. طیاره چی پطر^۱ ایوانف با عیالش از تاشکند فراراً، یکشنبه ۲۰ مهر وارد مشهد مقدس شده، اظهار می دارد: به واسطه سختی وضعیت روسیه و برای این که چهل و چهار نفر [را] بدون محاکمه تیرباران نمودند و هیچ گونه اطمینانی برای کسی باقی نماند به ایران پناه آوردم. طیاره توقیف، طیاره چی با خانمش در نظمیة تحت نظر هستند. خواهشمندم از نظریات دولت، ایالت را مطلع فرمایند.

جم^۲

۳۳

وزارت داخله، اداره اول، ۲۹ مهر ۱۳۰۹، نمره ۲۱۲

وزارت جلیله امور خارجه

عین مراسله ایالت خراسان راجع به طیاره متعلق به دولت شوروی را که در تحت مرقومه نمره ۴۳۳۱ به وزارت داخله رسیده است، لفاً ارسال و راجع به تسلیم طیاره به نماینده دولت مشارالیهما و تذکرات لازمه راجع به استرداد اموال دولت شاهنشاهی، به طوری که در هیات محترم دولت مذاکره و مقرر شد و جناب اشرف آقای وزیر امور خارجه اطلاع دارند به ایالت خراسان دستور تلگرافی داده شد.

[امضا]

۳۴

۲۸ مهر ۱۳۰۹، نمره ۴۳۳۱

وزارت جلیله داخله

با ارسال عین مراسله نمره ۹۳۴۶ ایالت جلیله خراسان، صادره به عنوان وزارت جلیله امور خارجه، راجع به طیاره دولت شوروی که پطر ایوانف طیاره چی به مشهد آورده است، زحمت

۲. محمود جم (مدیرالملک) والی ایالت خراسان.

۱. اصل: پر

می‌دهد که به ایالت معزی‌الیه‌ها دستور صادر فرمایید که طیاره مزبور را به نماینده دولت مشارالیه‌ها مسترد بدارند، ولی در همان حال تذکر بدهند که دولت ایران انتظار دارد اموال دولتی که در نزد دولت شوروی است مسترد گردد. وزیر دربار پهلوی تیمورتاش.

[حاشیه]: اداره اول - همین طور که مرقوم داشته‌اند به ایالت دستور بدهید که فقط طیاره را مسترد بدارند و درباره استرداد اموال دولتی تذکرات لازمه بدهند. مراسله ایالت را هم که به عنوان وزارت امور خارجه است، فوراً به وزارت خارجه بفرستید و بنویسید: به طوری که در هیات محترم دولت مذاکره و مقرر شد و جناب اشرف، آقای وزیر امور خارجه اطلاع دارند، به ایالت خراسان این طور دستور تلگرافی داده شد. ۹/۷/۲۹

۳۵

وزارت امور خارجه، اداره جماهیر شوروی، ۷ آبان ۱۳۰۹، نمره ۹۹۹۵

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب راپرت نمره ۹۳۴۶ این ایالت به وزارت امور خارجه و جوابی که از طرف دولت تحت رمز نمره ۱۱۲۵ وزارت داخله واصل گردید، خاطر شریف را مستحضر می‌دارد که به محض وصول تلگراف نمره ۱۱۲۵ به جنرال قنصلگری روس اطلاع داده شد که طیاره در اختیار قنصلگری می‌باشد و هر آن می‌توانند آن را تحویل بگیرند. جنرال قنصلگری روس، توسط معاون قنصلگری پیغام داد که چون متخصص ندارند، خواهشمند هستند دو سه روز تأمل نموده تا یک نفر از عشق‌آباد برسد، و دیروز اطلاع دادند، فدراتسوف از عشق‌آباد وارد و طیاره را تحویل خواهد گرفت. هنوز طیاره را از مشهد نبرده‌اند. امروز یادداشتی که سواد آن لفاً تقدیم می‌شود از قنصلگری روس واصل گردید، مبنی بر این که پطر^۱ ایوانف طیاره‌چی در مدت توقف خود در روسیه مرتکب جنایاتی شده است و تحت تعقیب است. با این حال شنیده‌اند مامورین نظمیه مشارالیه و خانمش را مرخص کرده‌اند^۲ و این عمل را جنرال قنصلگری بر ضعف دوستی و حسن روابط تلقی می‌کند. جواب دادم: «موضوع توقیف و آزادی اشخاص در ایران بر طبق قوانین مملکت انجام می‌گیرد. احساسات شخصی نمی‌تواند در آن دخالت داشته باشد.» جواب داد: «مأمورین شوروی با وجود قوانینی که موجود است، حبیب یساقی و عیسی خان لارینی را محض احترام تقاضای ایالت و دولت ایران مدتی است توقیف

۲. اصل: کرده است.

۱. اصل: پتر

کرده و حبس نموده‌اند و اگر نظمیه مشهد پطر ایوانف و زن او را آزاد کنند، آنها هم حبیب یساقی و عیسی خان لارینی را مرخص خواهند کرد و دو نفر امنیه که در تعقیب حبیب یساقی داخل خاک روس شده‌اند تیرباران می‌نمایند.» جواب داده شد: حبیب یساقی، جانی و نوزده قتل در خراسان مرتکب شده و به علاوه در یک راه مهم تجارتي مثل راه مشهد - عشق آباد که دولت شوروی که به اندازه ایران علاقمند به امنیت آن است، مشغول راهزنی بود. عیسی خان که از قطاع‌الطریقهای معروف خراسان است اگر مأمورین شوروی آنها را توقیف کرده‌اند، نباید متنی به ایرانیها بگذارند. اما راجع به تیرباران کردن دو نفر امنیه، البته مأمورین شوروی ندانسته در خاک خود مرتکب به یک عمل خلاف اتفاقی بشوند، همین قدر می‌گویم اگر چنین اتفاقی رخ بدهد، دولت ایران آن را یک عمل دوستانه تلقی نخواهد کرد. تقاضا داشت طیاره‌چی حبس بشود. جواب دادم: طیاره‌چی تحت نظر نظمیه است تا تکلیف مشارالیه از تهران معین شود. خداحافظی کرده با تعرض رفت. برای این که سوء تفاهمی حاصل نشود، به نظمیه دستور دادم تا صدور امر مبارک پطر ایوانف و خانم او را در نظمیه تحت نظر نگاهدارند، ولی عقیده مندم مراقبت فرمایند که ایوانف به تهران فرستاده شود، زیرا حضور ایوانف در مشهد موجب اصطکاک و ممکن است روابط ایالت را با قنصلگری تیره نماید. منتظر دستور فوری هستم. ایوانف که یکی از معروف‌ترین طیاره‌چیهای روسیه و ۳۷ هزار کیلومتر پرواز کرده، تقاضا دارد اجازه داده شود از طریق تهران عازم پاریس شود. ایوانف در حدود پنجاه تومان پول طلا دارد. دیگر بسته به نظر هیات دولت است.

والی ایالت خراسان و سیستان، محمود جم

۳۶

وزارت داخله، استخراج تلگراف خراسان، ۲۱ آبان ۱۳۰۹، نمره ۱۲۰۵

وزارت جلیله داخله

نمره ۱۱۹۶ به موجب تلگراف نمره ۹۶۸۴ وزارت جلیله دربار به طیاره‌چی اجازه داده شد تهران برود.

۲۰ آبان جم

[حاشیه]: اداره اول - به وزارت خارجه اطلاع بدهید. ۹/۸/۲۱

۳۷

وزارت امور خارجه، اداره کل امور سیاسی، اداره جماهیر شوروی،

۱۴ آبان ۱۳۰۹، نمره ۲۱۷۷۷

وزارت جلیله داخله

از ایالت جلیله خراسان راجع به پیرفلامینک، تبعه شوروی که به ایران فراراً وارد شده، شرحی رسیده که سواد آن لفاً ارسال می شود. چون تعیین تکلیف این قبیل امور مربوط به آن وزارت جلیله است، البته غدغن خواهید فرمود، جواب مقتضی زودتر صادر نمایند.

[امضا و مهر وزارت خارجه]

[حاشیه]: از ایالت بپرسید که چه ضرورتی در فرستادن این مهندس به تهران منظور است. در صورتی که به وجود او در این جا حاجتی نیست. ۹/۹/۱۳

۳۸

وزارت امور خارجه، مراسله ایالت خراسان، ۷ آبان ۱۳۰۹، نمره ۱۰۰۰۰

وزارت جلیله خارجه

پیر فلامینک، تبعه روس که تحصیلات خود را در آلمان تمام کرده و مهندس معدن است با زن و مادر زن و دو دختر خود فراراً به ایران آمده و در قوچان توسط مامورین دستگیر و پس از استنطاق در عدلیه به مشهد آورده اند. نظر به این که این شخص مطابق دیپلمها و تصدیقاتی که در دست دارد مهندس بسیار قابلی است، بر طبق تصویبنامه دولت، مستدعی است اجازه داده شود به تهران اعزام شود. انتظار دارم، تکلیف را تلگرافاً معلوم فرمایید.

والی خراسان محمود جم

۳۹

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره اطلاعات،
۱۷ آذر ۱۳۰۹، نمره ۲۷۶۸/۸۶۱، محرمانه

مقام محترم وزارت جلیله داخله

مورخه ۱۲ شهریور، نظمیه اطلاع حاصل نموده عده‌ای در حدود آذربایجان از قبیل: اردبیل، نمین [و] آستارا، تشکیلات کمونیستی دارند و جلساتی در یورتچی قریه به ریاست بهمن بیک، تشکیل و برای توسعه و بسط مرام بلشویکی محرمانه اقداماتی می‌کنند. فوراً دستور لازم مؤکدی به نظمیه تبریز صادر گردیده که مامور مخصوص با کفایتی به نقاط مزبور اعزام داشته تا در اطراف قضیه، هویت و سوابق اشخاص، تحقیقات عمیقۀ جامع‌الاطرافی به عمل آورده و موضوع را کشف نموده، نتیجه را راپرت دهد. اینک سواد راپرت جوابیه نظمیه مذکور و ضمائم آن را لفاً ایفاد می‌دارد. به طوری که اشعار داشته‌اند، اقامت میرزا غلام جودت و میرزا پاشا، تحویلدار گمرک و میرزا محمدحسین، مستخدم بلدیه آستارا، صادق‌خان، پسر حاجی‌خان، فرخ دهکان، عزت خیاط، غلام‌حسین پسر کربلانی رحمان [و] میرزا رحمان داداش اف، در حدود سرحدی مقتضی نبوده و تقاضا کرده به نقاط داخلی دور از سرحد تبعید شوند. لذا مراتب را به استحضار آن وزارت جلیله می‌رساند تا به هر طور مقتضی است، مقرر فرمایید، مرقوم دارند، اقدام شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی - سرتیپ کوپال

ع.

وزارت داخله، اداره اول، ۲۳ آذر ۱۳۰۹، نمره ۳۰۵

اداره محترم کل تشکیلات نظمیه

وصول راپرت نمره ۲۷۶۸/۸۶۱ را به استحضار آن اداره می‌رساند. ورقه‌ای مطابق تعلیماتی که از وزارت جلیله دربار پهلوی صادر شده است، اقدام خواهید فرمود.

۴۱

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی سواد راپرت نظمیه شمال غرب،
۳ آذر ۱۳۰۹، نمره ۲۶۶۲/۳۸۴۶

مقام عالی ریاست محترم کل تشکیلات نظمیه مملکتی^۱، دامت شوکته

در تعقیب معروضه نمره ۱۸۱۵ - ۹/۷/۳ و نمره ۲۵۹/۱۹۵۳ - ۹/۷/۳، مربوط به تعقیب و تحقیق عملیات پاره‌ای اشخاص مظنون، خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد، سلطان نصرت‌الله خان، رئیس تأمینات این اداره با تعلیمات لازم به حدود اردبیل و نمین و پيله‌سوار و آستارا عزیمت، اینک راپرتی به نمره ۳، راجع به تحقیقات و مطالعاتی که به عمل آورده می‌دهد که سواد آن برای استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم، ضمناً به عرض عالی می‌رساند که این اداره مطابق شرحی که مامور مذکوره با تغییر پست میرزا غلام جودت و میرزا پاشا، تحویلدار گمرک و میرزا محمد حسین، مستخدم بلدیه آستارا به نقاط دور از سرحد و تبعید صادق خان، پسر حاجی خان و فرخی دهکان و عزت خیاط و غلامحسین، پسر کربلایی رحمان و میرزا رحمان‌داداش‌زاده، مستخدم پرس آذنت^۲ به نقاط داخلی و تحت نظر گرفتن اعمال سایر اشخاص مشروحه در راپرت سابق، مراتب اطلاعاً به عرض می‌رسد که در صورت تصویب، امر به اقدام لازم صادر گردد. ضمناً معروض می‌دارد که سوابق امر به ایالت جلیله و فرمانده محترم لشکر شمال غرب نیز راپرت شده است.

۴۲

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، سواد راپرت رئیس تأمینات،
۲۱ آبان ۱۳۰۹، نمره ۳

بعدالعنوان - امر و مقرر شده بود که راجع به سابقه اشخاص مشروحه در مرقومه نمره ۱۶۷۳/۴۴۵، صادره از اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی، تحقیقات کاملی به عمل بیاورد.

۱. رئیس نظمیه کشور (سرتیپ، سرلشکر) محمد صادق کوپال (سالار نظام) بود. از ۱۳ آذر ۱۳۰۸ تا ۲۷ آذر ۱۳۰۹

۲. همه جا در اصل: نفت - پرس آذنت یا نفت ایران و آذربایجان، اداره‌ای بود که نفت و بنزین قفقاز را در ایران پخش می‌کرد.

حسب الامر مبارک از اردبیل، نمین، پيله سوار و آستارا بازدید، اطلاعاتی که از سابقه اشخاص به دست آورده ذیلاً به عرض می‌رساند:

۱- میرزا بیوک آقا وهاب‌زاده: شخص مذکور اصلاً اهل اردبیل و از تجار معتبر آن جا محسوب می‌شود. مشارالیه سابقاً در حزب دمکرات بوده و با دمکراتهای تبریز مربوط و با آنها کار می‌کرده فعلاً نیز در عقیده خود باقی، شخصاً آدم صحیح‌العمل و طرف توجه عامه و مامورین دولتی می‌باشد. مدیریت دارالایتام اردبیل با اوست، به عضویت کمیسیون بلدی نیز انتخاب شده بود. از قرار معلوم استعفا داده است. به هیچ وجه نظر سوء در قسمت سیاسی به او متوجه نمی‌شود. مدعی است شخص متدین و وطن‌پرست می‌باشد. با مسلک کمونیستی منتها درجه ضد می‌باشد.

۲- میرزا غلام جودت؛ صاحب امتیاز روزنامه جودت است. فعلاً در دفتر احصائیه اردبیل مشغول خدمت می‌باشد. در اردبیل طرف سوء ظن عده‌ای از مطلعین اهالی می‌باشد که برای روسها کار می‌کند. در سال ۱۳۰۵ [۱] و ۱۳۰۶ [۱] از اردبیل با دستور فتنسولگری شوروی جمعیتی به اسم مجمع سعادت تشکیل شده بوده، مشارالیه و برادرانش، حسن آقا حبیب‌الهی و نصرت آقا جزو هیات امنای محسوب می‌شدند. حسن آقا فعلاً مطبوعه روزنامه جودت را اداره می‌کند. نصرت آقا فعلاً در اداره برق شهرداری مستخدم می‌باشد. از قرار خبر غیر مستقیم، مشارالیه مدتی در بادکوبه در اداره روزنامه و دفاتر دولتی شوروی خدمت کرده است. در صورت تصویب، شرحی به اداره کل تشیکلات نظمیه مملکتی نوشته شود که عملیات نصرت آقا را تحت نظر قرار دهند. نظر به این که اردبیل تقریباً سرحد محسوب می‌شود، اقامت اشخاص فوق مضر است، مخصوصاً تغییر پست جودت به داخله مملکت ایجاب می‌کند.

۳- یوسف سینانی: در چشمه باشی اردبیل وجود ندارد و ممکن است مقصود نویسنده، یوسف سیابی، پسر نایب سیاب بوده، مشارالیه جزو جمعیت مجمع سعادت و پیوسته با میرزا غلام جودت و برادرانش معاشرت داشته و از قرار اطلاع واصله، حسین نام سرابی، مستخدم پرس آذنت اردبیل که یکی از کارکنان معروف روسها است معاشرت می‌نموده. طبق اطلاع حاصله مشارالیه در قسمت فوج سوار ساخلو خیاو به خدمت پذیرفته شده است و با^۱ آقای یاور نیساری کفیل قوای نظامی اردبیل مذاکره بود که به مامورین نظامی پيله سوار دستور لازم در مراقبت عملیات او صادر کنند.

۴ - مشهدی مجید نام در جمعه مسجد اردبیل که سابقه سوئی داشته باشد، کسی نشان نمی‌دهد. مطابق تقریر ضیائی، مامور تأمینات اردبیل، یک نفر مشهدی مجید نوّه حاجی صلاح در محل مذکور سکنی داشته. مشارالیه عمویی دارد موسوم به مهدی که مظنون به ارتباط با کارکنان شوروی بوده به عنوان آن که او هم با عمویش اغلب [دیده شده] مورد سوء ظن واقع گردیده، چندی است که شخص مذکور و عمویش به مشکین رفته و مشغول داده و ستد می‌باشد. با فرمانداری اردبیل مذاکره شود، دستور کافی در مراقبت مشارالیه به مامورین محلی داده شود.

۵ - آقا رضا عتیقه‌چی: مشارالیه در بازار اردبیل دکان عتیقه فروشی دارد و نسبت به خود دارای تمول و سرمایه، نظر به این که اکثر با اشخاص مظنون مراده دارد و در دکان او جمع می‌شوند، مورد ظن واقع گردیده. به نظمیّه اردبیل [دستور] داده شد که اعمال شخص مذکور را تحت نظر قرار دهند.

۶ - مشهدی حسین پسر میرزاییک: از شخص مشارالیه تا حال چیزی مشاهده نشده. خودش تا یک سال قبل پیوسته با تذکره از حدود پيله سوار و آستارا به روسیه مسافرت می‌نموده. میرزا مصطفی، شوهر خواهرش، از کارکنان دولت شوروی، چند سال است که در لنکران به خدمت رسمی شوروی مشغول است.

۷ - امیر حسین بیک یلاق: در سال ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ در نمین و قرای سرحدات آن حدود و آستارا، یک تشکیلات کمونیستی بوده که عده کثیری از اهالی نمین و قرای سرحدی دخالت داشته‌اند. جمعی از ترس و پیش‌بینی آتیه و جمعی برای استفاده شخصی، داخل کمیته مزبور می‌شوند. شخص مذکور از روسای تشکیلات محسوب و جداً برای پیشرفت مسلک کمونیستی کار می‌کرده. از لنکران و بادکوبه [به] مشارالیه تعلیمات لازم داده می‌شد. مدتی هم به روسیه مسافرت کرده، در حدود دو ماه متوقف بوده، پس از استیلای قوای دولتی، از طرف حکومت وقت دستگیر و چند روز توقیف بوده که در اثر آن شعبه کمیته اردبیل که با ریاست دکتر زاکاریان، تبعه شوروی تشکیل شده بود، آن دکتر و رفقاییش از طرف حکومت به روسیه تبعید می‌شوند. شخص مذکور پس از استخلاص به تبریز و تهران مسافرت نموده، چندی قبل نظمیّه اردبیل خانه او [و] چند خانه دیگر را تفتیش، مقداری اوراق، دایر به عملیات او کشف نموده، من جمله دفترچه‌ای به دست آمده که پاره‌ای وقایعات آن ایام را یادداشت کرده بود. از این رو معلوم می‌شود که مشارالیه در عملیات و عقیده خود باقی، نظر به اقتضای وقت و مواظبت

مامورین دولت، سکوت اختیار نمود. در نظر این جانب باید مشارالیه و امثال او همیشه تحت نظر بوده، با مشاهده جزئی حرکتی مخالف مصالح مملکت از سر حد دور نمایند.

۸- احمد نام که قابل توجه باشد در نمین وجود ندارد. فقط یک نفر احمدنام که برادر زاده عبدالله بیک و در کمیته بالشویکی رئیس بوده، پس از انحلال تشکیلات، چند نفری از افراد کمیته به روسیه مسافرت و از قرار، چندی قبل در بادکوبه فوت کرده است.

۹- میرزا ایوب خان، برادرزاده مصباح الملک: مشارالیه در سال ۱۳۰۰ و [۱] ۳۰۱ در هیأت رئیسه کمیته بالشویکی، رئیس بوده و در سال مزبور، دوسه نفر نماینده از طرف روسیه به نمین وارد و مستقیماً به خانه او وارد شده، مهر مخصوص برای کمیته و در حدود ۲۰۰ تومان وجه نقد برای پیشرفت مقاصد کمیته آورده بودند. مبلغ مزبور حیف و میل و مهرها را به میر عبدالله بیک، صدر کمیته که ۴ یا ۵ سال قبل فوت کرده تحویل می دهند. پس از انحلال تشکیلات کمونیستی، اگرچه از مشارالیه حرکات ظن آوری مشاهده نشده، ولی از آن جایی که در نمین مامور دولتی وجود نداشته، ممکن است دارای عملیاتی نیز بوده باشد. بنابراین نمی توان به کلی رفع سوء ظن نمود. مقتضی است به مامورین محل دستور لازم، دایر به تعقیب اعمال و افعال مشارالیه صادر گردد و فعلا که در آستارا اقامت داشته، به نظمیة محل دستور لازم داده شد که عملیات او را تحت نظر قرار دهد.

۱۰- میرزا پاشا، تحویلدار گمرک؛ مشارالیه اصلاً آستارائی و مدتهاست که در اداره گمرک آستارا مشغول خدمت می باشد. سابق داخل حزب دمکرات و با کمیته مرکزی تبریز مربوط بوده. در سال ۱۹۲۱ [۱۳۰۰ ش]. موقع ورود قوای بالشویکی به آستارا از شهر فرار، مدتی در اردبیل بوده، بعداً به آستارا مراجعت و از خدمت گمرکی مستعفی شده، مشغول تجارت می شود. پس از تخلیه قوای بالشویکی از آستارا به عنوان تجارت به روسیه مسافرت و مدتی در بادکوبه و مسکو مشغول تجارت بوده، از آن جا به بندر پهلوی مراجعت و تقریباً مدت دو سال مشغول [فعالتهای] کمونیستی^۱ شده، از آن جا به آستارا آمده، مجدداً به خدمت گمرک داخل می شود. در ضمن در آستاراعده ای از جوانان را به دور خود جمع، جمعیتی به نام هیات تئاترال تشکیل می دهد. خود میرزا پاشا رئیس هیات، منتخب و جلسات عدیده تشکیل می دهند. اگرچه ظاهراً راجع به تیاتر و تهذیب اخلاق مذاکره می نمودند، ولی از عملیاتشان معلوم بوده که در امور سیاسی نیز دخالت داشته اند. در دوره ششم انتخابات دارالشورای ملی، میرزا پاشا از

طرف هیات کاندید وکالت می شود و برای پیشرفت مقصود، جلسات متعددی در منزل جلیل ستارزاده که از کارکنان مهم دولت شوروی و فعلاً در لنکران و بادکوبه دارای شغل‌های مهم است، تشکیل و مخارج گزافی متحمل گردیده‌اند. در صورتی که ستارزاده و میرزا پاشا، قادر به تأدیه مخارج مکفی بوده‌اند، ظن قوی می‌رفته که این مخارج از طرف عمال دولت شوروی تأدیه می‌شده است. به علاوه جمعیت مزبور مرکب از اشخاصی بوده‌اند که در انقلابات بالشویکی اشتراک داشته‌اند. گرچه مدت دو سال است عملیات ظن‌آوری از او مشاهده نشده، ولی عقیده عده‌ای از اهالی محل بر این است که به واسطه مراقبت مامورین دولت، ظاهراً دخالتی ندارد. به عقیده این جانب بودن اشخاص بد سابقه و مظنون در ادارت دولتی، مخصوصاً نقاط سرحدی مقتضی نمی‌باشد. با مراتب معروضه، تغییر پست مشارالیه به محل دیگر ایجاب می‌کند.

۱۱ - میر ایوب معلم: مشارالیه اصلاً آستارائی و جزو معلمین مدرسه حکیم نظامی آستارا* بوده، علاوه بر این که در انقلاب شرکت داشته، نهایت جدیت و مساعدت در ورود انقلابیون به خاک ایران نموده و در موقع خروج بالشویک‌ها از سرحد با آنها فرار و به روسیه می‌رود. پس از چند سال که امنیت سر تا سر مملکت را فراگرفته، مجدداً به آستارا مراجعت، به سمت معلمی داخل خدمت مدرسه می‌شود و به هیات تئاترال و فوتبالیست آستارا که میرزا پاشا تشکیل داده بود داخل و از جوانان فارغ‌التحصیل با خود همراه نموده، داخل جمعیت مزبور می‌نماید. در سال ۱۳۰۵ وزارت معارف از عملیات او مستحضر، تلگرافاً از میرزا صفراًقازاده سبیل نوعی را از خدمت منفضل می‌نمایند. هر دو نفر به تهران مسافرت، از قرار مسموع به وسیله سلیمان میرزا حکم ابقای خود را صادر و به آستارا برمی‌گردند. پس از مراجعت، دوباره عملیات سابق خود را شروع و ادامه می‌دهد تا در زمستان ۱۳۰۶ که آقای امیر لشکر خزاعی به آستارا آمده و تحقیقاتی از وضعیت سرحد می‌کند، از عملیات آنها مستحضر، گویا انفصال آنها را از مرکز تقاضا و بعد از چند روز حکم انفصال آنها از خدمت معارف صادر می‌شود. میر ایوب، پس از چند روز توقف در آستارا برای تعقیب خدمت خود به تهران عزیمت، با وسایل مقتضی برای خود سند خدمت صادر و تقاضای شغل می‌کند. وزارتخانه با مراجعت مشارالیه به آستارا موافقت نکرده با سمت معلمی به آبادان اعزام می‌دارند. با مراجعه به راپرتهای نظمیه آستارا که به مرکز ناحیه تقدیم داشته است، میر ایوب شبها از طریق غیر مجاز به آستارای روس رفته و با مامورین آنها ملاقات نموده است. طبق اطلاعاتی که اخیراً رسیده است، دو ماه قبل در تعطیل تابستان مدارس میرایوب از آبادان به گرگان رود اردبیل و آستارا آمده و در ضمن مسافرت،

تبلیغاتی در حدود طولانش نموده. گویا مبلغی وجه از ادارهٔ شیلات دریافت، در حدود گروگان رود در قصبات چوبار، هویق [و] خطبه سرا بین چند نفر از اهالی که طرف سوء ظن مطلعین محل بوده‌اند تقسیم نموده است. این موضوع فوق‌العاده قابل توجه و حایز اهمیت است. در صورت تصویب رأی مبارک، شرحی به نظمیهٔ آبادان و رشت صادر شود که افعال و اعمال مدت اقامت او را در محل ماموریت خود و مسافرتی که فوقاً عوض شد، کاملاً تحقیق و تحت تعقیب قرار دهند.

۱۲- میرزا جی معلم؛ شخصی به این اسم در مدرسهٔ آستارا نیست. ممکن است میرزا حاجی نادری باشد که در تحریر سقط حروف شده است. مشارالیه اصلاً آستارائی و مدتی است در مدرسه آستارا مشغول معلمی است. موقعی که میرزا پاشا، جمعیت جوانان هیات تئاترال و فوتبالیستهای آستارا [را] تشکیل داده بود، او نیز داخل جمعیت مزبور بوده و با آنها کار می‌کرده است. غیر از این فقره، عملیاتی که قابل توجه باشد مشاهده نشد. آنچه تحقیق شده، دو سه سال است معاشرت خود را با اشخاص مظنون متروک داشته، فقط با میرزا محمدحسین، محاسب بلدی که خانه‌شان به هم متصل است و او شخص مظنون و در مرقومهٔ نمرهٔ ۱ اسمش ذکر شده، معاشرت دارد. از نظر این جانب اگر سابقاً دارای عملیاتی بوده، چندی است متروک داشته.

۱۳- میرزا محمدحسین، مستخدم بلدی: مشارالیه اصلاً آستارایی، محاسب بلدید و دفتر ادارهٔ حکومتی را نیز اداره می‌کند. در جمعیت هیات تئاترال که در مادهٔ میرزا پاشا ذکر شد، سمت منشی‌گری داشته، از کلیهٔ عملیات جمعیت مزبور با اطلاع می‌باشد. معاشرتش با اشخاص مظنون بوده، در قضیهٔ قتل احمدبیک مهاجر، مشارالیه و میرزا عبدالرحیم معلم، احمدبیک را به منزل صادق خان زمانی بوده، پس از چند ساعت توقف از منزل خارج و از یکدیگر جدا می‌شوند که چند دقیقه بعد احمدبیک را کشته‌اند (دوسیه قضیهٔ قتل در همان موقع به مرکز ناحیه ارسال شده). نظمیهٔ آستارا مشارالیه را سریعاً دستگیر، چون مدرکی به دست نیاورده مرخص می‌کنند. و در ضمن تفتیش منزلش اشیایی به دست آمده بود که داس و چکش را آرزو کرده. مطابق تحقیقاتی که شفاهاً از پاره‌ای اهالی محل به عمل آورده، قویاً مظنون به عقیدهٔ کمونیستی است. فعلاً هم با اشخاص مظنون می‌باشد و نظمیهٔ محل کاملاً از او مظنون و تحت نظر قرار داده است. خیلی جای تعجب است که چنین شخص بد سابقهٔ مظنون، در ادارهٔ

حکومتی و بلدیة شغل رسمی دارا و اسرار اداره حکومتی به او سپرده شده. به عقیده این جانب اقامت در سرحد داشتن شغل رسمی در ادارات دولتی به هیچ وجه مقتضی نبوده و اخراج از حدود سرحدی ایجاب می نماید. نظر به این که از تبعید مشارالیه تظاهراتی به نظر نیاید، ممکن است محل خدمت او را در یکی از نقاط داخلی مملکت تعیین و اعزام گردد.

۱۴ - میرزا صفر آقازاده سبجل نوعی: شخص مذکور در سال ۱۳۰۰ و ۳۰۱ [۱] که قوای بالشویکی به خاک ایران تجاوز و در آستارا، کمیته انقلاب تشکیل داده بودند، مشارالیه در انقلاب اشتراک نموده، مطابق مدارکی که فعلاً در نظمیۀ آستارا موجود است، منشی کمیته بوده و از قرار اطلاع حاصله اهالی را تهدید و تطمیع نموده، به مساعدت کمیته دعوت می نمود. پس از رفع غائله که قوای بالشویک آستارا را تخلیه نمود، در معیت آنها از آستارا خارج شده، به رشت و پهلوی رفته، در انقلاب آن جا شرکت می نماید و مدتی از طرف آنها در ادارات حکومتی و گمرکات مصدر کار بوده. پس از رفع غائله که نمایندگان دولت شوروی، جمعیت اتحاد کارگران [را] تشکیل دادند، داخل جمعیت مزبور شده، تقریباً ریاست فعلیه و کارگران را داشته. از قرار مسموع مبلغی پول کارگران را حیف [و] میل نموده، مورد تهدید کارگران می شود. از آن جا فرار، به آستارا می آید و با سمت معلمی داخل خدمت مدرسه می شود. در ضمن داخل هیات تئاترال شده از اعضای رئیسه محسوب، چنانچه در ماده ۱۰ شرح داده شده، در عملیات آنها شرکت می کرده است و طوری که در ماده ۱۱ این راپرت معروض شده، در سال ۱۳۰۵ از خدمت در وزارت معارف به اتفاق میرایوب منفصل می شود. پس از انفصال از خدمت معارف، فرقه اجتماعیهون عامیون را در آستارا تشکیل، از افراد جمعی تئاترال خارج و داخل فرقه می کند. پس از چندی که در آستارا بیکار می ماند، رعایای دهات ملکی محمد باقر خان مصباح المک نمینی را تحریک و تلقین می کند که اراضی قراء را، اراضی جنگلی قلمداد و به عنوان آن که خودشان آباد کرده اند، ادعای خرده^۱ مالکی بکنند. پس از آن که این فکر را در کله بعضی از متنفذین قراء جای می دهد، به وسیله علی خان طالشی که از متنفذین و با او منسوب است، از رعایا وکالت می کرد که رفته، در عدلیۀ تهران حکم خرده مالکی آنها را صادر کند، مبلغ صد تومان حق الوکاله پیشکی گرفته، قرار می گذارد، ماهیانه ۴۰ الی ۵۰ تومان در تهران به او برسانند. در تهران رفته، مدت ۱۴ الی ۱۵ ماه اقامت کرده، سند خدمت برای خود تهیه کرده و وزارتخانه با استخدام او در سرحد موافقت نکرده، به مشهد و یا اطراف آن با ماهی ۳۲ تومان،

خدمت رجوع می‌کنند. مشارالیه قبول نکرده به آستارا مراجعت نموده، به رعایا می‌گوید: عمل در عدلیه اردبیل حل خواهد شد. چند ماهی در آستارا مانده و مدتها به اطراف مسافرات می‌نموده، املاک مصباح‌الملک که مدتی بود از طرف شعبه ۴ عدلیه تهران در مقابل ۲ هزار تومان توقیف بوده، سه ماه قبل رفع توقیف می‌شود. خیلی از رعایا اطاعت کرده و خیلی دیگر به تحریک میرزا صفر تمکین کرده، تمرد می‌کنند. طبق امریه اداره حرب لشکر شمال غرب، خانه میرزا صفر تفتیش، مقداری اوراق که شامل بر عملیات سوء او بوده، کشف، با خود مشارالیه به تبریز می‌فرستد. فعلاً در اداره لشکری توقیف و تحت محاکمه می‌باشد. آنچه از عملیات او به نظر می‌آید، آدم ناراحتی است و تصور می‌رود اگر مستخلص و به آستارا مراجعت کند، عملیات سابق خود را ادامه خواهد داد. به عقیده این بنده، هرگاه بخواهند او را مرخص نمایند، باید از مراجعت به آستارا ممانعت نموده، به محل خدمت جدید خود که از طرف وزارت مربوطه اش تعیین شده برود و همیشه مامورین محل مراقب اعمال او باشند.

۱۵ - صادق خان، پسر حاجی خان: مشارالیه در میان عموم جماعت آستارا، حتی مامورین دولت معروف به بالشویکی است و با کارکنان سرحد دولت شوروی مربوط. در تشکیلات هیات تئاترال که میرزاپاشا، تحویلدار گمرک تشکیل داده بود و در فرقه اجتماعیون که میرزا صفر آقا زاده، رئیس آن بوده، عضویت داشته، مطابق اطلاعاتی که نظمیه محل می‌دهد [با] جلیل ستارزاده که از مقلدین و جاسوسین زبردست دولت شوروی و در اثر تعقیب مامورین نظمیه به روسیه فرار کرده [و] فعلاً از مستخدمین رسمی آنها محسوب می‌باشد، کاملاً دوست بوده، حتی در زمان تصدی محمودخان نقاش‌زاده که رضاقلی خان، وکیل فراری اردبیل در آن موقع در آستارا بوده، جلیل ستارزاده با دو نفر از مامورین شوروی به خاک ایران عودت و از این طرف، صادق خان و رضاقلی خان با آنها ملاقاتهای محرمانه نموده‌اند. همچنین در انتشار پاره‌ای مجلات مضره (بیرق انقلاب) تحت تعقیب واقع شده که در نتیجه اظهار داشته است که: غلام نام جوهرچی که فعلاً فراری و در روسیه است، می‌گوید که جلیل ستارزاده با دو نفر دیگر مسلحاً به ایران آمده و مجلات را با خود آورده بودند؛ بنا به تقریر رئیس نظمیه محل، مشارالیه کاملاً با غلام مربوط بوده و غلام اوراق منتشره را شبانه جمع‌آوری کرده و هیچ‌کسی از مضمون آنها اطلاع نداشته. شبی صادق خان در حالت مستی مندرجات مجله را گفته است. بنا به مراتب فوق به طور حتم صادق خان و رفقای از کارکنان و مامورین شوروی [بوده] به واسطه وضعیات جنگی سرحد و نبودن کشتیهای منظم، جلوگیری از عملیات آنها خیلی مشکل. چنانچه نظمیه

محل ضمن راپرت نمرة ۲۱۱ معروض داشته، تبعید بعضی از آنها مخصوصاً صادق خان، نهایت ضرورت را دارد.

۱۶ - خداداد خان، برادر صادق خان: مشارالیه سابقه سوء ندارد، سهل است که در زمان ورود قوای بالشویکی به آستارا، خداداد خان تا آخر با آنها جنگیده و دو نفر از آستارائیه که بیشتر به پیشرفت مرام کمونیستی خدمت می نمودند، یکی را در جنگ کشته و دیگری را مجروح کرده است که فعلاً نیز در حال حیات و چلاق است و به جهت این که برادرش صادق خان با اجنبیها کار می کند با او شدیداً ضدیت نموده، ولی فعلاً دو سال است که در اثر مجالست با برادر خود و رفقاییش مختصر تغییر اخلاق یافته و با مظنونین این حدود معاشرت پیدا کرده، تصور می رود به خاطر برادرش باشد. چنانچه این معاشرت را متروک دارد به هیچ وجه نظر سوء به او متوجه نیست.

۱۷ - محمدحسین شهبازی که در مرقومه نمرة ۱۶۷۳/۴۴۸ قید شده در آستارا وجود ندارد و شاید مقصود نویسنده، محمدعلی شهبازی باشد. مشارالیه نیز در موقع ورود بالشویکها به سرحدات شمالی در انقلاب شرکت داشته، پس از رفع غائله که قوای اجانب خاک ایران را تخلیه نمودند، او هم با آنها به روسیه رفته، مدتی مشغول کار بوده، بعداً به آستارا مراجعت، در مالیه مستخدم می شود. در جمعیت هیات تئاترال کار کرده، اغلب معاشرتش با اشخاص مظنون بوده، به واسطه سوء سلوک از خدمت مالیه اخراج، دو سال قبل در دفتر سجل احوال آستارا استخدام، پس از یک سال، مأمور توزیع ورقه هویت طولش شده، به جرم اختلاس از خدمت معلق، فعلاً در بندر پهلوی مهمانخانه دارد و عملیات قابل توجهی نکرده، در صورت تصویب، به نظمیة بندر پهلوی، شرحی نوشته شود که سابقه او را در آن حدود تحقیق، اعمال و افعالش را تحت نظر قرار دهند.

۱۸ - فروس لوله کلانی که در مرقومه قید شده، در آستارا وجود ندارد و شاید مقصود نویسنده فرضی نونه کرانی بوده. مشارالیه در آستارا مقیم و دکان بقالی دارد. در نظر اکثر اهالی و نظمیة محل دارای عقیده کمونیستی می باشد و از اعضای مهمه هیات تئاترال و اجتماعيون بوده و اکثر معاشرتش با اشخاص مظنون که اسامی آنها در مراسله نمرة ۱۶۷۳/۴۴۸ قید شده بوده، به عنوان آن که معامله نفت می کند، همیشه با تجارتخانه پرس آذنفیت مراوده دارد و آنچه شنیده می شود، عده ای از مظنونین دارای حقوق می باشند که به وسیله قبض از طرف پرس آذنفیت تأدیه می شد. در قضیه قتل احمدبیک مظنوناً دستگیر، چون مدرکی به دست نیامده آزاد

می‌شود. به طوری که احساس می‌شود، مشارالیه از عاملین مهم شوروی در آستارا می‌باشد. دور کردن او از سرحد، ضرورت تام دارد. طبق اطلاعاتی که رسیده، روسها برای کشتن احمدبیک مهاجر، هزار پوط نفت به مشارالیه داده‌اند که اخیراً قضیه کشف و از طرف نظمیّه تحت تعقیب است.

۱۹ - مشهدی غنی، پسر حاجی آقا بالا: مشارالیه از هیأت رئیسه جمعیت تئاترال و در فرقه اجتماعیون عضویت داشته. در قضیه قتل احمدبیک مهاجر مظلوماً دستگیر، طبق اظهارات رئیس نظمیّه محل شفاهاً پاره‌ای مطالب، از قبیل تشکیل فرقه اجتماعیون و مقدمه چینی بعضیها برای قتل احمدبیک از قبیل صادق خان و عزت خیاط و آقا فرضی نونه کرانی و غلام جوهرچی (غلام فراری، فعلاً در روسیه است) به اطلاع جلیل ستارزاده می‌بوده و ضمناً استمهال نموده که فردای همان روز اطلاعات خود را بگوید که در روی کاغذ نوشته شود. در همان شب خود را آتش زده که قریب به موت بوده، برای معالجه به رشت عزیمت، پس از بهبودی، مراجعت نموده، به کلی اظهارات شفاهی خود را تکذیب نمود. قریب یک سال است که معاشرت خود را با سایرین متروک داشته. غیر از صادق خان که با او منسوب است آنچه به تحقیق پیوسته، در عقیده خود باقی، ولی ظاهراً بی طرف و حرکات خود را متروک کرده است.

۲۰ - آقا عینی دلاک: در آستارا وجود ندارد. ممکن است مقصود نویسنده آقا علی دلاک باشد. مشارالیه در انقلابات ۱۳۰۰ شرکت داشته، اغلب اشخاص مظنون به دکان او جمع می‌شوند. طوری که شنیده می‌شود، اکثر تبادل افکار در دکان او به عمل می‌آید. دکان او همیشه تحت نظر نظمیّه است. دستور لازم به نظمیّه محل داده شده است که با وسایل مقتضی از مذاکرات آنها اطلاع حاصل [کرده] و تعقیب نماید. عملیات قابل توجهی نکرده است.

۲۱ - تقی، برادرش آقا علی سلمانی؛ تقی نام برادر ندارد. فقط یک نفر برادر دارد موسوم به میرزا حاجی معلم که شرح حال او در ماده ۱۲ ذکر شده است.

۲۲ - میرزا ابراهیم باغچه‌سرای: باغچه سرا در ربیع فرسخی آستارا واقع است. در ایام ورود قوای بالشویکی به آستارا جزو مجاهدین و با انقلابیون جنگ می‌کرد و با زور از اهالی مخارج تفنگ و فشنگ می‌گرفته. پس از رفع انقلاب و حصول امنیت به آستارا آمده، فعلاً نیز در آن جا سکونت دارد. موقعی که میرزا پاشا جمعیت هیات تئاترال [را] تشکیل داده، جزو هیات رئیسه و عامل محسوب می‌شد و در تمام عملیات با میرزا پاشا و میر ایوب و سایرین کار می‌کرد. در اواخر ۱۳۰۵ [۱] برای رفع حجاب در باغ ملی نطق مفصلی نموده و اهالی را مثل همسایه [شمالی]

به رفع حجاب ترغیب و تحریض می‌نموده. در سال ۱۳۰۷ میرزا پاشا به عنوان این که مستخدم گمرک است از ریاست جمعیت استعفا، میرزا ابراهیم مذکور به ریاست انتخاب می‌شود. تا اوایل ۱۳۰۸ اغلب معاشرت‌ش با او و اشخاص مظنون بوده، فعلاً قریب دو سال است که به کلی مراوده خود را با اشخاص متروک، در آستارا و اطراف آن علاقه ملکی دارند. مشغول زراعت است. در پیشرفت مرام کمونیستی اقدامی نکرده است. آنچه شنیده می‌شود آدم مفسد و دو به هم زنی است.

۲۳ - عزت خیاط: فعلاً در آستارا مقیم، به شغل خیاطی مشغول می‌باشد. از هیات رئیسه جمعیت تئاترال و عضو فرقه اجتماعیون بوده. به طوری که در اطراف مشارالیه تحقیق شده تا دو سال قبل اغلب مامورین سرحد شوروی به عنوان دوختن لباس در دکان او تردد داشته‌اند، حتی گاهی که از بادکوبه و لنکران بعضی از مامورین دولت شوروی به آستارای روس می‌آمدند، مجازاً به آستارای ایران عبور و به عنوان تهیه لباس به دکان او آمد و رفت می‌نمودند و فعلاً هم با مستخدمین شیلات و پرس آذنفست مراوده دارد. در قضیه قتل احمدبیک، مظنوناً دستگیرش می‌نمایند. موقعی که مامورین برای جلب و تفتیش او می‌روند، به محض آن که مامورین را از دور مشاهده می‌کند، پارچه کاغذی را برده، در آشپزخانه آتش می‌زند. سوخته کاغذ را عیناً با خودش به نظمی می‌برند. طوری که در میان اهالی مشهور است، مشارالیه از طرفداران جدی مرام کمونیستی می‌باشد. با مراتب معروضه، اقامت او در سرحد مقتضی نبوده و به عنوانی باید از آستارا خارج نمود.

۲۴ - غلامحسین پسر کربلایی رحمت: در آستارا نیست، یک نفر غلامحسین پسر کربلایی رحمان است، از جمله مظنونین آستارا به شمار می‌رود. مطابق مدارکی که در نظمی آستارا موجود است، شخص مذکور در موقع ورود قوای بالشویکی به آستارا که کمیته انقلاب تشکیل داده بود، در کمیته مزبور عضویت داشته، همچنین در هیات تئاترال و فرقه اجتماعیون کار کرده و از اعضای مهم بوده است و با اشخاص مظنون از قبیل صادق خان و مرتضی پسر حاجی علی، تبعه دولت شوروی که متهم به جاسوسی است و سایر اشخاص معاشرت داشته و فعلاً نیز به همان ترتیب معاشرت می‌کند. چون شخص مذکور مجرد و علاقه در آستارا ندارد و به علاوه اکثری از اهالی و حتی نظمی محل هم او را قویاً مظنون می‌دانند، اقامت او در سرحد مقتضی نبوده، هر قدر زودتر از سرحد دور شود، مقرون به صواب است.

۲۵ - حسین آقا نورالهی: در آستارا وجود ندارد. ممکن است علی آقا نورالهی، پسر علی

اصغر نورالهی باشد. از شخص مذکور تاکنون حرکاتی که حالت سوء ظن باشد مشاهده نشده و به اجتماعات نیز داخل نشده، پدرش از تجار طبقه اول و محترم آستارا می‌باشد. با روسیه تجارت دارد. متجاوز از یک سال است که علی آقای مذکور را برای مدیریت تجارتخانه خود به بادکوبه فرستاده است. از قرار اطلاع حاصله چند سال قبل عده [ای] از تجار ایرانی را روسها گرفته، حبس کرده‌اند. یکی هم پسر مشارالیه بوده، چندی است که مرخص کرده ملتزمش کرده‌اند که به خارج مسافرت بکند. چون شخص مذکور خواهرزاده غلامحسین رحمانی است و او هم در تجارتخانه‌اش است و با هم معاشرت دارند، به این واسطه جزو مظنونین قلمداد کرده‌اند. در محل از مامورین و اهالی کسی مشارالیه را طرف سوء ظن نمی‌داند.

۲۶ - میرزا رحمان حبیب‌الهی که در مرقومه صادره قید شده، در آستارا وجود ندارد. ممکن است مقصود نویسنده میرزا رحمان داداش‌زاده، مستخدم پرس آذنت باشد و مشارالیه تبعه دولت شوروی و از مستخدمین طبقه اول و طرف اعتماد روسای پرس آذنت آستارا می‌باشد. ضمناً با اغلب اشخاص که در این راپرت سابقه‌شان معروض گردید، مباشرت دارد. در نظر نظمیة محل و اکثر از اهالی از عمال مهم دولت شوروی و مظنون به جاسوسی می‌باشد.

۲۷ - احمد آقا نام که در مرقومه صادره قید شده، شخصی به این اسم که قابل توجه باشد کسی نشان نمی‌دهد. به نظمیة محل تعلیمات لازم داده شد که تحقیقات کاملی نموده، نتیجه را اطلاع دهد.

۲۸ - بهمن بیک یورتچی، پسر محمدحسین بیک که یکی از روسای ایل یورتچی می‌باشد. شخصاً دارای عقیده بهائی بوده، اکثر در منزل مشارالیه جلسات تشکیل و عده‌ای از مبلغین بهائی به قریه مزبور، به منزل او می‌روند. مشارالیه دارای سه پسر که یکی از آنها نوروزخان، در قشون دولت شوروی مشغول خدمت و برادرش شفیع‌خان، در روسیه به حساب دولت مشارالیه‌ها مشغول تحصیل است. اکثر، برادر و پسرش با او مکاتبه دارند. تحقیقاتی که به عمل آمده، دلایلی که مظنونیت مشارالیه را دایر به داشتن مرام کمونیستی ثابت نماید موجود نمی‌باشد. نظر به موقعیت محلی و ارتباط مشارالیه با برادر و پسرش در روسیه، لازم است به مامورین محلی دستور لازم صادر شود که عملیات آنها را تحت مراقبت کامل قرار دهند.

رئیس تأمینات، سلطان نصرت‌الله خان آزاد راد.

۴۳

وزارت داخله، ۲ اسفند ۱۳۰۹، نمره ۴۶۳، محرمانه

ایالت جلیه آذربایجان

سواد راپرت اداره تشکیلات نظمیه، لفأ ارسال می شود که نسبت به مطالب آن اقدامات لازمه به عمل آورده و نتیجه را اطلاع دهید.

۴۴

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره اطلاعات،

۲۹ بهمن ۱۳۰۹، نمره ۳۶۶۷/۱۲۰۴

مقام محترم وزارت جلیه داخله^۱

نظمیه تبریز طبق راپرت مأمور اعزامی به حدود جلفا، برای تحقیق کشف تشکیلات کمونیستی که ذیل نمره ۲۷۶۸/۸۶۱ به استحضار آن وزارت جلیه رسانید، راپرت می دهد، اهالی نسبت به وضعیت حاضر مملکت خوش بین و عموماً به دعاگویی و بقای ذات اقدس ملوکانه ارواحنافداه، اشتغال دارند، با کمال دلگرمی به امور رعیتی خودشان مشغول می باشند، ولی اهالی عملدار و گرگر [و] توابع آن از رفتار بعضی از مأمورین دوایر دولتی از قبیل حکومت و مالیه ناراضی و به خوبی به امور آنها رسیدگی نمی شود و طرز رفتار رعایا با مالکین خوب نبوده، در مواقع مطالبه مالیات و حقوق اربابی تحت عنوان این که سر برهنه پیاده به تهران خواهیم رفت، از خود رفع ظلم می نماییم، مالکین را تهدید کرده، بدین وسیله در بدهی خودشان تحقیفی می گیرند. برای این موضوع توجهی لازم دارد و اغلب زارعین حدود فوق، برای فلاح پنبه، تخم آن را از مؤسسه پرس فلوپک خریداری کرده و ضمناً مؤسسه مذکور، شرایطی نسبت به آنها قایل شده که در باطن مساعدت مالی در حق زارعین به عمل می آورد. در نتیجه فلاحین نسبت به آن مؤسسه خوش بین هستند و مأمورین شوروی نیز به هر نحوی است طبقات پست را نسبت به خودشان جلب می کنند. رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی

۱. علی منصور (منصورالملک) وزیر داخله در کابینه سوم و چهارم مهدی قلی هدایت از ۳۰ دی ۱۳۰۹ تا ۶ بهمن

[حاشیه]: محرمانه، سواد به ایالت آذربایجان ارسال شود که نسبت به مطالب مندرجه در راپرت اقدامات لازمه به عمل آورده، نتیجه را اطلاع دهند.

به نظمیه نوشته شود که به ایالت آذربایجان دستور داده شده در مورد مطالب راپرت نظمیه ایالتی اقداماتی که لازم است به عمل بیاورند و از پاره‌ای جریانات نامطلوب به طور مؤثر جلوگیری کنند. اداره اول

۴۵

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، ۱۷ فروردین ۱۳۱۰، نمره ۶۲، محرمانه

مقام محترم وزارت جلیله داخله

مرقومه ۴۶۳ - ۹/۱۲/۲ با ملفوف آن راجع به شکایت اهالی علمدار و گزرگر از بعضی مأمورین دولتی زیارت شد. مراتب از حکومت مرنند و جلفا تحقیق، اینک جوابی که داده، سواد آن با سواد ملفوف لفاً برای استحضار خاطر محترم تقدیم می‌گردد. باز هم مشغول تحقیقات می‌باشد، نتیجه را به عرض خواهد رسانید. مخصوصاً برای جلوگیری از پاره‌ای تحریکات سیاسی، اخیراً ۱۷ نفر مهاجر که در علمدار شهمار و شجاع ساکن بودند از آنجا اخراج و به نقاط داخلی مرکزی و همچنین به بعضی شهرها و بلوکات آذربایجان از قبیل مراغه، گرمرو و مشکین اعزام شده‌اند. [امضا] نادر آراسته [مهر ایالت آذربایجان]

۴۶

وزارت داخله، راپرت حکومت مرنند، ۸ فروردین ۱۳۱۰، نمره ۱۶۷۵، محرمانه

بعدالعنوان - با زیارت نمره ۱۸۳۸۷ تحقیق قضیه به ریاست نظمیه جلفا مراجعه، شرحی که جواباً راپرت می‌دهد، سوادش لفاً تقدیم گردید. حکومت مرنند و جلفا لطفی

۴۷

وزارت داخله، راپرت نظمیه جلفا، ۳۰ اسفند ۱۳۰۹، نمره ۱۹۷۱

بعدالعنوان - عطف به نمره ۱۶۷۴، مورخه ۹/۱۲/۲۱، خاطر عالی را مستحضر می‌دارد، در حومه مسئولیت این اداره کسی از وضعیات مأمورین دولتی ناراضی و شاکی نبوده و اهالی آن از

تأدیة حقوق دولتی و اربابی مسامحه ندارند و ابداً حرف تهدید در میان نیست.
رئیس نظمیه جلفا شاملو

۴۸

وزارت داخله، اداره سیاسی، ۳۰ آذر ۱۳۰۹، نمره ۸۴۴

ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی^۱

سواد یک فقره راپرت نظمیه تبریز، راجع به عملیات مامورین قنسولی دولت شوروی، لفاً
برای استحضار خاطر مبارک تقدیم می شود.

[امضا]

۴۹

راپرت نظمیه تبریز

۱- ژنرال قنسولگری شوروی، پس از انفصال سرگی ایوانویچ سیچوف، ژنرال قنسول سابق
و مراجعت مشارالیه به روسیه چندی ساکواره لیدزه گرجی، ویس قنسول به کفالت منصوب
گردید که بعداً الکساندر و الکویچ، اتاشه سفارت شوروی [در] تهران به کفالت قنسولگری وارد
و ویس قنسول مذکور با خانم خود به روسیه رفت.

الف- ساکواره لیدزه، چندماه قبل از حرکت خود عملیات او کاملاً روشن گردید و معلوم بود
که همواره در تجسس است. اشخاص را خصوصاً از عناصر ارامنه، اعم از زن و مرد [و] از
دختران جوان به چنگ خود آورده، به وسیله آنها هرگونه اطلاعات راجع به عملیات ارامنه
معروف به داشناکها به عمل آورد و همین طور در قسمت مهاجرین اطلاعات کسب می کرد. مشار
الیه قبل از حرکتش با والری یوکان ایمرادزه که به جای او آمده بود در اتومبیل گردش کرده و
رفقای خود را به او معرفی می نمود و اکثر نقاط شهر را به او نشان می داد. ساکواره لیدزه آدم
خراجی بود و اعتبار کاملی هم در صرف و جوهات و فراهم داشتن مهمانی و تعیش و تفنن

۱. منظور میرزا حسین خان شکوه (شکوه الملک) است که در ۱۱ آبان ۱۳۰۶ به ریاست دفتر مخصوص شاه منصوب شد.

داشت و یکی از عمال مهم شوروی محسوب می شد.

ب - الکساندر والکویچ مذکور در فوق، ۳۵ روز مدیریت قنصلگری را داشت که پس از ورود ایوان الکس پطرف، ژنرال قنصل شوروی به تهران عزیمت نمود. مشارالیه شخصی است ملایم و خوش اخلاق با حسن محاوره. فارسی قدری حرف می زند، کمی نیز فرانسه بلد است، نژاداً روس است. در مدت اقامتش در تبریز، عملیات سوئی از او مشهود نگردید و خیلی مراقب بود که از عمال شوروی حرکات برخلاف مقررات بروز نکند. در ضمن عمل، تفتیشاتی هم نسبت به کارهای گذشته می کرد و نیز در موقع ملاقات که تصادف کرد، اظهار نمود: من مسئول عملیات اسلاف خود نیستم ولی حتی الامکان سعی خواهم کرد که هیچ گونه سوء تفاهمی رخ نداده و کارها از روی مقررات جریان یابد.

ج - ایوان الکس پطرف ژنرال قنصل شوروی از تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۱۲ مشغول کار شده. شخصی است خوش اخلاق و خنده رو و ظاهراً آدم ساده و متملقی به نظر می رسد. مشارالیه نژاداً روس است و گفته می شود که یهودی نیست. خانمش نیز روس نژاد می باشد و خیلی معقول به نظر می رسد. چون مدتی در کرمانشاهان مأموریت داشته فارسی را نسبتاً خوب می فهمد و حرف می زند. خانمش نیز به شرح ایضاً. پطرف مذکور قدری فرانسه می داند و زبان انگلیسی را خوب حرف می زند و می فهمد، متنها از حیث لهجه قدری خوب نیست. در مدت اقامت خود حرکات قابل توجهی از او بروز نکرده و به طوری که محسوس است به امورات گذشته واری می کند و از مترجم قنصلگری که رضایوف و یک عضو جدی اشتراکی است در کارها شور می نماید. نسبت به امور شعبات تجارتی شوروی ذی علاقه بوده و مکرراً با موسسات مراوده داشته به وضعیات رسیدگی می نماید. همواره مراقبت خواهد داشت که هرگاه برخلاف وظایف خود رفتار نماید راپرت عرض شود.

د - والری یوکان ایمرادزه - به سمت ویس قنصولی معرفی شده مشغول کار است و در این که مشارالیه همان وظایفی را عهده دار است که سلف او انجام می داده حرفی نیست. اگرچه حرکات جالب توجهی از وی بروز نکرده و چند ماهی به عنوان نقاقت مزاج از قنصلگری کمتر بیرون می آید، ولی به طوری که از خارج و داخل اطلاع حاصل شد مشغول مطالعه دوسیه های سابق قسمت خود بوده و چندان مرضی نداشته چنان که پس از یک رشته مطالعات یک مرتبه به تفلیس رفته مراجعت نمود. مشارالیه نژاداً گرجی است، زبان ارمنی هم می داند. تحصیلاتش به زبان روسی شده نسبتاً جوان است و ظاهراً چندان آدم زرنگی مثل سلف خود به نظر نمی رسد،

ولی ممکن است شخص متین و توداری بوده باشد. مشارالیه کمتر از سلف خود حرف می‌زند. اختیاراتش به قراری که اطلاع حاصل شد در حدود اختیارات ویس قنسل سابق است و چنان که در موقع مخصوصی اظهار داشته نسبت به عملیات سلف خود قدری منتقد بوده و گفته است: من تاکنون مشغول مطالعه بودم و بعد از این شروع به اقدام خواهم کرد و نگفته نماند که قنسل شوروی تاکنون در تمام ملاقاتها و دید و بازدید با مشارالیه همراه بوده و مثل این می‌ماند که در قضایا باید توأم کار بکنند. گرجی مزبور عیاش است، در صرف مشروب و خراجی مضایقه ندارد. رقصهای چرکسی را خوب بلد است و در مهمانیها و مجالس در این قسمت طرف توجه است. خانمش هم از تهران اخیراً مراجعت کرده و در خود قنسلگری منزل دارند.

ه- گراویدن فرانس بطرویچ که به سمت نایب قنسولی معرفی شده، مشارالیه شخصی است قوی‌هیکل و خوش‌ظاهر ولی در محاوره قدری خشن به نظر می‌آید. از حیث سن متوسط به مهمانی و عیاشی میل مفرطی دارد و مشروب زیاد مصرف کرده، اغلب از حال طبیعی خارج می‌شود. عملیات مشارالیه در مدت اقامتش تحت مراقبت بوده. محسوس است که مشاغل الکساندر نازین معاون سابق قنسلگری محول به مشارالیه می‌باشد و کلیه استخبارات عمومی و پاره‌ای انتشارات و تبلیغات به وسیله او به عمل می‌آید. زبان ترکی قدری می‌فهمد و مختصری نیز انگلیسی بلد است. میل مفرطی به شکار دارد و اغلب پی این کار است. خانمی دارد نژاداً یهودی و میل مفرطی به نقاشی و سایر قسمتهای صنایع مستظرفه دارد. گفته می‌شود که خانم مزبور یکی از عمال مهمه (گ. پ. ثو) می‌باشد. هنوز کارهای مهمی از مشارالیه و شوهرش بروز نکرده و همواره مراقبت کامل به عمل می‌آید. گفته شده است که عمل گراودین مذکور جنبه نظامی هم دارد.

در خاتمه به عرض می‌رساند که در سنوات سابق. قنسلگری تبریز کسی [را] به عنوان ویس قنسولی نداشت. در پنج سال پیش که بنده به ماموریت آذربایجان مفتخر شدم قنسلگری مزبور دارای یک نفر قنسل و یا نایب قنسل بود. یکی از نواب طوماس نام ارمنی بوده که کارش دائماً مراوده به ادارات دولتی - که در آن وقت ممنوع نبوده - و بردن سفارشات قنسل و ضمناً کسب پاره‌ای اطلاعات با مذاکره با عمال ادارات دولتی می‌بود، این شخص تماس غریبی با همه داشت و قنسلگری از وجودش استفاده کاملی می‌کرد. مشارالیه سوابق مفصلی دارد و به قرار اطلاع فعلاً در سفارت تهران است. نایب دیگر عبارت بود از میناسیان که یکی از عمال

(گ. پ. ئو) و قدرتش بالاتر از قدرت قنصل بود که عملیاتش در اثر نشریات عابداف^۱ مکشوف و یک مرتبه به روسیه فرار کرد. طوماس نیز در آن موقع تبدیل به تهران شده. قنصل هم که عوض شده به جای او سیچوف با مترجمی رضایوف از گیلان تبدیل و منصوب گردیدند. در این موقع ابرام اف که قفقازی و مسلمان بود به نیابت به تبریز آمد و امور (گ. پ. ئو) نیز به او محول گردید. چون مشارالیه در گیلان سوابق طولانی داشت و عملیات سوءاش مکشوف بود در اثر اقدامات به زودی تغییر یافت و سلايوف ارمین به جای او آمده مدتی مشغول عملیات بوده. چون ارامنه را بیشتر به خود جلب نمود، مورد بغض فرقه داشناک گردیده، ضمناً کارهایش روشن شده، مغرول و به روسیه رفت. از آن به بعد قنصلگری تبریز دارای یک ویس قنصل و دو نایب قنصل گردید و این توسعه در امر قنصلگری به نظر فدوی به جز ضرررسانی نتیجه دیگری ندارد و این که مصرند ویس قنصولی را مخصوصاً از نژاد گرجی انتخاب نمایند، موضوعی است قابل توجه، زیرا عده‌ای از اتباع روس گرجی نژاد در ایران هستند که در آذربایجان و چند نقاط دیگر که از سابق به ایران مهاجرت کرده مقیم شده‌اند و یا این که اخیراً به عناوینی فرار نموده و یا از خدمت شورویان در ایران صرف نظر کرده با تشبثاتی اقامت گزیده‌اند. به طوری که محسوس است - اگرچه اثباتش خیلی مشکل است - این قبیل گرجیها یک رابطه خیلی محرمانه دقیقی با ویس قنصلهای گرجی نژاد داشته و پاره‌ای عملیات مهمه را عهده‌دارند که هنوز به خوبی مکشوف نگردیده و به عقیده فدوی قابل توجه و ملاحظه می‌باشد.

۵۰

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، سواد راپرت بندرگز،

نظمیه تبریز، ۱۰ دی ۱۳۰۹، نمره ۱۶۷

مقام عالی ریاست محترم تشکیلات کل نظمیه مملکتی^۲ دامت شوکته

ضمن مرقومه محترمه نمره ۷۰۷-۲۴۳۴ که مقرر فرموده‌اند، روسها به وسایل مختلفه برای پیشرفت مرام کمونیستی مشغول تبلیغات هستند و از قرار، اورا قی هم تهیه کرده‌اند که در

۱. به احتمال قوی منظور گزارشگر نظمیه از عابداف همان آقابکف است که در خاطرات خود گوشه‌ای از فعالیتهای میناسیان را آشکار کرده است. بنگرید به: «خاطرات آقابکف، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، چاپ اول، انتشارات پیام، صص ۱۲۶-۱۳۱.

۲. رئیس نظمیه کل مملکتی (سرتیپ، سرلشکر) فضل‌الله زاهدی بود. از ۲۷ آذر ۱۳۰۹ تا ۲ فروردین ۱۳۱۰

ولایات بین کارگران و دهاقین توزیع نمایند و مقرر گشته است به وسیله مامورین مخفی عملیات و پروپاگاندهای مضره آنها را عقیم گذارده، عمال و کارکنان آنها را تحت نظر قرار داده و نتیجه به عرض برسد. محترماً معروض می دارد، به طوری که سوابق امر در اداره جلیله کل تشکیلات نظمیه مملکتی موجود است، اولاً اساس تأسیس شعبات تجارتي و موسسات شوروی در کلیه نقاط ایران و آذربایجان در روی همین موضوع است و جز پیشرفت تبلیغات و استخبارات و غیره مقصود دیگری را ندارند. چنانچه همواره در صدد هستند، موسسات خود را توسعه داده و غالباً با استخدام مستخدمین، اعم از مسلمان و مسیحی و اتباع شوروی در ایران و تطمیع آنان با حقوقهای کافی به مقاصد خود نایل آیند، ولی به طوری که تاکنون به تجربه رسیده و محسوس است افکار و عملیاتشان در آذربایجان چندان مؤثر واقع نشده، گرچه غالب مستخدمین مؤسسات مزبور، اشخاص بی بضاعت بوده و از نقطه نظر استیصال و تامین معاش خود ظاهراً مجبور هستند، همواره مطیع اراده آنان بوده باشند، ولی در اثر مراقبتهایی که در اطراف امر به عمل می آید، عملیات سوئی علناً مشهود نگردیده ولی بدیهی است، نمی توان کاملاً نسبت به آنها مطمئن شد. از طرفی هم اغلب روسا و معاونین و عمال مهم موسسات شوروی از اعضای منتخبه (کپائو) اداره سیاسی دولتی هستند که در ظاهر ماموریت آنان رشته تجارت، ولی باطناً مامور سیاسی و سیمت مبلغی و استخباری دارند. به علاوه تأسیس شعبات پرس آذنفث و بروپرس و شرق، در نقاط مختلفه آذربایجان، بهترین وسیله تماس و اصطکاک متصدیان مزبور با اهالی است. چنانچه رؤسا و معاونین مذکور غالباً به عنوان سرکشی و بازدید قسمتهای مربوطه متناوباً به نقاط مختلفه که جالب توجه است، ایاب و ذهاب دارند و ضمناً مرجع اصلی آنان قنسولگریهای شوروی است که در بعضی از ولایات و خود تبریز دایر است و اغلب در کلوب اتباع شوروی که از چندین سال پیش در تبریز تأسیس گردیده، در مواقع خصوصی و غیره راجع به پیشرفت مرام خود پاره ای مذاکرات و تظاهراتی می نمایند که برای جلوگیری آن نیز راپرتهای متعددی به عرض رسیده، ولی اقدامی که مؤثر شود به عمل نیامده و کما فی السابق وضعیت کلوب مزبور به حال خود باقی است و مطابق اطلاع حاصله اخیراً، اسم (کپائو) را در ایران تغییر داده و به نام «دوپر» اداره استخبارات سیاسی نامیده و مقصودشان اینست که به وسیله تشکیلات مزبور در ایران بین کارگران و کارفرمایان و اغنیا و فقرا اختلافاتی تولید نموده و عقاید مضره خود را در قلوب توده جماعت رسوخ داده، استفاده کند. در این صورت و برای جلوگیری از این گونه جریانات بهترین وسیله آنست که دستور لازم به نمایندگان دولت شاهنشاهی ایران مقیم روسیه

صادر گردد، اشخاصی را که مامورین شوروی به عناوینی به ایران تبعید و ممکن است در بین [آنها] اشخاصی پیدا شوند که دارای ماموریت‌های مخصوص بوده باشند، به‌طورکلی هویت و سوابق آنها را تحت مطالعه قراردادده و به محض ورود آنها به ایران به وسایل مقتضیه اطلاع دهنده تا مامورین مربوطه بتوانند از روی بصیرت مراقب آنها باشند.

در قسمت انتشار اوراق بین کارگران و دهاقین نیز تاکنون به جز ورقه‌های خطی که ابراهیم نام خیاط، انتشار داده و مراتب ضمن معروضه نمره ۲۶۲۴/۳۷۹ - ۹/۸/۲۹ به عرض آن مقام عالی رسیده است، سابقه‌ای به دست نیامده، بدیهی است در تعقیب امر، نهایت مراقبت به عمل خواهد آمد تا به‌طور کامل از پاره‌ای پیش آمده‌های سوء جلوگیری شود.

رئیس نظمیۀ ناحیۀ شمال غرب

۵۱

وزارت امور خارجه - اداره جماهیر شوروی، ۲ اردی بهشت ۱۳۱۰، نمره ۲۵۸، محرمانه

وزارت جلیله داخله

به‌قرار اظهار کارکنان سفارت کبرای شوروی، دیروز تلگرافی از بندر پهلوی به سفارت رسید، مبنی بر این که سه نفر تبعۀ ایران که یکی از آنها مامور گمرک بوده است جبراً وارد کلوپ شوروی شده و مجسمۀ لنین را شکسته، رفته‌اند. متمنی است غدغن فرمایند، تلگرافاً از کیفیت قضیه و علل این پیش آمد استفسار و این وزارتخانه را مستحضر دارند.

عنایتی. [امضا]، [مهر وزارت خارجه]

[حاشیه]: فوراً با تلگراف رمز تحقیق و کیفیت قضیه استعلام شده، همچنین سؤال شود که در صورت صحت چه اقداماتی به عمل آورده‌اند. اداره اول

۵۲

وزارت داخله - حکومت گیلان و طوالش - ۵ اردی بهشت ۱۳۱۰، نمره ۱۷۱۵، محرمانه

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

در تعقیب معروضه تلگرافی نمره ۱۵۹۷ - ۱۰/۲/۴، اینک سواد توضیحات نمره ۴۴۸ - ۱۰/۲/۴ آقای ارفع حاکم سابق بندرپهلوی به انضمام سواد صورت راپرت نظمیۀ آنجا ضمیمه

برای استحضار خاطر مبارک تقدیم می‌گردد^۱ و ضمناً هم متذکر می‌شود که در قسمت مربوطه از آقای یاور مظفری حاکم جدید آن‌جا نیز استیضاح به عمل آمده پس از وصول جواب مراتب را ثانیاً معروض خواهد داشت.

کفیل حکومت گیلان دبیر سیاقی - [امضا]

[حاشیه]: اداره اول - سواد راپرت نظمیه پهلوی با سواد راپرت حکومت آن‌جا (با حذف قسمتهایی که مربوط به ایراد نسبت به نظمیه محل می‌باشد) در جواب مراسله وزارت امور خارجه، ارسال و اشعار می‌شود به‌طوری که ملاحظه می‌فرمایند قضیه به کلی ساده و اتفاقی بوده و سفارت کبرای شوروی بی‌جهت آن را طور دیگر جلوه داد بودند.

۵۳

وزارت داخله، حکومت گیلان و طوالش، راپرت آقای ارفع، حاکم سابق بندر پهلوی،

۴ اردی بهشت ۱۳۱۰، نمره ۴۴۸، محرمانه

بعدالعنوان - در تعقیب راپرت و توضیحات شفاهی که حضوراً راجع به مجسمه لنین به عرض رسانیده‌ام، کتباً نیز خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد، مطابق راپرت نمره ۹۶ اداره نظمیه که سواد آن لغاً تقدیم می‌شود، در لیلۀ اول اردی بهشت که در کلوپ شوروی سینما بوده، حسین نام واکسی و علی، فراش گمرک به واسطه اتمام بلیط در بوفه و سالن کلوپ ایستاده، در حالت مستی با هم شوخی می‌کردند. تصادفاً تنه ایشان به مجسمه لنین برخورد کرده شکسته است به‌طوری که از راپرت اداره نظمیه استنباط می‌فرمایند، خود عمال و متصدیان کلوپ شوروی، به این پیش‌آمد چندان اهمیت نمی‌دهند و حتی مسیو جرنی کین معاون کلوپ اظهار داشته که: در منزل او هم در اثر غفلت پسرش یکی از این مجسمه‌ها بوده، افتاده، شکسته است و هیچ یک از عمال شوروی در بندر پهلوی از این موضوع شکایت نکرده‌اند، فقط چیزی که هست اداره نظمیه درامر تأمینات و انتظامات غازیان، مخصوصاً کلوپ شوروی در شب سینما غفلت کرده، این غفلت در امر انتظامات و حفظ نکات نزاکت رفتار مردم در شهر باید با دست مأمورین نظمیه اجرا شود. تصدیق می‌فرمایید حاکم منفرداً جز نظارت در جریان امورات مهم اولیه و حفظ حسن روابط ودقت در امر پلتیک و حسن اجرای قوانین، غیر ممکن است که درعین حال پلیس مؤاخذ رفتار فرداً فرداً اهالی هم در ساعت معین باشد. توجه بفرمایید، این جانب در عرض یک

۱. متن گزارش نظمیه بندرپهلوی به سبب همانندی با گزارش بالا حذف شد.

سال حکومت پهلوی چنان که به اوراق راپرتهای محرمانه سیاسی و غیرسیاسی مراجعه شود، بدون اغراق اولین مأمور بودم که پس از طی تجربیات مأموریت سیاسی خارجه در داخله، آن هم در سرحد مملکت حاکم و مأموراول دولت بودم. زحمات یک ساله این جانب نباید در اثر غفلت مأمورین وظیفه‌شناس نظمیه از بین برود. اینها مسائلی است که باید مورد توجه مقامات عالی‌مرکزی واقع گردد، والا با جریانات امروزه وضعیت مأمورین خلف بنده چه خواهد بود.

ارفع [امضا]

۵۴

وزارت داخله، استخراج تلگراف رمز تبریز، ۳۱ فروردین ۱۳۰۹، نمره ۹۳

وزارت جلیله داخله

جنرال قنسول شوروی اخیراً در شکایت از ارامنه دانشناکسیون، مذاکراتی نموده و مراسله‌ای نوشته، دایر به این که ارامنه مزبور، تبلیغات و تشبثات ضد شوروی دارند. حتی هیأتی برای سوء قصد به اعضای جنرال قنسلوگری تشکیل داده‌اند و اسامی چند نفر را هم در مراسله [خود] نوشته است. اگرچه با مراقبت خاصی که نسبت به ارامنه و مهاجرین به عمل می‌آید، به هیچ وجه موردی برای چنین عنواناتی فراهم نمی‌شود و در همین زمینه جوابهای مقتضی [و] اطمینان بخش شفاهاً ایراد گردید، مع هذا، به نظمیه تاکید شده که کاملاً مراقب و مواظب باشند. جواب مختصری هم به همین مضمون نوشته خواهد شد. آنچه استنباط می‌شود، روسها در صدد هستند اخباری را که راجع به حوادث جاریه مملکت خودشان در این جا یا به وسیله مهاجرین یا جراید خارجه منتشر می‌شود، مربوط به تشکیلات ضد شوروی نموده، عاری از حقیقت جلوه بدهند، والا از طرف مأمورین آذربایجان رعایت بی‌طرفی و جلوگیری از تشبثات سیاسی ارامنه و مهاجرین و غیره در حدود وظایف احتراز و اقدام کافی معمول است.

منصور^۱

[حاشیه]: اداره اول، سواد این تلگراف را به وزارت خارجه بفرستید و همچنین به وزارت دربار.

۵۵

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، مراسله ژنرال قنصلگری شوروی،
۱۰ آوریل ۱۹۳۰ [فروردین ۱۳۰۹]، نمره د - پ / ۱..

حضور شریف ایالت جلیله آذربایجان

در مذاکرات عیدیه شفاهی با آن دوست محترم و همچنین با ریاست محترم نظمیه آذربایجان، نظر شریف دوستان استظهاری را به وجود تشکیلات جدی ضد شوروی در تبریز یعنی، حزب داشناکسیون که عملیات آن فی الجمله در روزنامه داشناکها که در این جا بسط انتشار دارد [و] درج می شود، معطوف داشته است. چنانچه به استحضار خاطر شریف رسانیده است، عملیات ضد شوروی تشکیلات مزبور، اخیراً شدت خاصی پیدا کرده و خصوصاً دو هفته قبل هیأتی از حزب داشناک با نیت سوء قصد نسبت به اعضای ژنرال قنصلگری تشکیل یافته و مبتکر عمده تشکیلات هیأت مذکوره خاچیک ملکومینانس از مهاجرین خاک شوروی که عضو حزب داشناکسیون و نماینده روزنامه، هاراج^۱، منطبعه پاریس داشناکهاست. اعضای هیأت:

- ۱ - مینوک سعدیانس، از فداییان داشناک و مهاجر.
- ۲ - مانوک، عضو حزب داشناکسیون، صاحب دکان کفشدوزی در جنب تلگرافخانه هند و اروپاست.
- ۳ - آراقره خانیانس، مهمانخانچی، مقیم جلفای ایران.
- ۴ - میکائیل بابایف، صاحب منصب سابق روس که فعلاً در تبریز به شغل شوفری مشغول است.
- ۵ - برادر و عموزادگان مکائیل مذکور، بعضاً از مهاجرین خاک شوروی.
- ۶ - یک نفر معلم داشناک و غیره که اسامی آنها فعلاً برژنرال قنصلگری معلوم نیست.

۱. اصل: اراج، روزنامه‌ها راج، را «شاوارش میساکیان» (۱۸۸۴ - ۱۹۵۷) در سال ۱۹۲۴ در پاریس تأسیس و منتشر کرد. این روزنامه را در حال حاضر دختر میساکیان منتشر می‌کند.

۵۶

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، سواد جوابیه ایالتی،
۶ اردی بهشت ۱۳۰۹، نمره ۱۹۹

آقای ژنرال قنسول

مراسله شریفه، مورخه ۲۱ فروردین ماه، مشعر بر اظهار نگرانی از رفتار بعضی ارامنه داشتاک با صورت اسامی آنها و اصل گردید. همان طور که دوستدار در طی مذاکرات حضوری مفصلاً خاطر نشان ساخته و همواره مشهود بوده است، عملیاتی را که اشعار فرموده اید، در این جا برای هیچ کس مجاز نیست و از طرف مامورین مربوطه کمال مراقبت در این مورد معمول است. تصور می رود پاره ای انتشارات را که از چندی قبل در افواه جریان دارد، مربوط به وجود یک نوع تشکیلات و مراکز خصوصی فرقی فرموده اید و حال آن که شیوع انتشارات مزبوره، فقط مربوط است به مهاجرینی که برخلاف میل دولت شاهنشاهی از ممالک شوروی به ایران فراراً می آیند و چون از چندی قبل عده مهاجرین مزبور رو به ازدیاد است، کثرت ورود و اوضاع و احوال آنها طبعاً شهرتهایی را در افواه تولید می نماید. به هر حال مأمورین آذربایجان موافق سیاست دولت شاهنشاهی به اقتضای روابط حسنه بین دولتين آنچه لازمه مراقبت است، مطابق وظایف خود به عمل می آورند. احترامات فائقه را تجدید می نمایم.

علی منصور

۵۷

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، ۱۴ اردی بهشت ۱۳۱۰، نمره ۲۸۲، محرمانه

مقام محترم وزارت جلیله داخله

ژنرال قنسول شوروی مقیم تبریز شرحی تحت نمره ۱۰۰۰۰۱، ۲۸ آوریل ۱۹۱۹ [۱۹] به ایالت نوشته بود که اطلاع دارد خاچیک ملکومینانس عضو حزب داشتاک در تبریز در صدد سوء قصد نسبت به اجزای ژنرال قنسلگری شوروی برآمده است فوراً مراتب به نظیمه مراجعه و دستور مؤکد برای تعقیب قضیه صادر گردید از طرف نظیمه هم اقدام به عمل آمده و نتیجه به ایالت راپرت شد بر طبق آن جواب مراسله ژنرال قنسول شوروی صادر گردید که اینک سواد مراسله

ژنرال قنسول با سواد جواب صادره تلواً برای استحضار خاطر مبارک تقدیم می‌گردد.
نادر آراسته [امضا]

[حاشیه]: اداره اول، سواد برای اطلاع وزارت امور خارجه ارسال شود. ۱۰/۲/۲

۵۸

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، مراسله ژنرال قنسولگری شوروی،
۲۸ آپریل ۱۹۳۱ [۷ اردی بهشت ۱۳۱۰، نمره] ۱۰۰۰۰۱

حضور شریف ایالت جلیله آذربایجان

مشفق محترم دوستدار چنین اطلاع دارد که یک نفر از اعضای حزب داشناک در تبریز، خاچیک ملکومینانس نماینده روزنامه هاراج در صدد سوء قصد نسبت به اجزای این ژنرال قنسولگری برآمده است. مراتب را به اطلاع خاطر شریف رسانیده، خواهشمند است اقدامات سریعه برای جلوگیری از اعمال این سوء قصد به عمل آورند دوستدار معتقد است که در صورت انجام این سوء قصد چون مأمورین محترم محلی برای جلوگیری از عملیات حزب ضد شوروی مذکوره هیچ‌گونه اقدامی اتخاذ نمی‌کنند مسولیت این عمل تماماً به عهده ایشان خواهد بود. موقع را برای تجدید مراتب احترام مغتنم می‌شمارد.

ژنرال قنسول جماهیر شوروی سوسیالیستی در تبریز سیچف

۵۹

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، سواد مشروحه ایالتی، ۱۳ اردی بهشت. ۱۳۱۰، نمره ۲۳۴

آقای ژنرال قنسول

مراسله شریفه، مورخه ۲۸ آپریل ۱۹۳۱ نمره ۱۰۰۰۰۱ دایر به این که اطلاع دارید خاچیک ملکومینانس در صدد سوء قصد نسبت به اجزای آن ژنرال قنسولگری محترم برآمده است زیب وصول داد. البته تصدیق می‌فرمایید جمله «برآمده است» وقوع قضیه را می‌رساند، در صورتی که در طی همان مراسله نوشته شده: در صورت انجام این سوء قصد... که این جمله تصریح می‌کند سوء قصد هنوز واقع نشده و در این صورت مفاد جملات فوق معنأً متناقض می‌باشد.

مع هذا برای تحقیق قضیه کشف سقم و صحت موضوع دستور لازم صادر گردید. از طرف مامورین نظمیه ایالتی اقدام و راپرتی که می دهند مشعر بر اینست: خاچیک ملکو مینانس جلب [شده] تحقیقات لازم راجع به موضوع سوء قصد به عمل آمد مشارالیه مراتب را به کلی تکذیب نموده اظهار می دارد که تاکنون به هیچ وجه پیرامون این قبیل قضایا نگشته کاملاً این نسبتها بی اساس و مبنی بر اغراض می باشد، زیرا به هیچ وجه اقدامی که برخلاف قوانین مملکتی باشد از او سر نزده و نخواهد زد. بنابراین از اداره نظمیه تقاضا می کند چون علائم و مدارکی برای اثبات این موضوع در دست نمی باشد مقرر شود اشخاصی که ادعا و اظهاراتی نسبت به موضوع سوء قصد به خاچیک داشته [اند] حضوراً در نظمیه بیان نمایند تا دوسیه عمل تکمیل و مطابق مقررات برای رسیدگی و تعقیب امر به پارکه بدایت ارسال شود. مقتضی است نظربه مراتب فوق دستور بدهند برای انجام تقاضای نظمیه اقدام سریع به عمل آید تا مطابق اصول مقرره موضوع تعقیب گردد. احترامات فائقه را تجدید می نماید.

نادر آراسته.

[مهر دایره رمز ایالت آذربایجان] مدیر رموز ایالتی اقبال رضی

۶.

وزارت امور خارجه، اداره جماهیر شوروی، ۲۸ اردی بهشت ۱۳۱۰، نمره ۴۹۵، محرمانه

وزارت جلیله داخله

مرقومه مورخه ۲۲ اردی بهشت ماه نمره ۱۵۶ صادره از اداره اول، متضمن سواد مراسله ایالت آذربایجان راجع به اظهارات ژنرال قنسل شوروی مقیم تبریز در خصوص خاچیک ملکو مینانس، زیب وصول داد. البته اقدامی که شده و جوابی که صادر گردیده صحیح بوده است و ممکن هم هست که اظهارات ژنرال قنسل بی اساس باشد، لکن^۱ احتیاطاً باید به اداره نظمیه محل دستور داد که در حرکات اشخاص مظنون مراقبتهایی داشته باشند که فرضاً کسی سوء نیتی داشته باشد نتواند انجام دهد. زیرا که اگر انجام گرفت جبران آن ممکن نخواهد بود.

[امضا]

[حاشیه]: دستور به نظمیه از طرف ایالت صادر شده است.

۶۱

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره اقامت اتباع خارجه،

۱۳ آذر ۱۰ [۱۳]، نمره ۴۶۸۹/۱۳۸۲

مقام محترم وزارت جلیله داخله

اسکندر تخم گل فروش و رحیم افتخاری، اتباع دولت شوروی روسیه که در اردبیل مشغول تبلیغات بوده و مقداری اوراق و کتب مضره از اسکندر مذکور کشف شده است. نظر به این که اقامت آنها در ایران مخالف و منافی مصالح مملکتی تشخیص داده شده و برطبق بند (ج) از ماده ۲ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه به مشارالیهما اخطار شد، پس از تصفیه امورات خود در اردبیل از خاک ایران خارج شوند. مراتب به وزارت جلیله امور خارجه اطلاع داده شده است. رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی - سرتیب آیرم

[امضا]

[حاشیه]: محرمانه، اداره اول ملاحظه فرماید ۱۰/۹/۱۴

۶۲

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه، نظمیه اصفهان، شعبه اطلاعات،

۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۱، نمره ۱۲۲۱۸۹

اداره جلیله حکومتی

چنانچه آن اداره جلیله مستحضر می باشند، طبق معمول سنواتی عمال دولت شوروی در اول ماه مه، مجالس جشن منعقد می نمایند. برای جلوگیری از شرکت اتباع دولت علیه در جشنهای مزبور، این اداره مراقبت لازمه خواهد نمود. مستدعی است حکومت جلیله نیز به نحو مقتضی اقدام فرمایند که ارامنه جلفا دعوت اتباع شوروی را در مجالس خود نپذیرند.

رئیس نظمیه اصفهان، [مهر نظمیه اصفهان]

۶۳

وزارت داخله، حکومت خوزستان، ۲۶ شهریور ۱۳۱۱، نمره ۲۵۷، محرمانه

وزارت جلیله داخله

چهار روز قبل، از طرف نظمیه خوزستان بر طبق امر تشکیلات کل نظمیه مملکتی، مشهدی علی نام کلانتراف، صراف تبعه شوروی، مقیم ناصری را دستگیر می کنند که به تهران اعزام دارند. در این موقع آقای ماتروخین، نایب قنصل شوروی که فعلاً در غیاب قنصل کفالت دارد به نظمیه مراجعه، بعد هم باینده ملاقات کرده علت توقیف تبعه شوروی را استفسار نموده و ضمناً اصرار زیاد داشت که قبل از اعزام او به مرکز اجازه داده شود با مشهدی علی ملاقات نماید. روز بعد هم که مشارالیه را حرکت داده بودند با بنده ملاقات کرده از این که تقاضای او را انجام نداده، مقصر را اعزام داشته بودند خیلی اوقات تلخ بوده و به قول خودش به این رویه که برخلاف مقررات و ترتیب و حسن روابط دولتین جاری شده پروتست کرد. البته بنده هم جواب لازم به او دادم. ولی آقای کفیل عقیده دارد به طور کلی در موقع دستگیر کردن تبعه شوروی باید قنصلگری را از علت آن فوراً مطلع نمایند. به هر حال مراتب برای استحضار خاطر محترم معروض افتاد. چون این قضیه دنباله پیدا خواهد کرد و قطعاً شرحی هم خواهند نوشت و باید جواب داده شود، لهذا مستدعی است مقرر فرمایند از جریان امر، مقامات مربوطه مرکزی را مستحضر بدارند که برای روشن شدن این قبیل قضایا دستور صریح صادر فرمایند که در موقع لزوم از همان قرار رفتار شده و در مقابل تقاضاهای مامورین خارجه جوابهای لازم داده شود و ضمناً هم از سوء تفاهمی که ممکن است در مرکز ایجاد نمایند کاملاً جلوگیری شده و جوابهای لازم داده شود. امضای نادر آراسته

۶۴

وزارت امور خارجه، اداره ممالک اروپای شرقی، ۱۴ آذر ۱۳۱۲، نمره ۳۳۶۶۲

وزارت جلیله داخله

مطابق یادداشت سفارت کبرای شوروی، چند ماه است مشهدی علی نام، تبعه شوروی در اهواز توقیف شده، و از طرف قنصلگری شوروی در محل به حکومت خوزستان مراجعه و

تاکنون علل توقیف مزبور اظهار نشده است. متمنی است مقرر فرمایید مراتب را از حکومت مشارالیها تحقیق فرموده، از نتیجه، وزارت امور خارجه را مستحضر فرمایند، جواب سفارت کبرای شوروی داده شود.

از طرف وزیر امور خارجه^۱ [امضا]

[حاشیه]: سواد برای حکومت جلیله خوزستان ارسال می‌گردد که چگونگی را تحقیق فرموده، اطلاع بدهند. ۱۲/۹/۱۸

۶۵

استخراج تلگراف رمز کرمانشاه، ۱۸ مرداد ۱۳۱۱، نمره ۶۰

وزارت جلیله داخله

امشب دو مرتبه قنصل روس به ملاقات بنده آمده، از تضيیقات نظمیه نسبت به اتباع روس فوق‌العاده شاکی و عصبانی است. از جمله تضيیقات این که مؤسسه نفت شوروی را امر کرده، فوراً بسته والا خود نظمیه مبادرت به بستن آن خواهد کرد. قضیه این است که محل مؤسسه مطابق نظامات و دستورات دولت نیست. واضح است که تجار به این حرف قانع نمی‌شوند و اقدام را کاملاً مخالف روابط دولتی می‌شمارند. می‌گویند: بر فرض عدم صلاحیت، محل یک موسسه و معاملات و آلودگیهای آن را یک مرتبه نمی‌شود با این طریق به هم زد، اخطار قبلی و فرصت لازم است که جای مناسب تهیه یا بسته شود. در این باب و سیاست عالی دولت تعلیمات به بنده نرسیده، بر فرض آن که سیاست دولت و مصالح مملکت تضيیقات را ایجاب نماید، تصدیق می‌فرمایند که در طرز عمل باید طوری که دقت شود که ضدیت علناً تلگراف شود. مستدعی است تعلیمات کافی مرحمت فرمایند که بنده در جواب اعتراضات چه بگویم.

اسدالله شهاب الدوله حکومت کرمانشاهان

[حاشیه]: مطابق تحقیقاتی که از نظمیه به عمل آمده، قضیه فقط مربوط به اجرای نظامنامه مواد محترقه است که از چند سال قبل مقرر گردیده و در تمام نقاط مجری شده است و به هیچ وجه مقصود تضيیق نیست. البته مقررات و نظامات برای همه، اعم از اتباع داخله یا خارجه واجب الاجراست و باید مؤسسه نفت شوروی هم متابعت کند. از قرار معلوم مؤسسه مزبوره نمی‌خواهد نظامنامه مزبور را متابعت کند و این عنوانات را می‌نمایند. مع هذا برای این که منتهای ارفاق شده باشد، ممکن است پنج شش روز دیگر هم مهلت داده شود، انبار خود را از حیث محل و وضعیت ساختمان، مطابق مقررات مربوطه قرار بدهند. مقصود این است، هیچ سیاستی جز اجرای نظامات در نظر نیست و نباید اشتباه کاری شود. البته به طور اجمال جواب مقتضی به مراسله آنها خواهید داد.

۱. محمد علی فروغی، وزیر امور خارجه، از ۲۳ اردی بهشت ۱۳۰۹ تا شهریور ۱۳۱۲

۶۶

وزارت داخله، استخراج تلگراف کرمانشاه، ۵ آذر ۱۳۱۱، نمره ۱۱۷

وزارت جلیله داخله

نایب اول سفارت کبرای شوروی به کرمانشاه آمده، به ملاقات بنده آمد. مدتی مذاکره می‌کرد که نسبت به اتباع و منافع روس در کرمانشاهان خوب معامله نشده، تضییقات نظمیه را نسبت به اداره نفت و توقیف مترجم قنصلگری را دلایل قانونی می‌دانست. به علاوه اظهار می‌داشت: «در اثر این اقدام همه کس از قنصلگری روس پرهیز و اجتناب می‌کند، وضعیت خوب در نظر مردم ندارند.» جوابهای لازم داده شد. اظهار داشت، «می‌خواهم از راه خرم آباد به محمره بروم و می‌گفت: دولت از مسافرت و مقصد من مستحضر» [است]. مستدعی است با مراجعه به مقامات مربوطه، اگر تعلیماتی لازم است داده شود و منظور [از] مسافرت او را اطلاع دهند. ۴ آذرماه، نمره ۱۱۷، حکومت کرمانشاه اسدالله

[حاشیه ۱]: با رئیس نظمیه به وسیله تلفن مذاکره شد. اظهار داشتند که از موضوع مسافرت این شخص به لرستان و خوزستان اطلاعی ندارند. ۱۱/۹/۵

[حاشیه ۲]: از قراری که تحقیق شد، این شخص فقط در وزارت خارجه به مدیر اداره مربوطه به طور ضمنی گفته است که: «قصد دارد برای تفتیش قنصلگریهای شوروی به صفحات جنوب مسافرت نماید.» به هرحال لازم است به امینه و نظمیه متذکر شوید که در شهرها و در عرض راه، محرمانه مراقب او باشند و در کرمانشاه، خودتان به مشارالیه شفافاً تذکر بدهید که برای رفتن به خرم آباد و خوزستان مقتضی است طریق معمولی همدان، ملایر [و] بروجرد را اختیار نماید و اگر بخواهد از الشتر برود او را منصرف سازید.

۶۷

وزارت داخله، استخراج تلگراف کرمانشاه، اول آبان ۱۳۱۱، نمره ۹۸

وزارت جلیله داخله

کشاوری، مترجم قنصلگری روس را بر حسب امراکان حرب کل، مأمورین نظمیه، مخفیانه گرفته و روانه تهران کرده‌اند. قنصل و خانواده^۱ مترجم متوحش و مستفسرند که مشارالیه مفقود شده و حقیقت قضیه را از نظمیه می‌خواهند. در جواب استیضاح قضیه، بنده و نظمیه اظهار بی‌اطلاعی کرده، مستدعی است با مراجعه به مقامات لازمه، نظریه دولت را بفهمید. آیا بالاخره

باید گفت که چون دولت، بودن او را در کرمانشاهان مخالف مصالح می دانست، او را تبعید کردند یا به کلی قائل به سکوت شد.

۳۰ مهر، حکومت کرمانشاه، شهاب الدوله

[حاشیه]: ممکن است به طوری که اشعار فرموده‌اید، شفاهاً اظهار شود که چون این شخص داخل پاره‌ای تشبثات گردیده و وجودش مضر بوده، جلب و تعقیب شده است. [امضا]

۶۸

وزارت داخله، ۳۰ شهریور ۱۳۱۱، نمره ۱۰۶۴

حکومت جلیله همدان

بر طبق راپرتهای موثقه، از چندی قبل، از طرف روسها به وسایل مختلفه در تولید بی نظمی و اغتشاش در کلیه صفحات غرب اهتمام می شود. در شهرها ساعی هستند که در محابس دست پیدا کرده، محبوسین را به فرار و طغیان وادار و در خارج از شهر میان طوایف و عشایر تحریک به راهزنی و سرقت و عصیان نموده به آنها اسلحه و فشنگ می رسانند. چنانکه اخیراً در لرستان فشنگهای روسی که جدیداً از کارخانه بیرون آمده دیده شده و مسلم است که این عملیات مدتی است دوام دارد. البته جریان این تشبثات در آن صفحات، بدون این که مامورین ایالتی ملتفت قضایا و در صدد کشف و جلوگیری آن باشند عاقبت وخیم را منتج و مسئولیت شدید را به آنها توجه می دهد که چرا غافل نهسته، در حوزه مسئولیت آنها چنین قضایای خطرناکی جریان دارد. لهذا لزوماً تذکر می دهد که باید با کمال دقت در صدد کشف وسایل و طرق این تشبثات باشید و اشخاص و مجامعی را که در این زمینه ممکن است مورد سوءظن باشند، محرمانه تحت تعقیب و تفتیش قرار داده، نیات و عملیات آنها را مکشوف سازند و در این موضوع با کمال دقت و مداومت مراقبتهای جدی به عمل آورند که هرچه زودتر قضایا کشف شود و نتیجه را اطلاع دهند. البته به حکام جزو حوزه مسئولیت خودتان دستور کافی و مؤکد در این باب صادر می فرمایید. به مأمورین نظمیه و امنیه تعلیمات لازمه داده شده است. در استانهای دیگر نیز مأمورین خودشان را اصولاً متذکر ساخته‌اند.

وزارت داخله، حکومت همدان، ۵ مهر ۱۳۱۱، نمره ۴۳۲۴، محرمانه

مقام منبع وزارت جلیله داخله، دامت شوکته

عطف به تلگراف رمز نمره ۱۰۶۴ معروض می‌دارد، از چندی قبل که شعبه سینما مایاک تهران به مدیریت یک شخص آلمانی و یک نفر رشتی در همدان دایر گردید، نظر به این که پس از چندی مشاهده شد، منافع آن نسبت به مخارجش تکافو نمی‌نماید و نیز به سبب این که ماشین جی آن روسی است، محل سوءظن واقع شده و تحت نظر تأمینات نظمیه قرار گرفت و از تهران هم از طرف تشکیلات نظمیه مامور مخصوص جهت تفتیش و تفحص در کار و عملیات آنها اعزام و مخفیانه با مامورین محلی مراقبت دارند. ولیکن تا حال هنوز مطلب مهمی غیر از این که عایدات آنها خیلی کمتر از مخارج است و با داشتن ضرر باز مداومت در کار خود دارند، فهمیده نشده و کماکان تحت نظر می‌باشند. از طرفی هم با مشاوره با رئیس امنیه و کفیل نظمیه، میدان مخصوصی جهت ورود زغال^۱ از طرف بلدیّه معلوم گردید که آنچه زغال از طرف لرستان به توسط لرها وارد همدان می‌شود، منحصراً در آن میدان وارد شود، زیرا زغال جنگلی همدان را منحصراً لرها می‌آورند و برای این که عملیات و روابط آنها کاملاً تحت نظر نظمیه و امنیه باشد به این اقدام مبادرت گردید و محرمانه مراقبت خواهد شد که اگر اسلحه و فشنگی به وسیله آنها مخفیانه حمل شود، مامورین اطلاع حاصل نمایند و از طرفی نیز دستور داده شد که روسهای مقیم همدان هم بیشتر تحت مراقبت مامورین پلیس باشند و اگر با ایرانیها و اهالی همدان مراوده دارند، معین شود که مراوده آنها از چند نظر است و مراقبت نمایند که مقاصد آنها معلوم گردد. لیکن به طوری که کفیل نظمیه اطلاع می‌دهد، عده روسها در همدان کمتر از پارسال است و کلویی هم فعلاً ندارند. اسامی چند نفر تجار همدانی که با آنها معامله دارند، تحت نظر گرفته شده و تحت مراقبت تأمینات هستند که هرگاه مطلبی کشف شود فوراً اطلاع دهند تا به عرض برسانند. و پس از وصول تلگراف رمز فوق هم مجدداً به کفیل نظمیه و به رئیس تأمینات و به رئیس امنیه دستورات لازمه داده شد و به آنها هم در این باب از مرکز دستورات تلگرافی رمزاً رسیده و ارائه نمودند. ولیکن مطلبی که قابل توجه است و بایستی به عرض برساند این است که علاوه بر آن که عده آژان این شهر بسیار کم است و برای هشتاد هزار جمعیت شهر ۹۰ نفر آژان

رسماً دارند که ۲۵ نفر آن مامور محبس و ده نفر آنها مامور ادارات و غیره و هشت نفر آنها هم سوار و جهت کارهای خارج شهر هستند. مفتش تأمینات این جا هم قلیل و تقریباً هیچ است، زیرا به طوری که رئیس تأمینات و کفیل نظمیه اظهار می دارند: فقط دو نفر مفتش تأمینات فعلاً دارند که یکی از آنها دیوانه و کم عقل است و هرچه تغییر او را از مرکز تقاضا می کنند پذیرفته نمی شود و یک نفر دیگر هم اهل محل است و اعتمادی به او ندارند. در این صورت غیر از رئیس تأمینات و یک نفر عضو محلی در این جا ماموری جهت تحقیق و تفتیش امور سیاسی و قضایای مهمه سری ندارند و به آژانهایی هم که نفری ۸۵ ریال حقوق دارند اعتمادی نیست که بتوان این گونه مطالب را به آنها رجوع نموده و حقیقت مطلب را از آنها خواست، زیرا ممکن است برخلاف حقیقت راپرت دهند. چون این مطالب مهم و قابل توجه است، محرمانه عرض نمود و مستدعی است بذل توجهی در این باب فرموده امر و مقرر فرمایند عاجلاً و به فوریت بر عده مفتش تأمینات این جا افزوده و این یک نفر مامور تأمینات را هم که مطابق اظهار رئیس تأمینات لیاقت و مشاعر صحیح ندارند، تبدیل نمایند که برای انجام او امر صادره و مراقبت سری در امور سیاسی، ایادی مطمئنه و وسایل لازمه در دسترس متصدیان امر باشد که عذری نداشته باشند و انجام وظیفه نمایند. و مستدعی است راجع به ازدیاد عده آژان شهر همدان هم که نهایت ضرورت را دارد یک تصمیم قطعی اتخاذ فرمایند که در بودجه سال ۱۳۱۲ اقلاً ۳۰ نفر آژان جهت شهر همدان و ده نفر آژان جهت قصبه اسدآباد پیش بینی و تصویب شود.

[امضا] محمدعلی اکبری، [مهر حکومت همدان]

۷۰.

وزارت داخله، حکومت گرگان، سواد مراسله قنسولگری، ۸ آبان ۱۳۱۲، نمره ۹۹

بعد العنوان - در تعقیب مراسله مورخه ۶ آبان ۱۳۱۲، نمره ۹۶، محترماً اطلاع می دهد که مطابق اطلاع واصله، مامورین گمرک و پلیس بندرگز جدیداً سه نفر از عملجات کشتی مایاق، متحرک شوروی را که برای تحصیل ارزاق ذخیره برای کشتی به ساحل پیاده شده بودند شخصاً تفتیش نموده اند. لازم نمی دانم دو مرتبه، توقیف عملیات غیرقانونی مامورین گمرک و پلیس بندرگز را چون در این خصوص اعتراض شده است متذکر شوم. لذا من تقاضا می نمایم آقای کفیل، اقدامات فوری در ممانعت از عملیات غیرقانونی و سیاست مقصرین توهین کننده به

مامورین کشتی شوروی را در نظر بگیرند.

قنصل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مقیم گرگان ن. تکاجیف

۷۱

وزارت داخله، حکومت گرگان، مراسلهٔ نظمیهٔ گرگان، ۲۷ آبان ۱۳۱۲، نمرهٔ ۵۶۴، محرمانه

کفالت محترم حکومت جلیلهٔ گرگان

در جواب نمرات ۳۳۳۰ و ۳۳۸، متضمن سواد مراسلات نمرهٔ ۹۶ و نمرهٔ ۹۹ قنصلگری شوروی راجع به شکایت از تفتیش نمودن مأمورین نظمیه اعضا و عملجات کشتی مایاق را، خاطر شریف را مستحضر می‌دارد که تفتیش اعضای کشتی بر حسب دستور مقام عالی تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی و به اتکای مادهٔ ۴ نظامنامهٔ ورود و خروج مسافری و عملجات کشتیها در بنادر است که باید در مواقع پیاده شدن به ساحل و معاودت به کشتی، اعضا و عملجات کشتی با حضور مأمورین نظمیه و گمرک تفتیش بشوند.

رئیس نظمیهٔ گرگان، نایب سرهنگ، رئوفی

۷۲

وزارت داخله، حکومت گرگان، سواد مراسلهٔ قنصلگری، ۲۵ دی ۱۳۱۲، نمرهٔ ۱۱۳

آقای کفیل محترم حکومت

من از قانون گمرک مملکتی که مطابق با قوانین مملکتهای دیگر است کاملاً مطلعم. در ادارهٔ گمرکات اشیای مسافرینی که از خارجه وارد حدود مملکت و یا به خارجه می‌روند، تفتیش می‌گردد. ولی کسی از قانونی که به موجب آن شخص کماندار و مستخدمین کشتی خارجه را در موقع پیاده شدن به خشکی مورد تفتیش که نه فقط باعث پست کننده قدر و مراتب اشخاصی که دارای مقامات معروف هستند شده، بلکه هر انسان سادهٔ عمومی می‌شود، اطلاعی ندارد. بدین جهت، آقای کفیل، من مجبورم که مراسلهٔ جوابیهٔ نمرهٔ ۳۹۹۵ تاریخ ۱۹ دی شمارا کافی ندانسته و مستقر به اعتراض از اتفاق محلی مذکورهٔ خود بوده و خواهش کنم از شما که توضیحات کاملهٔ این پیش آمد را که غیر از ارسال عملیات بین‌المللی که آقای کفیل بیهوده در تطبیق این اتفاق

نموده‌اند، مرحمت بفرمایید. احترامات فائقه را آقای کفیل بپذیرند.
 قنصل اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی مقیم گرگان ن. تکاچیف

۷۳

وزارت امور خارجه، بهمن ۱۳۱۲، نمره ندارد، محرمانه

وزارت جلیله داخله

با اعلام وصول مرقومه مورخه ۵ بهمن هذالسنه، متضمن سواد مراسله قنصلگری شوروی به حکومت گرگان، موضوع اقدام مأمورین گمرکی در تفتیش کماندان کشتی شوروی، زحمت افزا می‌شود که از سفارت کبرای شوروی نیز در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۳۳ یادداشتی در این باب به وزارت امور خارجه رسیده و با توضیح دادن قضیه تفتیش، مسیولیدف، فرمانده کشتی شوروی و سه نفر عملجات کشتی دربندر جز از طرف مأمورین گمرکی و نظمیۀ دولت شاهنشاهی تقاضای موقوف داشتن این عملیات و استفسار از عمل تفتیش شده بود. جواباً به سفارت کبرای مشارالیها نوشته شد اقدام مأمورین دولت ایران برای معاینه و تفتیش اشخاص مزبور برطبق مقررات و نظامات گمرکی بوده و هیچ‌گونه خلاف تربیتی عمل نشده است. متمنی است غدغن فرمایند، حکومت گرگان هم در همین زمینه جواب مراسله قنصلگری شوروی را صادر نماید.
 وزیر امور خارجه^۱

۷۴

وزارت داخله، حکومت استرآباد، بدون تاریخ، بدون نمره

قنصل محترم جماهیر دولت شوروی در گرگان

احتراماً در جواب نمره ۱۱۳، اشعار می‌دارد، قوانین مملکتی مادامی که نسبت به اشخاص تصریحاً وضع نشده باشد، درباره عموم افراد که در حوزه و حدود آن مملکت بوده یا وارد شده‌اند یکسان و هیچ نمی‌توان به تبعیض قائل شد. و چون این مورد هم در حکم عمومی است،

۱. منظور سیدباقر کاظمی (مهدب الدوله) است، در کابینه محمدعلی فروغی، از ۲۶ شهریور ۱۳۱۲ تا ۱۰ آذر

مذاکره در اطراف اشخاص بی‌مورد و آقای قنصل محترم با دقت نظر به موضوع منظور، مسلم است با مطابقه به مقررات بین‌المللی تصدیق خواهند نمود. احترامات فائقه را بپذیرند.

[امضا]

۷۵

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره نظمیه اصفهان، شعبه اطلاعات،
۲۰ شهریور ۱۳۱۳، نمره ۴۱۱/۲۸۶

مقام محترم حکومت جلیله، دامت شوکته

طبق راپرتهای واصله، روسها با بعضی از گرجیهای فریدن مربوط و با آنها مکاتبه دارند. چون پست فریدن غالباً از طریق خوانسار ارسال و در آنجا به علت نبودن نظمیه، نمی‌توان مراسلات آنها را مورد تفتیش قرار داد، مستدعی است مقرر فرمایید نایب الحکومه فریدن ضمن مراقبت عملیات گرجیها مکاتبات آنها را نیز غیر محسوس به وسیله پستخانه محل تحت کنترل قرار داده، عین پاکات و اوراقی که مورد سوءظن می‌باشد به اصفهان ارسال دارند که پس از ملاحظه و اقدام مقتضی اعلام شود.

رئیس نظمیه اصفهان یاور امیر ایزدی [امضا]

۷۶

وزارت داخله، اداره کل شهربانی، اداره شهربانی اصفهان، ۲۴ خرداد ۱۳۱۵، نمره ۳۳۶

حکومت اصفهان

طبق راپرت واصله چند روز است عصرها در حدود ساعت ۶ بعد از ظهر، قنصل شوروی با خانم خود روی پشت بام قنصلگری، سمتی که محازی خیابان جدید چهارباغ می‌باشد، صندلی گذارده، می‌نشیند. و در ضمن تماشای خیابان، گویا از عابرین مخصوصاً نسوانی که وضعیت لباس آنها خوب نیست، عکس برداشته‌اند. مراتب را برای اقدام مقتضی به استحضار حکومت می‌رساند.

رئیس شهربانی اصفهان یاور وقار [امضا]

۷۷

وزارت داخله، حکومت اصفهان، ۱۱ تیر ۱۳۱۵، نمره ۲۰

اداره شهربانی اصفهان

عطفاً به مراسله نمره ۳۳۶ به طوری که حضوراً مذاکره شد، اقدام در این موضوع شده است.

۷۸

ایالت خراسان، ۲۸ اسفند ۱۳۲۶، نمره ۲۶۷۲۹

ژنرال قنصلگری شاهنشاهی در عشق آباد

دو فقره عرض حال، یکی به امضای حبیب الله خراسانی و دیگری به امضای کوچک علیزاده قدیمی^۱، راجع به گرفتاری یک عده از ایرانیان در عشق آباد به استانداری رسیده. رونوشت آن به پیوست ارسال می گردد که در صورت صدق، نسبت به استخلاص و فراهم داشتن موجبات آسایش و رفاهیت آنان اقدام لازم به عمل آورده، از نتیجه استانداری را مستحضر فرمایید.

استاندارد نهم [امضا]

[حاشیه]: رونوشت نامه بالا و رونوشت دو عرض حال، محض استحضار وزارت داخله ایفاد می شود.

۷۹

ایالت خراسان

با نهایت احترام معروض می دارد، به طوری که از مهاجرین وارده از عشق آباد شوروی شنیده می شود، اخیراً در عشق آباد عده کثیری از ایرانیان مقیم بخارا، بدون کوچکترین تخطی و تخلفی شبانه دستگیر و آنها را محبوس ساخته اند که من جمله برادرزاده ها و بعضی بستگان دیگر فدوی می باشند که آن جا مشغول کسب و تجارت با افغانستان بوده اند و حالیه خانواده های آنها با وضعیت بسیار اسفناکی در آن جا زندگی می کنند. و با این که کراراً به ژنرال قنصلگری ایران در

۱. اصل: کوچک قدیمی و علیزاده

عشق‌آباد مراجعه نموده‌اند، ابداً مثرثمری نشده و بیش از پیش اتباع ایرانی آن‌جا دچار مشکلات و مصائب گردیده‌اند که تصور نمی‌رود پنهان باشد، البته در این عصر که توجهات اعلیحضرت همایونی شاهنشاه ما معطوف به رفاه حال آسایش ملت ایران است، سزاوار نیست عده‌کثیری از ایرانیان مقیم عشق‌آباد، دچار این مهالک و بدبختی شده، خانواده‌های آنها با نهایت تأسف و تأثر فلاکت و پریشانی زندگی^۱ نمایند. فدوی خود را ملزم به آن دانستم که به وسیله این عریضه، قضایا را به حضور محترم معروف و استدعا نماید، دستورات لازمه مبنی بر استخلاص این مشیت بیچارگان^۲ به مقامات مربوطه صادر فرمایند، تانیات مقدسه پدر تاجدار که همواره رفاهیت افراد ایرانی است به منصه ظهور و عمل گذارده شود. خانواده و عائله ایرانیهای محبوس از ذلت و فقر، کافه مستخلص گردند. بدیهی است مراجع لانهای و الطاف مخصوصه خود را دریغ نخواهند^۳ فرمود.

با تقدیم احترامات فائقه، کوچک عزیزاده قدیمی^۴

۸۰

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی، ۲۰ فروردین ۱۳۱۷، نمره ۱۹۷۶

وزارت داخله

در پاسخ نامه مورخه ۱۷/۱/۱۶، شماره ۱۳۳/۱۸۱۸، راجع به گرفتاری عده‌ای از اتباع دولت شاهنشاهی در عشق‌آباد، زحمت افزا می‌شود که وزارت امور خارجه برای استخلاص کلیه ایرانیانی که اخیراً در خاک شوروی به علل و جهاتی مورد تعقیب دوائر مربوطه شوروی واقع شده‌اند، اقدام کلی به عمل آورده است و به‌زودی به نتیجه مطلوبه خواهد رسید. و تدریجاً وسایل اعزامشان به میهن از طرف مامورین شاهنشاهی فراهم خواهد آمد.

از طرف کفیل وزارت امور خارجه^۵ [امضا]

۲. اصل: بیچاره‌گان

۱. اصل: زنده‌گی

۳. اصل: ناوهند

۴. عرض حال حبیب‌الله خراسانی به سبب همانندی با عرض حال کوچک عزیزاده قدیمی حذف شد.

۵. معاون وزارت امور خارجه در آن هنگام، مصطفی عدل بود. از ۹ بهمن ۱۳۱۶ تا ۱۳ تیر ۱۳۷۱.

۸۱

وزارت داخله، اداره کل امور کشور، دایره سیاسی، ۲۰ فروردین ۱۳۱۷، نمره ۳۳۶۱/۲۰۶

فرمانداری اصفهان

غدغن فرمایید فوراً رسیدگی و تعیین نمایند، قنسولگریها و ژنرال قنسولگریهای شوروی، قبل از تغییر رژیم روسیه، محوطه و ابنیه و اراضی که در آن شهرستان متصرف بوده‌اند، چند قطعه بوده و حالیه، چه قسمت از آن را در تصرف دارند. ثانیاً، در محوطه و ابنیه و اراضی که قنسولگریها و ژنرال قنسولگریها در تصرف دارند، کدامند.

ثالثاً، آیا غیر از محل مسکونی قنسولگریها و ژنرال قنسولگریها محوطه و ابنیه و اراضی دیگری را متصرفند یا خیر. و نتیجه را هرچه زودتر گزارش دهند.

به جای وزیر داخله [امضا]

۸۲

وزارت داخله، اداره کل شهربانی، اداره شهربانی اصفهان، شعبه اطلاعات، ۳۰ فروردین ۱۳۱۷، شماره ۱۳۵/۱۰۹، محرمانه

اداره فرمانداری اصفهان

عطف به نامه شماره ۱۰۷۹ - ۱۷/۱/۲۴، پیوست رونوشت مرقومه ۳۳۶۱/۲۰۶، وزارت داخله، معروض می دارد: در زمان دولت تزاری که روسها در اصفهان بودند، املاک مرحوم حاج آقا نورالله و مرحوم کمال شریعتمدار و حبیب الله امین که آنها را مخالف با عقیده و مرام خود می دانستند موقتاً متصرف و بعداً به صاحبانش مسترد گردید، ولی ابنیه و باغاتی که شخصاً از قبل از تغییر رژیم روسیه در اصفهان داشته و فعلاً هم متصرف هستند، فقط باغ و عمارت محل قنسولگری است.

کفیل شهربانی اصفهان یاور دولتشاهی [امضا]، [مهر شهربانی اصفهان]

۸۳

وزارت داخله، ۲ مهر ۱۳۱۷، نمره ۲۲۶۳

وزارت امور خارجه

عین گزارش فرمانداری رشت، راجع به رفتار مامورین شوروی، نسبت به اتباع دولت شاهنشاهی که در فنون مختلفه تخصص دارند، با ضمائم آن لفاً ایفاد می‌شود. اظهارات فرمانداری رشت و مفاد گزارشهای ضمیمه جالب توجه است. متمنی است مقرر فرمایید موضوع را مورد توجه قرار دهند [و] از همه جهات وزارت داخله را هم مستحضر فرمایند.

[امضا]

۸۴

وزارت داخله، رونوشت نامه فرمانداری رشت، ۸ شهریور ۱۳۱۷، شماره ۱۶۵۸۰

محرمانه مستقیم، به وسیله وزارت داخله، وزارت امور خارجه

دو فقره عریضه، متعلق به آقای میر محمد میر تقوی، راجع به سه نفر از برادران خود و آقای قلی ابراهیم‌زاده به فرزندش لفاً تقدیم می‌شود. به طوری که قبلاً نیز عرض شد، مامورین شوروی، نسبت به اتباع دولت شاهنشاهی، خاصه آنهایی که در فنون مختلفه، متخصص بوده و ممکن است در آتیه از وجودشان در داخله کشور استفاده‌هایی بشود فوق‌العاده آزار و اذیت روا داشته و در تحت فشار و شکنجه، جبراً می‌خواهند از آنها اقرار و اعتراف، راجع به این که به عنوان جاسوسی به منفعت دولت شاهنشاهی کار می‌کرده‌اند، اخذ نمایند که در نتیجه، محکوم به اعدام و حبس ممتد گردیده و بالاخره مانع از معاودت آنها به میهن خود شوند. از قراری که اغلب از مهاجرین نقل می‌نمایند، چندین صد نفر از این قبیل از اشخاص تحصیل کرده در حبس هستند^۱ و تحت شکنجه هستند و مقصودشان از بین بردن آنهاست. بنابراین متمنی است، مقرر فرمایند با مذاکره با سفارت شوروی و صدور تعلیمات به سفارت دولت شاهنشاهی در مسکو، موجبات استخلاص و تأمین آسایش اتباع شاهنشاهی را فراهم و نسبت به دو عریضه ملفوفه نیز نتیجه اعلام گردد که به شاکیان پاسخ لازم داده شود. با تقدیم احترامات فرماندار [محل مهر]

۸۵

وزارت داخله، ۲۶ شهریور ۱۳۱۷

فرماندار محترم شهرستان رشت

محترماً به عرض می‌رساند، آقایان میرعباس، مهندس نساجی و میرحبیب، مهندس نفت، و آقامیر، مهندس الکتریک برقی، تبعه ایران، برادران این جانب میرمحمد میر تقوی که پس از تکمیل دوره تحصیلات خودشان در لنینگراد و در مراجعت به ایران مدتی در بادکوبه مقیم شده‌اند، به طوری که جدیداً شنیده‌ام، مدت هشت ماه است، مشارالیه‌م را در بادکوبه دستگیر و در توقیف زندان نگه داشته‌اند. و تقاضا داده‌اند که جبراً باید ماده ۶۱ قانون خودشان را امضا نمایند. در صورتی که ماده ۶۱ حاکی از جاسوسی است و مشارالیه‌م نیز در امضای آن تمرّد دارند. و در نتیجه هر روز در اذیت و آزار آنها واقعند اینک از آن فرماندار محترم مستدعی است، امر فرموده به وزارت خارجه، به وسیله سفارت مسکو، شرحی مرقوم دارند که مشارالیه‌م را آزاد تا به ایران مراجعت و در ظل توجهات پدر تاجدار خود، نسبت به هم میهنان مشغول به انجام وظیفه باشند.^۱

میرمحمد میر تقوی

۸۶

وزارت داخله، ۲۶ شهریور ۱۳۱۷

جناب معظم [فرماندار] شهرستان رشت

عرض عاجزانه این جان نثار، قلی فرزند ابراهیم، ساکن رشت کوی ...^۲ خانه مشهدی جبار سمسار، آن است [که] مدت دو ماه است، فرزندم دکتر علی اکبر که معروف به علی اکبر ابراهیم اف می‌باشد که محل اقامت او را بادکوبه ...^۳ نمره خانه ۷۰ است توقیف می‌باشد. به واسطه توقیف بودن، نمی‌تواند به ایران، وطن محبوب خود بیاید. خودش گرفتار توقیف [و] عیال و اطفالش در بادکوبه سرگردان هستند.^۴ [به] تخمین در حدود پانزده روز از بندر پهلوی برای

۲. خوانده نشد

۴. اصل: است

۱. اصل: باشد

۳. خوانده نشد

استخلاص فرزندم، متوسل به آستان مبارک شده، اینک ناچارم، مجدداً توسل خود را تجدید نموده، استدعای عاجزانه چنان است، مرقوم فرمایید، ژنرال کنسولگری دولت شاهنشاهی مقیم بادکوبه، وسایل نجات فرزندم را از زندان و حرکت او را به ایران، فراهم آورده که من پیرمرد آسوده خیال و دعاگوی ذات مبارک باشم، زیرا که نود سال از عمرم می‌گذرد، در ایران کسی را ندارم، بایستی از کفالت فرزند مزبور برخوردار شوم. بقیه عرایض موکول به مراجع^۱ مبارک است. از قراری که شنیدم در بادکوبه در زندان مانده، دو مرتبه توقیف است.

۸۷

وزارت داخله، اداره کل امور کشور، ۱۵ آبان ۱۳۱۷، نمره ۲۷۴۲، محرمانه

وزارت امور خارجه

سرکنسول شوروی در بندر پهلوی، به دیدار فرماندار رشت رفته، راجع به پاره‌ای مطالب اظهاراتی نموده که عین گزارش فرمانداری را راجع به اظهارات نامبرده که جنرال آن وزارت است، لفاً ایفاد می‌دارد.

[حاشیه]: رونوشت شرح فوق برای استحضار فرمانداری رشت ایفاد می‌شود.

۸۸

وزارت داخله، رونوشت فرمانداری رشت، ۱۲ آبان ۱۳۱۷، شماره ۲۸۸، محرمانه

به وسیله جناب آقای وزیر کشور - وزارت امور خارجه

بر حسب وقتی که قبلاً معین شده بود، امروز (۱۷/۸/۱۰) ساعت نه صبح، آقای یغیاتینسکی، کفیل سابق سرکنسولگری شوروی، در دفتر فرمانداری از این جانب ملاقات، پس از آن که خودش را به سمت سرکنسولی شوروی در بندر پهلوی معرفی نمود، مطالب ذیل را اظهار و پاسخهایی که داده شده به قرار زیر بود:

۱- اظهار می‌داشت که پریروز در حالی که منشی کنسولگری سوار اتومبیل کنسولگری بوده است، پاسبان شهربانی با خشونت فوق‌العاده، پروانه راندگی شوfer را گرفته و ضبط نموده و

خواسته است که خود او نیز در دادگاه حاضر شود. در صورتی که اگر مقصود داشتن پروانهٔ رانندگی بوده، ارائهٔ آن کافی و دیگر احتیاج به یک همچو اقدام توهین آمیزی نمی بود. بر اثر این اقدام از طرف سفارت شوروی اجازه دارم که نسبت به این موضوع اعتراض نموده و تقاضا نمایم که همین امروز به این مسأله رسیدگی و تصدیق شوfer را مسترد و به این قبیل اقدامات که بر خلاف حسن روابط دولتین است خاتمه داده شود. پاسخ دادم که: «اصولاً از نظر حفظ احترام متقابل نسبت به مقررات داخلی، تصدیق خواهید نمود که اقدامات پاسبان، لابد بر اثر اجرای مقررات مربوط به رانندگی بوده است. باز هم مورد تصدیق است که اگر شوferها دارای پروانه لازم نباشند، ممکن است خطراتی که مستلزم قتل نفس باشد از آنها سر بزنند، در این صورت احتمال نقص در پروانه مشاهده شده که محتاج بررسی بوده است، با وجود این خود این جانب با رئیس شهربانی مذاکره و رسیدگی به عمل خواهم آورد.» دوباره ایشان همان اظهارات اولیه را تجدید و تعقیب نموده و اظهار داشتند که: «این اول دفعه نیست که از طرف شهربانی، این قبیل از حرکات و اقدامات دیده می شود.» بنده نیز همان جواب اول را تکرار کرده و موکول به مذاکره با ادارهٔ شهربانی نمود.

۲- اظهار می داشت: راجع به فیلمهایی که وارد می شود به وسیلهٔ گمرک به تهران حمل و در آنجا نیز معاینه شده و پس از آن به کنسولگری پهلوی فرستاده می شود. در این جا هم فقط و فقط در معرض نمایش اتباع شوروی گذارده می شود و اخیراً هم از سفارت شوروی در تهران این طور می نویسند که این مسأله به وسیلهٔ آقای فروهر، رئیس تشریفات وزارت امور خارجه، و سرکار یاور پارسا، پایه ور شهربانی، خاتمه یافته و به ما اطلاع داده اند که دیگر از طرف شهربانی بندر پهلوی، تعرض نخواهد شد. با وجود این چند شب پیش در موقعی که در باشگاه شوروی فیلمی نمایش داده می شد، مأمورین شهربانی بدون اطلاع وارد و فیلم را در وسط نمایش قطع کرده اند. در این موضوع هم با طرز متأثری اعتراض نموده، تقاضا می کرد که به قضیه خاتمه داده شده و با این که در تهران موضوع قطع و فصل می شود، دیگر هر روزه در این جا اسباب مزاحمت فراهم نیاید. پاسخ دادم که: «به شهربانی دستور لازم داده خواهد شد. حالا تمنا دارم مذاکره فرمایید که از طرف مرکز به شهربانی این جا دستور صریح صادر شود.»

۳- اظهار می کرد: برای تهیهٔ وسایل جشن عید ملی شوروی، آشپز و یکی دو نفر پیاونوزن و غیره لازم است. شهربانی آن را هم غدغن کرده که این قبیل اشخاص به کنسولگری نیابند. در

این باب هم چون موقتی و برای دوشب بوده و سابقه هم داشته جواب موافق داده و با مشورت رئیس شهربانی به بخشداری بندر پهلوی دستور لازم دادم.

۴- اظهار می داشت که: «عمارت مختصری متصل به عمارت رئیس بندر در پهلوی موجود است که یک نفر از کارمندان شوروی، برای اندازه گرفتن آب و هوا، طبق قرارداد باید در آن جا سکونت داشته باشد و الان هم دارد، چون عمارت آن جا مخروبه است و باید تجدید شود، تقاضا می نمود که از طرف شهرداری اجازه ساختمان جدیدی داده شود و اظهار می نمود که با نقشه خیلی خوبی خواهند ساخت. جواب این موضوع را موکول به چند روز دیگر نمودم. و حالا مراتب را عرض و کسب تکلیف می نماید. و چون بنای مزبور متصل به عمارت رئیس بندر و خیلی غیر مناسب است، اگر ممکن باشد مذاکره فرمایند که در روبه روی آن به همان اندازه زمین خریداری و به عوض عمارت مزبور داده شود که اگر باید تجدید بنا شود. در آن جا بشود و بالنتیجه مأمور مزبور از همسایگی عمارت رئیس بندر دور شده باشد.

۵- در چند روز پیش، گزارشی از سفارود رسید که یک بار بر شکسته در کناره سفارود یافت شده است، فوراً به اداره بندر پهلوی آگهی داده شد و اداره نامبرده نیز آن را به بندر پهلوی نقل نموده است. در این باب این طور اظهار می کرد که: یک کشتی باربر که از هشرخان به طرف بادکوبه یدک کش می شده، بر اثر طوفان شکسته، نیمی از آن را امواج به کنار بادکوبه برده که فعلاً در آن جا موجود است و نیم دیگر را به کناره سفارود انداخته است، تقاضای استرداد آن را می نمود. در این موضوع هم جواب دادم که به اداره بندر دستور داده خواهد شد که با اداره کشتی رانی مستقیماً مذاکره نمایند.

۶- اظهار می کرد که: برای جشن ملی شوروی دعوتی خواهد شد، امیدوارم دعوت را قبول خواهید نمود. چون دستور بر این است که فرماندار با معاون خود و روسای شهربانی و شهرداری می تواند حضور به هم رسانند، لهذا جواب مثبت دادم.

۷- راجع به پرچم و نمره اتومبیل کنسولگری که بر حسب دستور مرکز، شهربانی رشت برداشتن پرچم و تغییر رنگ متن پلاک را تعقیب می نمود، اظهار می داشت که: این مسأله در تهران خاتمه پیدا کرده، با وجود این شهربانی راجع به تغییر پلاک باز تعقیب می نماید. جواب دادم: «در صورتی که در مرکز خاتمه یافته باشد، به شهربانی دستور لازم داده خواهد شد.» چون شهربانی رشت در این خصوص متکی به دستور مرکز است، متمنی است، صریحاً دستور لازم از شهربانی کل به شهربانی رشت صادر نمایند که از تعرض خودداری کنند.

پس از رفتن سرکنسول شوروی، سرکار پاسیار مختاری، رئیس شهربانی شهرستان رشت را خواسته و مطالب مربوط به شهربانی را با ایشان مذاکره نمودم. اظهار می دارند که: «اقدامات شهربانی فقط بر اثر اوامر صریح مرکز و تعقیب شوfer هم نه از راه نداشتن تصدیق، بلکه در موقع تشریف فرمائی سفر اخیر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، چون از طرف مأمورین به شوfer اخطار شده بود که از سرعت سیر خودداری نماید و تمرّد نموده بود، لهذا شهربانی جلب و اعزام او را به دادگاه لازم دانسته و تصدیق را برای آن ضبط نموده بود که مشارالیه در روز مقرر حاضر شود.» در بین این مذاکرات اتفاق غیر منتظره‌ای به قرار زیر روی داد:

منشی سرکنسولگری شوروی به فرمانداری وارد و با حالت عصبانی اظهار داشت که: «شوfer را در حالی که سرکنسول داخل اتومبیل بوده، حالا شهربانی جلب نموده.» در این خصوص از رئیس شهربانی که اتفاقاً در آن موقع حضور داشت سؤال کردم، اظهار نمودند: «موقعی که سرکنسول به بازار رفته بود، مأمور شهربانی بر حسب دستور مرکز، شوfer را جلب و به دادگاه فرستاده است» و به وسیله تلفن با اداره خودشان مذاکره، معلوم شد، شوfer را به دادگاه جلب و پنجاه ریال جریمه و مرخص نموده‌اند و در همان حال هم پروانه رانندگی او مسترد گردید. ضمناً چون توقف سرکنسول در داخل اتومبیل جلوی عمارت فرمانداری به حالت انتظار شوfer غیر مطلوب بود، ایشان را دعوت نمودم، به عمارت فرمانداری آمده و تا مراجعت شوfer در عمارت توقف نمود و نسبت به این پیش آمد اظهاراتی مبنی بر: ترضیه خاطر ایشان نموده و گفتم که: «من هنوز با رئیس شهربانی داخل مذاکره نشده بودم که این اتفاق روی داد. پاسبانها هم بر حسب دستور سابق این اقدام را کرده‌اند، ولی سرکنسول فوق‌العاده عصبانی و متأثر به نظر می‌آید و قطع دارم که در این باب به مرکز شکایت خواهد نمود.

اساساً چون فرمانداری از دستوراتی که به شهربانی می‌رسد، بی اطلاع و نسبت به رویه‌ای هم که باید اتخاذ گردد، دستوری نداشته، همیشه در مذاکرات و اقدامات بلا تکلیف است. در صورتی که یک نفر از مأمورین عالی مرتبه آن وزارتخانه که پریروز به عنوان مرخصی از این جا به طرف اروپا عبور می نمود، مجرمانه این جانب را ملاقات و تقاضا می کرد که باید رفتار طوری مسالمت آمیز باشد که بهانه‌ای به دست آنها داده نشود. بنده این طور استنباط کردم، باید مذاکراتی در بین باشد که مستلزم همچو تقاضائی از فرمانداری می گردد، ولی در عین حال تصدیق بفرمایید که فرماندار به هیچ وجه من الوجوه از جریان امر اطلاعی نداشته و دستوری هم ندارد. اگر من بعد صلاح بوده و دستوری مرحمت شود که حاکی از طرز رویه و یا مشورت

رئیس شهربانی با فرماندار باشد، البته آنچه به نظر می‌رسد، در حفظ مناسبات (اگر لازم بدانند) نظر خود را اظهار خواهم نمود.

با تقدیم و تجدید احترامات
فرماندار

۸۹

وزارت کشور، اداره کل شهرداریها، ۱۸ تیر ۱۳۱۸، شماره ۱۸۱۸۶

فرمانداری اصفهان

دکتر کارومیناسیان ارمنی، مقیم اصفهان به وسیله اداره کل بهداری تقاضای تاسیس بیمارستان ۳۵ تختخوابی نموده که شخصاً آن‌جا را اداره نماید. چون لازم است نسبت به پیشینه و صلاحیت مشارالیه اطلاعات کافی در دست باشد، بنابراین دستور فرمایید نسبت به این موضوع گزارش مشروحی تنظیم و با اظهار نظر به وزارت کشور ارسال دارند تا در صورت اقتضا با تقاضای مشارالیه موافقت شود. از طرف وزیر کشور^۱ [امضا]

۹۰

وزارت کشور، فرماندار اصفهان، ۳ مرداد ۱۳۱۸، نمره ۶۵۵۷، محرمانه

وزارت کشور

منظوماً به نامه شماره ۱۸۱۸۶ اداره کل شهرداریها راجع به پیشینه دکتر کارومیناسیان ارمنی، مقیم جلفا، به‌طوری که در نامه شماره ۱۵۳۰۱ فرماندهی تیپ مختلط مستقل اصفهان (رونوشت ضمیمه است) ملاحظه می‌فرمایید و خود این جانب هم در این مدت مشاهده کرده‌ام این شخص از ارامنه جلفای اصفهان است که اغلب در دسته‌بندیها و اختلافات ارامنه شرکت نموده، عملیاتش اطمینان بخش نیست. به علاوه با مراجعه به نامه شماره $\frac{24145}{17/6/31}$ اداره کل بهداری (رونوشت ضمیمه است) معلوم می‌شود سوابقی هم در اداره نامبرده دارد.

[امضای فرماندار اصفهان]

۱. وزیر کشور در آن هنگام علی‌اصغر حکمت بود.

۹۱

وزارت جنگ، تیپ مختلط مستقل اصفهان، ۳ مرداد ۱۳۱۸، نمره ۱۵۳۰۱

اداره فرمانداری اصفهان

عطف به نامه شماره $\frac{۶۲۲۵}{۱۸/۴/۲۷}$ اسم دکتر کارومیناسیان ارمنی، رئیس سابق بیمارستان در ردیف متنفذین آرامنه و داخل دسته بندیهای جلفا می باشد. و در موقعی که سروان صفوت از طرف دادرسی ارتش برای بازجویی در اطراف عملیات عناصر خارجی به اصفهان آمده بود، از این شخص مذاکراتی درین بود، ولی سوابق بخصوصی در بایگانی تیپ ندارد.

فرمانده تیپ مختلط مستقل اصفهان سر تیپ سطوتی

۹۲

وزارت داخله، اداره کل بهداری، ۱۷/۶/۲۱، نمره ۲۴۱۴۵، محرمانه، مستقیم

وزارت داخله

معطوفاً به نامه شماره ۱۷/۷/۱۰۱۳۰ فرمانداری اصفهان فرستاده به عنوان وزارت داخله که رونوشت آن به اداره کل بهداری رسیده است.

عین نامه که با پست، دایر به عدم صلاحیت آقای کارو برای تصدی بیمارستان جلفا به این اداره واصل شده، جهت مزید استحضار همراه تقدیم و تصدیع می دهد.

به طوری که در نامه رسیده نقل از کتاب آقا بکف نوشته شده، اگر سابقه سوء کار و، مسلم باشد صلاحیتی برای تصدی بیمارستان در کشور شاهنشاهی نخواهد داشت.

چون اولیای امور بیمارستان جلفا تغییر او را از فرمانداری اصفهان خواستار شده اند و کارو هم قبلاً از این خدمت استعفا نموده و پس از استعفا و در خواست تغییر او از طرف اولیای بیمارستان جلفا باز هم از تحویل بیمارستان خودداری و در حقیقت از اقدامات فرمانداری که برای حسن جریان بیمارستان و بر حسب مقتضیات محلی به عمل آمده، سرپیچی نموده و ایفای او با این وضعیت صورت خوبی نخواهد داشت.

متمنی است هر طور مقتضی است او امر لازمه صادر فرمایند که از تصدی کار و در بیمارستان جلفا رفع نگرانی شده بیمارستان آن جا به صورت بهتری اداره شود.

رئیس کل بهداری

خلاصه نامه روسی ضمیمه

آقای دکتر - من با علاقه‌مندی به دولت، تکلیف خود می‌دانم به دولت خدمت کنم. چند وقت است نزد کار و میناسیان کار می‌کنم و او از طرف بالشویکها بر ضد دولت کار می‌کند. در کتاب آقا بکف که در سال ۱۹۳۰ چاپ شده، در صفحه ۱۳۲ و ۱۳۳ را بخوانید، راجع به کار و میناسیان شرح لازم آن جا نوشته شده است.^۱ من مدتی است از بالشویکها دست کشیده و با کار و هم نیستم. کار و از طرف تأمینات کل روسیه بر ضد وطن فعلاً هم کار می‌کند.

۱۵ ژوئیه ۱۹۳۸

۱. دکتر کار و میناسیان، رئیس جمعیتی به نام «جمعیت حمایت از ارامنه» بود. این گروه، جمعیت خود را برای یاری به آسیب‌دیدگان از زلزله ارمنستان تشکیل داده بودند. پس از آن «اداره کل سیاسی کشور» شوروی (گ.پ.تو) برای تشویق ارامنه ایران به مهاجرت و اقامت در ارمنستان شوروی، متوجه این جمعیت شد و آن را کاملاً در اختیار خود گرفت. به گفته آقا بکف، کار و میناسیان جریان امور این جمعیت را به دلخواه «گ.پ.تو» تنظیم می‌کرد و اطلاعات مختلف را در اختیار آن می‌گذاشت.

[نقل از: خاطرات آقابکف، ص ۱۴۵ - ۱۴۶]

فصل دوم

روابط اقتصادی

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی، ۷ فروردین ۱۳۰۶، نمره ۷

مقام منبع ریاست محترم وزرای عظام^۱، دامت شوکتہ

از نظمیه قزوین راپرت می دهند، روز ۲۲ اسفند ماه بیانیه ای از طرف جمعیت نهضت اقتصاد قزوین منتشر گردیده و قریب سه هزار نفر تجار و کسبه برای میتینگ که قبلاً اعلان نموده بودند در مسجد شاه حاضر و سه نفر از آنها نطقهای مفصلی دایر به وضعیات صادرات [و] واردات تجار ایران و اقدامات آنها با کمپانیهای روسیه ایراد و ضمناً یک دسته اوراق بیانیه که از طرف جمعیت نهضت اقتصاد تبریز به قزوین فرستاده شده بود، بین حضار توزیع کرده و نیز تلگرافاتی که از طرف جمعیت اقتصاد تهران و گیلان به آنها مخابره گردیده بود با تلگرافاتی که در این چند روزه اخیر به آستان مقدس بندگان اعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت همایونی ارواحنا فدا و مقام منبع هیات معظم دولت و مجلس شورای ملی مخابره نموده بودند با جوابهای مساعدی که به آنها رسیده بود قرائت نموده و اهالی به اقدامات سریعه هیأت معظم دولت امیدوار شده و میتینگ مزبور با حسن مراقبت مامورین پلیس با کمال نظم، اختتام یافته و عده کثیری مجدداً به تلگرافخانه رفته که از هیات معظم دولت تقاضا نمایند تا قرارداد تجارتی ایران و روسیه آبرومندانه و به طور تعادل عملی نشده، همان طوری که سرحدات روسیه برای صادرات ایران بسته است، معارضه به مثل نمایند. اینک مراتب را برای استحضار آن مقام منبع معروض داشت.

رئیس کل تشکیلات نظمیه، [سرهنگ محمد] درگاهی [امضا]

۱. نخست وزیر در آن هنگام مستوفی الممالک (حسن) بود. از ۱۶ خرداد ۱۳۰۵ تا اول خرداد ۱۳۰۶

۲

۹۵

دفتر مخصوص شاهنشاهی، سواد تلگراف واصله از
رشت مشهد، قوچان، بندر جز، تبریز، قزوین، آستارا، مشهد سر [و] ساری

نهضت اقتصاد، لیلۀ ۱۷ فروردین، با حضور نمایندگان کلیۀ نواحی گیلان، کنگره تشکیل [و]
تصمیم قطعی اتخاذ گردید که روز دوشنبه ۲۱ فروردین، ساعت ۹ کلیۀ گمرکات تحت نظر
جمعیت‌های نهضت اداره شود تا از واردات [و] صادرات متخلفین جلوگیری و مجازات شوند.
لازم است آن جمعیت محترم نیز به شعبات خود اطلاع داده در ساعت مذکور اقدام و نتیجه را به
نهضت مرکز و به دولت ابلاغ فرمایند.

نهضت اقتصاد

[حاشیه]: این تلگراف دیروز مخابره شده است.

۳

۹۶

وزارت داخله، اداره شمال و شرق، سواد تلگراف صادره، ۲۴ فروردین ۱۳۰۶، نمرۀ ۴۹

حکومت جلیله گیلان

در باب تصرف و مداخلۀ نهضت اقتصاد در گمرکات، از طرف دولت دستور جلوگیری صادر
شده و از وزارت جنگ به قشونی و از نظمیۀ هم دستور داده شده. البته باید مراقبت فرمایید که
از این اقدام جلوگیری به عمل آید و خود تجار و متصدیان نهضت را هم مسبوق نمایید که این
اقدام منافعی اقتدارات و حیثیات دولت است و نباید اقدام شود.

۴

۹۷

وزارت داخله، اداره شمال و شرق، استخراج تلگراف رشت، ۳۱ فروردین ۱۳۰۶، نمرۀ ۷۱

وزارت جلیله داخله

نمرۀ ۴۹، تاکنون تصرف گمرکات صورت خارجی نداشته، مقررات دولت نیز برای بعدها به
اشخاص لازم ابلاغ و اهتمام می‌شود، لیکن متصدیان نهضت و تجار دو شب قبل قسم قرآن

خوردند که تا ۲۹ شوال اگر موضوع تجارت از جانب دولت حل نشود [به] اقدامات شدیدتری متوسل شوند و عقاید را به قدری مستعد می‌بینم که قطعاً به دایره عمل وارد می‌شوند و در آن صورت اگر با استعمال قوه جلوگیری شود شاید به حوادث ناگواری منجر خواهد شد. به سکوت هم نباید بگذرد، در هر حال صورت نامطبوعی پیدا خواهد کرد. مستدعیم قبل از موقع دستور روشنی برای جلوگیری از این قضایا صادر فرمایید. منتظر او امر فوری هستم.

۳۰ فروردین، منتظم^۱

۹۸

۵

مجلس شورای ملی، ۲۰ فروردین ۱۳۰۶، نمره ۷۹۴

ریاست محترم وزرا

جمعیت نهضت اقتصاد گیلان نسبت به اقدامات و نظریات دولت در قرارداد تجارتي، تلگرافی مخابره نموده‌اند که کپی آن را به نمره ۵۱۶ ملاحظه فرموده‌اند. حصول اطلاع از تصمیم متخذه را مترصد است.^۲

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا

۹۹

۶

ریاست وزرا، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۶، نمره ۲۷۹

ریاست محترم مجلس شورای ملی

در جواب شش طغرا مرقومه شریفه مورخه ۲۰ فروردین دایر به یادآوری مفاد تلگرافات جمعیت نهضت اقتصاد بعضی از ولایات، زحمت افزاست که به طوری که خاطر محترم مستحضر است و در مراسله نمره ۱۲۶۵ هم شرح داده شده، هنوز دولت از اقدامات خود نتیجه قطعی به دست نیاورده و آقای وزیر امور خارجه^۳ برای تکمیل مذاکرات و اقدامات به مسکو

۱. منتظم الدوله، حکمران گیلان. از ۱۹ فروردین تا اول بهمن ۱۳۰۶

۲. مانند تلگراف نهضت اقتصاد گیلان، پنج تلگراف دیگر در همان تاریخ از سوی جمعیت نهضت اقتصاد شهرهای تنکابن، شاهرود، ساری، قزوین و بار فروش (بابل) به مجلس شورای ملی فرستاده شد.

۳. علی قلی انصاری

رفته‌اند. امید می‌رود به زودی نتیجه مطلوبه حاصل و رفع مشکلات تجارتي بشود. باید تجار قدری دیگر تأمل نمایند تا دولت ماحصل اقدامات خود را اعلام نماید.

امضای عنایت‌الله سمیعی

۷

۱۰۰

دفتر مخصوص شاهنشاهی، ۲۲ فروردین ۱۳۰۶، نمره ۸۲، فوری

قربانت شوم - سواد تلگراف ملفوفه از لحاظ محترم می‌گذرد و وقت حضرت اشرف را به مدلول آن جلب می‌نماید.

امضای فرج‌الله بهرامی^۱

۸

۱۰۱

تلگراف از رشت به تهران، نمره ۴۶۱، ۲۲ فروردین ۱۳۰۶

مقام منبع ریاست وزرای عظام - ۳ کبیله دارالشورای کبری، نمایندگان نهضت گیلان [و] نهضت مرکز.

در این مدت سه ماه هر قدر جمعیت‌های نهضت شمال سعی و جدیت در متانت کرده که بلکه عمال شوروی متقاعد شوند و تا زمانی که نماینده محترم دولت ایران به مسکو عزیمت نموده ساکت نشینند، متأسفانه موفق نشدیم، از یک طرف اقدامات شرکت شرق، از طرفی تحریکات مستقیم [و] غیر مستقیم نماینده شوروی تا جایی که به وسیله اعلامیه‌ها وسایل تفرقه بین تاجر و فلاح را وجه همت قرار می‌دارند که بلکه در دربار مسکو عملیات نهضتها را خنثی معرفی کرده و از بردباری دولت ایران مثل سابق استفاده نمایند. این بود [که] جمعیت نهضت اقتصاد مجبور شده که در تاریخ ۱۷ فروردین کنکرة جمعیت را با حضور نمایندگان نه محل تشکیل داده، تکلیف آنی و آتی را در مقابل این پیش آمدها معین سازد. با رعایت نظریات دولت تصمیم قطعی اتخاذگردید که روز دوشنبه ۲۱ فروردین گمرکات شمال را تحت نظر گرفته از واردات [و] صادرات متخلفین استحضاری حاصل نماید. در خاتمه استدعای عاجزانه داریم که دولت

۱. بهرامی در ۲۸ آذر ۱۳۰۴ به ریاست دفتر مخصوص شاه انتخاب شد و در ۱۱ آبان ۱۳۰۶ از سمت خود برکنار گردید.

محبوب هم وضعیات اسفناک شمال را در نظر گرفته، بستن سرحدات را اعلام فرمایند. چنانچه تا به امروز از عزیمت آقای انصاری نتیجه مترتب نگردیده، بعدها هم منتج نتیجه نخواهد شد و هر روزی که بستن سرحدات به تاخیر می افتد بر فلاکت [و] بدبختی افزوده خواهد شد. مهر جمعیت نهضت اقتصاد

۹

۱۰۲

ریاست وزرا، ۲۲ فروردین ۱۳۰۶، نمره ۳۴۴

جواب نمره ۴۶۱، تلگراف بیست و دوم آقایان واصل گردید. در حالتی که دولت، وزیر امور خارجه را برای اصلاح امور اقتصادی اعزام [به] مسکو نموده و مذاکرات در جریان است، این گونه تظاهرات به هیچ وجه مورد ندارد و بنا به مصالح مملکت احتراز از این گونه اقدامات را تأکید می نمایم.

امضای عنایت الله سمیعی

[حاشیه]: به تلگرافخانه تذکر داده شد که کپی این را برای نهضت های اقتصاد مشهد، قوچان، بندر جز، تبریز، قزوین، آستارا [و] مشهد سر مخابره کنند.

۱۰

۱۰۳

تلگراف، از رشت به تهران، شماره ۷۴۳، ۲۳ فروردین ۱۳۰۶

مقام منبع ریاست محترم وزرای عظام، دامت شوکته

تلگراف حضرت اشرف زیارت، متأسفانه اقدامات متینانه جمعیت را مخالفین، سوء استفاده کرده، خواطر مبارک را مشوش ساخته اند. در حالی که جمعیت در مقابل تحریکات مستقیم [و] غیر مستقیم عمال شوروی خود را مجبور دیده که دو نفر نماینده از طرف نهضت در گمرکخانه بگمارد که بدون هیچ گونه دخالت و تعرضی، فقط نظارت در ورود [و] خروج داشته باشد و این اقدام جز شناختن مخالفین و محرکین مقصد دیگر نبوده و عقیده نداریم که منافی با مصالح مملکت باشد، زیرا جمعیت همیشه ساعی بوده که عملیات خود را با سیاست دولت معظم تطبیق نماید. هرگاه مراجعه به راپرت گمرک بشود، صدق عرایض به خوبی مشهود خواهد گردید. نمره ۱۴۳، نهضت اقتصاد

۱۱

۱۰۴

تلگراف، از بندر پهلوی به تهران، شماره ۱۴۶، ۲۴ فروردین ۱۳۰۶

مقام منبع ریاست وزرای عظام، دامت شوکت. کپیه، ساحت مقدس دارالشورا، کپیه، نمایندگان نهضت اقتصاد کیلان، کپیه، کی استوان

از تضرع و استغاثه تجار به پیشگاه اولیای دولت و اعزام آقای انصاری به مسکو تا امروز نتیجه مطلوبه حاصل نشد. چون دیگر عرصه بر اهالی تنگ و برای تجار رمقی باقی نمانده که زاید بر این انتظار بکشند^۱، ناچار از دیروز گمرکات سواحل تحت نظر جمعیت گرفته شد. چنانچه از طرف دولت، گمرکات شمالی تا انعقاد قرارداد مسدود نشود، از طرف جمعیت، با هر پیش آمدی بسته خواهد شد. نهضت اقتصاد

۱۲

۱۰۵

مجلس شورای ملی، ۲۴ فروردین ۱۳۰۶، نمره ۸۱۶۴

ریاست محترم وزرا

اخیراً تلگرافی به نمره ۷۸۷ از مشهد نسبت به موضوع امور تجارتی رسیده است که سواد آن برای مزید اطلاع لفاً ارسال و بدیهی است نتیجه تصمیمات متخذه را اعلام خواهند فرمود. رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا

۱۳

۱۰۶

مجلس شورای ملی، سواد تلگراف نمره ۷۸۷ به امضای اتحادیه تجار از مشهد مقدس، ۲۴ فروردین ۱۳۰۶، نمره ۸۱۶۴

توسط آقای میر ممتاز^۲ و نمایندگان محترم مشهد، مجلس شورای ملی

در سلطنت ملی با بودن مجلس و نهضت عموم تجار وطن و تقاضای علنی در امری که راجع به تجارت و تأمین اقتصادیات که از حقوق ثابته آنهاست و بی اعتنایی به عقاید آنها و موکول

۱. اصل: بکشد

۲. حسین میر ممتاز، نماینده مشهد در دوره ششم مجلس شورای ملی.

نمودن برای شخص واحد که ارتباط به فن تجارت و مصالح اقتصادی ندارد، مجدداً بعد از چندین^۱ مرتبه تجربه اعزام نماینده برای عقد قرارداد به مسکو، یک حرکت یاس آوری است که در عصر استبداد هم نظیر نداشته. خیلی عجب است که مجلس ملی با مشاهده این قسم پیشامد و استماع فریاد تجار تمام نقاط شمال چرا برای حفظ حقوق ملیین و موکلین خود یا برای مدافعه از قانون اساسی اظهار علاقه‌مندی نمی‌کنند. آیا آقایان از جریان مرکز بی‌اطلاعند یا [به] این درجه از فقر و فلاکت عمومی قانع نیستند. صریح می‌گوییم قبل از بستن سرحدات ابداً دولت باید داخل مذاکره قرارداد نشود والا به هیچ وجه به حکم انصاف، روسها تسلیم نخواهند شد. این ۱۵ روزی که روسها به اغفال دولت امحال می‌خواهند پیدا کنند و دولت هم مساعدت می‌کند، آیا جز تامین مکاره باکو مقصودی دارند و بعد از انقضای مدت و رفع حاجت فعلی روسها تضییق و فشار متوجه ایرانیان نخواهد شد. در خاتمه استدعا می‌کنیم به اقتضای مقامی که مجلس دارد، جداً از هیات دولت درخواست نمایند که بدون مراجعه به تجار تصمیمی نگیرند.

اتحادیه تجار، تهران

۱۰۷

۱۴

تلگراف، از رشت به تهران، ۲۸ فروردین ۱۳۰۶، نمره ۶۵۹

مقام منبع ریاست وزرای عظام - ۴ کپی، دفتر مخصوص اعلیحضرت شهرباری ارواحنا فدا، مجلس مقدس شورای ملی، نمایندگان نهضت گیلان [و] نهضت مرکز

در تعقیب تلگرافات و تظلمات سه ماه [و] نیم، اینک آخرین عرایض خود را تقدیم می‌دارد. حضرت اشرف، جمعیت‌های نهضت اقتصاد را عناصر پاکدامن وطن‌خواهان استقلال‌طلب تشکیل داده و پیشنهاداتی که می‌کنند به مصالح ملک و ملت می‌باشد. این که ابتدای امر پیشنهاد می‌کردند که دولت معامله متقابل را اجرا نماید، برای جلوگیری از بدبختیهای وارده امروز بود. چنانچه دولت مستدعیات جامعه تجار را عملی می‌کرد، عمال شوروی و کاسه لیسان آنها تا این درجه نمی‌توانستند تجری نموده هر روز با یک شکل عجیبی با ما مبارزه نمایند. نهضت اقتصاد با در نظر گرفتن سیاست دولت، نه تنها به ادارات شوروی بلکه به تجار تبعه روس و بستگان

ایشان نیز به هیچ وجه متعرض نشدند که در نتیجه، کلید تجارت را با دست خود به دوایر شوروی تحویل دادیم. چنانچه در هر شهری چند نفر اشخاص بی عافیه از قبیل میخ فروش، عطار، علاف و سایرین که بدین وسیله بانک روس تطمیع نموده، مال التجاره را به اداره بیوروس پرس به نام تجار تحویل می دهند که تفرقه جمعیت را فراهم آورده و اقدامات آقای انصاری را در مسکو خنثی گذارند. حتی دوایر شوروی عوض این که در مقابل مقتضیات تغییری در مشی خود بدهند، در تمام نقاط گیلان اعم از شهر، قصبه و دهات شعبات خرده^۱ فروشی یعنی دکانهای بقالی، عطاری، بزاز می سازند. نتیجه این عملیات به کجا منتهی خواهد شد، قضاوتش [را] به آن حضرت اشرف واگذار می نمایم. ما برای این که وزیر خارجه ایران بتواند به عقد قرارداد شرافتمدانه موفق شود تاکنون از کلیه مشاهدات نامطلوب عمال شوروی و کارکنان آنها چشم پوشیده جز تظلمات به دولت محبوب، اقداماتی که بر خلاف سیاست دولت باشد جایز ندانسته و متحمل شدیم. اکنون صراحتاً عرض می کنیم کارد به استخوان رسیده، دیگر علاقه مندان به حیثیت اقتصادی سیاسی ایران بیش ازین رضایت نخواهند داد که از یک طرف دچار خسارتهای جبران ناپذیر گردیده. از طرفی روسها متاع ایران را به ثمن بخش خریده، در عوض آب و خاک و شیشه آلات داده و ملت ایران را در انظار عالم به بی عاطفگی^۲ معرفی نمایند. اینک جمعیت در مقابل وجدان [و] در پیشگاه شهنشاه ایران، بالاخره در مقابل اولیای امور خود را موظف می داند که عرض کند، چنانچه دولت در عرض همین چند روز اقدامات مقتضیه را به عمل نیاورند، تصمیمات خود را ولو بر خلاف تراکتهای سیاسی هم باشد [به] موقع اجرا خواهد گذاشت.

جمعیت نهضت اقتصاد

جمعیت نهضت اقتصاد تهران، ۳۱ فروردین ۱۳۰۶، نمره ۴۲۴

مقام منبع ریاست وزرای عظام، دامت عظمته

با نهایت احترام و توقیر، تلواً یک طغرا تلگراف که از طرف نهضت اقتصاد مرکز تبریز رسیده، محض استحضار آن مقام منبع تقدیم، ضمناً استدعا دارد مقرر فرمایید اخباری که از

مذاکرات آقای انصاری واصل گردیده به مجمع اقتصاد ارسال دارند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه را تقدیم می دارد.

فقیه‌التجار اصفهانی، [امضا]، مهر جمعیت نهضت اقتصاد تهران

۱۶

۱۰۹

تلگراف، از تبریز به تهران نمره ۶۶۴، ۳۰ فروردین ۱۳۰۶

توسط هیأت محترم نهضت اقتصاد، مقام منبع ریاست وزرای عظام، دامت شوکته

راجع به بحران اقتصادی که در سرتاسر مملکت روی داده، محض پاس احترام بیانیه و امثال تلگراف مبارک حضرت اشرف که امر به سکوت و انتظار به نتیجه مذاکرات مسکو شده بود تاکنون نهضت اقتصاد تبریز از هر گونه اقدامات احتراز و فقط منتظر نتیجه بوده. متأسفانه از مسافرتها وزیر امور خارجه که بیشتر از یک ماه می گذرد، هیچ گونه نتیجه و خبری که موجب تسلی و امیدواری اهالی باشد به دست نیامده و تکلیف معلوم نشده است و دوام این حال که واردات آزاد و صادرات محدود است، همه روز بر فقر و فلاکت مردم افزوده و از ثروت مملکت می کاهد و اهالی در نهایت پریشانی و مضیقه گرفتار و هر ساعت بر هیجان عمومی می افزاید. در واقع پیمانه صبر لبریز گشته. اگر چندی هم بدین منوال بگذرد، جلوگیری از احساسات و تهاجمات اهالی غیر ممکن خواهد گردید. لهذا با کمال بی صبری استدعا و تقاضا می نمایم که عاجلاً چاره و علاجی به این درد بی درمان مملکت فرموده، اهالی را از بی تکلیفی خلاص فرمایید. و اگر دولت به انعقاد معاهده شرافتمندانه موفق نمی شود، چنانچه در بیانیه وعده داده اند محض حفظ حقوق وطن مقدس امر به اجرای معامله مقابله به مثلی بفرمایند.

نهضت اقتصاد تبریز

۱۷

۱۱۰

جمعیت نهضت اقتصاد تهران، ۳۱ فروردین ۱۳۰۶، نمره ۴۲۵

در تعقیب مراسله نمره ۴۲۴ نهضت اقتصاد تهران لازم می داند، یک بار دیگر فلاکت اهالی شمال را که به وسایل مختلفه به عرض هیأت دولت رسیده و می رسد گوشزد و با چند ملیون

ایرانی بدبخت هم صدا شده، اجابت مستدعیات نهضت را قویاً خواستار شود. بدیهی است مفصل این مختصر را در تلگراف نمرة ۶۵۹ واصله از رشت ملاحظه و مستدعیات نهضت را هر چه زودتر اجابت خواهند فرمود. فقیه‌التجار اصفهانی [مهر و امضا]

۱۸

۱۱۱

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، ۶ اردی بهشت ۱۳۰۶، نمرة ۱۰۵۱/۳۰۸

مقام منیع ریاست جلیله وزارت عظام، دامت شوکته

سواد راپرت نمرة ۱۷۱ رئیس فواید عامه گیلان را لفاً تقدیم و توجهات آن مقام منیع را به مندرجات آن جلب می‌نماید. رهنما^۱ مهر وزارتخانه

۱۹

۱۱۲

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، راپرت رئیس فواید عامه گیلان،

۳۰ فروردین ۱۳۰۶، نمرة ۱۷۱

مقام منیع وزارت جلیله فلاح و تجارت و فواید عامه^۲، دامت شوکته

شب چهارشنبه ۳۰ فروردین در منزل آقای حاج ملک تمام روسای دوایر دولتی شهر رشت از طرف تجار جمعیت نهضت اقتصاد، دعوت شده بودند که از آن جمله فدوی هم بر حسب دعوت حاضر بودم. در مجلس مزبور بالغ بر یکصد نفر از تجار طراز اول شهر رشت و همه روسای دوایر دولتی حاضر بودند و خلاصه اظهارات و مذاکرات آقایان تجار این بود که در نتیجه فشارهای فوق‌العاده دولت شوروی روسیه و از نقطه نظر اعاده تأمین منافع تجارتی و تسهیلات اقتصادی، قرب چهار ماه است که جامعه تجار گیلان دست از هر گونه کسب و کار و تجارت و شغل و زندگی خود کشیده، به نام جمعیت نهضت اقتصاد، تشکیل اتحادی داده و ضمناً برای این که هیات محترم دولت هم بتواند به سهولت و آسانی قضیه را حل و منافع طرفین

۱. زین‌العابدین رهنما، معاون وزارت فواید عامه. از آذر ۱۳۰۵ تا ۲۳ اردی بهشت ۱۳۰۶

۲. مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنه) وزیر فواید عامه در دولت حسن مستوفی. از ۱۸ بهمن ۱۳۰۵ تا ۱۶ اردی بهشت ۱۳۰۶

را به طور مقتضی تأمین نماید، در این مدت از طرف جمعیت حرکتی بر خلاف تراکت و قاعده بروز ننموده و با نهایت وقار و مسالمت و سکینه رفتار شده و حتی با کوچکترین اتباع دولت شوروی روسیه هم غایت محبت و ملاحظه منظور و مرعی گردید، و انتظار می‌رفت که به حسن اقدامات اولیای محترم دولت در این مدت قضایا حل و به این وضعیت ناگوار حسن خاتمه داده شده باشد، ولی چون اخیراً ملاحظه شد که از این سبک و سیره نه تنها نتیجه مطلوبه برای جمعیت مزبور حاصل نشده، بلکه بر خلاف، آقایان عمال دولت شوروی روسیه یک عده نفوس غیر تاجری را در بازار رشت تحریک و وادار به خرید و فروش کرده و البته این پیش آمد در نظر خارج و داخل سبب توهین و خرابی خواهد بود، و علاوه از میان رفتن سرمایه [و] هستی آبروی تجار هم نزد دیگران خواهد رفت، لذا به قید عین و عهدتین بین خود قرار داده‌ایم که اگر هیات محترم دولت برای حل و تسویه تا ۲۹ شهر شوال اقداماتی به عمل نیاورند و نتیجه منظوره به دست نیفتد، جمعیت نهضت اقتصاد ناگزیر است که اداره گمرک را ولو بر خلاف سیره و اراده هیات محترم دولت بوده باشد، چون قسم یاد کرده‌اند به هر قیمتی که تمام شود ولو به دادن تلفات از تاریخ ۲۹ شهر شوال تحت نظر خود در آورد. در این صورت از آقایان رؤسای دوایر دولتی استدعا داریم که هر یک تظلمات و مستدعیات ما را به وسیله وزارت متبوعه خود به مقام منیع هیات محترم دولت معروض دارد.^۲ مهر و امضای رئیس فواید عامه گیلان

۲۰

۱۱۳

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، اداره تجارت،

۹ اردیبهشت ۱۳۰۶، نمره ۱۱۳۷/۳۲۰

مقام منیع ریاست وزرای عظام، دامت عظمته

راپرتی از فواید گیلان، راجع به اقدامات نهضت اقتصاد رشت رسیده است که سواد آن را از نقطه نظر اهمیت موضوع لفاً تقدیم می‌دارد.

رهنما

۱. اصل: ۲۸

۲. در سوم اردیبهشت، گزارش کوتاه دیگری از سوی رئیس فواید بندر پهلوی به وزارت فلاح و فرستاده شد. این گزارش نشان می‌دهد، جمعیت نهضت اقتصاد بندر پهلوی بر سر آن بود که اگر تا ۲۹ شوال قرارداد تجارتی میان ایران و شوروی بسته نشود، اعضای جمعیت در گمرک حاضر شوند و از ورود کالاهای شوروی به ایران جلوگیری کنند.

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، اداره تجارت، راپرت فواید عامه گیلان،

۲ اردی بهشت ۱۳۰۶، نمره ۱۹۷

مقام منبع وزارت جلیله فلاح و تجارت و فواید عامه، دامت شوکته

دیروز (جمعه اول اردی بهشت) هیأتی از جمعیت نهضت اقتصاد، در تلگرافخانه رشت به عنوان دادن میتینگ، اجتماع نموده، خلاصه اظهاراتشان از این قرار بود که اینک راپرتاً به عرض می‌رساند: دولت شوروی مال خودش را به هر طور که میل و اراده می‌نماید در بازار ایران در کمال آزادی به فروش می‌رساند، ولی در مقابل، اختیار مالکیت را همه طور از تجار این مملکت سلب و به کلی ما را محدود و حیات تجارتی و اقتصادی ما را مضمحل و معدوم نموده و جامعه تجارت گیلان در اثر این فشارهای غیر قابل تحمل و برای جلوگیری این سیل بنیان‌کن به نام جمعیت نهضت اقتصاد، اتحادی از بین خود تشکیل داد که در پناه توجهات مخصوصه دولت متبوع خود حقوق حقه خویش را تأمین نماید. اکنون که حضرات ملاحظه می‌نمایند، ممکن است در اطراف این اقدامات نتیجه مطلوبه حاصل شود، به افراد جمعیت نهضت اقتصاد توسط عمال و کارکنان خود نسبت انگل فیلی می‌دهند و می‌خواهند اقدامات پسندیده ما را که فقط برای جلوگیری از این مذلت اقتصادی است، در دنیا طور دیگر جلوه دهند، ولی غافل از این که جمعیت نهضت اقتصاد به این حرفها از حقوق خود صرف نظر نکرده، عظم و وقعی هم به این نسبتهای خلاف واقع نخواهد گذاشت. در این صورت از عموم هم وطنان خود خواهشمندیم که هر یک در حدود خود مساعدت نمایند که اولیای محترم دولت اقدامات معجل و مؤثری فرمایند که هر چه زودتر به این غایله خاتمه داده شود.

رئیس فواید عامه گیلان

مجلس شورای ملی، ۱۳ اردی بهشت ۱۳۰۶، نمره ۸۰۹۲

ریاست محترم وزرا

به مهر جمعی از کسبه و اهالی بار فروش در تقاضای تسریع انعقاد قرارداد تجارتی با دولت شوروی و منع ورود اشیای تجملی مشروحه‌ای رسیده که سواد آن تلواً ارسال و متمنی است

غدغن فرمایند، نتیجه اقدامی را که نسبت به مسایل مشارالیه به عمل آمده برای ایراد جواب زودتر اعلام دارند.

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا

[حاشیه]: جواب داده شود که دولت اقداماتی نموده که مصالح مملکت و آسایش آقایان را فراهم می‌سازد و با دولت روسیه مشغول مذاکره و خاتمه وضعیت فعلی است و امیدواری حاصل است که در آتیۀ نزدیکی نتیجۀ مطلوبه حاصل شود.

مجلس شورای ملی، سواد مشروحه اهالی و کسبۀ بارفروش،

۳ اردیبهشت [۱۳۰۶]، نمرة ۸۰۹۲

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی شید الله ارکانه

در نتیجۀ پریشانی و استیصال عمومی که قوی‌ترین افراد این آب و خاک را به مرگ و اضمحلال تهدید نمود، قادر به مخابرة تلگرافی که سریعتر در این حالت نزع ناله‌های جانسوز جگرخراش خود را از فقدان وسایل حیاتی به ساحت مقدس عرضه بداریم نبودیم. ای مسطوفین کعبۀ آمال ملت ستمدیده ایران، آیا هنوز فریادهای الجوع الجوع ملت فلک‌زده شمال عموماً [و] مازندران خصوصاً از تعدیات جابرانه عمال دولت همجوار، در نتیجۀ عدم توازن واردات و صادرات و فرو بردن چنگال آهنین خود بر جگر ضعیف رنجبران مفلوک [و] کارگران بدبخت به سمع مبارکتان نرسیده. آیا هنوز منتظرید که حتی آخرین رمق زندگانی این سلسله مردمان بیچاره نیز در مقابل مطامع بوالهوسانۀ عمال ساویتی وداع آخرین را گفته، آن وقت لوحۀ قرارداد و معاهده را اطفال یتیم بی‌گناه ما، در روی مزار و فضای موحش قبرستان عوض سوگواری سروده و به مرد[ه]‌های ما تلقین نمایند اگر ناله‌های این مظلومان اموال به یغما رفته به سمع مبارکتان رسید، پس بردباری تا چند، صبر و تحمل تا کی، گرسنگی و افلاس، برهنگی و پریشانی و ورشکستگی^۱ و گدایی علنی در مقابل فشارهای موسسات متعدده ساویتی، جان شیرین به لب و کارد به استخوان رسیده. شنیده‌اید که گفته‌اند: «هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید.» این آخرین توقعی است که ملت از بین رفته شمال به وسیله این پارچه که

به منزله کفن است از پیشگاه مقدس نموده. یعنی اگر به فریادهای جگرخراش یک مشت ملت بدبخت و قعی نگذارده و یا به بی اعتنائی تلقی فرمایند، همین کفن را بی درنگ در گردن و لاعلاج نیم جان خود را در صحنه [و] میدان مبارزه حیاتی شرافت و حفظ نوامیس ملیت برای ادامه تعیش و کامرانی آنانی که کرسی آمال و حیثیات ملت ایران را برای آسایش دودمان خود اشغال نموده اند نثار می نماییم. آیا می دانید که فشارهای متواتره عمال ساویت یا همسایه مظلوم کش که حتی اخیراً به حدی رویه خشن و مطلق العنانی را پیش گرفته که به علاوه ضرر و خسارت مادی تحمل وضعیت ناگوار نسبت به ملت نجیب و اصیل ایران اهانت آور بود. آیا می دانید که دیگر طاقت و توانایی، صبر و تحمل علاقه مندان شرف را سلب نمود. گویا ملاحظه فرمودید که در این مدت چهار سال برای اثبات دوستی دولت همجوار آنچه لازمه بردباری و تحمل بود تا آخرین نقطه امکان و قدرت متحمل شده ایم. «با گرسنگی قوت پرهیز نماند افلاس عنان از کف تقوی بستانند.» هر لحظه به نام مصون بودن نجابت و مهمان نوازی ذاتی جگر به دندان صبر فشرده با تحمل هزاران مشقت ناگوار و مصایب بی شمار روز را در انتظار به شب رسانیده که شاید چاره این دردهای بی درمان را بفرمایید. مع التأسف روزها [و] ساعتها آخرین دقایق حیاتی را پیموده به جز یاس و ناامیدی اثری به ظهور نرسیده، با این که در مقابل افکار سیاستمداران حکومت شوروی که آخرین جدیت خود را در این مدت برای فانی نمودن ما ملتی که جز محبت صمیمی تقصیر و گناهی نداشته و نداریم، صرف نموده اند، در پاداش آن همه عداوتهای غیر عادلانه جز عقد مودت و مبادله تجارتنی مقصود و منظوری را از شما تمنا نمودیم. در خاتمه برای حفظ حدود ملیت و پاس احترام دولت مستعدیم که این زندگانی ننگین را وداع گفته، یا مرگ باشرف یا نجات از ننگ. توازن واردات [و] صادرات و منع اشیای تجملی را از کلیه سرحدات خواستارند و از پیشگاه مقدس آقای پیرنیا تقاضا دارند که در موقع تشکیل رسمی قرائت فرموده تا به سمع مبارک آنانی که از طرف ملت معرفی شده اند رسیده که رفع افلاس و تکدی را از بین فلکزدگان بفرمایند.

از طرف عموم کسبه و رنجبر بارفروش، به مهر ۳۹۸ نفر

[حاشیه]: اداره نظامیه بارفروش - هویت ۱۳۹۸ امهار و ۱۸ سطر که از کسبه بازار روی پارچه سفید به عنوان مجلس شورای ملی نوشته شده است، تصدیق می نماید. مورخه ۱۰ اسفند ماه ۱۳۰۵ رئیس نظامیه بارفروش سواد مطابق اصل است.

تلگراف از رشت به تهران، شماره ۵۲۱، ۴ اردی بهشت ۱۳۰۶

مقام منبع ریاست وزرای عظام، ۴ کپیہ دفتر مخصوص اعلیحضرت شہریاری ارواحنافداه، مجلس مقدس شورای ملی
 نهضت مرکز نمایندگان نهضت گیلان در تعقیب آخرین تلگراف تظلم، به طوری که عرضه
 داشتیم، چنانچه دولت تا چند روز [دیگر] در مقابل سهل انگاریهای عمال شوروی اقدام مقتضی
 به عمل نیاورد، جمعیت به نام حفظ شئونات ملیہ، تصمیمات خود را عملی خواهد کرد. اینک
 جلسہ در لیلہ ۱۶ شوال تشکیل و با قید سوگند به کلام اللہ مجید تصمیم قطعی گرفته شد کہ در
 تعقیب اعلامیہ سابق دولت معظم، ہرگاہ تا ۲۹ شوال امضا [ی] قرارداد متضمن منافع ملی اعلان
 نگردد، جمعیتها با در نظر گرفتن ہر گونه مشکلات محتملہ کہ آسانترین آنها شلیک کردن
 نظامی است، تجارتخانہها را تعطیل، گمرکات شمال را مسدود، از ورود [و] خروج [کالاہای]
 روسیہ قویاً جلوگیری خواهد شد و تصمیمات فوق در جلسہای کہ کلیہ روسای دوایر لشکری و
 کشوری دعوت شدہ بودند، اعلام گردید کہ بہ وزارتخانہهای متبوع خود ابلاغ نمایند.
 جمعیت نهضت اقتصاد.

وزارت جلیلہ داخلہ، راپرت حکومت گیلان، ۱۲ اردی بہشت ۱۳۰۶، نمرة ۱۱۳۲

مقام منبع وزارت جلیہ داخلہ^۱ دامت شوکتہ

با تسلیم این کہ بہ اندک غفلتی از طرف مامورین دولتی برای پیشبینی و جلوگیری از
 حوادث محتملہ، ممکن است مشکلاتی حادث شود، برطبق تصمیماتی کہ از جانب هیات
 نهضت اقتصاد برای دوشنبہ ۲۹ شوال اتخاذ نمودہ بودند، مراتب در تاریخ ۳۰ فروردین تحت
 نمرة ۳ رمزاً بہ مقام وزارت جلیلہ عرضه و تقاضا [ی] تکلیف شد و در تاریخ ہفتم اردی بہشت
 تلگرافاً بہ نمرة ۷۸۰ استدعای جواب شدہ، چون دستوری نفرمودید بر طبق تقاضای ادارہ
 نظمیہ برای طرز عملیات مجدداً در تاریخ غروب ۹ اردی بہشت بہ نمرة ۵ بہ قید فوریت دستور
 خواستہ شد، متأسفانہ تا این ساعت ہم جواب هیچ یک از تلگرافات نرسیدہ است و بہ طوری

۱. عمادالسلطنہ فاطمی، وزیر داخلہ دولت حسن مستوفی. از ۱۸ بہمن ۱۳۰۵ تا ۶ خرداد ۱۳۰۶.

که دیروز در ضمن معروضه تلگرافی نمره ۱۰۹۱ اشعار شده بود و آقای فرمانده با وحدت فکر و مساعی مشترکه، در این چند روز هر چه سعی کردیم که بلکه نگذاریم هیچ گونه تظاهراتی از ناحیه جمعیت نهضت و بلکه قسمت مؤثر اهالی شود، چون فوق العاده از پیش آمدهای غیرمنتظره عصبانی و قسم قرآن خورده بودند مقدور نگردید. تا دیروز صبح خبر رسید که تجارتخانه‌ها عموماً تعطیل و جمعیت زیادی به سمت پهلوی برای توقیف گمرک و تعطیل تجارت و عملیات دیگر حرکت نمودند. بلافاصله بنده و آقای فرمانده تپ مستقل شمال ناچار برای جلوگیری از حضرات، مصمم حرکت شده و ضمناً برای رعایت مصلحت وقت حضرت حجة الاسلام آقای حاج سید محمود مجتهد، دامت برکاته و آقای سردار معتمد را هم به اتفاق آقای رئیس نظمی حرکت دادیم وقتی در غازیان وارد محوطه گمرک شدیم که کارکنان گمرک از وحشت، درب ورود را بسته و جمعیت تصمیم شکستن آن را نموده بودند که بنده و آقایان وارد و داخل جمعیت شده، دو ساعت متجاوز با اندرز و نصیحت همین قدر توانستم که از التهاب و حرارت جمعیت به مقداری کاسته^۱ که حاضر شدند جمعیت از اطراف گمرک متفرق و دوازده نفر از جانب خود به نمایندگی انتخاب نمایند که برویم در پهلوی مذاکره نماییم. اگر بنده و آقای فرمانده و چند نفر آقایان که همراه برده بودیم توانستیم آقایان را به دلایلی قانع کنیم^۲ فبها والا عملیات خود را تجدید نمایند. با این صورت عمل، عموماً عازم پهلوی شده و در جریان این حال تخمیناً دو ساعت هم اداره گمرک صورت تعطیل داشته که در موقع حرکت به سمت پهلوی دستور داده شد مشغول کار بشوند. بعد نمایندگان حضرات در پهلوی معین و در اداره حکومتی حاضر و داخل در مذاکره شدیم. حضرات شرح خسارات و خانه‌خرابی خود را که از طرز تجارت و عملیات نمایندگان تجارتخانه‌ها و اتباع دولت شوروی اظهار و ضمناً دو سه موضوع را محل شاهد قرار داده و تقاضای اصلاح آن را نمودند. اولاً عاملین روسها در نتیجه نهضت تجار را کنار گذاشته بعضی اشخاص پست و بی حیثیت را جلو کشیده، سرمایه و اعتبار می‌دهند که برای آنها خرده‌خری می‌کنند و ضمناً به همان اشخاص جواز مخصوص برای حمل بعضی اجناس می‌دهند که روحاً اختلاف کلمه بین اهالی انداخته و رشته اتفاق مالک و تاجر و جمعیت نهضت را پاره نموده و در انظار دنیا هم این طور جلوه می‌دهند که تجار شمال به داد و ستد خود مشغولند، منتها یک عده هوچی به اغراض خصوصی این اقدامات می‌کنند. ثانیاً بعضی از اتباع ایران هم برای استفاده آنی، حیثیت ملی را شکسته داخل در بعضی معاملات مخفی می‌شوند

که بر خلاف مصلحت جامعه نسبت به اتحاد جمعیت و معاریف اهالی و تجار سخته وارد می نمایند. ثالثاً اجناس روسیه را اتصالاً وارد و آزاد می فروشند، ولی اجناسی را که از ایران می برند با همین دسایس به خرده خری جمع آوری کرده به قیمت های پست و نازل خاتمه می دهند. بالتسبیه چون جنس با جنس مبادله می شود اگر به حساب قیمت مراجعه شود هرگاه یک میلیون جنس وارد کنند، در مقابل چهار میلیون جنس ایران را می برند یا باید اولیای دولت در جزئیات عمل داخل و از این معایب و بالخاصه عملیات عمال داخلی را جلوگیری و با عقد قرارداد تکلیف تجارت شمال را معلوم فرمایند و یا این که نه جنس از روسیه وارد و نه از ایران خارج شود که به کلی گمرکات بنادر شمال بسته و در عمل معارضه به مثل شود. در مقابل با هر زبانی بود که عملیات ملت و دولت باید با هم دیگر توأم باشد و نماینده دولت فعلاً در مسکو مشغول انجام تعلیمات دولت و مرام ملت است و از جانب دولت امیدواری های کامل به عقد قرارداد شرافتمندانه داده شده که قریب به خاتمه است و آقایان هر قدر دچار مشکلات باشند، بعد از این مدت یک هفته هم بیشتر صبر کنید تا نتیجه اقدامات دولت معلوم شود. با هر صورت و منطقی بود حضرات را ساکت و قانع و تعطیل عمومی را رفع کردیم، فقط میتینگی در بلوار پهلوی جلو عمارت حکومتی، در همین زمینه معروضه ای با اشتراک هزار نفر جمعیت متجاوز داده و با ذکر زنده باد اعلیحضرت شاهنشاه ایران و پدر تاجدار ایرانیان خاتمه پیدا کرد و متفرق و به شهر معاودت نمودند و قبلاً هم برای پیش بینی یک عده نظامی و پلیس مامور و مراقب انتظامات بودند که بحمدالله با این حالت عصبانی مردم، از جمعیت به هیچ وجه حرکتی برخلاف نزاکت ظاهر نگردید. و نیز آقای فرمانده و رئیس نظمیه تا آخر مرحله در آن جا مراقبت نموده، تمام افراد را قبلاً به تدریج به سمت شهر حرکت داده، بعد از حصول اطمینان تامه مراجعت کردیم. و در خاتمه به عرض می رسانم که این کار را خاتمه شده تصور نفرموده و مثل تلگراف قبل بلاجواب نگذارید، زیرا که فقر عمومی به تدریج به روحیات افراد از عالی و دانی اثر کرده و قریباً این منظره به حکم طبیعت تجدید خواهد شد. مستدعیم دستور جامعی برای طرز اقدام حکومت صادر فرماید.

[امضا]، مهر حکومت گیلان

تلگراف از بندر پهلوی به تهران، نمره ندارد، ۱۰ اردی بهشت ۱۳۰۶

راپرت بندر پهلوی

۱۰ اردی بهشت، امروز موسسات تجارتي دولت شوروی، در اثر تصمیم نهضت اقتصاد که عبارت از توقیف نمودن گمرک است، عموماً مال التجاره‌های خود را با عجله هر چه تمامتر از گمرک خارج نموده‌اند.

مراد [رئیس تلگرافخانه پهلوی]

تلگراف از رشت به تهران، نمره ندارد، ۱۱ اردی بهشت ۱۳۰۶

راپرت ۱۱ اردی بهشت رشت

امروز که ۲۹ شوال و روز آخر قراری است که تجار در جمعیت نهضت اقتصاد داده بودند لهذا کلیه تجارتخانه‌ها را تعطیل وعده‌ای هم به بندر پهلوی برای جلوگیری از حمل [و] نقل مال التجاره رفته‌اند.

مراد.

ریاست وزرا، تلگراف از تهران به رشت، شماره ۸۳۳، ۱۱ اردی بهشت ۱۳۰۶

حکومت جلیله

مطابق راپرتهای واصله، آقایان جمعیت نهضت اقتصاد، امروز تجارتخانه‌ها را تعطیل وعده‌ای هم برای جلوگیری از حمل و نقل مال التجاره به بندر پهلوی رفته‌اند. لازم است رؤسای جمعیت را بخواهید و مخصوصاً از طرف این جانب خاطر نشان نمایید که اولیای دولت، مصالح مملکت و آسایش آقایان تجار را کاملاً در نظر دارند و تاکنون هم از دقایق امر غفلت نداشته و با اقدامات و مراقبت‌هایی که شده، امیدواری حاصل است به زودی رفع مشکلات بشود. با این حال

این گونه اقدامات قطعاً منافعی با مصلحت واقع شده، به اقداماتی هم که در جریان است سکتی وارد می آورد. بنابراین به هیچ وجه مقتضی نیست عنوان تعطیل و جلوگیری از مال التجاره به میان آید. آنها را با نصایح لازمه و تذکر به نکاتی که دولت نموده است از تعطیل و مداخله در کارهای گمرکی منصرف کرده، نتیجه را اطلاع بدهید. در خاتمه اشعار می دارد، اگر نصایح مؤثر واقع نشود، خود شما مأمور هستید به هر ترتیب [که] لازم باشد، نگذارید به هیچ وجه مزاحمت و تعرضی نسبت به وظایف گمرکی بشود و از رفتاری که مخالف با نظرات دولت باشد جداً و قویاً جلوگیری نمایید.

حسن [مستوفی الممالک]

۱۲۲

۲۹

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی، ۱۴ اردی بهشت ۱۳۰۶، نمره ۷۴، محرمانه

مقام منبع ریاست محترم وزاری عظام، دامت شوکتی

عطف به معروضه نمره ۶۷ دایر به تصمیم هیات تجار رشت که چنانچه تا روز ۲۹ شوال قرارداد تجارتی از طرف دولت علیه خاتمه نیابد، داکین را بسته و گمرک پهلوی را تعطیل نمایند، مجدداً از نظمیه آنجا به وسیله تلگراف راپرت می دهند، روز ۲۹ شوال قبل از ظهر صد نفر از تجار رشت به بندر پهلوی رفته و به اتفاق عده زیادی از تجار آنجا به محوطه گمرک وارد شده، ولی قبلاً فرمانده محترم تیپ و حکومت و رئیس نظمیه به گمرک پهلوی رفته، همین که هیات مذکور وارد اداره گمرک شدند فرمانده محترم تیپ با آنها مذاکرات زیادی کرده و آنها را امیدوار به مراجع هیات معظم دولت نموده تا این که همگی متقاعد گردیده و با نزاکت یک ساعت بعد از ظهر از اداره مزبور خارج شدند و عصر همان روز پس از دادن متینگ متفرق شده و به رشت مراجعت نمودند. اینک مراتب را برای استحضار آن مقام منبع معروض داشت.

رئیس کل تشکیلات نظمیه، درگاهای [امضا].

۳۰

۱۲۳

وزارت داخله، حکومت گیلان و طوالش، ۲۰ اردی بهشت ۱۳۰۶، نمره ۱۵۰۲

مقام منبع ریاست جلیله وزارت عظام دامت عظمته

در تعقیب راپرت معروضه نمره ۱۱۳۳ راجع به هیات نهضت اقتصاد، یک نسخه خطابه که طبع و منتشر نموده، برای استحضار خاطر مبارک به ضمیمه تقدیم می گردد.
[امضا] مهر حکومت گیلان ۱۴ اردی بهشت ۱۳۰۶، ضمیمه پرورش^۱

۳۱

۱۲۴

خطابه در حضور نمایندگان دولت علیه، در موقع ورود جمعیت نهضت اقتصاد،
در محوطه گمرک ۱۴ اردی بهشت ۱۳۰۶، ضمیمه «پرورش»

آقایان محترم، اثبات آن که منافع عمومی هر ملتی مقدم بر منافع خصوصی افراد آن ملت است و این که منافع عمومی موجب سعادت جامعه آن ملت و مملکت است به نحوی واضح و روشن نزد هر عاقل و ذی حسن و وجدان است که حاجتی به اقامه دلیل و برهان ندارد. و بدیهی است که تحصیل منافع عمومی بدون معاونت و معاضدت جامعه ملت غیر میسر^۲ بلکه غیرممکن است. به تجربه و ملاحظه صفحات تواریخ ثابت است که سعادت ملت و مملکت منحصر به موافقت و اتحاد افراد آن جامعه است تا به اتفاق کشتی نجات به ساحل رسد و از گرداب فلاکت و پریشانی رهائی یابد و در طریقه دیانت اسلامی هم تاکید شدید و بلیغ در تحصیل موافقت و اتحاد و تعلیم موجبات آن شده که بر تابع آن دیانت پوشیده نیست و قلم مشیت که بر صفحات احوال مخلوقات کشیده شده سعادت هر جامعه ای را به تمیز بین خیر و شر و نفع و ضرر ثبت کرده چنانچه تحصیل منافع عمومی در سایه اتحاد و موافقت موجب سعادت و نجات ملت و ابقای قومیت و ترقی مملکت است و افراد ملت باید در آن مجاهدت و کوشش نمایند در رفع ضرر از نوع ملت که موجب افنای آن و باانعدام مملکت توأم است باید در

۱. پرورش. هفته نامه ای بود سیاسی - اجتماعی که سه دوره در رشت و تهران از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۲۷ منتشر می شد. این هفته نامه که به ترتیب به سردبیری حسین اقبال و حسین رازانی منتشر می شد. ارگان حزب جنگل و حزب میهن پرستان بود.
۲. اصل: میثور

سایه همان قسم از اتحاد زیاده‌تر مجاهد و ساعی باشند، زیرا دفع ضرر در نظر عاقل مقدم بر جلب منفعت است و از مزاحم‌کننده این قسم از ضرر لزوماً باید احتراز داشت، چه از افراد آن جامعه فراهم آید و یا از خارج، و ضرر وارده دو قسم است یکی آن که اگر گاهی ضرر رساند گاهی هم نفعی رساند و این قسم قابل جبران و تحمل است و دوم آن که ضرر وارده دائمی باشد و هیچ وقت متعقب به نفعی و بهره‌ای نباشد این قسم از ضرر است که غیر قابل جبران و تحمل است و رفته رفته موجب افلاس و پریشانی عمومی است و حکما و عقلا فراهم‌کننده این قسم از ضرر را دشمن دانسته‌اند. از این جاست که صاحبان افکار مستقیمه از تجار محترم گیلان در این چند ساله بعد از انقلاب روسیه و تشکیل دولت شوروی معاملات و تجارت خود را با آن دولت موازنه نموده و دانسته‌اند که همیشه مضرت در طرف خودشان و منفعت با همسایگان است و یقین کرده‌اند که این طرز و رویه اگر دائمی باشد و علاوه به آن که موجب افلاس و پریشانی نوع تجار است موجب پریشانی مالک و زارع بلکه کلیه افراد ملت گیلان و افنای آنها است.

«به بازار تو سودی جز زیان جان نمی‌بینم که بعد المشرقین آمد میان ما و این سودا»
و چاره و علاج خود و ملت گیلان را به ترک این معامله و تجارت دانسته و تشکیل نهضت اقتصاد را لازم دیده و مالکین و زارعین هم این نهضت را بر له خود دیده و نتیجه‌اش را ابقای حیات خود و مملکت دانسته و معاضدت و موافقت را لازم شمرده و با تجار محترم هم آواز شده و در معاملات با همجوار خودداری نموده «بی‌همرهی این راه به سر نتوان برد» و عموماً از خسرو زمانه و سلطان ایران استرحاماً استعلاج کرده که یا عقد قرارداد تجارتی فی‌مابین که صلاح طرفین باشد دایر نمایند و یا معامله به مثل و مقابله را اجرا دارند یعنی تجار ایرانی حمل مال‌التجاره نکرده در سر حد معامله بنمایند و دولت شوروی هم معامله در داخله ایران را موقوف نماید و در سر حد مبادله کرده باشد و آقایان تجار محترم بر این تصمیم خود با عهد موکده باقی مانده و نمایندگان شوروی با آن که همجوار و باید در ازدیاد مودت و مهربانی مساعی باشند بالعکس از ورود مال‌التجاره خود زاید از سابق خودداری نکرده بلکه در تزلزل ارکان نهضت و انصراف افراد این جمعیت به هر آنچه مقدور بوده اقدام نموده غفلت از آن که بعد از این تجربه حاصله از سلوک آنها در معاملات با ایرانیان دیگر فریب و تغافل غیر ممکن است

«این دام ببر قصد شکار دیگری کن کان صید که دیدی به کمند تو نیاید»

گاهی اعلان به مالکین کرده که تجارت شوروی بلاواسطه تجار از مالکین بزرگ و کوچک، برنج را به قیمتی که کمتر از پوط هفت قران و ده شاهی نیست خریداری می نماید تا زارعین و مالکین را فریفته و از موافقت با تجار محترم منصرف داشته و تولید اختلافی نماید و ضمناً هم که خود را حامی رنجبر می داند حاصل رنج آنها را که برنج است جمع آوری می نماید لکن مالکین هم فریفته نشده و از مقصود آگاه بوده - «تو مپندار که دلبر زدلت آگه نیست» - گاهی بعضی از اولاد ناخلف ایران را که در این مملکت آسایش خود را خواهند و بس و همیشه منافع شخصی را در نظر داشته اند نه منافع عمومی را به خود جلب و جذب کرده و با آنها معامله نموده و در عوض مبادله جنس کرده. از طرف نهضت اقتصاد موجبات تکدیر آنها فراهم شده و این که آنها از اشخاص و عضو فاسد در ملت و مملکت هستند اعلان نموده و حجرات آنها را توقیف کرده و به آنها فهمانده:

«عضوی ز تو گر دوست شود با دشمن دشمن دو شمر تیغ دوکش زخم دوزن»
و هر قدر هم این اشخاص خود را به وسایل نزدیک به جمعیت نموده و از اقدام خود معذرت خواسته و برای جبران از تقصیر خود ملتزم به اعاشه فقرا شده نظر به آن که جمعیت نفاق و دورویی را از آنها بالیقین احراز کرده و نزدیکی آنها را به جامعه خود مضر دانسته از تجدید مودت با آنها خودداری کرده گاهی کالجرء المنتشر اوراق جواز حمل مال التجاره [را] به ایادی متفرقه داده گاهی با^۱ آن که در این بازار بادکوبه مال التجاره زیاده تر از سنه گذشته وارد شده اذهان را مشوب داشته لکن نهضت اقتصاد در مقابل همه این اقدامات در عزم خود «کالجیل لاتحرکه العواصف» ثابت و راسخ تر شده و با نیرنگ و حيله ها از افراد داخله و خارجه منصرف نشده و متخلف از افراد جامعه را مطرود کرده و از آنها بیزاری را لازم دانسته

«روی دل از دو طایفه برتافتن نکوست از دوستان دشمن و از دشمنان دوست»
آقایان محترم، این اقدامات و نهضت جامعه که نتیجه اش نجات ملت و سعادت مملکت است در نزد ملل حیه عالم فوق العاده قابل تقدیر بلکه در نظر دولت شوروی هم اهمیت دارد و به هیچ وجه مورد تنقید و ملامت نیست البته وظیفه هر ملت بیدار و آگاه است که در سعادت خود کوشش نماید و از خود بگذرد^۲ و بر تصمیم آخری خود که تعطیل کلیه تجارتخانه ها بود موفق شده اید و بر عزم خودتان که به پهلوی عزیمت نمایید هم رفتار کرده اید و از عقیده خود که

۱. اصل: به

۲. این جمله با جمله بعد ارتباط ندارد و اصل سند همین است.

تعطیل گمرک و منع از صدور و ورود بوده هم تا اندازه‌ای ابراز و در موقع عمل آورده‌اید و حالیه هم در محوطه گمرک اجتماع دارید برای آن که آقایان محترم را به یک نکته مهمه مسبوق داریم در معیت حضرت فرمانده تیپ مستقل شمال و حضرت حکمران برای جلب خاطر و توجهات شما به آن نکته خدمت آقایان رسیده‌ایم و می‌گوییم ای آقایان محترم در موقعی که مملکت در اضطراب و ملت متزلزل بود در موقعی که کشتی مملکت در گرداب فتن و خاتم جم در ننگین اهرمن بود در موقعی که دیده همه ایرانیان در انتظار مامن و ملجا بود خداوند قادر متعال جلت قدرته حکمت ازلیه اش تقاضا کرده که ابر فیض و احسانش از دریای جود و فضلش باران رحمت بر مزارع ارواح و اجسام مملکت و ملت بیارد و حکمتش تقاضا کرده که ساحت ایران گلشن و قلوب ایرانیان روشن گردد و حکمتش تقاضا کرده که زاغ از صحن چمن مملکت بیرون رود و باغ گل خاص بلبل شود و حکمتش تقاضا کرده که اعلان کنز مخفی نماید وجود مسعود و ذات اقدس شاهنشاه رضاخان پهلوی از مشرق ایران طلوع کرده و با همت^۱ و لیاقت ذاتی خود در ترقیات مملکت مجاهدت و کوشش فرموده تا آن که به اوج کمال یعنی به دایره نصف النهار مرکز دایره افق مملکت رسیده وجود مبارکش زینت بخش تاج و تخت جمشیدی گردیده و از خود به شاهنشاه ایران و مدار امن و امان معرفی فرموده تا رفع هر عیب و علت نماید و البته تصدیق دارید در رفع نواقص غفلت نفرموده و در تکمیل موجبات ترقی کوشیده و قوه مجریه را به وجه احسن منتظم و قوه قضائیه را که هر دو روح و جسم مملکت هستند تکمیل و موجبات اطمینان عامه ملت را در هر ناحیه فراهم داشته و به همت عالییه و شهامت و قدرت خود قانون کاپیتولاسیون را لغو فرمود. آقایان محترم گمان دارید از مقصد و مرام شما که مایه حیات مملکت و ثروت ملت است غفلت فرموده‌اند و یا تعلل می‌فرمایند حاشا ثم حاشا ما و شما امیدواریم که مملکت ما را از هر گونه تطاول یگانه و بیگانه محفوظ باشد ما و شما امیدواریم که عموم ملت در سایه رأفت و عطوفتش در امن و امان و محفوظ باشند. آقایان این احساسات امروز و اقدامات شما در تسریع دولت علیه در انجام مقصود و منظور شما در انتظار و گذشتن شما از خود و حاضر شدن شما در فداکاری فوق‌العاده دارای اهمیت است و نظر به علاقه‌مندی نمایندگان محترم دولت به شما و شما به آنها این که همه شما از دولت و دولت هم از شما است صلاح شما را در انتظار چند روزه می‌دانند و نظر به اطلاعات قریبه‌ای که دارند قرارداد تجارته گذشته و یا در شرف اختتام است و از آقایان خواهانیم با مراعات نزاکت و ملاحظه شئونات خود

و دولت از گمرکخانه به معیت خودمان بیرون رفته و بقیه مذاکرات خودمان را در بندر پهلوی خاتمه داده و مراجعت به رشت نموده باشیم تا دولت علیه به عون پروردگار جل شانہ و باتوجهات حضرت ولی عصر عجل الله فرجه موفق به انجام مهائم امور مملکت و فراهم داشتن آسایش ملت گردد و تشکر خواهیم داشت که آقایان محترم این بیانات ما را که از روی علاقه‌مندی و حقیقت با آقایان است قبول فرمایند سپس آقایان با تشکر از نمایندگان و دعاگویی به ذات اقدس ملوکانه از محوطه گمرک خارج شده پس از مذاکرات در عمارت حکومتی مطمئناً به طرف رشت مراجعت کردند.

مطبوعه عروة الوثقی رشت.

۳۲

۱۲۵

وزارت داخله، حکومت گیلان و طوالش، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۶، نمره ۱۵۰۸

مقام منبع ریاست جلیله وزراء دامت عظمته

برحسب دستور تلگرافی نمره ۱۶ ماه جاری وزارت جلیله پست و تلگراف از بابت راپرتهای تلگرافخانه بندر پهلوی کمیسیون در اداره حکومتی تشکیل و سواد صورت مجلس لفاً برای استحضار خاطر مبارک تقدیم گردید.

[امضا] مهر

۳۳

۱۲۶

صورت مجلس خصوصی که در اداره حکومتی راجع به راپرتهای تلگرافی بندرپهلوی تشکیل شده ذیلاً درج می شود

اظهارات حضرت سرتیپ

چون به واسطه حرکت آقایان تجار به بندرپهلوی راپرتی از تلگرافخانه پهلوی به تهران داده شده بود تقریباً خلاف واقع بوده. یکی توقیف دفاتر گمرکی به دست تجار یکی توقیف یک کشتی [که] مقداری از محمول خود را تخلیه و بقیه را هم مشغول تخلیه بوده است. نهضت مالالتجاره تخلیه شده را توقیف و از خروج بقیه هم ممانعت نموده، چون نظر به این که آن روز

به اتفاق آقای حکمران و آقای حاجی سید محمود و رئیس نظمیه گیلان و صادق خان اکبر برای متقاعد نمودن تجار و مانع شدن از عملیات آنها به پهلوی رفته و قبل از این که تجار داخل دفاتر گمرک بشوند یا عملیاتی نمایند با معیت و تقویت آقایان فوق موفق شدیم تجار را قانع نموده از منظوری که داشتند منصرف نماییم و البته آقایانی که تشریف داشتند مشاهده نموده که به هیچ وجه جمعیت نهضت متعرض دفاتر گمرکی نشده و در قسمت کشتی نیز دخالتی ننمودند. مقتضی است آقای رئیس نظمیه که کاملاً راجع به موضوع کشتی در جریان بودند موضوع را شرح داده مشهودات خود را بیان نمایند. سپس از متصدی تلگرافخانه پهلوی سؤال خواهد شد مطابق چه مدرک و اطلاعاتی راپرتی که هیچ اصل نداشته به تهران تقدیم داشته‌اند.

اظهارات آقای رئیس نظمیه

توقیف مال التجاره کشتی و خود کشتی چنانچه خود بنده حضور داشتم حقیقت نداشت و برخلاف حقیقت است. همین طور هم دفاتر گمرکات، زیرا از طرف اعضای هیات نهضت و جمعیت تجار رشت و پهلوی به هیچ وجه در آن جا اقداماتی نشد و تمام در بدو امر در محوطه جلو گمرک مشغول اصغای فرمایشات حضرت سرتیپ و آقای حاجی سید محمود و جوابهایی که می دادند بوده و بعد هم در آن حین قرار شد نمایندگانی معین نمایند که در خارج صحبت نمایند. برحسب اظهار خود مامورین گمرکی چون آفتاب و گرم است خوب است در سالن جدید البنای گمرک که محل مسافرین است در آن جا مذاکراتی بشود. بنابراین پیشنهاد حضرت سرتیپ و حضرت حکمران و آقای حاجی سید محمود و آقای سردار معتمد و بنده و عده منتخبین هیات به سالن رفتیم. پس از یک رشته فرمایشات حضرت سرتیپ با تجار که تقریباً آنها به فرمایشات حضرت سرتیپ قانع شده بودند قرار شد که ما از آن جا خارج شویم و تمام تجار در آن سالن جمع شده و این مذاکرات را به عموم گفته آنها را متقاعد نمایند. در موقعی که ما به اتفاق آقایان محترم خارج شده در روی کربی گمرک ایستاده بودیم که نیم ساعت از ظهر گذشته بود و در آن موقع یک کشتی که پهلوی کربی گمرک ایستاده بود عملجات و حاملها مشغول تخلیه مال التجاره از کشتی بودند، یکی دو نفر از تجار از سالن بیرون آمده در حضور حضرت سرتیپ و حضرت حکمران عرض کردند: نظر به این که مشغول به اقناع این آقایان که تقریباً فناتیک هستند و قسم خورده‌اند و نمی‌توانیم منصرفشان بکنیم این حاملهای گمرک که مشغول خالی کردن مال التجاره از کشتی هستند خوب است تا وقتی که ما این جا هستیم و مشغول مذاکره

هستیم این کار را نکنند تا ما از این جا برویم. در آن موقع حبیب‌الله خان [و] اجزای گمرک که در خدمت حضرت سرتیپ بودند به ایشان فرمودند: چون نیم ساعت از ظهر می‌گذرد و موقع نهار است و البته این عملجات هم باید نهار بخورند از نقطه نظر فناتیک بودن این عده خوب است به آنها بگویند از الان بروند ناهار بخورند که در حضور آنها کار نکرده باشند. حبیب‌الله خان اظهار نمود: چون موقع ناهار است ضرر ندارد. در عین حال اقدامی نشده مشغول به کار بودند چنانچه پس از این که آقایان متفرق شدند به بندرپهلوی رفتند که قرار به عصر شد که کمیسیون ثانوی ۱۲ نفری تشکیل شود. در موقعی که خدمت آقایان محترم فوق‌الذکر در مهمانخانه پس از صرف ناهار نشسته بودیم و حضرت سرتیپ هم در اطاق دیگر بودند و چنانچه حضرت حکمران هم مشاهده فرمودند آقای مهدی مختار احمدزاده اردبیلی و یک نفر از تجار دیگر تبریزی که اسمش در نظرم نیست در سالن مهمانخانه نزد من آمده اظهار کردند: حمالهای کشتی مشغول کار هستند و تعطیل نکردند و این آقایان فناتیک تمنا دارند تا این نیم ساعت و یک ساعتی که این جا هستند موقتاً عملجات و حمالها کار نکنند. بنده به آقایان جواب دادم که گمان نمی‌کنم مقتضی باشد در صورتی که آقایان به فرمایشات حضرت سرتیپ متقاعد شدید. مجدداً تقاضا نمودند که عرایض و تقاضای آنها را حضور حضرت سرتیپ عرض کنم. رفتم و خدمتشان عرض نموده ضمناً هم این عرض را نمودم که این حمالها متعلق به گمرک نیستند، مال اداره کشتی‌رانی هستند و تصور نمی‌کنم که مقتضی باشد. حضرت سرتیپ عرض بنده را تصدیق و فرمودند: برای این که آقایان بدانند صحبت کردیم خوب است با اجزای گمرک صحبت کنند. از مهمانخانه بیرون آمدیم تصادفاً آقای سعید حضور اجزای گمرک و یک نفر عضو دیگر گمرک عبور می‌کردند، تقاضای تجار را با آنها مذاکره نمودم. آقایان جواب دادند: این کشتی، کشتی پست است که باید فردا حرکت کند و مجبور است محمولات خود را امروز خارج و در انبار گمرک بریزد.

حمالها^۱ متعلق به اداره کشتی رانی هستند و مقتضی نیست که آنها را از کار بازداشت، زیرا ممکن است این مساله اگر عملی شود و لویک ساعت تعطیل کند اسباب بهانه شده پست فرنگ فردا حرکت نکند و فردا^۲ ادعای خسارتی بکنند و البته مقتضی نیست. در این بین دو نفر آقایان تجار فوق‌الذکر که از مهمانخانه معاودت می‌کردند به بنده تصادف نموده معایب این تقاضای آقایان را به ترتیب فوق‌الخطرنشان نمودم که با اصول تراکتی را که تاکنون مراعات کردید و حفظ

۱. اصل: حمالهای

۲. اصل: فردای

حیثیات مملکتی و ایرانیت نمودید نبایست بهانه و مستمسکی داده شود. احمدزاده اردبیلی جواباً اظهار داشت: صحیح است چه کنم با یک دسته اشخاص فناتیک سروکار داریم. گفتم: به هر جهت باید آقایان عقلاً آنها را متقاعد نمایند و مراجعت نمودم مراتب را به حضرت سرتیپ عرض کردم. این است قضایای امر.

حضرت حکمران که اظهارات آقای رئیس نظمی را استماع می فرمودند تصدیق فرمودند کلیه اظهارات به همین ترتیب بوده صحیح است.

سؤال می شود از مسیومرادی که شما مطابق چه اطلاع و مدرکی این راپرت را به تهران داده اید؟

ج - خودم که در آن جا حضور نداشتم و از اجزای تلگرافخانه هم کسی در آن جا نبود، توسط فراشی فرستادیم برای تحقیق و او هم همین طور جواب آورد که تجار گمرک را تعطیل کردند و بارهایی که از کشتی خالی می کردند در انبار گمرک توقیف شد. ممکن است اظهارات فراش صحیح نباشد، بنده هم همان طور راپرت را مخابره کردم بدون این که بدانم اهمیتی داشته باشد. تلگرافی هم از طرف تجار آوردند از تاجری سؤال شد او هم همین طور گفت، اسم تاجر را هم فراموش [کرده ام]. ممکن است که بعد از مراجعت به پهلوی راپرت دیگری در تعقیب راپرت سابق داده شود و مال اولی لغو گردد[د]

از طرف حضرت سرتیپ سؤال از مراد می شود - در راپرت خود گفتید که گمرک را توقیف کردند. این جا اظهار می کنند تعطیل کردند. دویم این که ساعت یک بعد از ظهر ما با تجار از غازیان^۱ به پهلوی آمدیم اغلب از روسای ادارات و اجزای گمرک نیز بودند آیا ممکن نبود شما از اشخاصی که در آن جا حضور داشتند سؤال کنید یا از یکی از روسای ادارات این پرسش را بنمایید؟

ج - مقصود توقیف بودن مال التجاره است که در انبار گمرک نگاه داشته شده و همین طور که فراش گفته بود و معلوم نیست از کجا این خبر را تحصیل کرده بود که گمرک توسط تجار تعطیل شده است، ولی بعد از آن دوباره شنیدیم که گمرک را باز کردند و از فردای آن روز مشغول کار خواهند شد. اینک در تعقیب راپرت اولی راپرتی دادیم که گمرک دوباره باز خواهد شد، در راپرت ذکر کردیم که تجار یک نطق دیگری در بلوار کردند و بعد از تمام کردن نطق رفتند. در قسمت دویم غفلت شده است که از روسای ادارات پرسش شود.

مراد [امضا]

مجدداً از طرف حضرت سرتیپ سؤال می‌شود - بالاخره توقیف دفاتر گمرک و محمولات کشتی را که شما راپرت داده‌اید تکذیب می‌کنید یا تصدیق؟
ج - چون خودم اطلاعی ندارم و تحقیق که شده بود توسط فراش از جای صحیحی نبوده است البته خودم تکذیب می‌کنم و ممکن است هم راپرتی بعد از مراجعت به پهلوی در تعقیب راپرت اولیه بدهم.

مراد [امضا]

۳۴

۱۳۷

تلگراف از ساری به تهران، شماره ۱۱۲، ۱۸ مهر ۱۳۰۶

مقام منبع ریاست وزرای عظام^۱ دامت شوکته کبیه وزارت جلیله داخله

دستخط مبارک تلگرافی که بشارت اختتام عقد قرارداد تجارتی^۲ با دولت همجوار شمالی را متضمن بود به وسیله ایالت جلیله زیارت، اثرات فیض در ارواح افسرده تجار و علاقمندان تجارت که به فقر [و] فلاکت اقتصادی دچار شده‌اند بخشیده است که از عرض میزان آن عاجزیم. اینک با شعف کامل از عواطف مبذوله هیات معظم دولت که اعاده جهات اقتصادی عمومی را شامل است، تشکرات صمیمانه عرض و موفقیت آن دولت محترم را در تکمیل آسایش عمومی از خداوند مسألت می‌نماییم.

موسوی گلبدادی مرتضوی [و پنج امضای دیگر]

۱. مهدی قلی هدایت (مخبرالسلطنه). از ۹ خرداد ۱۳۰۶ تا ۲۲ شهریور ۱۳۱۲

۲. قرار داد تجارتی مزبور به انضمام چهار قرارداد دیگر، شامل قراردادهای تأمینیه و بی‌طرفی، شیلات بندرپهلوی و گمرک در ۸ مهر ۱۳۰۶ بین دو دولت امضا شد. یک ماه بعد روزنامه اطلاعات چنین گزارش داد: «برطبق تلگرافی که امروز از مسکو واصل گردید، کمیته مرکزی اجرائیه دولت شوروی قرارداد منعقدہ بین دولتین ایران و شوروی را به اتفاق آرا تصویب نموده است.»

روزنامه اطلاعات، شماره ۳۴۸، سال دوم، پنج شنبه ۱۱ آبان ۱۳۰۶

تلگراف از ساری به تهران، ۱۷ مهر ۱۳۰۶، بدون نمره، راپرت ساری

برای تجدید اتحاد و تکمیل قرارداد بین دولت علیه ایران و دولت شوروی، دیشب درب عمارت ایالتی و [نیز] در بلدیة جشن و چراغان [ی] مفصلی کرده [بودند] تمام مردم از اعیان و تجار و غیره برای تبریک حاضر و صرف شربت و شیرینی شده، تمام با شغف قلبی به دعای بقای ذات مقدس اعلیحضرت پهلوی ارواحنا فداه مشغول بوده، در بازار هم کسبه چراغان [ی] داشتند. دیگر تازه‌ای قابل عرض نیست.

اشرفی

دفتر مخصوص شاهنشاهی، ۳ تیر ۱۳۰۶، نمره ۳۷۵۵

ریاست جلیله وزیرای عظام، دامت شوکته

تلگرافی از تجار بندرپهلوی دایر به شکایت از تضییقات اقتصادی، به وسیله میرزااحمد عباس قلی‌اف و علی‌اصغر طالب‌اف و حسن آقاعلی‌اف، به خاک پای مبارک همایونی ارواحنا فداه تقدیم شده که سواد آن را برای استحضار خاطر محترم عالی لفاً ایفاد می‌دارد و متمنی است مقرر فرمایید از تصمیمی که نسبت به شکایت آنها اتخاذ خواهند فرمود دفتر مخصوص شاهنشاهی را مسبوق دارند.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی [امضا بهرامی]

[حاشیه:] دفتر محترم مخصوص شاهنشاهی - مراسله نمره ۳۷۵۵ به ضمیمه سواد تلگراف واصله از پهلوی واصل گردید. سواد شکایات تجار درست روشن نیست. تجارت از نقطه نظر قوانین داخلی به کلی آزاد است و اگر چند نفری به اقتضای معلومات و استعداد فطری خود بهتر بتوانند مذاق مشتریان را به دست آورند^۱ و کسب خود را رونق دهند نمی‌توان گفت تعدی نسبت به همکاران خود کرده‌اند اما از لحاظ قوانین و نظامات روسیه مادام که مذاکرات دولت به جایی منتهی نشده نمی‌توان حدود و مناسبات خاصی قائل شد و ناچار تجار باید تابع عادات تجاری روسیه باشند. به عرض برسد. امضای عنایت‌الله سمیعی

دفتر مخصوص شاهنشاهی، تلگراف از پهلوی به تهران

مقام مقدس اعلیحضرت اقدس همایونی خلدالله تعالی ملکه

تهران، اوضاع اسف اشتغال تجار شمال خصوصاً طبقات تجار ایرانی مقیمین روسیه در این سنوات اخیره محتاج عرض و بیان نیست که به چه مشکلات و خسارات مبتلا شده ایم اگرگاهی از یک طرفی برای تجارت فتح البابی شده خواسته ایم به تلافی مافات جبران کسور اقدامی نماییم چند نفر از هم قطاران خودمان [که] عبارت باشند^۱ از میرزا احمد عباس قلی اف، علی اصغر طالب اف به خصوص حسن آقا علی اف در این جا مانع جریان امور کمترینان شده به هر وسیله و تدبیر [و] لطایف الحیل موجبات خسارات ما را فراهم می نمایند چنان که در این پارمارکای آخر بادکوبه فقط این سه نفر با بعضی ادارات ساخته، تجارتی که بوی منفعت استشمام می شد به خود انحصار داده اجازه صادر کرده است دویست نفر تجار که نماینده دو هزار نفر تجار داخله هستند در بغل و همه را محروم نمودند حالا نیز از موقع استفاده به جهت نزدیکی پارمارکای نیژنه با تدارک تمام به اتفاق آقای اسفندیاری عازم مسکو شدند که در آن جا با بعضی اشتباه کاریها و شعبده بازیها که گویا نماینده تجار هستند یا این که رتق و فتق [و] حل و عقد امور تجارتی ایران منحصر به وجود آن سه نفر است باز کمافی السابق به حقوق مشروعه عموم کمترینان تجاوز نمایند لهذا از مقام مقدس اعلیحضرت اقدس همایونی روحانفاده عاجزانه استرحام می نماییم به مقامات مربوطه امر و مقرر شود دست تعرض آنها را از حقوق کمترینان کوتاه فرموده اجازه خرید و فروش را به ایشان منحصر ننموده فی مابین عموم تجار عادلانه و منصفانه قسمت نمایند.

الامر الاعلی مطاع. امضای بیست نفر از تجار

سواد مراسله حکومت بندر جز، ۶ مهر ۱۳۰۶، نمره ۱۹۹

بعدالعنوان - در موقع ملاقات قنصل، دوشنبه ۳ مهر ۱۳۰۶، آقای حیدریه، تاجر بندر جز، اظهار داشت: [به] واسطه سخنی معاملات تجارتی، هیأت تجار از قنصل تقاضا می کنند، شعبه

بانکی در بندر جز تشکیل دهند. ایشان در جواب با تلقی مسرت جواب دادند: پارسال شعبه‌ای تشکیل شد، ولی به واسطه کمی داد و ستد و نبودن بروات شعبه بسته شد. حالا خوب است و در صورتی که تجار مایل باشند ما حاضریم. چون در این قسمت بنده مجاز به مساعدت یا مخالفت نبودم اظهاری نکردم؛ این است که عرض راپرت نموده، مسلم است در هر قسمت توسعه به امور تجارتی دولت شوروی، عملیات تبلیغیه را ایجاب می‌کند. به هر حال آنچه مقتضی است دستور خواهند فرمود که اگر خواستند بانکی در بندر جز تاسیس نمایند، تکلیف بنده به سکوت است یا ممانعت و جلوگیری. محمود خدابنده حکومت بندر جز

۱۳۲

۳۹

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، اداره تجارت، ۱۷ بهمن ۱۳۰۶، نمره ۱۱۷۱۲

وزارت جلیله داخله

سواد مراسله نمره ۳۴۲۲ که به نمایندگی تجارتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران نوشته شده، لفاً ارسال می‌شود. متمنی است به حکام بندر جز و قوچان و سلطان آباد و کرمانشاهان دستور فرمایید که با رعایت مفاد مراسله فوق‌الذکر مساعدت لازم در تأسیس شعب بانک به عمل آورند.

۱۳۳

۴۰

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، ۱۲ بهمن ۱۳۰۶، نمره ۳۴۲۲

نمایندگی محترم تجارتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران

به طوری که تقاضا نموده بودید اجازه داده می‌شود که شعب بانک ایران و روس در نقاط بندر جز و قوچان و سلطان آباد و کرمانشاهان به شرایط ذیل افتتاح یابد:

۱- از طرف شعب مزبوره قوانین و نظامات مملکتی که فعلاً موجود است یا در آینده تصویب و به موقع اجرا گذارده شود رعایت گردد.

۲- از رهن و استملاک اموال غیر منقول و هرگونه معاملات راجعه به اسناد و بروات دولتی ممنوع می‌باشد.

۳- شعبات مزبوره به دواير مربوطه وزارت جليله عدليه اعظم مراجعه و مقررات مواد ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۷ قانون تجارت و همچنين كليه مقررات قانون مزبور را كاملاً به موقع اجرا گذارد.

[امضا]

[حاشیه]: سواد مراسله فوق به بانک ایران و روس ابلاغ می شود. [امضا و مهر وزیر فواید عامه و تجارت]^۱

۴۱

۱۳۴

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی، ۷ شهریور ۱۳۰۶، نمره ۳۳۰، محرمانه

مقام محترم وزارت جلیله داخله

از نظمیه رشت بر طبق راپرت تامینات نظمیه بندر پهلوی راپرت می دهد، اخیراً بعضی از اتباع شوروی مقداری چرونس به طور قاچاق وارد نموده و در عوض طلا جمع آوری و خارج می نمایند و برای نیل به مقصود خود اشخاص ذیل که از مستخدمین گمرک خروجی هستند با این نظریه مساعدت نموده اند:

میرزا عباس فراش باشی، مسیو ژرژ، علی بالافراش، که در موقع ورود و خروج ممانعتی به عمل نیاید و نیز یک نفر از کارکنان کشتی ساتر سایوز مقداری چرونس داشته موقعی که برای فروش به بازار برده رئیس تامینات قضیه را مطلع شده و به مامورین گمرک راپرت داده و آنها نیز جلوگیری و تعقیب نموده اند.

[حاشیه]: فوری، آقای فروهر سواد [را] به وزارت خارجه بفرستید.

۴۲

۱۳۵

وزارت مالیه، اداره گمرک، ۲۹ اسفند ۱۳۰۶، نمره ۲۷۴۳۲

وزارت جلیله داخله

با استحضار از مرقومه نمره ۳۱۶ متضمن راپرت نظمیه رشت، در موضوع همدستی چند نفر از اعضای دفتر خروجی پهلوی با قاچاقچیان اشعار می دارد به قرار اطلاعات واصله از گمرک

۱. وزیر فواید عامه در آن هنگام در دولت مخبرالسلطنه، امیرلشکر عبدالله خان امیرطهماسبی بود. از ۱۱ آبان

۱۳۰۶ تا ۱۵ فروردین ۱۳۰۷

محل، راپرت مزبور مطلقاً عاری از صحت بوده، زیرا اشخاصی که از آن جا اسم برده‌اند از بهترین کارکنان دفتر خروجی و معاضدت ایشان با رئیس دفتر، فوق‌العاده در کشف قاچاق و جلوگیری آن مؤثر است.

از طرف زویر مالیه^۱ [امضا و مهر]

۱۳۶

۴۳

کابینه ریاست وزرا، ۶ دی ۱۳۰۶، نمره ۸۱۴۲

هیأت وزراء در جلسه ۴ دی ماه ۱۳۰۶ بر طبق پیشنهاد وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه و نظر به لزوم تسهیلات در کار ایاب و ذهاب به ممالک اتحاد جماهیر شوروی دو ماده ذیل را تصویب می‌نمایند:

۱ - هر مسافری در موقع ورود به ایران مجاز است که چهار چرونس کاغذی (چهل منات) همراه خود داشته باشد.

۲ - صدور چرونس از خاک ایران به خارجه آزاد است.

۱۳۷

۴۴

وزارت مالیه، ۱۹ اردی بهشت ۱۳۰۷، نمره ۳۰۶۴

در تعقیب متحدالمال نمره ۵/۴۳۰ مورخه ۱۵ فروردین ۱۳۰۷ راجع به ممنوعیت ورود بیش از چهل منات به داخله و رواج چرونس کاغذی در ایران، مجدداً یادآوری می‌شود که رواج چرونس کاغذی در داخله به کلی ممنوع است و آن اداره موظف می‌باشد با مساعدت مامورین حکومتی و نظمی و فواید عامه هر محل کاملاً از رواج چرونس کاغذی جلوگیری نموده و با مشورت حکومت و نظمی نماینده وزارت جلیله فواید عامه وسایل جلوگیری کامل آن را فراهم و نتیجه اقدامات خودتان را فوراً راپرت نمایید. اطلاعات واصله حاکی است که چرونس به حد وفور رواج یافته است، به این جهت باید فوراً اقدامات مجدانه و سریع مؤثری بنمایید که تصمیم هیات معظم دولت کاملاً به موقع اجرا گذارده شده و در رواج چرونس کاغذ

۱. وزیر مالیه فیروز میرزا (نصرت الدوله) بود. از ۱۱ خرداد ۱۳۰۶ تا ۲ خرداد ۱۳۰۸

کاملاً جلوگیری شود.

[حاشیه]: سواد شرح فوق در تعقیب تصویبنامه نمره ۸۱۴۲ مورخه ۶ دی ماه ۱۳۰۶ هیأت معظم دولت برای اطلاع وزارت جلیله داخله ارسال می شود که فوراً به حکام و نظمیۀ نقاط مربوطه دستورات اکید لازمه را در مساعدت با ادارات مالیه و جلوگیری از رواج چرونس کاغذ [ی] صادر فرمایند. [امضا]

سواد راپرت مالیه استرآباد، ۲۱ خرداد ۱۳۰۷، نمره ۱۴۲۵

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

در جواب حکم نمره ۳۰۶۴ راجع به جلوگیری از رواج چرونس کاغذی معروض می دارد، مطابق تفتیشی که به عمل آمد چرونس در استرآباد معامله می شود و رواج است، ولی به طور علنی نیست. ورود چرونس هم از طریق بندرگز و حدود سرحد توسط تراکمه وارد می شود، علت ورود هم اجازه سابق است که پیش از چهل منات اجازه وارد کردن نداشته اند، زیرا هر مسافر تا این مقدار وارد می کند و تشبثاتی هم در وارد کردن آن ممکن است به عمل آورند که جلوگیری و یا فهمیدن آن مشکل است. و نیز آنچه به مرور وارد می شود البته خارج شدن که کمتر باشد تدریجاً مقدار موجوده زیاد می شود. اخیراً برای تاکید در جلوگیری و با مذاکراتی که با حکومت و نظمیۀ به عمل آمد شرحی به اداره نظمیۀ و اداره قشونی که حکومت نظامی صحرای ترکمن را نیز عهده دار است نوشته و درخواست شد که توسط مامورین خود مراقبت نمایند در هر جا و نزد هرکس چرونس کشف شود که مشغول معامله هستند ضبط کرده به اداره مالیه اطلاع دهند. مامورین مالیه هر یک در حوزه ماموریت خود این اقدام را خواهند نمود، ولی این اقدامات برای جلوگیری کامل کافی نیست، زیرا به وسایل مختلف وارد می شود که کشف آن همیشه میسر نخواهد بود. فقط این قسم اقدام ورود معامله را محدود می کند که زیاد نخواهد بود. به اداره گمرکات سرحدی نیز لازم است در این خصوص امر مؤکد صادر شود.

ریاست مالیه استرآباد

سواد مراسله وزارت مالیه و وزارت فواید عامه، ۴ تیر ۱۳۰۷، نمره ۱۲۳۱۵

وزارت جلیله فواید عامه

در موضوع منع رواج چرونس کاغذی در داخله مملکت به طوری که خاطر اولیای آن وزارت جلیله مستحضر است از طرف آن وزارت خانه دستورات اکیده متوالیاً به ادارات مالیه و اداره کل گمرکات صادر شده است که در حوزه مامورین خود از رواج چرونس کاغذی جلوگیری نمایند. اینک اداره مالیه گیلان اطلاع می دهد که برای جلوگیری از رواج چرونس کاغذی کمیسیونی مرکب از نمایندگان ادارات حکومتی و نظمی و فواید عامه و گمرک و اداره مالیه تشکیل و کمیسیون مزبور بر آن عقیده شد که اجازه ورود چهار چرونس موضوع تصویب نامه نمره ۸۱۴۲ مورخه ۶ دی ماه ۱۳۰۶ هیات وزرای عظام مانع رواج چرونس در داخله مملکت متباین است. وزارت مالیه به نوبه خود این نظریه کمیسیون مذکور در فوق را تایید می نماید و عقیده دارد برای رفع اشکال از طرف آن وزارت جلیله اقدامات لازمه به عمل آید.

وزارت مالیه، سواد مطابق اصل است

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، سواد صورت مجلس، بدون تاریخ

نظر به حکم متحدالمآل نمره ۳۰۶۴ مورخه ۱۹ اردی بهشت ۱۳۰۷ وزارت جلیله مالیه که در تعقیب احکام و متحدالمآلهای سابقه به عنوان اداره مالیه آذربایجان صادر شده و مدلول آن به اطلاع ایالت کبرا و ادارات محترمه نظمی و فواید عامه رسیده بود و بالنتیجه قرار شد کمیسیونی مرکب از نمایندگان دوائر فوق الذکر در اداره ایالتی مالیه منعقد و در موضوع جلوگیری از رواج چرونس کاغذی در تمام ایالت با مطالعه دوسیه و احکام، اتخاذ تصمیمی به عمل آمده و صورت مجلس حاوی از عقیده و نظریات اعضای کمیسیون تشکیل و به عرض مقامات اولیای مرکزی برسد. لذا کمیسیون مزبور در تاریخ روز شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۰۷ در اداره ایالتی مالیه منعقد [و] با در نظر گرفتن احکام سابقه و لاحق، عقیده کمیسیون به ترتیبی است که ذیلاً درج می شود:

۱ - به موجب متحدالمآل نمره ۹۵۶، ۵۱/۱۲/۹ وزارت جلیله فواید عامه مقرر گردیده که

نظر به عدم قبول بانک روس و سایر مؤسسات روسیه چرونس کاغذی را در ایران ورود و رواج آن را غدغن و به فرجه سه ماه بعد از نشر اعلان مزبور، ۱۰ خرداد ۱۳۰۶ امر می دهد که چرونس موجوده در ایران در عرض این مدت از ایران خارج شود و پس از آن تاریخ چرونس کاغذی در دست هرکس باشد در حکم قاچاق بوده ضبط خواهد شد.

متحدالمآل مزبور با نمرة ۱۷۱۱۹ - ۶/۶/۳۰ به مالیه آذربایجان از طرف وزارت جلیله مالیه ابلاغ گردیده است.

۲ - به موجب متحدالمآل نمرة ۱۷۰ - ۴۵۹۷۶، ۶۱/۱۲/۱۵ که در تعقیب متحدالمآل نمرة ۱۷۱۱۹ فوق الذکر صادر شده، مقرر گردیده که هر مسافری در موقع ورود به ایران مجاز است چهار چرونس کاغذی (چهل منات) همراه خود داشته باشد و در متحدالمال نمرة ۵۱۴۳۰ - ۷۱/۱/۱۲ نیز در تعقیب متحدالمال فوق ورود چهل مناب با هر مسافری تأیید و بیش از آن ممنوع گردیده است.

با ملاحظه دو نظریه فوق که از طرف اولیای مرکزی اتخاذ شده، معلوم می شود که اساساً ورود چرونس در حدود هر نفر مسافر به ایران چهل منات آزاد و مجاز است و بنابراین اگر از طرف مامورین دولت چرونس کاغذی در دست اشخاص یا در صندوق تجارتخانه ها مشاهده شود اقدام به ضبط آن اشکالاتی تولید خواهد کرد، زیرا دارندگان چرونس به استناد همان اجازه فوق برای ورود چرونس به ایران موجودی خود را از بابت چرونسهای وارده به وسیله مسافرین قلمداد خواهند کرد و تفکیک صحت و سقم این اظهار هم برای مالیه و سایر مامورین خالی از اشکال نبوده و بلکه غیر مقدور خواهد بود. بنابه مراتب فوق عقیده امضاکنندگان این است که راه حل آن منوط است به این که اولیای دولت در مرکز با مذاکره با مقامات صلاحیت دار ترتیبی بدهند که مسافرین در موقع ورود به خاک ایران چرونسهای خود را به اداره گمرک سرحدی داده و با مأخذی که دولت برای تسعیر چرونس تعیین خواهد کرد قیمت را دریافت دارند و از طرف دیگر چون بر طبق اطلاعات حاصله مسافرینی که از ایران به روسیه مسافرت می نمایند^۱ حق ندارند^۲ بیش از یک چرونس کاغذی (ده منات) وارد خاک روسیه نمایند. بدیهی است که هر قدر هم واردات مسافرین کمتر از صادرات آن باشد، باز در مأخذ چرونس که به وسیله مسافرین وارد ایران شده با آنچه خارج می شود تعادلی نخواهد داشت، لذا از طرف دولت امر شود که همان یک چرونس مجاز هم در موقع خروج مسافرین از ایران به وسیله اداره گمرکات سرحدی به آنها

فروش شود و در نتیجه با گرفتن احصائیه گمرکی معلوم خواهد شد که آیا مجاز بودن خروج یک ربع از آنچه برای ورود آزاد است می تواند قابل مقابله و تطبیق واقع شود یا خیر و در صورت منفی باز هم باید از طرف اولیای مرکزی اقدام مقتضی در تعدیل چرونس وارده و صادره به عمل آید در این صورت با اجازه مقامات مرکزی ممکن است مامورین ذی مدخل دولتی در تمام نقاط ایالت نزد هر کس اعم از افراد یا تجار چرونس مشاهده نمایند^۱، بدون تأمل اقدام به ضبط نموده و از نتیجه خاطر اولیای معظم دولت را مطلع سازند. قبل از اجرای نظریه فوق تعیین تکلیف موجودی فعلی که در بازار یا در دست افراد است مبنی بر ضبط فوری چرونس یا تعیین ضرب الاجل برای مجال دادن به خروج چرونس موجوده منوط به نظریه اولیای مرکزی خواهد بود.

نماینده ایالت، سریع القلم - نماینده اداره نظمیه، سلطان نصرت الله خان - نماینده اداره فواید عامه - سید غلامحسین خان پاک نژاد - نماینده اداره راه آهن، حسن علی زاده نماینده مالیه آذربایجان، افتخار. [مهر پیشکار مالیه آذربایجان]

۴۸

۱۴۱

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، اداره تجارت، ۲۸ شهریور ۱۳۰۷، نمره ۱۳۶/۸۰۰۸

مقام منبع هیات وزرای عظام، دامت شوکته

نظر به مندرجات مواد ۲ و ۴ مراسلات تجارتی متبادله بین دولت شاهنشاهی و دولت اتحاد جماهیر شوروی، دایر به طرز موازنه واردات و صادرات مملکتین بعد از انقضای نه ماه از هر سال و تشخیص اجناس صادره از ایران که توسط تجار و موسسات ایرانی و دوایر اقتصادی شوروی حمل شده است، این وزارتخانه به اتفاق نمایندگی تجارتی شوروی احصائیه های تجارتی طرفین را با هم مقایسه نموده. اینک نتیجه مطالعات خود را ذیلأ به عرض می رساند.

به طور کلی وضعیت تجارتی ایران و شوروی در ظرف مدت نه ماه، یعنی از ۹ مهرماه ۱۳۰۶، اول اکتبر ۱۹۲۷ تا ۹ تیر ۱۳۰۷/ آخر ژوئن ۱۹۲۸ بر طبق احصائیه هایی است که منضمأ از لحاظ مبارک می گذرد و خلاصه آن این که: مجموع صادرات ایران به خاک اتحاد جماهیر شوروی در ظرف نه ماه مزبور مطابق احصائیه گمرکی ایران $\frac{1}{4}$ ۱۲ میلیون تومان و مطابق احصائیه نمایندگی

تجارت شوروی قریب ۵۵ میلیون منات است و چون مبلغ $\frac{1}{4}$ ۱۲ میلیون تومان نیز با در نظر گرفتن قیمت حقیقی منات در مبادلات تجارتي یعنی از قرار مناتی دو ریال به منات تبدیل شود، ۵۹ میلیون منات خواهد شد و تفاضل این مبلغ را با ۵۵ میلیون منات قلمدادی نمایندگی تجارتي شوروی که شش میلیون منات است، می توان بابت تفاوت های ذیل محسوب داشت:

۱- مقادیر مال التجاره ایران که قبل از ۹ مهرماه به خاک شوروی حمل شده و در روز ۹ مهر یا بعد از آن به خاک شوروی رسیده و بنابراین با این که به حساب احصائی ایران، بعد از ۹ مهر وارد نشده طبعاً به حساب احصائی شوروی وارد و محسوب گردیده است.

۲- مقادیری مال التجاره ایران، صادره در ۹ روز اول تیرماه ۱۳۰۷ یعنی، ۹ روز آخر نه ماه فوق الذکر که به حساب احصائی ایران وارد نگردیده و ممکن است قسمت عمده آن به حساب گمرکات شوروی وارد شده باشد.

۳- موجودی انبارهای گمرکات شوروی که قبلاً از ایران حمل شده و بعد از ۹ مهرماه ۱۳۰۶ به حساب واردات شوروی آمده است.

نظر به مراتب فوق می توان بامبلغ قلمدادی نمایندگی تجارتي شوروی موافقت کرده و صادرات ایران را به خاک جماهیر شوروی مبلغ [ی] قریب ۵۵ میلیون منات دانست.

و اما واردات شوروی به ایران مطابق احصائی گمرکی ایران جمع واردات مزبور را به طور متوسط به مبلغ $\frac{9}{17}$ ۱۷ میلیون تومان می توان تخمین نمود و برطبق احصائی نمایندگی تجارتي شوروی واردات مزبور به مبلغ $\frac{1}{4}$ ۱۶ میلیون تومان قلمداد شده است که تفاوت چندان زیادی با مبلغ قلمدادی احصائی ایران ندارد و در هر حال این دو مبلغ را چون برطبق مقررات تجارتي از قرار مناتی پنج قران به منات تبدیل نمایند مبلغ $\frac{1}{4}$ ۳۲ الی ۳۶ میلیون منات به دست می آید. پس به این حساب صادرات ایران ۵۵ میلیون و واردات ایران $\frac{1}{4}$ ۳۲ الی ۳۶ میلیون و تفاضل این عدد مبلغ ۱۹ الی $\frac{1}{4}$ ۲۲ میلیون منات اضافه صادرات ایران به خاک شوروی می شود. و نمایندگی تجارتي شوروی مدعی است که دولت شوروی با قبول این اضافه خواسته است مساعدت شایانی به بسط اقتصادیات ایران بنماید و تقاضا دارد که این مساعدت در ضمن پروتکلی تسحیل و تصدیق شود. پرواضح است که مطابق نص صریح مراسلات متبادله ناگزیر باید اظهارات نمایندگی تجارتي شوروی را پذیرفت و نظر به مندرجات مراسلات مزبور پیشنهاد می نماید در صورتی که نظر دیگری نباشد تصویب فرماید که با تقاضای نمایندگی تجارتي موافقت و بدین ترتیب به حساب سال اول اجرای مراسلات تجارتي فوق الذکر خاتمه دهد. در

خاتمه تذکراً معروض می‌دارد اگرچه از روی حساب فوق که برطبق مقررات ماده ۲ مراسلات تجارتی تنظیم شده این‌طور مستفاد می‌شود که صادرات ایران به مقدار مهمی بیش از واردات شوروی به ایران می‌باشد ولی در باطن و حقیقت امر این‌طور نیست زیرا که بر طبق احصائیه گمرکی ایران صادرات ایران $\frac{1}{4}$ ۱۲ میلیون تومان است و واردات $\frac{9}{10}$ ۱۷ میلیون تومان و تفاوت یعنی کسر عمل تجارت ایران $\frac{3}{4}$ ۵ میلیون تومان است و مطابق احصائیه گمرکی شوروی نیز قیمت اجناس ایرانی وارد به خاک شوروی قریب ۵۵ میلیون منات و اجناس شوروی صادره به ایران که ۱۶ الی ۱۷ میلیون تومان قلمداد شده چون به مظنه حقیقی قیمت منات در مبادلات تجارتی یعنی از قرار مناتی دوریال حساب شود ۶۴ الی ۶۸ میلیون منات خواهد شد و بدین حساب نیز تفاوت یعنی کسر عمل تجارت ایران ۹ الی ۱۳ میلیون منات می‌شود و این تفاوت به واسطه تنزل فاحش قیمت منات حاصل شده و جای آن دارد که در آتیه در موقع انعقاد قرار داد جدید تجارتی در مسأله تعیین قیمت اجناس به نحو مقتضی تجدید نظر به عمل آید.

امضای صفت الله شیبانی

[حاشیه]: جواب بنویسید: به‌طوری که در جلسه دوم همراه حضوراً به آقای معاون وزارت فواید عامه دستور داده شد به جای پروتکل مراسله‌ای نوشته شده در ضمن از اظهار مساعدتی که راجع به اجازه‌ای که علاوه بر قرار داد داده‌اند اظهار امتنان شده و اظهار امیدواری می‌شود که این حس مساعدت ادامه داده خواهد شد. ۷/۷/۲

وزارت داخله، ایالت مازندران، ۱۶ بهمن ۱۳۰۷، نمره ۴۳۱۵

مقام منبع وزارت جلیله داخله

هیأت تجار و اتحادیه دلال بار فروش، راپرت مشروحه از جریان امور تجارتی مازندران داده و کیفیت امور تجارت امروز را با سنوات قبل از جنگ بین‌المللی مقایسه کرده و ضمناً وضعیات معامله و رفتار بانک روس با تجار و کسبه را که اولین وسیله پیشرفت این مقاصد شده است، توضیح داده و وجود شعبه بانک ملی ایران رایگانه راه علاج و رفع موانع فعلی و مشکلات کنونی دانسته و درخواست تأسیس شعبه آن را کرده‌اند. اینک برای مزید استحضار آن وزارت جلیله، سواد راپرت مزبور را در تعقیب نمره ۳۲۳۷ مورخه ۱۹ آبان و نمره ۴۱۲۰ مورخه ۹ بهمن [که] متضمن اطلاعات تجار ساری است، تقدیم داشته، و توجهات آن وزارت جلیله را به اهمیت اوضاع تجارت و لزوم تأسیس شعبه بانک در مازندران جلب می‌نماید تا بدین وسیله

معایب مرتفع و تجار قادر به توسعه تجارت و حفظ منافع داخلی شده و مملکت را از فقر و فاقه نجات دهند. [امضا]

[حاشیه]: به وزارت مالیه و وزارت فواید عامه مراجعه نمایید و پیشنهاد حکومت را تأیید کنید.

حکومت بارفروش

خطه حاصل خیز مازندران از دیر زمانی با استعداد طبیعی خود شهره آفاق بوده و محصولات گرانبهای آن از قدیم الایام توجهات عالم تجارت را مجذوب خود ساخته است. چنانکه در قدیم با چین و رومیه الکبرا، رابطه تجارتی داشته و از قرون وسطی تجار و نیزی را در سواحل خود دیده و از عصر جدید از طریق حاجی طرخان و ارخالگی با تجار هندی و انگلیسی و دانمارکی داد و ستد کرده و از اواسط قرن نوزدهم صنایع جدید الولده روسیه و لهستان احتیاج مبرمی به مواد خام مازندران احساس و باب تجارت را مفتوح ساخت. سابقاً ابریشم رقم مهم صادرات مازندران [را] تشکیل می داد. در سال هزار و دویست هفتاد و هفت هجری قمری ناخوشی کرم ابریشم در این صفحات شایع و به تدریج این محصول گرانبها را از بین برد، اما از چهل سال به این طرف پنبه کاری جانشین آن گشته و به سرعت توسعه پیدا کرد. به موجب احصائیه گمرکی در سال مالی ۱۹۱۲ - ۱۳ که کلیه ۹۹۰۳/۱۳ من تبریز بود، مبلغ نه ملیون و سیصد و هشتاد و چهار هزار و سیصد و شصت و یک تومان و دو قران محلولج پنبه از ایران به بازارهای خارجه صادر شده و محصول پنبه ایران در همان سال احصائیه مالی که از طرف مقامات تجارتی خارجی ترتیب یافته است، به قرار ذیل بوده است:

محل زراع پنبه	وزن به من تبریز	درصد
مازندران	۳۱۳۵۰۰۰	۲۵/۸
استرآباد، بندرگز، گلوگاه، صحرای ترکمن	۱۳۲۰۰۰۰	۱۰/۸
شاهرود، دامغان، سمنان	۱۱۵۵۰۰۰	۹/۵
اصفهان، کاشان، قم، قزوین	۳۲۴۵۰۰۰	۲۶/۷
سبزوار، نیشابور، مشهد سر	۲۶۹۵۰۰۰	۲۲/۲
ماکو، خوی، مرند، علمدار	۶۰۵۰۰۰	۵
جمع		۱۲۱۵۵۰۰۰

از این قرار مازندران نسبت به سایر ایالات و ولایات از حیث محصول پنبه مقام الویت را داشت و تقریباً بیست و شش درصد تمام پنبه ایران را می‌دهد. جنساً هم پنبه مازندران مرغوب‌تر و در بازارهای روسیه خرواری پنج تومان از پنبه‌های سایر نقاط ایران گران‌تر به فروش می‌رود. مطابق تحقیقات عمیق، عمل آوردن پنبه در مازندران مخارج ذیل را ایجاب می‌نماید:

کندن یک جریب زمین با گرواز (یک نوع بیل باریک)	۱۸۰ قران
شخم‌زنی و تخم‌کاری با گاو	۴۰ قران
قیمت ۲۴ من پنبه‌دانه	۴۸ قران
خندق و چیر دور زمین برای محافظت از آفت خوک و گراز وحشی	۴۲ قران
وجین با فسکاسه دفعه	۱۵۰ قران
مزد جمع‌آوری محصول و پاک کردن دونکا از قوزه و حمل به شهر	۲۵۰
اجاره زمینی که پنبه‌کار باید به مالک زمین بپردازد	۶۰
جمع	۷۷۰

در صورتی که هوا مساعدت نماید و بارانهای به موقع بیاید. حد متوسط محصول یک جریب زمین سیصد و شصت من تبریز دونکا (پنبه با تخم) می‌باشند و از پاک کردن آن در ماشین یکصد من محلولج به دست می‌آید. خرج دلالی و انبارداری و مزد ماشین و منگنه کردن و قیمت جو و لفاف و مفتول برای تاجه بندی و حمل به بندر مشهد سر را هم [که] تقریباً شصت و پنج قران می‌شود، به مبلغ اولی که هفتصد و هفتاد قران [است] بیفزاییم، هر یکصد من محلولج هشتصد و سی و پنج قران برای تاجر مایه می‌شود. امروزه در بازار فروش یکصد من پنبه تاجه بسته و مبلغ هفتصد و هفتاد و پنج قران فروخته می‌شود. و وضعیت تجارتی سایر محصولات مازندران نیز از قبیل برنج و قیسی^۱ و غیره بهتر از حال پنبه نبوده و قطعاً به مراتب بدتر است. از ذکر تفصیل آنها محض احتراز از اطناب کلام صرف نظر می‌شود. با وصف این حال، جای تردید نیست به این که تنها امید بسط و ترقی یگانه منبع این صفحات که عبارت از فلاحیت باشد نمی‌رود، بلکه انحطاط تدریجی و از بین رفتن آن حتی الوقوع است. هرگاه با نظر تحقیق به ارقام جدولی که لفاً تقدیم می‌گردد (این جدول از روی دفتر ثبت معاملات واقعی اتحادیه دلالهای بار فروش استخراج و تنظیم شده) نگاه کنیم خواهیم دید قیمت امتعه مازندران در سنوات اخیر، سال به سال تنزل کرده و در اواخر آبان ماه ۱۳۰۷ به منتها درجه قوس نزول رسیده، و با در نظر

گرفتن مراتب فوق، با قیافهٔ مُد هِش بحران اقتصادی مواجهه خواهیم کرد. در این جا بی‌اختیار سؤال ذیل از قلب انسان خطور می‌کند، مگر چه شده است، آیا بر طبق قانون عرضه و تقاضا محصولات مازندران بی‌اندازه زیاد شده یا این که از احتیاج روسیه نسبت به اجناس آن کاسته شده است که یک چنین تنزل فاحشی و بحران مضری رخ داده؟ جواب اینست: سؤال از روی تحقیقات کامل منفی و قضیه به کلی برعکس است، زیرا که اجناس مازندران از حیث کمیت ترقی فوق‌العاده نکرده، بلکه بنابر شواهد گمرکی به میزان پیش از جنگ عمومی هم نرسیده است و احتیاج روسیه نیز به مواد این سامان بنابه اطلاعات عمیق‌تر از زمان قبل از جنگ شده است. پس این تنزل مصنوعی است. بلی مصنوعی است و علت اصلی آن هم سیاست تجارتی روسیهٔ کنونی و مجری و عامل قوی این نیز شعبهٔ بار فروش بانک روس پرس می‌باشد. قلت سرمایهٔ تجار مازندران و فقدان بانکی که حامی تجارت این خطهٔ مینو نشان باشد، کمک بسیار مهم به صورت واقعیت پیدا کردن و عملی شدن این تنزیل مصنوعی می‌نماید. همه ساله در اواسط تابستان دوایر تجارتی شوروی اطلاعات مکفی از کمیت و کیفیت حاصلات مازندران به دست آورده و به کمیساریات تجارتی ارسال می‌دارند. در شورای تجارتی مسکو پس از مطالعات عمیق و مذاکرات بسیط، نرخ بر اجناس ایران و امتعهٔ روسیه بسته و تدابیری برای منبع ترقی مظنه جات اجناس ایران از میزان مقرر در داخلهٔ خود ایران اتخاذ می‌شود و نتیجهٔ این سیاست در قبول تقدیمی معین و روشن است و ما از ذکر تفصیل آن صرف نظر می‌نماییم، ولی به‌طور نمونه شمه‌ای از اقدامات فوق‌الذکر [را] به عرض می‌رسانیم. ریاست شعبهٔ بار فروش بانک روس از چند ماهی پیش به لطافت حیل شروع به جلب مشتریان جدید برای باز کردن حساب جاری نموده و به فراخور و حال هر یک کردیت و اعتباری معین و شروع به پول دادن به آنها نموده، حتی اصناف و کسبهٔ درجه دوم و سوم را هم پول داد و سپس سهام بانک مذکور را به نوبه از دیاد کردیت به بعضیها فروخت. رفته رفته کار به تهدید قطع کردیت کسانی که سهام نخریده‌اند کشید، بالاخره به هر نحوی بود تقریباً تا پنجاه هزار تومان سهام به تجار با بضاعت یا کسبهٔ کم‌مایه تحمیل نمود. در اوایل آبان ماه ۱۳۰۷ یک دفعه از قبول اسناد و بروات و تأدیة وجه، دست کشیده، جداً مشغول جمع‌آوری مطالبات شده، تاکنون هم این حال دوام دارد از یک طرف تقریباً تا پنجاه هزار تومان سرمایهٔ مردم را بانک روس، در عوض سهام تحمیلی حبس و از طرف دیگر هم تجار محض حفظ آبرو، مجبور به استرداد وجوهات ماخوذه از همان بانک شدند.

دفعتا بی پولی^۱ سرتاسر بازار بار فروش را فرا گرفت، خریداران دیروزی مبدل به فروشنده گشتند و مظنه‌جات روز به روز تنزل و کسادى حکم فرماشد. بلی ما از عملیات اجنیان گله نداریم، این را هم می‌دانیم که بازار تجارت در دنیای متمدن امروزه مهمترین میدان مبارزه ملل را تشکیل می‌دهد، فقط از این مسأله متأسفیم که چرا نباید ما هم در این گیرودار اقتصادی، مسلح با اسلحه معاصر و مخصوص این‌گونه میادین باشیم. مثلاً در مقابل شعبات بانکهای خارجیانی ذی نفع، شعبه بانک ملی هم در این قسمت ایران که دارای محصولات مهم است، دایر نباشد تا به این درجه از یک مانور طرف، ملیونها متضرر و اساس اقتصادیات ما متزلزل نشود. در این عصر فرخنده و دور مشعشع پهلوی که جهت بسیاری از دردهای بی‌درمان کشور ایران چاره‌جویی شده است، استرجاع[ع] از آن مقام منیع و وجود محترم تمنا داریم که اقدامات لازمه برای تشکیل فوری شعبه بانک ملی در بار فروش به نام منافع فوری این سامان و رفع بحران اقتصادی و جلوگیری از افلاس عمومی سکته آن به عمل آورده شود. محل امضای سی نفر از تجار و دلال بارفروش،

۵۱

۱۴۴

وزارت داخله، اداره اول، ۲۶ اسفند ۱۳۰۸، نمره ۱۴۳۸۲

مقام منیع ریاست وزرای عظام، دامت شوکته

راپرت جالب توجهی از حکومت گیلان راجع به اقدامات بانک شوروی رسیده است که سواد آن را برای استحضار خاطر محترم لفاً ارسال می‌دارد. سوادى هم ازین راپرت به وزارت امور خارجه و وزارت فواید عامه فرستاده شده است. [امضا، مهر وزارت داخله]

۵۲

۱۴۵

وزارت داخله، راپرت حکومت گیلان، ۱۹ اسفند ۱۳۰۸، نمره ۱۶۵۱۷

بعدالعنوان - بانک شوروی تعهدنامه‌ای مطابق مواد ذیل تنظیم و از فقر و استیصال تجار استفاده و به وسیله تحمیل آن، آخرین دینار و هستی آنان را منظمأ به تمام احساسات که مفید به

جمع آوری مال دنیاست به خود انتقال می دهد.

۱- مال التجاره محموله، توسط بانک روس و ایران اگر در کشتی آب خورده و یا ملکوک شود و یا این که در گمرک بادکوبه و به واسطه تاخیر و یا جهاتی کرایه انبار و عوارضات به آن علاقه بگیرد، به عهده صاحب مال، یعنی فروشنده بوده و به هیچ وجه اداره بانک مسئول نخواهد بود.

۲- مال التجاره محموله که در اداره معاینه تجزیه شده و هر مظنه ای را که در بورس معین کردند، مال دهنده حق اعتراض ندارد.

۳- در روسیه و یا در هر نقطه از آن انقلاب و اعتشاش رخ دهد که باعث از بین رفتن مال گردد بانک مسئول نخواهد بود.

۴- حکومت شوروی هر قانون و مالیاتی که در حق مال التجاره و معاملات داخلی خود معین نماید مال دهنده در پذیرفتن مقررات داخلی ناگزیر است.

۵- مال دهنده و صاحب مال هرگونه مالی را که بانک در مقابل مال التجاره آنها وارد کرده قبول خواهد کرد.

۶- بانک خود را به هیچ وجه از بابت کسری مال التجاره محموله مسئول نمی داند.

۷- برای مال التجاره محموله به هیچ وجه پروسانتاژ علاقه نمی گیرد.

۸- مقررات فوق را که فرستنده و صاحب مال ایفاد می نمایند قطعی و با رضایت صاحب مال است.

با مطالعه مواد مذکوره فوق و دقت در معانی و مفاهیم آن تصدیق خواهند فرمود این اقدام نه فقط متضمن محو و فناء ثروت، بلکه موجب تهیه وسایل استرقاق اقتصادی تجار و تجارت شمال است و نباید قضیه را عادی و نتیجه را ساده تلقی کرد.

وزارت جلیله داخله

مراسله نمرة ۱۴۳۸۲ و راپرت حکومت گیلان راجع به اقدامات بانک شوروی وصول یافت. جواباً اشعار می شود که متاعی که از ایران به شوروی می رود، طرف حاجت است و تجارت در شوروی در یک دست است. اگر تجار می خواهند مورد مزاحمت نشوند، صبر کنند مشتری

بیاید درب خانه شان پول بدهد و مال ببرد والا این گرفتاریها هست.

عبدالحمید ملک الکلام

۵۴

۱۲۷

وزارت داخله، اداره اول، ۳۱ تیر ۱۳۰۹، نمره ۷۰۲۷

وزارت جلیله اقتصاد ملی^۱

سواد یک فقره راپرت حکومت مازندران، راجع به تنزل قیمت صادرات وامتنه داخلی برای استحضار آن وزارت جلیله لغاً ارسال می شود.

۵۵

۱۲۸

وزارت داخله، حکومت مازندران، ۲۳ تیر ۱۳۰۹، نمره ۳۷۰۸

مقام محترم وزارت جلیله داخله

وضعیات قیمت صادرات تجارتی که از مازندران به روسیه حمل می شده، استحضاراً معروض می دارد:

۱ - پشم پاک نشده در سنه گذشته اواخر بهار، یک من، یک تومان بوده است. در صورتی که حالیه، یک من، هشت قران است.

۲ - پنبه از یک من، یک تومان و پانزده شاهی به یک من، نه قران رسیده است.

۳ - برنج را اساساً برای حمل به روسیه امروز به هیچ قیمتی خریدار ندارد.

۴ - خشکبار که همه ساله مقدار زیادی از طریق مشهد سر حمل به روسیه می شده، [در] هذه السنه به کلی خریدار ندارد.

۵ - پیله در سنه گذشته یک من تبریز، نه قران بوده است و امروز هفت قران است. فقط از سه سال قبل، مرحوم کلبادی (سردار جلیل) در مقابل تنزل دادن روسها قیمت پیله را، استقامتی

۱. در ۱۶ فروردین ۱۳۰۹ وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه منحل شد و به جای آن دو وزارتخانه جدید تأسیس شد. یکی از آن دو وزارت اقتصاد ملی بود و دیگری وزارت طرق و شوارع نام داشت. در ۱۷ فروردین، محمدعلی فروغی به سمت وزیر اقتصاد ملی تعیین شد.

به خرج داده و شروع کرده بود پيله يك من، هفت قران را، يك تومان خريداري نموده و اين مساله در همان سنه باعث ترقی قيمت پيله به يك من، يك تومان شده بود. اين اجناس فوق‌الذکر به استثنای برنج و خشکبار که سابقاً مقدار زیادی نظر به مواعيد روسها که در عوض مال‌التجاره نمره ۱ يك داده می‌شود و برخلاف مواعيد رفتار نموده، می‌خواهند ۷۰ درصد و ۳۰ درصد نمره ۳ مال‌التجاره بدون رالوت بدهند. تجار چون از فروش ساير اجناس با اين ترتيبی که رفتار شده، خودداری دارند، حالیه آنها ساير اجناس را هم از قبیل پشم و پنبه و پيله را هم می‌خواهند نمره ۲ داده باشند و علت اصلی تنزل اين اجناس به واسطه فشار غير حقه‌ای [است] که از طرف آنها همه روزه پیش می‌آید. در صورتی که سابقاً خشکبار و مرکبات را که ۳۰ درصد نمره ۱، ۶۰ درصد نمره ۲ و ده درصد رالوت می‌دادند و برنج را نود درصد نمره ۱ و صدی ده هم رالوت می‌داد و فعلاً اجناس نمره ۲ که در عوض به ایران حمل شده اکثراً در انبار موجود و به واسطه عدم احتیاج مملکت خريداري ندارد.

مهر حکومت مازندران [امضا]

۵۶

۱۲۹

وزارت امور خارجه، اداره اقتصادیات، ۳۱ اردی بهشت ۱۳۰۸، نمره ۲۶۶۱

وزارت جلیله داخله

سابقاً معمول بوده است در موقعی که بانک روس و ایران قصد افتتاح شعبه در یکی از نقاط ایران داشته، قبلاً به دولت مراجعه و تحصیل اجازه کتبی می‌نموده است. به قرار اطلاعات واصله، اخیراً بانک مزبور بدون مراجعه قبلی به دولت، شعبه‌ای در ساری باز نموده است. متمنی است مقرر فرمایند به حکومت مازندران تلگرافاً تعلیمات بدهند که از مدیر شعبه بانک، از طرف خودشان در باب کسب اجازه از دولت استفسار نموده و بعد تذکر بدهند که حسب‌المعمول برای افتتاح شعبه بانک در هر یک از نقاط اجازه مقدماتی دولت لازم است و بدون رعایت این ترتیب نمی‌توانند اجازه بدهند که شعبه مزبوره دایر باشد. نتیجه اقدام را زودتر به وزارت امور خارجه اشعار خواهند فرمود.

[امضا]

[حاشیه]: اداره اول - از وزارت خارجه با تلفن اخطار کردند، این موضوع را محرمانه به جریان انداختند.

وزارت امور خارجه، اداره اقتصادیات، ۱۸ تیر ۱۳۰۸، نمره ۳۹۹۲

با عطف به مرقومه نمره ۹۸۵۲/۴۰۳۴ مورخ ۴ تیر آن وزارت جلیله محتوی سواد مراسله رئیس شعبه بار فروش بانک روس و ایران به حکومت مازندران لزوماً تصدیع می دهد که چون اجازه ای که سابقاً داده شده منحصر به بار فروش بوده تأسیس شعبه ای از بانک مزبور در ساری ولو به اسم صندوق محاسباتی محتاج به اجازه مقدماتی بوده است بنابراین نمی توان اجازه داد که شعبه مزبوره معاملات خود را ادامه دهد. متمنی است به حکومت مازندران تعلیمات تلگرافی صادر فرمایند که مراتب فوق را به مدیر شعبه بار فروش خاطر نشان نموده و ضمناً ضرب الاجلی قرار دهند که اگر در انقضای آن بانک تحصیل اجازه برای افتتاح شعبه سازی ننماید حکومت معاملات شعبه مزبوره را ممنوع خواهد داشت.

[امضا]

[حاشیه]: سواد مراسله وزارت جلیله امور خارجه در تعقیب نمره ۱۴۰۴ برای حکومت جلیله مازندران فرستاده می شود که موافق نظریه وزارت معزی الیها اقدام به عمل آورده و نتیجه را اطلاع دهد. [امضا]

وزارت داخله، ۱۷ شهریور ۱۳۰۸، نمره ۳۰۰۰

مقام منبع وزارت جلیله داخله

تعقیب تلگراف نمره ۲۶۹۱ چون موعد ضرب الاجل یکماهه که در موضوع صندوق محاسباتی ساری به شعبه بار فروش بانک روس و ایران مقرر شده بود منقضی گردیده و نتیجه اقدامات در تحصیل اجازه از مقامات عالیه معلوم نشد، لذا در تاریخ ۱۲ شهریور مجدداً شرحی ذیل نمره ۲۸۳۸ نوشته و توضیح نمود اگر تا دو روز دیگر اجازه نرسید حکومت از تعطیل معاملات صندوق محاسباتی مجبور خواهد بود. جواباً مراسله ذیل نمره ۴۸۹ از بانک مزبوره رسیده و متعاقب آن نیز خود رئیس شعبه بار فروش با مفتش مرکزی ساعت هفت روز ۱۳ شهریور به ساری آمده پس از مذاکرات حضوری بالاخره درخواست یک هفته مهلت نمود که تحصیل اجازه نمایند. در نتیجه این مذاکرات نیز مراسله ای به نمره ۴۹۰ رسیده است. اینک سواد مراسلات نمره ۴۸۹ و ۴۹۰ بانک را برای مزید استحضار آن وزارت جلیله تقدیم می دارد.

البته در صورتی که تا یک هفته دیگر موفق به تحصیل اجازه نشوند معاملات صندوق محاسباتی را تعطیل نخواهد کرد.

ایران پور، حکومت مازندران

۵۹

۱۵۲

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، اداره تجارت، دایره تجارت داخلی،
۱۱ مهر ۱۳۰۸، نمره ۹۲۴۰، فوری و محرمانه

وزارت جلیله داخله

متمنی است مقرر فرمایند به وسیله تلگراف رمز به حکومت مازندران دستور داده شود که فعلاً مزاحم صندوقی که شعبه بارفروش بانک روس و ایران در ساری تاسیس نموده است نشوند تا تکلیف این کار در هیأت محترم دولت معلوم شود.

[امضا]

[حاشیه]: اداره اول، به طوری که خواسته اند فوراً تلگراف نمایند. ۸/۷/۱۱

۶۰

۱۵۳

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، اداره کل تجارت، دایره تجارت خارجی،
۲۱ مهر ۱۳۰۸، نمره ۲۲۰۷، فوری

مؤسسه محترم بانک روس و ایران

در جواب مراسلات نمره ۲۹ - ۲۱ و نمره ۹۸-۲۱ مورخه ۱۳۰۸/۶/۱۶، راجع به افتتاح صندوق بانک روس و ایران در ساری که جزو شعبه بارفروش خواهد بود، تصویب می شود که صندوق مذکور را با رعایت مواد سه گانه مقرراتی که طی مراسله نمره ۳۴۲۲ مورخه ۶/۱۱/۱۲. [۱۳] به آن مؤسسه ابلاغ شده^۱ دایر نمایند.

[حاشیه]: سواد در تعقیب مراسله نمره ۹۲۴۰ مورخه ۱۳۰۸/۷/۱۰ این و وزارتخانه به وزارت جلیله داخله ارسال می شود که به حکومت مازندران دستور مقتضی صادر فرمایند.

وزارت داخله، اداره دفتر حکومت مازندران، ۹ خرداد ۱۳۰۹، نمره ۲۲۴۱

مقام محترم وزارت جلیله داخله

امروز نهم خرداد، در ساعت پنج بعد از ظهر، دعوتی که سواد دعوت نامه هم که چاپی است تقدیم می شود، از طرف مسیو مارکین، رئیس بانک ایران و روس، مقیم بارفروش شده بود، برای افتتاح شعبه بانک مزبور در شهر ساری، مطابق راپرتی هم که به حکومت واصل شده بود از هیأت اطاق تجارت ساری و تجار و آقایان اعیان و طبقات در ساعت مزبور دعوت به عمل آمده بود. قبل از ساعت پنج [و] نیم، مسیو مارکین، رئیس بانک روس و ایران بارفروش، مسیو ایوانف، رئیس جدید بانک روس و ایران ساری، مسیو صمداف که به جای مسیو مارکین که دو روز دیگر مرخصی می رود، برای کفالت بانک بارفروش آمده است و اصلاً ترک آذربایجانی قفقاز و کمونیست هم هست و مسیو لالف، نماینده بحری در مشهد سر که قبلاً وقت خواسته بودند نزد بنده آمده، دو نفر عضو جدید، صمداف و ایوانف را معرفی و ضمناً مساعدت بنده را نسبت به کارهای بانک تقاضا کردند. بنده و عده کردم آنچه مقدور است در اظهارات حق بانک مضایقه نمی شود و سپس شفاهاً هم از بنده دعوت کتبی را تجدید نموده، وعده کردم حاضر خواهم شد. علیهذا در ساعت مزبور به مجلس دعوت، حاضر شده سایر مدعوین هم حضور داشتند. مسیو مارکین نطقی مبنی بر موفقیت از افتتاح بانک مزبور که یک سال است در ساری فقط دفتر و صندوقی داشته است و ضمناً از مراتب مساعدت با آقایان تجار ایرانی صحبت و خدماتی را که بانک روس و ایران از رسانیدن وجوه به سندیکا [ی] راه آهن و جوهی که از ایران مهندسین به آلمان فرستاده اند و منافع دیگر بانک از جهت حمل مال التجاره برای تجار ایرانی شرح داد. در خاتمه مدیر شعبه بانک مزبور را در ساری، مسیو ایوانف معرفی و دفتردار مسیو مینی سیانس که تبعه دولت ایران است معرفی و اظهار داشت: «مسیو لالف، اکنون بحری مقیم مشهد سر، که سمت ریاست به اتباع شوروی دارد از طرف قنصل شوروی استرآباد و مازندران نطق خواهند نمود.» سپس مسیو لالف هم نطق مختصری نمود، مبنی بر این که از طرف مسیو لپنسکو قنصل شوروی استرآباد و مازندران که به بعضی جهات در این جلسه افتتاحیه نتوانست حضور به هم رسانیده و از افتتاح شعبه بانک در ساری که موجب پیشرفت امور تجارتی و کمک مهمی است نسبت به تجار ایرانی شخصاً اظهار تبریک و مسرت نماید، مرا مامور نموده است که ابلاغ نمایم.

پس از خاتمه نطق مشارالیه، بنده هم مقتضی دانستم در جواب نطق آنها بیاناتی بنمایم. پس از اظهار شغف از مذاکراتی که راجع به مراتب مودت و دوستی بین مامورین شوروی و تجار ایرانی بیان نمودم. اظهار داشتم: «مذاکراتی که می‌نمایم نه از طریق و مربوط به سیاست است، زیرا در این جا مامور سیاسی از طرف دولت شوروی در مقابل خود نمی‌بینم که متوجه این جنبه باشم. مذاکرات در اطراف امور تجارتی است که تجار ایرانی به من تذکراتی داده و تقاضا نمودند که به شماها یادآور شوم. مقدمه لازم می‌دانم، توضیح دهم که مسیو لالف به نمایندگی از طرف مسیو لتپنسکو و قنصل شوروی استرآباد احساساتی را نسبت به بانک روس و ایران و تجار ایرانی بروز دادند. من هم به سهم خود خیلی ممنون، ولی چون از طرف دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران و وزارتخانه متبوعه من تا به حال ایشان را به سمت قسولی در حوزه ماموریت من معرفی نفرموده و اوامری صادر نگردیده است، لذا چون ایشان را می‌شناسم که دوست ایران و ایرانیان هستند، تبریکات ایشان را مامورین دولت ایران و تجار ایرانی دوستانه می‌پذیرند. و اما در قسمت افتتاح شعبه بانک روس و ایران در شهر ساری و مسایل تجارتی با نهایت دوستی و روابط تجارتی که بین تجار ایرانی و شوروی است و این نکته هم قابل انکار نیست که هر قدر بانک زیادتر باشد، شاید از جهت تجار و اهالی تسهیلاتی شود، خصوصاً شعبه بانک روس و ایران که با وضعیات تجارت در روسیه و جلوگیری از هرگونه معاملات تجارتی تجار ایران که نه حق فروش و نه حق خرید و نه حق حمل و نه حق صدور بروات تجارتی و نه حق پرداخت بروات صادره از ایران در روسیه داده نمی‌شود، واضح است بانک روس و ایران که تمام این مقاصد را انجام می‌دهد یگانه وسیله پیشرفت این حوایج شده است، ولی باید تجاری هم وجود داشته باشند تا این که بانک هم از وجود آنها و تجار هم از وجود بانک استفاده نمایند^۱ با وضعیات اسفناک تجارت فعلی با روسیه نگرانی فوق‌العاده‌ای برای تجار تولید شده است. با نهایت علاقه‌مندی که هر فردی از افراد ایرانیان برای پیشرفت و موفقیت امورات دولت شوروی که به جای حکومت متعدی سابق روسیه است دارد، انتظار می‌رود این نگرانیهایی که برای عموم طبقات ملت ایران پیش آمده و می‌آید و مامورین دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران هم ساعی هستند که با جلب توجه مامورین شوروی رفع نمایند. آنها هم هر یک علی قدر مراتبهم در هر کجا هستند به این مقصود نزدیک شده تا این نگرانیها مرتفع شود و چون ما مایل هستیم که کاملاً حفظ مناسبات را کرده، دوستی دیرینه را با اتحاد جماهیر شوروی محکمتر نمایم، لذا

نمی‌توانیم فقط به احساسات لفظی قانع شویم و حقایق را از مامورین دولت دوست [و] همسایه خود مکتوم داریم. دو روز قبل راجع به برنج که مؤسسات شوروی قبلاً وعده کرده بودند که مال‌التجاره درجه اول در عوض بدهند، از بادکوبه از تجار ایرانی تلگرافی رسیده است که برخلاف مواعید رفتار شده، می‌خواهند درجه دوم داده باشند. اطاق تجارت سبزی و بارفروش هم به اطلاع این جانب رسانده، علاج آن را درخواست دارند. من هم از موقع استفاده نموده از مسیو مارکین که عازم تهران و روسیه هستند، به نام تجار ایرانی تقاضا می‌کنم، عدم رضایت تجار ایرانی را از این پیش‌آمد به مراکز خود تذکر دهند و علاج آن را بخواهند. و اطلاعاً می‌گویم که تجار، مراتب را به عرض دولت ایران هم رسانده و رقع آن را استدعا کرده‌اند و اینک انتظار دارم مسیو مارکین، رئیس بانک روس و ایران بارفروش که همین دو روزه به مرخصی یا برای انجام اموراتی به روسیه می‌روند، این مطالب را مورد توجه مصادر امور خود قرار داده و با مناسبات مودت و دوستی که در این مدت توقف مازندران و مأموریتشان در بانک روس و ایران بارفروش با تجار مازندران حاصل نموده‌اند، علاقه‌مندی خودشان را در برطرف داشتن این اشکالات تجارتی که از طرف دوستان عزیز شوروی در مقابل صمیمیت تجار ایرانی به ظهور پیوسته ابراز و تجار ایرانی را از قبول این زحمتی که عهده‌دار می‌شوند مشعوف و خرسند دارند.» پس از آن مسیو مارکین هم مجدداً نطقی نموده بدو از مساعدتهای حکومت مازندران تشکر نموده و اظهار داشت: «یمن اسفندیاری خودشان اظهار داشتند که مامور سیاسی در این مجلس نیست، لذا ما هم داخل در سیاست نشده، ولی اطمینان می‌دهم که در مسافرت خود بتوانم با اطلاعاتی که در مازندران حاصل کرده و ماموریت که بنابه به اظهار حکمران از طرف تجار ایرانی دارم به مراکز خود حتی المقدور مراتب را اطلاع داده، اصلاح آن را بخواهم و خوشوقتم که یمن اسفندیاری حکمران فعلی مازندران، خودشان که مدت زیادی در روسیه ماموریت مهمی را داشته‌اند از تمام کیفیات مطلع و می‌دانند که ما مایل هستیم دوستی و روابط تجارتی خود را با ایران محکم نماییم. و امید است قرار داد تجارتی هم که موعد آن منقضی شده است، بزودی با موافقت دولتی تجدید شود که این نگرانیها رفع شود.» مجلس هفت بعد از ظهر خاتمه یافته، حضار متفرق شدند.

حکومت مازندران، امضای یمن اسفندیاری

[حاشیه]: اداره اول - سوادى از این راپرت به وزارت خارجه و سوادى هم به دفتر مخصوص شاهنشاهی فرستاده شود.

وزارت داخله، حکومت مازندران، ۱۰ خرداد ۱۳۰۹، نمره ۲۲۴۳

مقام محترم وزارت جلیله داخله

در تعقیب راپرت نمره ۲۲۴۱ راجع به افتتاح بانک روس و ایران در ساری، گرچه این بانک یک سال است که در ساری افتتاح شده و قطعاً در آن موقع به عقیده خود مسیو مارکین، رئیس بانک روس و ایران، شعبه بارفروش که شرحی اظهار داشت، در سابق به واسطه عملیات سندیکا [ی] راه آهن، اهمیت بانک روس و ایران، شعبه ساری از جهت رساندن وجوه و دادن برات خیلی بیشتر بوده، با این حال فقط مسیو مینی سیانس ارمنی، تبعه ایران که رئیس این دفتر بانک در ساری بوده است، امورات را اداره می کرده، ولی حالیه که بانک آن قدرها کاری ندارد و با رضایتی هم که از مامور سابق داشته و او هم به سمت معاونت رئیس فعلی در بانک مشغول خدمت است، چه چیز باعث این اقدام شده، تصور می کنم چون در مازندران قنصل شوروی نیست [و] تا به حال هم دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران مسیو لپنسکو، قنصل استرآباد را به این سمت در مازندران نشناخته، ماموریت بنده در مازندران ایجاب نموده است که آنها به شعبه بانک روس و ایران در ساری اهمیت داده، یک نفر روسی که حتماً کمونیست هم هست مامور این خدمت نموده باشند که از این راه اگر مقاصدی داشته باشند انجام دهند. اینک نظریات خود را محض استحضار خاطر محترم عرض نموده و در عملیات و اقدامات مشارالیه هم مراقبت به عمل خواهد آمد تا در آتیه آنچه پیش آید معروض خواهد داشت.

[امضای یمین اسفندیاری] حکومت مازندران

وزارت داخله، حکومت مازندران، ۵ مرداد ۱۳۰۹، نمره ۳۵۷۷

مقام محترم وزارت جلیله داخله

مرقومه محترمه ۶۱۵۳ صادره از اداره محترمه اول، راجع به افتتاح شعبه بانک روس و ایران شرف وصول داد. نظر به این که شعبه بانک ساری مستقل و به طوری که در راپرت نمره ۲۲۴۱ هم به عرض رساند، رسماً اعلام نمودند، اینک با مسیو ایوانف، رئیس بانک روس و ایران،

شعبه ساری مذاکره نموده به او خاطر نشان کردم که حق نداشته‌اند شعبه مستقل در ساری افتتاح نمایند. مشارالیه اظهار داشت: «مطابق مراسله‌ای که در مرکز از طرف اولیای دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران به بانک مرکزی روس و ایران رسیده، اجازه افتتاح شعبه مستقل در ساری صادر گردیده.» قرار شد سوادى از آن بخواهد و وعده نمود تا هفته دیگر برای حکومت مازندران بفرستد. همین که رسید تقدیم خواهد شد تا هر طور مقرر فرمایند اقدام و اطاعت شود. [امضای یمین اسفندیاری] حکومت مازندران

۶۴

۱۵۷

وزارت داخله، اداره اول، تیر ۱۳۰۹، نمره ۶۱۵۳

حکومت جلیله مازندران

راپرت نمره ۲۲۴۳ مشعر بر افتتاح شعبه بانک روس و ایران، در ساری ملاحظه شد. به طوری که آن حکومت جلیله اطلاع دارند، سابقاً بانک روس و ایران، مقیم بار فروش، بدون اجازه و برخلاف مرسوم، صندوقی در ساری افتتاح نموده بود و در نتیجه اعتراضاتی که به عمل آمد و سوابق آن در اداره حکومتی موجود است، بانک مزبور در صدد تحصیل اجازه برآمد و در ۲۱ مهرماه سنه ماضیه از وزارت تجارت اجازه داده شد، صندوق بانک به شرط این که جزو شعبه بارفروش باشد، در ساری دایر شود و اگر شعبه‌ای که اخیراً در ساری افتتاح شده است، مطابق جواز صادر [ه] فقط صندوق بانک بوده و جزو شعبه بارفروش باشد عیبی ندارد. ولیکن هرگاه شعبه مستقلی است و تابع بارفروش نیست، می‌بایستی مقدمه تحصیل اجازه کرده باشند. غدغن فرمایید تحقیقات صحیح به عمل آورده و مراتب را اطلاع دهند تا دستور ثانوی داده شود.

۶۵

۱۵۸

وزارت داخله، اداره اول، اسفند ۱۳۰۹، نمره ۵۴۹، فوری

وزارت جلیله امور خارجه

قبل از مسافرت جناب مستطاب اجل آقای وزیر داخله، دستوری رمزاً به ایالت آذربایجان داده شده بود و جوابی رسیده که سواد آن ارسال می‌شود. متعاقب جواب نمره ۱۶۴۰ مجدداً

تلگرافی رمزاً به نمره ۱۴۳۵ مبنی بر مذاکرات حضوری جنرال قنصل شوروی رسیده که سواد آن هم برای تکمیل اطلاع آن وزارت جلیله ضمیمه و ارسال گردید.
[حاشیه]: عین مراسله به وزارت اقتصاد و وزارت امور خارجه هم پانویس شود.

وزارت داخله، استخراج تلگراف رمز تبریز، ۱۷ اسفند ۱۳۰۹، نمره ۱۶۴۰

وزارت جلیله داخله

جنرال قنصل شوروی، ضمن صحبت دوستانه راجع به قانون انحصار تجارت خارجی^۱ اظهار کرد که: اگر در اجرای این قانون نظر خصوصی و تبعیض نشود و فقط به جهت تشویق و حمایت مصنوعات داخلی باشد، از طرف دولت شوروی کاملاً استقبال خواهد شد، زیرا بهبودی اول اقتصاد ایران آمال دیرینه و اسباب مسرت ماست والا اگر این ترتیب مربوط به جریاناتی باشد که بر ضد اقتصادیات شوروی در اروپا تجهیز شده اسباب تأسف بوده و دولت شوروی با وسایل مربوطه مجبور به دفاع خواهد شد. در جواب گفت که: مواد این قانون کاملاً روشن و برای حمایت و تشویق مصنوعات داخلی و بهبودی اقتصادیات مملکتی وضع شده است؛ پس در این صورت تردید و اظهار نگرانی موردی ندارد و با وجود حسن ظن و اطمینان کاملی هم که در بین دولتین موجود می باشد، قطعاً در اجرای این قانون هیچ گونه سوء تفاهمی حاصل نخواهد شد. برای اطلاع خاطر مبارک به عرض رسید.

نمره ۴۳۶ نادر

[حاشیه]: فوری، اداره اول، سوادى از تلگراف ماقبل این تلگراف با سواد خود این تلگراف، هر دو را به وزارت دربار و وزارت اقتصاد، فوری ارسال دارید. ۱۷ اسفند ۱۳۰۹

۱. قانون انحصار تجارت خارجی در جلسه روز چهارشنبه، ششم اسفند ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی به شرح زیر به تصویب رسید: ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق وارد کردن و صادر کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موقتى و یا دائمی میزان واردات و صادرات مزبوره به دولت وگذار می شود و دولت می تواند تا تصویب متمم این قانون از ورود مال التجاره خارجی به خاک ایران جلوگیری نماید.

وزارت داخله، استخراج تلگراف رمز تبریز، ۱۷ اسفند ۱۳۰۹، نمره ۱۴۳۵

وزارت جلیله داخله

۱۶۳۰، هر چند خبر رسمی راجع به قانون انحصار تجارت خارجی به ایالت نرسیده، ولی به مجرد اطلاع از ماده واحده، به نظمیه دستور داده شده که مراقب مذاکرات و افکار عامه بوده، مرتباً راپرت جریان را بدهد. تا حال راپرت مهمی که مستلزم اقدام باشد از نظمیه نرسیده و ضمن مراقبتهایی، که شده، تحریکاتی محسوس نمی‌باشد. بعد از رسیدن اخبار مبهم راجع به ماده واحده و انتشار آن، بین کسبه و تجار شاید بعضیها پیش خود تغییراتی به غلط می‌کرده‌اند، ولی همین که مواد قانون انحصار تجارت در جراید انتشار یافته و عموم مردم از مدلول آن مطلع شده‌اند و مسأله تنزل فاحشی که بلافاصله در قیمت اجناس و مظنه غیر رسمی پوند در بازار رخ داد، مردم با اظهار امیدواری و مسرت خاطر استقبال می‌کنند. مخصوصاً چند نفر از تجار با خود بنده در این موضوع مذاکره کرده، اظهار علاقه و خوشوقتی نمودند. حتی قسمت مندرجه در ماده سه مربوط به نفت و مواد آن و محصولات شیلات که مستثنی بوده و به واسطه صدور آنها [اجازه] وارد کردن مال التجاره به کسی داده نمی‌شود از صمیم قلب اشخاص مطلع مورد تقدیر واقع، با وجود مراتب فوق حسب الامر با فرمانده محترم و رئیس نظمیه مشاوری به عمل آمد و قرار شد برای آشنا کردن اهالی به محسنات این قانون اقدام و در جراید مقالات مفیده به طور مستثنی انتشار داده شود [و] با بعضی از تجار مذاکرات خصوصی به عمل آید. مخصوصاً نظمیه هم مراده اشخاص را با مقامات خارجی کاملاً تحت مراقبت قرار داده و راجع به رفتار و عملیات بعضی دلالها و اشخاص ذی‌نفع، مواظبت کامل نموده و به طور کلی در حفظ سیاست دولت از هر حیث دقت بشود. اما در موضوع عمامه اقداماتی که تاکنون جریان داشته به هیچ وجه تفاوت نکرده، بلکه بعد از ماه رمضان به نظمیه دستور داده شد که مراقبت بیشتر نموده، مخالفین را به محاکم بفرستند. باز هم مقرر شد در تعقیب قضیه و اجرای قانون مامورین نظمیه دقت و جدیت کامل نمایند.

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، راپرت اداره نظمیه ایالتی،

۳ مرداد ۱۳۱۰، نمره ۲۴۳۴/۳۳۲۲

بعدالعنوان - مطابق اطلاع واصله، بانک شوروی اخیراً به وسیله دلالان و عاملین خود، بین بازاریان انتشار داده که بانک روس حاضر است در حدود یک ملیون تومان به تجار قرض داده و مساعدت نماید. اکثر تجار و بازاریان نیز در این اوقات به بانک مذکور گرویده و معاملات می کنند و از این نقطه نظر تا درجه ای معامله بانک ملی و شاهنشاهی و پهلوی مقطوع شده است. اینک عمال شوروی در این کار دو نقطه نظر دارند:

اولاً تبلیغ آن که در چنین موقع و بحران اقتصادی، باز بانک روس است که به داد مردم می رسد و از این جهت عده ای از تجار و بازاریان را مرهون منت خود ساخته و در موارد لازمه از وجود آنها استفاده نمایند. دو دیگر آن که فعلاً وجود نقدینه در بانک مزبور به علت عدم وسایل اخراج زیاد شده و می خواهند به وسیله معاملات با تجار فوایدی هم ببرند.

رئیس نظمیه ناحیه شمال غرب سیف

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، راپرت اداره نظمیه ایالتی،

۲۸ مرداد ۱۳۱۰، نمره ۴۱۷۰، محرمانه

مقام محترم ایالت کبرای آذربایجان، دامت شوکته

تعقیب نمره ۲۴۳۴/۳۳۲۲ - ۱۰/۵/۳ راجع به عملیات بانک روس، خاطر محترم را مستحضر می دارد، مطابق راپرتهای واصله اخیراً بانک مزبور توسط دلالان با طبقه تجار و اصناف محاسبه ای را دایر و همه گونه مساعدت مالی نموده، با ارائه مختصر سرمایه و اعتبار به اشخاص قرض داده و از قرار صدی شش وجه قبول و صدی هشت پس می دهد. عملیات مؤسسه مزبور برای محدود نمودن معامله دیگران و انتفاع اقتصادی و بالاخره جلب توجه و افکار تجار و اصناف است که در آتیه منجر به مضراتی خواهد شد.

رئیس نظمیه ناحیه شمال غرب، سرهنگ عبدالله سیف

۷۰

۱۶۳

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، ۷ مرداد ۱۳۱۰، نمره ۸۱۴۴، محرمانه

سواد راپرت شعبه اطلاعات نظمیه ایالتی، مشعر بر عملیات بانک شوروی با تجار تبریز و اهل بازار برای استحضار خاطر محترم لفاً تقدیم می گردد.

چنان که ملاحظه می فرمایید موضوع بی اهمیت نیست، خصوصاً که از طرف بانکهای دیگر در باب اسعار، آن نوع مساعدت و تسهیلاتی که لازم است در کار تجار آنجا نمی شود و مسلم است که راه برای رقبا خیلی باز و دامنه عملیات وسیع خواهد بود و لازم است اساساً در این باب تدابیر مؤثری اتخاذ شود.

[امضا]

[حاشیه]: سواد برای استحضار وزارت جلیله دربار پهلوی و اداره تجارت ارسال شود.

۷۱

۱۶۴

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، ۲۵ آذر ۱۳۱۰، نمره ۱۷۳۹۷

مقام محترم وزارت جلیله داخله

سواد راپرت نمره ۸۰۵۷ - ۵۶۲۶ اداره نظمیه، راجع به عملیات بانک روس، برای استحضار خاطر محترم لفاً تقدیم می گردد که مقرر فرمایند مراتب را به اداره کل تجارت ملی اطلاع بدهند.

[امضا]

[حاشیه]: محرمانه، اداره اول، سواد راپرت جوف، به اداره تجارت ارسال شود.

۷۲

۱۶۵

وزارت داخله ایالت آذربایجان، راپرت اداره نظمیه ایالتی،

۲۰ آذر ۱۳۱۰، نمره ۸۰۵۷ - ۵۶۲۶

مقام محترم ریاست کبرای آذربایجان، دامت شوکته

عطف نمره ۹۷۹۲ خاطر محترم را مستحضر می دارد، مطابق اطلاعات واصله، بانک روس اخیراً مطالبات خود را جمع نموده و به کسی هم قبض نمی دهد و از قراری که شایع شده علت

این کار رواج پیدا کردن بازار سبزه است که بانک می خواهد خرید آن را به خود و مؤسسات شوروی منحصر نموده و در این مورد شکستی به تجار وارد نماید. مراتب استحضاراً راپرت شد.

رئیس نظمیۀ ناحیۀ شمال غرب، سرهنگ عبدالله سیف، مهر ایالت آذربایجان

۷۳

۱۶۶

وزارت داخله، اداره اول، ۱۵ دی ۱۳۱۱، نمره ۶۵۵

مقام منبع ریاست وزرای عظام، دامت شوکته

سواد دو فقره راپرت حکومت گیلان، دایر به شرح تجمع تجار رشت و پهلوی و اعتراض آنها به طرز فعلی تجارت شوروی و مذاکراتی که نمایندگان تجارتی شوروی در این باب با حکومت گیلان به عمل آورده اند، برای استحضار خاطر محترم تلوأ ایفاد می شود.

[امضا]

۷۴

۱۶۷

حکومت گیلان و طولش، ۹ دی ۱۳۱۱، نمره ۱۴۲۴۴، محرمانه و مستقیم

مقام محترم وزارت جلیله داخله

لزوماً به استحضار خاطر محترم می رساند. در اواسط ماه گذشته بعضی از تجار رشت و بندر پهلوی به این حکومت اظهار داشتند که در تهران نهضتی بر علیه روسها شروع شده و تلگرافاتی رسیده [که] خرید و فروش مال موقوف شود و در این خصوص از بنده کسب تکلیف نمودند، ولی چون این حکومت دستوری نداشت جواب صریحی به آنها نداد تا این که چند روز بعد جراید مرکز رسید و شرح تجمع و احساسات تجار تهران بر علیه طرز فعلی تجارت با دولت شوروی منتشر گردید و در آن ضمن از جامعه تجار مرکز نیز مستقیماً تلگرافاتی به اطاق تجارت رشت و بندر پهلوی واصل شد که علانیه آنها را به ترک معاملات انفرادی با مؤسسات تجارتی شوروی تشویق می نمود. در این موقع آقای یاسایی هم به رشت ورود فرمودند و تجار این جا حضوراً مشکلات و معایب داد و ستد خود را با مؤسسات تجارتی شوروی برای ایشان تشریح

نمودند و توضیحاتی که ایشان در این باب دادند تجار به صرفه معاملات اجتماعی آگاه شده و برای حصول این منظور حاضر شدند که مانند تجار تهران اتفاق نموده بین خود تشکیلاتی قائل شوند و به ترک معاملات انفرادی با مؤسسات شوروی اقدام نمایند. همان وقت تجار بندر پهلوی (۲۵ آذر) دعوتی از وجوه تجار آن جا نمودند که کنفرانسی راجع به مضار تجارت انفرادی با روسها بدهند و اعلامیه‌ای منتشر نمایند و چون این مراتب از طرف حاکم پهلوی و اداره نظمی به بنده راپرت و کسب تکلیف شد دستور دادم به شرط این که اظهارات بی‌قاعده و بی‌ترتیب نباشد و حمل بر اغوای مامورین دولت نشود مانع نشوند کنفرانس تجار در بندر پهلوی تشکیل گردید و تجار برای تشریک مساعی یک هیات عامله از بین خود انتخاب و ریاست آن را به آذرنیا تفویض نموده راجع به منظور خود و همفکری با تجار مرکزی بیانیه‌ای انتشار داده و تلگرافاتی به جامعه تجار مرکز مخابره نمودند (یک نسخه عین بیانیه آنجا را تلواً تقدیم می‌نماید) متعاقباً تجار رشت نیز به همان ترتیب تجمع نموده هیات مدیره‌ای تشکیل دادند که ریاست آن به عهده حاج معین‌التجار مقیمی محول شده است به این ترتیب تجار تصمیم گرفتند که دیگر با مؤسسه تجارتی شوروی (ونشتورگ) به هیچ وجه معامله انفرادی ننمایند تا این که اقدامات اولیای دولت برای تعیین نرخ اجناس با نمایندگان شوروی منتج به نتایج مطلوبه گردد در عین حال بعضی از تجار این جابر خلاف تصمیم رفقای خود باز با نماینده تجارتی شوروی در بندر پهلوی (سیکوف) داخل مذاکره برای تنظیم قراردادهای معاملات جدیدی می‌شدند و شاید روسها مخصوصاً در این موقع برای خنثی نمودن مقاومت جامعه تجار یک منافع بیشتری در حق این اشخاص منظور می‌دارند به این واسطه هیات عامله تجار بندر پهلوی خودشان مراقبت می‌نمایند که کسی برای عقد قراردادهای جدید نزد نماینده تجارتی نرود و اگر تاجری قبل از این تصمیمات با روسها معامله‌ای کرده باشد حق دارد با حضور نماینده‌ای از جامعه تجار برای ترتیب معامله انجام یافته خود به ونشتورگ برود.

هفته قبل آلفین نایب شوتسوف نماینده تجارتی سفارت شوروی به گیلان آمده از بنده تقاضای ملاقات نمود و در باب تجمع تجار این جا و بیانیه آنها و اقداماتی که برای منع معامله انفرادی از طرف آنها به عمل می‌آید شکایت نموده اظهار داشت که از قرار معلوم این اقدامات در گیلان به دستور یک کمیته محرمانه‌ای می‌شود و محل تجارت ایران و شوروی و مخالف قرارداد تجارتی است و بالاخره از بنده خواست که از تجار جلوگیری کنم به مشارالیه جواب دادم که حکومت مطلقاً در این جریان مداخله‌ای نمی‌کند کما این که پیشتر هم که تجار معاملاتی

می‌خواستند با شما بنمایند از طرف این جانب مداخله‌ای نمی‌شد و اما این که می‌گویید کمیته محرمانه‌ای این دستورات را می‌دهد یک خبر مجعول مضحکی است زیرا تجمع تجار و اقدامات آنها بر علیه تجارت انفرادی منحصر به تجار بندر پهلوی نیست و از قرار معلوم در تهران و سایر نقاط هم این احساسات اعتراض‌آمیز که نتیجه عدم توجه عمال تجارتی شوروی است ابراز شده و می‌شود محل تجارت شوروی بودن اظهارات و اقدامات تجار هم حرف منطقی نیست زیرا از هیچ تاجری نباید متوقع بود که به ضرر خود به طرزی که شما مایلید معامله بنماید و حکومت هم نمی‌تواند تجار را مجبور نماید که با سرمایه خودشان بیایند به نفع شما برای خشنودی خاطر شما تجارت کنند و اگر تجار ایرانی در معاملات با شما نفعی برای خود مشاهده نمایند بدون این که احتیاج به توصیه از مقامات رسمی باشد کمافی‌السابق وارد معامله خواهند شد بعد از بنده سوال کرد به نظر شما راه اصلاح چیست به او گفتم که اظهار این عقیده از صلاحیت من خارج است و یقین دارم که اداره کل تجارت در این خصوص با مامورین صالحه شوروی مشغول مذاکره هستند و اگر در تهران فی مابین موافقت نظر پیدا شود امید می‌رود موجبات افتاع تجار فراهم گردد در این زمینه ویس قنصل شوروی در بندر پهلوی نیز اظهارات و اعتراضاتی به حکومت آن جا نموده و به طوری که معروض افتاد حواب شنیده است ضمناً تجار گیلان اظهار می‌دارند که در تهران برخلاف این تصمیمات چند نفر از تجار مشغول داد و ستد انفرادی با مؤسسات تجارتی شوروی هستند و حتی اخیراً مقداری مال‌التجاره فروخته شده به روسها به بندر پهلوی حمل شده که تحویل بیورپرس نمایند و در صدد جلوگیری از ورود این مال‌التجاره‌ها بودند ولی به آنها توصیه شد از اقداماتی که ممکن است اسباب بی‌نظمی فراهم شود خودداری نمایند.

حکومت گیلان و طوالش، ۱۳ دی ۱۳۱۱، نمره ۱۴۴۴۲، محرمانه و مستقیم

مقام محترم وزارت جلیله داخله

در تعقیب راپرت نمره ۱۴۲۴۴ خود، خاطر محترم را مستحضر می‌دارد که دیروز، مسیو پیکالف، ژنرال قنصل شوروی از این جانب ملاقات نموده، اشعار داشت: رویه‌ای که تجار گیلان بر علیه مؤسسات تجارتی شوروی اتخاذ و بایکوت کرده‌اند به ضرر

آن مؤسسات تمام می شود و مامورین دولت که طبق قرار داد تجارتی موظف به حفظ حقوق مؤسسات تجارتی شوروی می باشند برخلاف [قرارداد] از تجار تقویت می نمایند. به مشارالیه جواب دادم: اشتباه می کنید، زیرا تجار که با سرمایه خود داد و ستد می نمایند، بعد از تحمل خسارتهای بسیاری که از معامله با مؤسسات شوروی دیده اند به خودی خود از معاملات انفرادی با آن مؤسسات منصرف شده اند و این را نمی توان بایکوت نامید. به علاوه این تصمیم تجار به ترک معامله انفرادی با مؤسسات شوروی منحصر به گیلان نیست و از قرار معلوم در تهران و سایر نقاط هم جریان دارد و مامورین دولت به هیچ وجه در این موضوع مداخله ننموده و نمی نمایند. گفت: اگر این طور است، پس چرا با وجود سانسور می گذارید تجار بر علیه ما بیانیه منتشر کنند و جراید هم اظهارات آنها را تبلیغ نمایند. و پلیس چرا تجار را که مانع آمد و شد اشخاصی به دوایر تجارتی شوروی هستند تعقیب نمی کند. به او گفتم: سانسور به آن معنی که شما می پندارید در ایران وجود ندارد و مامورین دولت نمی توانند مردم را از اظهار تظلمات حق خود منع کنند. پلیس هم کاری به معاملات تجار ندارد. گفت: پس به ما هم اجازه بدهید که جواب تجار را در جراید و غیره بدهیم. به او گفتم: تصور نمی رود مانعی باشد. هر چند که اصولاً مشاجرات قلمی ممکن است احساسات تجار را بیشتر تند و اختلافات ذات البین را شدیدتر کند. خلاصه اظهار کرد که من ماموریت دارم نسبت به این جریان اعتراض کنم و از شما تقاضا نمایم کمیته تجار را (مقصود مجمع تجار است که به دستور تجار مرکزی تشکیل شده) غدغن نمایید و اگر آنها از مؤسسات تجارتی ما شکایت حسابی دارند دلالت به عدلیه نمایید والا ما اداره تجارتی خودمان را از فردا تعطیل می کنیم و حمل و نقل مال التجاره را از بادکو به موقوف می داریم. به مشارالیه گوشزد شد که هر کس به شما این ماموریت را داده، متوجه نبوده است که شما در خاک دولت شاهنشاهی ایران هستید و باید با حاکمی مذاکره کنید، مخصوصاً که مؤسسات شوروی تابع قوانین مملکتی ما می باشند. یقین است تجار هر وقت ادعای خصوصی بر علیه دوایر تجارتی شما داشته باشند، برای احقاق حق خود به محاکم عدلیه مراجعه خواهند نمود. ولی در این موقع جامعه تجار ایرانی که با مؤسسات شوروی تجارت و سروکار داشته اند، اصولاً مضاری در طرز معاملات انفرادی خود با نمایندگان تجارتی شوروی تشخیص داده اند که همگی همه جا تمرکز تجارت واردات و صادرات خود را با جماهیر شوروی از دولت خواستارند، البته اولیای معظم دولت ایران هم به شکایات آنها و اظهارات شما رسیدگی و قضاوت خواهند نمود. فعلاً این جانب در این جریان نمی توانم نفیاً اثباتاً عملی بنمایم و اگر شما

تعطیل مؤسسه تجارتي خودتان را مقتضي مي دانيد يا بخواهيد از حمل و نقل مال التجاره خودداري كنيد مختاريد.

در خاتمه عرض مي كنم كه اين مذاكرات بين بنده و ژنرال قنصل شوروي با كمال متانت و نزاکت رد و بدل گرديد. خاطر محترم مسبوق باشد.

[امضا]

بیانیه جمعیت تجار بندر پهلوی

هموطنان محترم، آیا وخامت اوضاع تجارتي و ضعف قوای اقتصادي تجار ایرانی را احساس نکرده اید؟ آیا ابرهای تیره ای که افق حیات مادی ما را پوشانیده و بازار ما را به خطر ورشکستگی و انهدام تهدید می کند، شما را به وحشت نینداخته است؟ آیا تضییقات و فشارهای متوالی که از مراکز ذینفع خارجی برای تضعیف بنیه تجارتي مملکت ما وارد می شود، شما را به تتبع علل و یافتن مرکز تعبیه فشارها هدایت ننموده؟ سلسله جنیان ایجاد این بدبختیها و عامل مؤثر احداث این مهالک در راه رشد و نمو تجارت ما، سیاست خشن اقتصادي شوروي و نمایشات نامطبوعی است که عمال تجارتي دولت شوروي در طرق مبادله اجناس و مال التجاره از خود ابراز می دارند.

تجار ایرانی که در اطراف و اکناف این مملکت دست به روی دست گذاشته، تجارت کابوس زده و بازار کساد را با دیدگان پرحسرتی می نگرند به خوبی می دانند که روابط تجارتي فی مابین تجار ایرانی و مؤسسات شوروي پیوسته با یک حالت خمودت و فرسودگی به عمل آمده و قدر مسلم آنست که عمال تجارتخانه های شوروي از ادامه چنین سیاست غیر عادلانه قصد و منظوری جز تقلیل قوای تجارتي ما و امحا و انهدام بنیه مالی و بنیان ثروت تجار ایرانی نداشته و رفته رفته قیافه عبوس سیاست اقتصادي شوروي کار را به جایی رسانید که محصولات مرغوب طبیعی ما را به ثمن بخش قبول نموده در مقابل قیمت امتعه خود را یک بر پنج تقویم نمودند. پیداست که توده روستایی و دهاقین که حیات سالیانه شان باید در نتیجه دسترنج زراعتی تأمین و تضمین گردد با چنین مبادله رهسپار مرگند. تجار و شهرها هم که معیشت خود را به روی محصولات طبیعی و مواد اولیه قرار داده و با معاوضه و مبادله با امتعه دیگر باید رونق تجارتي

مملکت را عهده‌دار کردند از این سیاست زیون و ناچیز شده ناله فغان و ضجه نیستی آنها بلند خواهد گردید. قرارداد تجارتی که دولت محبوب شاهنشاهی با اولیای دولت شوروی امضا نموده در صورتی که به کافه انحاء شرایط و مقررات آن عمل نمایند اقتدار اقتصادی کشور ما را تأمین و تدارک می‌نمایند. مع الاسف عمال موسسات تجارتی شوروی از این مقاوله‌نامه هم مورد استفاده نموده مرام غیر عادلانه خود را تعقیب نمودند و در جریان عمل تجارتی نه تعهد و ایفای قراردادهای را منظور و مرعی داشته و نه جانب انصاف و عدالت را در نظر گرفته‌اند. نتیجه دسترنج هزاران زارع بدبخت را که با چه خون دلها تهیه گردیده به پیشیزی محسوب [نکردند]. آن هم کاش معامله نقدی می‌شد و طوری می‌بود که بتوان آنرا از قیمت اشیای ارسالی چرخهای دیگر زندگانی را به کار انداخت.

بدبختانه در مقابل مال‌التجاره‌های مرغوب ما کاغذ پاره‌ها با اسناد طویل‌المده تسلیم می‌کنند که تعطیل بازار تجارت هزاران بار بهتر و مناسب‌تر از این جریان تجارتی است. به این اعمال هم راضی نشده از ابتدای این سال ابداً مال‌التجاره‌های ایران را نپذیرفته در صورتی که از ورود امتعه خود و تحمیل به جمعیت تجار بدبخت به قیمتهایی که چندین برابر سنوات قبل است به هیچ وجه خودداری ندارند.

هموطنان محترم از آن جایی که اعمال این سیاست ناهنجار و ابزار رفتاری که مباین و مغایر قراردادهای رسمی است هستی یک مشت تجار و زارعین بیچاره ایرانی را با خاک یکسان می‌کند و یک باره رقم محو فنا بر زندگانی توده تاجر و بالاخص تجاری که در شمال ایران سکونت دارند می‌کشد و از آن جایی که این حق‌کشی و تجاوزات همسایه شمالی کاسه صبر و شکیبایی را لبریز نموده، از شدت استیصال و ناچاری دست توسل و تشبث به دامن عواطف و عنایات دولت محبوب شاهنشاهی زده استرحاماً رجاءمندیم که تجارت را مرکزیت داده تا از یمن مواهب سینه از اجحافات و تجاوزات و تعدیات مراکز و ادارات خارجی که تضعیف و انهدام قوای مالی و اقتصادی وطن عزیز ما را وجهه همت خود ساخته‌اند جلوگیری نمایند، زیرا سرمایه‌های کوچک تجارت انفرادی ما در مقابل تشکیلات تجارتی دولتی شوروی قابل مقاومت و پایداری نیست و بدیهی است در صورتی که قوای تجارتی تمام مملکت در مرکز تمرکز یافته، در ظل توجهات دولت بیدار امروز جریان باید اقتدار اقتصادی تأمین و حیات مالی افراد تجار تقویت خواهد یافت و تا زمانی که قرارداد عادلانه بر طبق مظنه‌های عادلانه نسبت به امتعه و مال‌التجاره‌های طرفین منظور نشود خلاصی و نجات برای تاجر و کاسب و زارع غیر میسر است.

هموطنان عزیز امروز روزی است که آفتاب مجد و عظمت کشور مقدس ما ایران انوار حیات بخش خود را به تمام حدود و ثغور مملکت رسانیده. امروز روزی است که عظمت و استقلال دولت محبوب ما در سایه توجهات شاهنشاه معظم ارواحنفاذ به عالمی اثبات گردیده. امروز روزی است که یکایک سلاسل اسارت و رقیت ما بینوایان که با امضاها و سلاطین پوشالی قجری برای ما تعبیه شده بود به بازوی توانای فرزند رشید وطن گسسته گردیده و آثار حیات جدید از هر کرانه در لمعان است. در چنین روز پیروزی چگونه مظالم طاقت فرسای عمال تجارتی اجانب را تحمل کنیم. تنها برای تقویت اقتصادی و محض ترمیم امور تجارتی مجمعی به نام مجمع تجار در بندر پهلوی تشکیل داده و با نظر عمیق بی طرفانه رفتار غیر عادلانه عمال شوروی را انتقاد نموده، از دولت محبوب خود رجاء نمودیم که به نام تساوی حدود تجارتی و به نام حفظ منافع عمومی و به نام ابقای حیات تجار مملکت و به نام تشویق توده زارع و زحمتکش، مرکزیت تجارت را تعهد فرموده، طوری امور تجارتی را تنظیم فرمایند که این آخرین قطرات خون شریان نباض تاجر و زارع ایرانی را به کار انداخته، روح جدیدی به کالبد فرسوده ما دمیده شود.

هموطنان عزیز مجمع تجار که بدین وسیله استغاثه خود را به آستانه پادشاه ملت پرورش معروض می دارد، دقیقاً احساس کرده که آخرین علاج منحصر به فردش ایجاد و برقراری مرکزیت تجارت است و تا این امر حصول نیابد مقتضی است که تمام تجارتخانه های ایران باب داد و ستد را با عمال تجارتی شوروی مسدود نموده، از هر قسم مبادله و معاوضه خودداری نمایند. امید است که نیت وطن پرستانه ما موافقت برادران عزیز تجار محترم مملکت را در جمیع بلاد ایران جلب کرده، همگی در این تقاضا و تمنی شرکت و مساعدت فرمایند.

از طرف جمعیت تجار بندر پهلوی

وزارت امور خارجه، اداره ممالک اروپای شرقی، ۲۶ مهر ۱۳۱۲، نمره ۲۷۸۲۳

مقام منیع ریاست وزرا، دامت شوکته

یک نسخه از پروتکل جلسات منعقد در وزارت امور خارجه، به تاریخ دهم و یازدهم مهرماه جاری با حضور آقای کاراخان، قائم مقام کمیسری امور خارجه شوروی، برای استحضار خاطر مبارزک تلوا تقویم می گردد.

وزیر امور خارجه [امضا]

پروتکل جلسات منعقد، در وزارت امور خارجه، به تاریخ دهم و یازدهم مهر ماه ۱۳۱۲

حاضرین: حضرت اشرف، آقای فروغی، رئیس الوزرا - جناب مستطاب اجل، آقای کاظمی، وزیر امور خارجه - آقای سیاح، رئیس اداره اروپای شرقی - آقای کاراخان، قائم مقام کمیسر خارجی شوروی - آقای پاستوخف، سفیر کبیر شوروی در تهران - آقای آسترف، معاون اداره شرق کمیسری خارجه شوروی - آقای اینهورن، نایب اول سفارت کبرای شوروی در تهران - حضرت اشرف، آقای فروغی جلسه را افتتاح و اظهار فرمودند که: «دولت ایران مایل است برای حل بعضی مسایلی که تصفیه نشده، از توقف مسیو کاراخان در تهران استفاده نماید و اکنون جلسه را افتتاح نموده و مذاکرات را در خصوص بعضی مسایل شخصاً به عمل خواهد آورد.» زیرا آقای کاظمی، وزیر امور خارجه، چند روز است که وارد شده و فرصت نکرده‌اند با مسایلی که سابقاً آقای فروغی به سمت وزیر امور خارجه تعقیب می فرمودند کاملاً آشنا بشوند. آقای کاراخان اظهار داشتند که: «مسأله اساسی که باید تصفیه بشود، موضوع روابط تجارتي شوروی و ایران است که فعلاً حل و تصفیه آن جریان دارد، زیرا مسیو شوستاک، نماینده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در این باب تعلیماتی از مسکو دارد و فعلاً هم مشارالیه با آقای بهمن، رئیس اداره کل تجارت وارد مذاکرات می باشند و می توان امیدوار شد که این مسأله در ظرف یکی دو ماه تصفیه خواهد شد.»

آقای فروغی اظهار داشتند که: «در مسایل تجارتي نظریه دولت ایران چندی قبل در ضمن مذاکراتی که با مسیو پاستوخف و مسیو شوستاک، قبل از عزیمت مسیو شوستاک به مسکو جریان داشت بیان شده است.»

مسایلی که مورد علاقه دولت ایران می باشد عبارتست از:

- ۱ - تعیین کنتنژان و قیمت اجناس که عمده صادرات آنها به اتحاد شوروی است.
- ۲ - ترتیب واردات و صادرات موسسات شوروی که با ترتیب محموله در مورد دیگران فرق داشته و تولید مشکلات و عدم رضایت می کند و این که صلاح است، ترتیب مزبور به شکل نزدیک کردن مواعد ورود و صدور تغییر داده شود.
- ۳ - کنتراهای موسسات شوروی با تجار ایرانی و لزوم اجرای کنتراهای مزبور با رعایت تعهدات متقابل و این که با کنتراهای مزبور حقیقه جنبه دو طرفی داده می شود.

۴- رعایت مواعد ورود و تحویل اجناس از طرف موسسات شوروی، چه از روی جواز وجه بر طبق قراردادهای انحصاری. آقای کاراخان اظهار داشتند که: «فعلاً از طرف دولت شوروی راجع به تمام مسایل تجارتی تصمیماتی اتخاذ شده که باید برای توسعه تجارت و استحکام روابط تجارتی شوروی و ایران بهبودی عمده در وضعیت ایجاد بکند. در زمینه تصمیمات فوق‌الذکر مسیو شوستاک، مذاکراتی با آقای بهمن به عمل می‌آورد.» آقای کاراخان بر حسب خواهش آقای فروغی اصول اساسی تصمیمات فوق‌الذکر را که عبارت از مراتب ذیل است به شرح آتی بیان نمودند:

۱- تصمیماتی اتخاذ شده که نقشه ثابتی برای تجارت با ایران، در روی این اساس که میزان عمومی تجارت قدری تقلیل داده شود تهیه گردد و تقریباً کلیه اجناس عمده صادراتی ایران از قبیل پشم و پنبه و برنج که کتنژان برای آنها معین خواهد شد خریداری شود، ضمناً در نظر است که تقریباً کلیه مقدار صادراتی این اجناس ایران که امسال موجود است خریداری شود، و ضمناً در نظر است مقدار معینی مرکبات خریداری شود.

۲- تصمیماتی اتخاذ شده که خریده‌های نسبه موسسات شوروی از تجار ایرانی موقوف و قاعده کلی بر این باشد که معاملات نقدی باشد و قرار است، معاملات اعتباری به توسط بانک باشد.

۳- تصمیماتی اتخاذ شده که ترتیب اجرای ترانزیت اصلاح و تعرفه‌های ترانزیتی نوعی تقلیل یابد که ترانزیت اجناس ایران از راه جماهیر شوروی به ممالک ثالث و ترانزیت اجناس اروپا به ایران از لحاظ تجارتی بتواند اجرا شود. برای این کار کمیسیون مخصوص تشکیل یافته که نتایج کارهای آن من باب اطلاع به استحضار دولت ایران خواهد رسید. اما راجع به سایر مسایلی که آقای فروغی مطرح فرمودند، آقای کاراخان به شرح ذیل جواب دادند:

۱- ترتیب واردات و صادرات در قرارداد تجارتی پستی تعیین شده و ممکن نیست تغییر داده شود، در عین حال به مسیو شوستاک، دستور داده شده است که در مذاکرات با آقای بهمن، تقاضاهای طرف ایرانی راجع به عمل اجرای ترتیب مزبور منظور بدارد.

۲- تقاضای آقای فروغی راجع به رعایت تعهدات دو طرفی در کتتراته‌های باتجار ایران از بدیهیات است و البته در مذاکرات بین آقای بهمن و مسیو شوستاک منظور خواهد شد.

۳- راجع به مساله رعایت مواعد ورود و تحویل اجناس شوروی تقاضاهای فوق‌الذکر صحیح است و در نتیجه مذاکرات بین آقای بهمن و مسیو شوستاک تأمین خواهد شد. بعد آقای

فروغی تقاضا کردند که سوای اجناس فوق‌الذکر بعضی از سایر اجناس ایران در جزو کستنژان داخل بشود. و نیز اظهار داشتند که: «قیمت برنج که آقای شوستاک در مذاکرات با آقای بهمن پیشنهاد کرده‌اند، بسیار نازل است» و نیز آقای فروغی تقاضا کردند که در موضوع قند و کبریت که فوریت دارد، دستور لازم داده شود. آقای کاراخان وعده دادند که با مسیو شوستاک مذاکره کنند.

آقای کاراخان اظهار داشتند که: «مسیو شوستاک در مسأله قیمت برنج تعلیمات ثابتی دارد و وعده دادند که با مشارالیه مذاکره کرده، تحقیق نمایند که در این موضوع چه اقدامی می‌توان نمود.

بعد آقای فروغی تقاضا فرمودند که راجع به اصلاح کارهای کمپانی ماهی ایران و اجرای قرارداد شیلات در روی اساس همکاری و تساوی حقوق طرفین در مسایل، اداره و بهره‌داری تعلیماتی به نمایندگان شوروی در کمپانی ماهی ایران داده شود.

آقای کاراخان تقاضاهای فوق را صحیح دانستند. آقای کاراخان نیز از طرف خود مسایل ذیل را که دولت شوروی انتظار دارد از طرف دولت ایران اقداماتی برای حل سریع و مساعد آنها اتخاذ بشود مطرح کرد.

۱- مسأله عقد قرارداد مبارزه با آفات فلاحتی.

۲- مسأله شرکت کویر خوریان.

۳- مسأله تبعید اشرار و مهاجرین از منطقه سرحدی

۴- مسأله بازنگشتگان و دعاوی قضائی آنان نسبت به دوایر تجارتی شوروی.

۵- مسأله دعاوی که نسبت به موسسات شوروی در دوره بایکوت تجارت شوروی تولید

شده است.

آقای فروغی نیز تقاضا فرمودند که مسأله پارک اتابک و مسأله تفکیک تابعیت اتباع ایران در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تصفیه شود.

بعد آقای فروغی مسأله سرحد شوروی و ایران و لزوم حل سریع آن را مطرح و دلائلی برای این امر ذکر نمودند و خاطر نشان ساختند که مقررات عهدنامه شوروی و ایران ۱۹۲۱ در این قسمت اجرا نشده و باید به موقع اجرا گذارده شود. آقای کاراخان اظهار داشتند که: «مسأله سرحدات فوریت خاصی ندارد و فعلا قضیه عمده همانا تنظیم مسایل تجارتی شوروی و ایران است و مسأله سرحدات ممکن است بعدا مطرح شود.

آقای کاراخان بر حسب خواهش آقای فروغی وعده دادند بعد از مراجعت به مسکو تقاضاهای دولت ایران را راجع به این موضوع به اطلاع دولت متبوعه خود رسانیده و استدلالی را که آقای فروغی راجع به لزوم تصفیة فوری این مساله اظهار فرمودند، بیان کنند و از طرف خود نیز اهتمام نمایند که به وسیله مذاکرات در حل این مساله تسریع شود.

آقای کاظمی اظهار عقیده فرمودند که: «مذاکرات در تهران به عمل آید و در مدتی که از یک ماه الی یک ماه و نیم تجاوز ننماید شروع بشود».

آقای فروغی تقاضا فرمودند که پس از آن که اصولا قراری بین دولتین راجع به مسایل سرحدی داده شد، کمیسیون مختلطی برای حل جزئیات مساله در حل و تعیین عملی سرحدات تشکیل بشود.

آقای کاراخان وعده دادند که تقاضاهای فوق را به استحضار دولت شوروی برسانند.

محل امضای رئیس الوزرا آقای فروغی

محل امضای وزیر امور خارجه آقای کاظمی

۷۹

۱۷۲

وزارت امور خارجه، اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه، ۱۷ بهمن ۱۳۱۴، نمره ۴۸۵۹۵

در تعقیب متحدالامال هفته گذشته ذیلا بقیه اطلاعات تجارتی برای استحضار مامورین شاهنشاهی درج می گردد:

سیاست تجارت خارجی

دولت شاهنشاهی چه قبل از تصویب قانون انحصار تجارت و چه بعد از آن در حدود قانون مذکور، اصولا پیرو تجارت آزاد و درب باز برای تجارت بوده است، و هیچ گونه فرق و تفاوتی بین فروشنده و خریدار قائل نبوده، فقط در مواردی که مقتضیات تجارتی کشور شاهنشاهی ایجاب نماید که از نظر رعایت متقابل، مقررات مخصوصی در نظر گیرد و قراردادهای خاصی منعقد سازد مبادرت به عقد قرارداد می نماید.

این مقتضیات از ابتدای اجرای قانون انحصار تجارت خارجی و قبل از آن از نظر اوضاع تجارت خاص و منحصر به فردی [که] اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دارد، نسبت به آن

دولت موجود و قراردادهای مخصوصی با دولت مذکوره منعقد گردید که در سال جاری به واسطه اتمام مدت آنها تجدید و رئوس مسایل تجارتي قرارداد منعقد اخيرا با فهرست مخصوصی که برای اجناس وارداتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال اقتصادی ۱۳۱۴-۱۳۱۵ تنظیم گردیده است ذیلاً استنساخ و خلاصه می شود.

در این موقع مقتضی است یادداشت شود که اخیراً مقتضیات مذکوره وضع مقرراتی را نیز با دولت آلمان ایجاب نمود که هیأتی برای مطالعه و عقد قرارداد لازم از طرف دولت شاهنشاهی تعیین و در تاریخ اول مرداد ماه ۱۳۱۴ به آلمان عزیمت و در تاریخ ۲۳ آبان قرارداد تهاتر که موجب موازنه واردات و صادرات مملکتین است منعقد و نظامنامه آن تدوین و شروع به اجراء شده است و مشغول تعاطی نظر هستند.

تجارت ایران و اتحاد جماهیر شوروی

قبل از آن که قسمتهایی از قرارداد دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی در موضوع تجارت اقتباس شود، مقتضی است تذکر داد که فی مابین دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی همیشه حسن تفاهم موجود و در امور تجارتي پیوسته بهترین وسایل توسعه روابط از طرفین اتخاذ گردیده است. ایران و اتحاد جماهیر شوروی همیشه مشتریان ثابت متاع یکدیگر بوده و از دیرباز روابط تجارتي با یکدیگر داشته، پیوسته در تشیید این روابط کوشش و مجاهده از طرفین مشهود گردیده است. پیش از آن که بحران اقتصادی در عالم آثاری بروز دهد دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی به موجب مراسلات متعاطیه در اول اکتبر ۱۹۲۷ اصل تعادل را مرعی و تجارت مملکتین بر روی قواعد و اصول مرتبی مجری گردید. مقررات این مراسلات مدتش موقعی به سر آمد که دولت ایران برای جلوگیری از سرایت بحران اقتصادی عالم مجاهده و کوشش می نمود، لهذا قرارداد در تاریخ ۲۲ ژویه ۱۹۳۵ حسن خاتمه پذیرفت [و] اولیای تجارتي دولتین در تاریخ مذکور قراردادی را که ذیلاً خلاصه می شود و افزایش تجارت طرفین را به طور تصاعدی می نمایاند منعقد نمودند:

۱- دولت شوروی موافقت می نماید اجناس پنبه، پوست، پشم، کنف، برنج و خشکبار را در ایران خریداری نماید و نیز دولت ایران وعده اقدامات لازمه می دهد که مقدار پنبه و پوست و پشمی که به اتحاد جماهیر شوروی فروخته می شود در مدت قرارداد همه ساله از ده الی پانزده درصد اضافه شود.

در مقابل دولت ایران با خریداری قند، کبریت، پارچه‌های نخی، سیمان، آهن‌آلات، ماشین‌آلات و ابزار فلاحی و ماشین‌آلات صنعتی برای برنج و پنبه پاک‌کنی، تاسیسات انبار غله، الواتر، آسیا [و] کارخانجات برق و ماشین‌آلات صنعتی دیگر موافقت می‌کند، به ترتیبی که میزان خریدهای دولت ایران از دولت شوروی در مدت اعتبار این قرارداد معادل میزان خریدهای دولت شوروی از ایران بشود. کتراتهای خریدهای فوق هر دفعه با موافقت بین نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی و وزارت مالیه ایران منعقد خواهد شد.

۲- برای اتحاد جماهیر شوروی دولت ایران در ضمن سهمیه واردات عمومی سهمیه‌ای قائل گردیده است و به ضمیمه همین قرارداد فهرست سهمیه سال اقتصادی ۱۳۱۴-۱۳۱۵ در ضمن سهمیه عمومی تعیین شده که عیناً با میزان سهمیه عمومی و نسبتی که دولت شوروی در آن دارد نقل شده است.

موسسات تجارتي طرفین موافقت دارند که میزان نسبی سهمیه سال اول قرارداد را در نظر گرفته و سهمیه‌های سال بعد را طوری تنظیم نمایند که از این نسبت کمتر نباشد و مقرر است که اگر دولت ایران در عرض سال بخواهد سهمیه یکی از اجناسی که دولت قسمتی از آن را وارد می‌نماید اضافه کند دولت شوروی نیز به نسبت سهمیه خود حصه خواهد داشت.

در موضوع مال‌التجاره‌هایی که ورودشان فعلاً به ایران ممنوع است، اگر مقتضیات ایجاب نماید که اجناس ممنوعه مذکوره مجاز شوند دولت شوروی حصه‌ای از واردات مذکور را به تناسب سهمیه‌ای که از واردات آنها قبل از استقرار انحصار تجارت در ایران داشته حق ورود خواهد داشت.

۳- دولتین موافقت دارند که به استثنای محصولات طبیعی و صنعتی ایران که صدور آنها عموماً ممنوع است موسسات شوروی هر نوع محصولات دیگر را بدون مشکلات و موانع صادر نمایند.

۴- دولت ایران موافقت می‌نماید که صدور جواز واردات موسسات تجارتي شوروی را [که] در حدود سهمیه تعیین شده است موکول به ارائه تصدیق صدور قبلی ننماید.

۵- برای تشخیص میزان تجارت مملکتین و تعادل واردات و صادرات مقرراتی در قرارداد پیش‌بینی شده است و به موجب آن همه ساله در نتیجه رسیدگی به محاسبات میزان واردات و صادرات طرفین معین و در صورت کسر با اضافه و ارات و با صادرات در ماه‌های بعد جبران می‌گردد. به علاوه برای تقویم اجناس وارده و صادره مقرراتی وضع گردیده که با اصول منظمی

محاسبات واردات و صادرات دولت شوروی رسیدگی شود.

۶- در قرارداد مذکور برای ترتیب و تنظیم مال‌التجاره‌های ترانزیتی از خاک طرفین موافقت‌هایی به عمل آمده است که امور ترانزیت را برای طرفین تسهیل می‌نماید.

۷- واردات و صادرات ایران و اتحاد جماهیر شوروی به موجب قرارداد ممکن است توسط نمایندگی تجارتی شوروی و یا موسسات مختلط ایران و شوروی که عبارتند از: ایران سویت خلویک، ایران سویت نفت، ایران سویت بانگ، شرکت کویر خوریان و ایران ریبا به عمل آمد. احصائیه تجارتی ایران در سنوات اجرای قانون

قبل از ترسیم جداول احصائی و گرافیک واردات و صادرات تجارتی ایران باید به یک نکته اشاره شود که اصولاً این تاریخچه مربوط به امور تجارتی و احصائیه‌های آن نیز عبارت از ارقامی است که جنبه تجارتی داشته است و طبعاً با احصائیه‌ای که از طرف اداره کل گمرکات منتشر می‌شود اختلاف کلی خواهد داشت، زیرا در احصائیه اداره کل گمرکات ارقام وارداتش اعم است از وارداتی که عنوان مال‌التجاره داشته و به معرض بیع و شری می‌باید یا وارداتی که برای اصلاحات مملکتی از قبیل مصالح راه آهن و طلای ذخیره بانک وارد شده و یا وارداتی که به موجب قانون معافیت از الزام صدور داشته از قبیل اثاثیه و لوازم سفر شخصی و هدایا و غیره و همچنین صادراتش نیز اعم است از آنچه برای تجارت و فروش صادر شده یا اثاثیه شخصی و یا اموال اعاده شده و غیره، ولی در احصائیه اداره کل تجارت فقط ارقامی ذکر می‌شود که مخصوص و منحصر به فروش و عنوان مال‌التجاره داشته است.

در ضمن سیاست تجارت داخلی دولت شاهنشاهی احصائیه خلاصه‌ای از واردات و صادرات ایران ذکر گردیده. برای مقایسه سنواتی که قانون انحصار تجارت خارجی مجری است جدولی از واردات و جدول دیگری از صادرات تهیه گردیده است و در آنها علل کسر و اضافه واردات و صادرات سنواتی را نیز به طور خلاصه نمایانده و ذیلاً نیز ذکر می‌نماید:

واردات - در سال ۱۳۱۰ که سال اجرای قانون انحصار تجارت خارجی است، جمع واردات ۶۳۲ میلیون ریال است، ولی در سال ۱۳۱۱ این مقدار کسر و ۵۲۴ ریال شده. این کسر از طرفی به جهت آن بوده که قبل از ۱۳۱۰ قانون انحصار نبوده و کشورهای که دچار بحران اقتصادی شده بودند اجناس را به قیمت ارزان عرضه داشته، تجار هم سفارشات عمده داده بودند و از طرف دیگر به جهت آن بوده که قانون انحصار تجارت در سال ۱۳۱۱ به مجرای طبیعی افتاده و بعضی اجناس تجملی از سهمیه خارج گردیده است. به علاوه در این سال اشعار خارجی به اوج

ترقی رسیده بود که امور تجارت را فلج می کرد.

در سال ۱۳۱۲ جمع واردات ۴۵۴ میلیون ریال است که در این سال نیز کسر واردات دیده می شود و باعث دیگری در این سال برای این کسر هست و آن اجرای شدید قانون اجناس ممنوع الورود می باشد.

در سال ۱۳۱۳ جمع واردات ۵۲۳ میلیون ریال است که در این سال اگرچه نسبت به سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ کسر واردات دیده می شود، ولی نسبت به سال ۱۳۱۲ اضافه می نمایند و این اضافه از طرفی برای مجاز شدن چند قلم اجناس ممنوعه و ورود آنها در سهمیه است. و از طرف دیگر برای تنزل اسعار خارجی است که بنا به ترک واحد طلا از طرف بعضی کشورها پیش آمد.

صادرات - در سال ۱۳۱۰ جمع صادرات ۷۰۲ میلیون ریال است و در سال ۱۳۱۱ به مبلغ ۵۲۲ میلیون ریال تنزل نمود. ترقی صادرات در سال ۱۳۱۰ موجباتی داشته که در سال ۱۳۱۱ آن موجبات موجود نبوده و اهم آنها اینست که به مناسبت بحرانی که در عالم پیدا شده بود و مال التجارة ایران خریدار نداشت در سالهای قبل صادرات کسر شده اجناس صادراتی در انبارها راکد مانده بود. در سال ۱۳۱۰ به مناسبت اجرای قانون انحصار تجارت خارجی که برای هر وارده صادره قبلی را مقرر داشته بود مال التجارة های موجوده یک پاره حمل به خارج شد، در این صورت باید گفت که ترقی صادرات ایران در سال ۱۳۱۰ غیر طبیعی بوده است. در سال ۱۳۱۲ صادرات ایران ۴۶۶ میلیون ریال است که نسبت به سال ۱۳۱۱ نیز کسر را می نمایند. برای این کسر صادرات علت مهم از طرفی تنزل نرخ اسعار است که برای تاجر صدور جنس صرفه نداشت و از طرف دیگر مصرف مواد صادراتی است و کارخانجات جدیدالتاسیس ایران که بالطبع تنزل صادرات را سبب می شود.

در سال ۱۳۱۳ صادرات ایران ۵۱۲ میلیون ریال است - اگرچه این مبلغ نسبت به سنوات ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ تنزل را می نمایند، ولی نسبت به سال ۱۳۱۲ ترقی محسوسی کرده است. علت این ترقی برای تشویقی است که دولت شاهنشاهی در این سال به واسطه ترقی قیمت تصدیق صدور جهت جبران تنزل اسعار خارجی از تجار صادر کننده نموده است.

[مهر وزارت خارجه]

فصل سوم

سرحادات

وزارت امور خارجه، کارگزاری خراسان به وزارت امور خارجه،

۳ فروردین ۱۳۰۵، نمره ۵۳۳۳

بعد العنوان - در نتیجه شش ماه مسافرت در سرحدات و تحمل زحمات و مشقات فوق العاده بحمدالله موفق به انجام خدمت وظیفه مرجوعه شده، قرارداد تقسیم آبها به طور دلخواه و به صرفه ایران خاتمه یافت. یازده طغرا صورت مجالس امضا شده و یک نسخه اصل قرارداد که به امضای نمایندگان طرفین رسید لفاً تقدیم می دارد. مطابق ماده ۲۲ قرارداد مزبور باید در ظرف شش ماه به تصدیق دولتین رسیده در تهران مبادله شود. به طوری که خاطر مبارک مستحضر است بعد از عقد عهدنامه ۱۹۲۱ مسأله تنصیف آبها همواره بین دولتین مطرح بوده، ولی روسها به هیچ وجه راضی به این امر نمی شدند و می خواستند اساس مذاکره را اصول احتیاجات قرارداد بر روی آن تقسیمات به عمل آوردند. و آن هم به ضرر ایران تمام می شد، زیرا بر اثر قیود و شرایط مضره که در پروتکل های لغو شده مندرج بوده است و سالها نسبت به اراضی سرحدیه ایران اجرا می شده این طرف خراب و بی سکنه مانده و طرف روسها آباد و پرجمعیت شده است. بنابراین روسها نمی خواستند محل آباد خود را بی آب گذارده خراب نمایند و ساکنین آن نقاط را به جای دیگر بکوچانند. به همین جهت این مسأله در مدت پنج سال یکی از معضلات امور به شمار آمده حل و تسویه آن مشکل شده بود. حالا در این قرارداد اخیر اگر چه ظاهراً تمام آبها تقریباً تنصیف شده، ولی باطناً در اغلب آبها، شش یک الی هفت یک، قسمت روسها شده است. و از مراجعه به پروتکل های سابق و تطبیق با قرارداد حاضر، صدق عرایض بنده می شود [و] خاطر اولیای دولت می گردد، مثلاً اگر به پروتکل لغو شده خور مراجعه فرمایید ملاحظه خواهند فرمود اهالی خور را محدود کرده، زراعت آنها را محصور کرده، دره آب گرم را به کلی از کشت و زرع ممنوع نموده، برای امیرآباد و چهچهه محل کشت مختصری

معین و بقیه را غدغن نموده، آب را به خاک روس برده است. ولی در قرارداد حاضر خورو دره آب گرم را مستثنا نموده، از خط سرحد تا محل تلاقی آب گرم با آب خور (زیر امیرآباد) مقدار آب تنصیف و تقسیم شده فرضاً مقدار آب خور یک قسمت $\frac{1}{4}$ از کل و آب گرم نیز یک قسمت حساب شود، تصدیق می‌فرمایند در این جا بعد از تنصیف باقی چهار یک به روسها داده شده است. همین‌طور است در جاهای دیگر، به‌علاوه به موجب پروتکل‌های سابق حتی تفتیش در داخله مملکت به روسها داده شده بود و این نکات در این قرارداد کاملاً رعایت شده است و حفظ استقلال گردیده است. تعجب بنده از این است که یک وقت دولت یکصد و سی هزار تومان در مدت دو سال به یک کمیسیون می‌دهد که هیچ کار هم نکرده و نمی‌توانست بکند، ولی در مدت قلیل با بودجه مختصر کار به این بزرگی را به خوبی خاتمه داد و هشت ماه هم در خاک اجنبی و سرحدات با ریاضت به سر بردم. بعد از خاتمه کار بیست روز اجازه خواستم شرفیاب شده مطالب خود را به عرض برسانم و توضیحات لازمه را بدهم. بعد از سه تلگراف جواب می‌فرمایند: «دادن توضیحات ضرورت ندارد و اگر خودت میل داری بیایی تهران مخارج ایاب و ذهاب با خودت، یک ماهه اجازه داده می‌شود.» البته تصور فرموده‌اند میل داشتم در خیابان لاله‌زار یا سایر خیابانها گردش کنم. حالاکه توضیحات بنده ضرورت ندارد عرضی ندارم و به همین راپرت قناعت می‌نمایم. اگر تشریح مطلبی ضرورت پیدا کرد بنده را به تلگرافخانه می‌خواهند به وسیله مخابره حضوری عرض نمایم. از بابت مسأله ساختن سد شرط الزام آوری شده موکول به قرارداد مخصوص است که بین دولتن بسته شود و شرایط مخصوص درج شود و قرار تقسیم آب آن داده شود. روسها فرستادند تحقیقات کردند، نتیجه تحقیقات آنها همان است که در ضمن راپرت سابقاً به عرض رسانیده است. اگر تحقیقات بیشتری لازم است باید مهندس برده نقشه بردارد، مخارج آن را معین نماید و به عرض برساند. چیزی که خیلی لازم است اولیای دولت توجه مخصوص به آن داشته باشند طریقه استفاده از آبهایی است که در قسمت ایران واقع شده و باید به مصرف آبادی برسد و قرا و قصباتی دایر گردد، آن وقت معلوم می‌شود که چه منافع خطیری عاید دولت می‌گردد.

معظمی

وزارت امور خارجه، ادارهٔ دویم سیاسی، سواد صورت مجلس، فروردین ۱۳۰۵، بدون نمره

راجع به ترتیب اجرای قرارداد ۲۰ فوریه ۱۹۲۶ مستقلاً بین ایران و جماهیر متحدهٔ اجتماعی شوروی در خصوص استفادهٔ آنها از رودخانه‌ها و آبهای سرحدی حضور داشتند.

از طرف دولت ایران: رئیس هیأت نمایندگان ایران میرزا سید احمدخان معظمی، عضو کمیسیون، حمیدخان سیاح و عضو کمیسیون میرزا محمدخان معصوم خانی. از طرف جماهیر متحدهٔ اجتماعی شوروی: رئیس هیأت نمایندگان شوروی الکساندر فیودویچ و عضو کمیسیون ایوان ارسپوع گرهان و متخصص فنی کمیسیون ایوان الکساندر ویچ شارف قرار گذاردند:

۱- در ۲۶ فوریه ۱۹۲۶ مامورین فنی طرفین متعاهدتین باید در شهر لطف آباد همدیگر را ملاقات کنند.

۲- فعلاً مادهٔ دهم راجع به آب گلریز به موقع اجرا گذارده می‌شود و تا ساختن تقسیم جدید آب زر به قسم قدیم در نزدیکی میر قلعه رها خواهد شد.

۳- بعد از اتمام کار راجع به گلریز مادهٔ ۹ راجع به قوزخانی جای (رنکتانلو) به موقع اجرا گذارده می‌شود، ولی آن قسمت آن که راجع به تقسیم آب است.

۴- بعد از انجام مادهٔ ۳ این صورت مجلس، اجرای قرارداد به تدریج، مواد ذیل قرارداد به موقع اجرا گذارده می‌شوند. مادهٔ ۸، بعد مادهٔ ۷، بعد مادهٔ ۶، بعد مادهٔ ۵ و بعد مادهٔ ۴ تقسیم کلیه آبهای رودهای فوق‌الذکر باید قبل از دهم ماه آپریل خاتمه پذیرد.

۵- در ۲۵ ماه می مامورین فنی ایران و جماهیر متحدهٔ اجتماعی شوروی در شهر سرخس ایران همدیگر را ملاقات کرده، مادهٔ اول و مادهٔ دویم قرارداد را راجع به هریرود (تجن) به موقع اجرا گذارد.

۶- مامورین فنی ایران و جماهیر متحدهٔ اجتماعی شوروی فقط وقتی به رودهای تجن و اترک (مواد ۱۴ و ۱۵ و ۱۶) خواهند رفت که یکی از طرفین متعاهدتین شکایت از تجاوزات طرف دیگر نماید.

۷- بعد از اجرای هر مادهٔ قرارداد، مامورین فنی طرفین متعاهدتین قطعنامه‌های لازمه نوشته، آنها را امضا می‌نمایند.

۸- اجرای مواد فوق‌الذکر از طرف دولت ایران بر عهدهٔ آقای علی قلی خان سپاهی مهندس

خواهد بود و از طرف جماهیر متحده اجتماعی شوروی برعهده متخصص میاهی، و رله‌یف میخائیل گوریویچ.

۳

۱۷۵

وزارت امور خارجه، اداره دویم سیاسی، ۲۶ اردی بهشت ۱۳۰۵، نمره ۱۹۳۴، فوری

مقام منیع ریاست وزرای عظام دامت شوکته

در تعقیب معروضه مورخه ۱۱ اردی بهشت نمره ۱۲۱۱، اینک سواد راپرت نمره ۱۲ کارگزار مشهد را به انضمام سواد راپرتی که آقای سپاهی مهندس درباب تقسیم آبها داده، برای استحضار خاطر مبارک لغاً تقدیم می دارد. [امضا]

۴

۱۷۶

وزارت امور خارجه، تلگراف رمزکارگزار مشهد، ۱۴ اردی بهشت ۱۳۰۵، نمره ۱۲

مطابق قسمت پنج پروتکل ۲۰ فوریه ۱۹۲۶، بایستی مهندسین ایران در ۲۵ مه برای تقسیم آب هریرود در سرخس حاضر باشند. چنانچه باید اجرا شود، هر مهندسی که صلاح است معین فرمایند. والا به روسها قبل از وقت اطلاع بدهند، مهندس خود را نفرستند. معظمی

۵

۱۷۷

وزارت امور خارجه، اداره دویم سیاسی، راپرت علی قلی خان سپاهی مهندس

مقام منیع وزارت جلیله خارجه دامت شوکته

در تعقیب و تکمیل راپرت مورخه فروردین ۱۳۰۵ خود لازم دانست، اطلاعات خود را راجع به تقسیم آبهای سرحدی خراسان و عللی که موجب تعیین سهم دولتین از هر یک رودخانه شده است به طور اجمال به عرض رساند، تا خواننده قرارداد از مشکلاتی که در حصول موافقت درپیش بوده است و از موفقیتی که حاصل شده است آگاه گردد. در کمیسیون

که در مرحله اول برای مذاکرات منعقد شده بوده است، نمایندگان دولت شوروی بدو امتکی به ماده ۳ عهدنامه شده، اظهار می نمودند که: «مطابق ماده مذکوره دولت ایران تعهد نموده است که اولاً آب هریک از رودها از ابتدای منبع الی خط سرحدی تقسیم شود. و ثانیاً سهم هریک از دولین به نسبت احتیاجات تعیین گردد. و ثالثاً چون دولت شوروی به حکم طبیعت و وضعیت جغرافیایی حق استفاده از آبهای سرحدی [را] دارد، نظر به این که در قرون اخیر اهالی سرحدات جنگلهای کنار رودها را قطع نموده و بدین جهت در فصل تابستان باعث تقلیل آب رودها شده اند، لهذا دولت ایران باید کوههای واقع در تمام طول سرحدات را مجدداً جنگل کاری نموده و بدین طریق جریان آب رودها را تعدیل و تنظیم نمایند.» بدیهی است که نمایندگان دولت ایران نمی توانستند با تقاضاهای فوق موافقت حاصل کنند، زیرا که چون تعداد قرا و ساکنین سرحدات روس تقریباً ده برابر ایران است، لازم می آید که نه عشر آنها را به روسها واگذار و فقط یک عشر به ایران تخصیص دهند. و به علاوه مسأله جنگل کاری در چندین فرسنگ طول و شرکت در ساختن مخازن، مستلزم چندین کرور مخارج است و تحمیل آن فعلاً به دولت ایران بی مورد می باشد، ولی نظر به این که در آن تاریخ هنوز دولت شوروی تسلط و نفوذ کاملی در ترکستان پیدا نکرده بود و هنوز اصول مالکیت در بعضی نقاط از بین نرفته و مالکین عمده حتی الامکان ساعی بودند که بیشتر از آبهای سرحدی استفاده کنند، نمایندگان شوروی در تحت فشار واقع شده و نهایت جدیت را در تحمیل شرایط خود به کار می بردند. از دو سال به این طرف پس از آن که دولت شوروی در ترکستان مسلط شده و تمام املاک را به تصرف دولت درآورد، و بیم اعتراض و عدم رضایت مالکین از قلت آب مرتفع گردید، مقتضی دانست که برای استحکام موقعیت سیاسی خود با دولت ایران از طریق مودت داخل شود. و بدین جهت دولت شوروی حاضر شد که آخرین تحقیقاتی که ممکن است بدهد. و راضی شد که به استثنای رود هریرود و قوزقان آب سایر رودها را از منبع الی سرحد از قرا تنصیف [و] تقسیم نماید. موضوع آب هریرود و قوزقان برای شاربین ترکستان یک موضوع حیاتی است و چنانچه کمتر از آن مقداری که در قرارداد تعیین شده است به آنها داده شود، دولت شوروی مجبور است از قسمتی از آبادیهای آن ناحیه صرف نظر نموده و مازاد ساکنین آنجا را به سایر نقاط روسیه کوچ دهد. و این مساله نظر به اختلاف عادات و آب و هوای ترکستان با سایر نقاط روسیه عملاً غیر ممکن است. بنابر این نمایندگان شوروی نمی توانستند به تقسیم دیگری قایل شوند و برای دولت ایران نیز شق ثالثی جز قبول یا رد پیشنهاد مزبور باقی نبود. علی هذا نمایندگان ایران برای

این که طریقه موافقت را از دست نداده ضمناً منافع ایران را نیز منظور دارند اصول معاوضه را پیش گرفته، فورمول ذیل را اختیار نمودند:

اولاً در تمام رودهای سرحدی، آب دو ثلث تقریبی طول قسمت علیای رودخانه‌ها^۱ از سرچشمه به طرف جریان آب مطلقاً متعلق به ایران شده و بقیه آن بین دولین تقسیم شود. ثانیاً در نه فقره از رودخانه‌ها آب رودها به طور کلی در منطقه مشترک بالمناصفه تقسیم خواهد شد. ثالثاً در رود قوزقان دولت ایران در صورتی تراضی به ۴ عشر خواهد نمود که یک عشر کسری آن را از آب چشمه گلریز و درونگر برای اراضی لطف آباد واگذار کنند. رابعاً در تقسیم آب هریرود در صورتی با ۳ عشر موافقت خواهد نمود که دو عشر کسری آن از آب گلریز و درونگر جبران شده، در موقع ساختن مخزن و انعقاد قرارداد. مربوطه اختصاصاتی به ایران داده شود. بعد از جلسات عدیده و کشمکشهای زیاد بالاخره کمیسیون مختلط در زمینه فوق موافقت نموده و قرارداد را مطابق موادی که نوشته شده است امضا نمودند. اکنون چنانچه دقتی در آبهای گلریز و درونگر و قوزقان و هریرود نماییم، ملاحظه می شود که اختلاف بین یک عشر آب قوزقان و دو عشر هریرود با میزان تنصیف فقط چهارصد لیتر^۲ است که در فصل قلت آب از سهم ایران کاسته شده، (تقریباً معادل چهار سنگ آسیاگردان) ولی در مقابل این کسورات یکصد و چهل لیتر از آب گلریز که قطعاً بایستی به روسها برسد و تمامی آب درونگر را که بیش از سیصد لیتر آب دارد و برای اراضی دره جز که بهتر اراضی خالصه آن صفحات است به ایران واگذار نموده اند.

در موضوع مخزن پل خاتون به طوری که خاطر اولیای آن وزارت جلیله مستحضر است بنای مخزن مزبور برای دولت ایران منافع بی شمار خواهد داشت و مقدار آبی که ممکن است برای ایران تخصیص داده شود، معادل خواهد بود با ۵۰ رشته قنات که هر یک دارای یک سنگ آسیاگردان آب باشد. و البته با این آب می توان تمام اراضی لم یزرع سرخس را مشروب و فایده کلی به دولت و سکنه برساند. نظر به این که این امر موجب آبادی مملکت است نمایندگان ایران صلاح دولت و ملت را درین دیدند که در موضوع بنای مخزن با نمایندگان شوروی اظهار موافقت نمایند، ولی بدیهی است که هیچ گونه تعهدات الزام آوری نشده است. زیرا دولت ایران باید قبلاً مطالعات فنی به عمل آورد و بعد قرارداد مخصوصی تهیه شود که دولت ایران با مواد آن قرارداد موافقت داشته باشد. بدیهی است که هرگاه دولت به بعضی ملاحظات نخواهد که

مخزن ساخته شود، ممکن است شرایط قرارداد را طوری پیشنهاد کند که طرف از قبول آن امتناع ورزد. در هر حال دولت ایران مطابق قرارداد، در تعیین مقدرات خود مختار و آزاد است. و به علاوه وسیله استرداد ۱۸۵ کیلومتر مربع اراضی سرخس ایران را که می‌گویند در تصرف روسها است فراهم می‌سازد. قرارداد تقسیم آبهای سرحدی باید تا سه ماه دیگر به تصویب دولت برسد، البته دولتین در رد و یا قبول آن مختار می‌باشند، ولی با آن که این بنده در قسمت سیاسی قرارداد، دخالتی نداشته‌ام که محتاج به تمجید عملیات خود باشم عقیده دارم که سهمی که برای ایران معین شده است بیش از نصف آبها است. و تصور نمی‌کنم ممکن شود قراردادی بهتر از آنچه بسته شده است بتوان تدوین نمود. و به علاوه باید در نظر گرفت که این قرارداد، در واقع موقتی است. زیرا بعد از ساختن مخزن و برگرداندن رود جیحون به طرف سرحدات ایران دولت شوروی در آتیه نزدیکی از آبهای سرحدی ایران مستغنی خواهد شد.

۶

۱۲۸

وزارت امور خارجه، ۴ خرداد ۱۳۰۵، نمره ۲۳۰۳/۳۵ - فوری

مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت شوکته

در تعقیب معروضه مورخه ۲۶ اردیبهشت، نمره ۱۹۳۴ راجع به آبهای سرحدی، اینک سواد شرحی که از وزارت جلیله مالیه رسیده برای استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می‌دارد. مستدعی است تکلیف وزارت امور خارجه را در این امر معین فرمایند که چه رویه‌ای باید اتخاذ نمایند. [امضا]، مهر وزارت خارجه
[حاشیه]: شرحی را که علیحده به وزارت مالیه تهیه نموده‌ام بنویسید، سواد مشروحه که به وزارت مالیه نوشته شده برای وزارت امور خارجه ارسال شود.

۷

۱۲۹

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی، سواد مراسله وزارت مالیه،

اول خرداد ۱۳۰۵، نمره ۲۳۴۷

وزارت جلیله امور خارجه

در جواب مرقومه نمره ۲۱ مورخه ۲۵ فروردین ۱۳۰۵ [۱] راجع به تقسیم آبهای سرحدی، زحمت می‌دهد کلیه اشکالات مندرجه در مرقومه آن وزارت جلیله معلوم و سابقه در وزارت

مالیه داشته است، ولی تغییر و تبدیل مواد قانونی بدون تصویب و موافقت مجلس شورای ملی هم ممکن نیست. تصدیق می‌فرمایید نظریه یک نفر مامور یا یک کمیسیون نمی‌تواند ناقض قانون باشد. به طوری که در طی مراسله نمره ۳۱ مورخه ۶ فروردین ۱۳۰۵ به آن وزارت جلیله اعلام شده است، نظر به این که معاهده مورخه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و قانونی است، هر اقدامی که در تغییر و تبدیل مدلول آن شود، خلاف قانونی بوده و بدین سبب نمی‌توان عملاً تصدیق نمود. به علاوه معاهده مزبور با جلب رضایت و موافقت دولت شوروی تهیه و تقدیم مجلس شد. در این صورت دلایل مندرجه در مرقومه نمره ۳۱ آن وزارت جلیله مدرک تغییر واقع نشده و باید مطابق مدلول معاهده، کلیه آبهای سرحدی تنصیف شود. بنابراین مقدمه تفویض نصف آب گلریز در مقابل این که یک عشر از آب رودخانه زنکالانو به روسها داده شود موکول به این است که راجع به مقدار آبهای این دو رود و مدت جریان آنها در ۱۲ ماه سال و طریقه و مقایسه استفاده آب گلریز و زنکالانو که به صرفه و صلاح دولت مقرون باشد تحقیقات دقیقه بشود. پس از کسب اطلاعات لازمه در حدود مقررات قانونی اقدام مقتضی به عمل خواهد آمد. فعلاً ضرورت دارد به نماینده خودتان دستور صادر فرمایید که برخلاف قانون، قرارداد و پروتکلی رسماً منعقد ننماید. هرگونه نظریه و عقیده‌ای که دارد به آن وزارت جلیله اظهار و آن وزارت جلیله هم با نظر موافق به وزارت مالیه اعلام خواهند داشت که با رعایت صرفه و صلاح دولت لایحه قانونی تهیه و به دوره تقنینیه ششم تقدیم شود. نماینده آن وزارت جلیله قبل از تقدیم و تصویب قانون باید معاهده مورخه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ را رسمی دانسته، عملیات و مذاکرات خود را در آن زمینه قرارداد، برخلاف مدلول آن تعقیب نکند.

۸

۱۸۰

ریاست وزرا، یادداشت به وزارت مالیه، ۱۱ خرداد ۱۳۰۵، نمره ۳۷۴۲

شرحی که از آن وزارت جلیله راجع به تقسیم آبهای سرحدی در تحت نمره ۲۳۴۷ مورخه اول خرداد به وزارت امور خارجه نوشته شده، به اطلاع این جانب رسانیده‌اند. و برای توضیح مطلب لازم می‌دانم خاطر آن وزارت جلیله را متوجه کنم که اولاً عهدنامه ایران و دولت سویت که به تصویب مجلس رسیده یک قانون عادی داخلی مملکتی نیست، بلکه یک قراردادی است بین طرفین. دولت ایران نمی‌تواند به نظر یک طرفی خود آن را مجری بدارد و خود یا مجلس

شورا را نسبت به آن حاکم مطلق بشناسد و ناچار است در مواقعی که در اجرا و تفسیر سواد عهدنامه مشکلات و اختلافات حاصل می شود، با مذاکرات و عملیات مخصوص با طرف مقابل توافق نظر حاصل نماید. ثانياً در عهدنامه ایران با دولت سویت در خصوص آبهای سرحدی گفته نشده است که باید تصنیف شود، بلکه گفته شده است: «دولتین با حقوق متساویه از آن آبها استفاده خواهند کرد.» و این مساله مدتها بین مامورین ایران و دولت سویت موضوع گفتگو بوده و مامورین سویت تصدیق نکرده اند که حقوق مشابه مذکوره در عهدنامه مستلزم تصنیف آبها باشد و عقیده دارند که طرفین به نسبت احتیاجات خود باید آب ببرند. و چون چنین کنند تساوی حقوق بین آنها مرعی خواهد بود. با این تفصیل مامورین دولت ایران در ضمن پروتکل آبهای سرحدی حتی الامکان آبها را تصنیف کرده و در مواردی که برحسب ظاهر تصنیف نشده در ازای اضافه ای که به طرف مقابل داده اند عوض گرفته اند. و در بعضی نقاط هم تخطی از تصنیف به نفع ایران شده و روی هم رفته ضرری متوجه ایران نگردیده است. و این جانب مطالب را شفاهاً نیز به آقای کلنل ماک کرماک توضیح داده ام و با این توضیحات یقین است که آن وزارت جلیله قانع خواهند شد و در اجرای مواد پروتکل تسریع خواهند نمود.

دولت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، نمایندگی مختار در ایران، سواد تلگراف
سفارت کبرای مسکو، ۲۹ اردی بهشت ۱۳۰۵، نمره ۱۱۲۷، خیلی فوری

جناب اشرف، آقای رئیس الوزرا

نظر به اظهار تمایلی که در ضمن مذاکرات با مسیو سلاوتسکی نایب اول سفارت کبرا، ابراز فرموده اید، اینک با کمال احترام نظریات دولت جمهوری شوروی ترکمنستان را راجع به احداث استخر در تجن که لزوم تأسیس و فواید مخصوصه آن برای دولتین اظهر من الشمس است به استحضار خاطر جناب اشرف عالی می رساند. به طوری که خاطر مبارک مسبوق است رودخانه تجن از اتصال رودخانه هریرود و کشف رود تشکیل می شود که سرچشمه اولی در افغانستان و دومی در ایران واقع شده است. و بعد رود تجن سرحد بین جمهوری شوروی ترکمنستان و ایران را تشکیل داده و در خاک جمهوری ترکمنستان در محل تجن تمام می شود. میزان استعداد شربی رودخانه تجن منوط به مقدار وصول آب و استفاده از سیلاب قسمت علیا و وسطای رودخانه

می‌باشد. به‌طوری که تحقیق و مبرهن شده است، آب این رودخانه در ماههای بهار بیشتر و در شهر تابستان و پاییز کمتر است، ولی از سیل‌های عظیمه ماههای بهار استفاده نمی‌شود. نظر به ملاحظات فوق‌الذکر است که لزوم احداث استخر برای جمع‌کردن آب در ماههایی که احتیاجی در آب نبوده و اگر باشد بسیار ناچیز است، ایجاب می‌گردد. به‌طوری که از مطالعات [سال] ۱۹۲۵ معلوم شد، ممکن است در دره رودخانه هریرود در تنگ‌ترین نقاط آن، واقعه در سه‌ورسی سمت بالای اتصال آن با کشف رود بسته و استخری احداث نموده که طول آن ۲۵ کیلومتر و مساحت آن تقریباً ۳۰ کیلومتر مربع که به‌طور متساوی سواحل سرحدی مملکتین را فرا خواهد گرفت. برای بستن سد که مقصود از آن استفاده از منابع آب رودخانه تجن است، دو لایحه طرح شده که احداث سد را به ارتفاع ۴۵/۵ متر و ۴۸/۵ متر پیش‌بینی می‌کنند و در هر دو لایحه این مقصود در نظر گرفته می‌شود که استخر را در فواصل بین ماههای ژانو [یه] و مه با آب پرکرده تا ماههای بعد آب استخر به مصرف برسد. و در نظر گرفته شده که سد را با سنگ و ضخامت کامل ساخته و قسمت عمده بدنه سد را با سنگ و آهک بناکرده، تمام قیمت ساختمان سد بسته به اختیار یکی از لوایح دوگانه و بین ۴۹۵۰۰۰۰ و ۵۳۰۰۰۰۰۰ منات خواهد بود. در هر حال به واسطه اجرای هر یک از لوایح دوگانه ممکن خواهد بود که مملکتین به حد معتدله و به قدر کفایت آب برای ترقی زراعت خود تحصیل کنند. به‌طوری که مسیو سلاوتسکی خاطر مبارک را مسبوق ساخته، لوایح احداث سد با دقت کامل و تفصیل تمام تدوین یافته، ولی پر واضح است که تحقیق در هر یک از لوایح دوگانه در تهران میسر نخواهد شد. و دوستدار تصور می‌کند که برای تحقیق این مساله باید کمیسیون مخصوصی را که مرکب از نمایندگان طرفین و متخصصینی که می‌توانند در آتیۀ نزدیکی در پلوتوراسکف (عشق‌آباد) ملاقات نموده و برای اتخاذ تصمیم قطعی راجع به لایحه احداث استخر به محل عملیات حرکت کنند، مامور ساخت. دوستدار با عقیده جناب اشرف عالی راجع به این که باید حل مقدماتی مسائل اساسی مربوط به احداث استخر که جناب اشرف عالی در ضمن مذاکرات ماه ژانویه خاطر نشان فرمودید، در تهران به عمل آید، کاملاً موافقت دارد. پس از حل مسائل اساسی مذکوره ممکن است به کمیسیون [ی] مرکب از نمایندگان طرفین تعلیمات داد که برای امضای قرارداد قطعی به محل عزیمت نموده و اقدامات لازم به عمل آورند که در اسرع اوقات احداث استخر شروع شود تا آن اندازه که یکی از شرایط اساسی موافقت دولت علیه با احداث استخر امتناع از عهده‌داری هرگونه مخارج مالی است. چنان که جناب اشرف عالی هم در ضمن مذاکرات اخیر نظریه فوق

را تأیید فرموده‌اید، لهذا دولت متبوعه دوستدار حاضر است که با مخارج و وسایل خود شروع به احداث استخر نماید. و بدیهی است بدین امید که در انجام این مقصود بذل کمک [و] مساعدت را از طرف دولت علیه مشاهده خواهد نمود، دولت متبوعه دوستدار حاضر است که در بنای شرایط ذیل شروع به احداث استخر نماید:

۱- دولت جمهوری شوروی ترکمنستان به خرج خود سد را بسته و تعمیر نموده و مخارج نگاهداری آن را در آتیه به عهده خود می‌گیرد. و بدیهی است دولت جمهوری شوروی ترکمنستان اطمینان دارد که حقوق مالکیت وی نسبت به سد مصون و مورد گفتگو و بحث واقع نخواهد شد.

۲- محافظت ابنیه و مستحذات را دولتین مشترکاً در سرحد و یا هر یک از دولتین در خاک خود که محل اتصال متتعالیه سد است عهده‌دار خواهند شد.

۳- قسمت عمده عمل و کارگر برای ساختمان تا آن اندازه که در محل پیدا شود از اتباع مملکتی گرفته خواهد شد که عملیات ساختمان در خاک آن انجام می‌گیرد.

۴- مصالح ساختمان تا آن اندازه که در محل پیدا شود در خود محل تهیه خواهد شد.

۵- دولت علیه ایران ناظر مخصوصی خواهد داشت که نظارت در تقسیم صحیح آب بر طبق قراردادى که منعقد خواهد شد از وظایف وی خواهد بود.

۶- بیست الی بیست و پنج درصد ذخیره آب استخر به طرف ایران داده می‌شود.

دوستدار امیدوار است که اولیای دولت علیه هیچ‌گونه اعتراضی به مواد مشروحه فوق ننموده و تصمیمی مطابق منافع مملکتین اتخاذ خواهند فرمود که به نام صلاح و مصالح ملتین دو مملکت دوست در اسرع اوقات با قوای مشترکه طرفین از قوه به فعل آید. ضمناً دوستدار با کمال احترام خاطر مبارک جناب اشرف را متذکر می‌سازد که به واسطه مقدار آب مذکوره در ماده ۶ که سهم طرف ایران خواهد بود، ممکن خواهد شد که در خاک ایران در ۵۰۰۰ دساتین (هر دساتین ۲۴۰۰ ساژن مربع است.) اراضی جدید مزروعات عالیه نموده. در خاتمه موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.

سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران ک. یورینف

وزارت مالیه، ۲۶ تیر ۱۳۰۵، نمره ۲۷۷۲

حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزرا

در موضوع قرارداد تقسیم آبهای سرحدی خراسان، چندی قبل وزارت مالیه شرحی به آن مقام منیع معروض داشت. جناب اشرف آقای وثوق مشروحاً در هیأت وزرا قرائت و بعد به دوستدار پیغام دادند که اراده حضرت اشرف بر آن قرار گرفته که تصمیمی که ضمن معروضه وزارت مالیه پیشنهاد شده بود فوراً کمیسیونی از مامورین ذی صلاحیت وزارت خارجه و مالیه و فواید عامه تشکیل و موضوع را دقیقاً مطالعه نموده، راجع به صلاح بودن یا به صلاح نبودن قبول قرارداد اظهار عقیده نمایند. و از قرار معلوم وزارت جلیله فواید عامه را مامور فرموده بودند که اقدام به تشکیل کمیسیون و دعوت نمایندگان سایر وزارتخانه‌ها^۱ بنمایند. چون به انقضای موعد مقرر در متن قرارداد، جهت تصدیق آن چیزی نمانده و با وجود کمال فوریت موضوع تاکنون از طرف وزارت جلیله فواید عامه راجع به تشکیل کمیسیون اطلاعی به این وزارتخانه نرسیده است، لذا مراتب را به استحضار خاطر مبارک می‌رساند که با در نظر گرفتن اشکالاتی که ممکن است در نتیجه این قبیل تأخیرات حاصل شود امر و مقرر فرمایند در انجام امر تسریع لازم به عمل آید.

با تقدیم احترامات فائقه میلسپو [امضا]

وزارت جنگ، ارکان حرب کل قشون، رکن دوم،

۱۶ آذر ۱۳۰۵، نمره ۶۲۱۱، محرمانه و فوری

مقام منیع ریاست محترم وزرای عظام، دامت شوکته

محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد، بر طبق راپرت واصله از تیپ شمال مورخه ۳۰ آبان ماه، اهالی جعفریای متظلمند که مامورین دولت شوروی قریب شانزده فرسنگ مربع از سمت اترک به خاک ایران تجاوز نموده و مشغول ساختمان و احداث خطوط شوسه و تعیین حدود می‌باشند. علی‌هذا محض مزید استحضار خاطر مبارک سواد راپرت واصله را تلواً تقدیم

و ضمناً معروض می‌دارد که مراتب نیز مستقیماً به وزارت جلیله امور خارجه اعلام گردد.

از طرف وزیر جنگ، کفیل ارکان حرب کل قشون، سر تیپ صفت الله شیبانی [حاشیه]: خدمت جناب مستطاب اجل اکرم عالی آقای مشاور الممالک، وزیر امور خارجه زیداجلاله - لازم است به فوریت خودتان شخصاً در این خصوص با سفیر کبیر دولت شوروی مذاکرات لازم در رفع این تعدی و تخطی بفرمایید و گوشزد نمایید که این گونه رفتارها قهراً موجب تیرگی روابط که دولت ایران هیچ مایل نیست، خواهد شد. اگر هم بهانه آنها اختلاف سرحدی است، دولت ایران حاضر است که مامورین خود را فوراً به آن صفحه اعزام دارد تا معلوم گردد تجاوز از طرف کی می‌شود. [امضا]

وزارت جنگ، ارکان حرب کل قشون، راپرت تیپ مستقل شمال، ۳۰ آبان ۱۳۰۵، نمره ۸۰۷

بعدالعنوان - اهالی جعفر بای مطابق شرح عریضه، متظلمند که دولت شوروی قریب ۱۶ فرسنگ مربع از ترک به خاک ایران تجاوز و به وسیله مامورین و عملجات زیاد، مشغول ساختمان و راه شoste و تعیین حدود می‌باشند. بدیهی است اتباع ایران که در اراضی مذکور فلاحت می‌نمودند، خارج و یا تکلیف به تبعیت می‌نمایند. مستدعی است در این باب تصمیم متخذ را امر به اطلاع فرمایند.

مجلس شورای ملی، ۱۲ اسفند ۱۳۰۵، نمره ۵۳۳۶

وزارت جلیله داخله

به مهر جمعی از اهالی سرحد پيله سوار، در شکایتی از مامورین دولت شوروی، عرض حالی رسیده که سواد آن تلواً ارسال و مقتضی است مراتب را تحقیق و در حدود وظایف، اقدامی که مستلزم رفع شکایت است به عمل آورده، نتیجه را اطلاع دهید.

رئیس مجلس شورای ملی، حسین پیرنیا

[حاشیه]: سواد مراسله فوق و سواد عرض حال ضمیمه برای ایالت جلیله آذربایجان فرستاده می‌شود و با اجرای تحقیقات و با اطلاع کارگزاری موضوع شکایت را استعلام و در رفع شکایت متظلمین در حدود وظیفه ایالتی اقدام نموده، نتیجه را اطلاع داده تا در جواب مجلس اعلام شود. [امضا]

۱۴

۱۸۶

مجلس شورای ملی، سواد عریضه جمعی از اهالی سرحد پيله سوار،
۲ اسفند ۱۳۰۵، شماره ۵۳۳۶

مقام منیع مقدس دارالشورای کبرا، شیدالله ارکانهم

تصدقت شویم. ما بیچارگان از آباء و اجداد، در سرحد پيله سوار ساکن هستیم. مدت دو سال است مامورین شوروی تمامی اراضی زراعتگاه این بیچارگان را توقیف کرده نمی گذارند زراعت نماییم. و پارسال هر چه زراعت کرده بودیم، تمامی محصولات در صحرا مانده نگذاشتند حمل نماییم، تلف گردید و جهت این به گرسنگی مبتلا بوده ایم و زیاد از این قوه نداریم در تحت فشار تعدی مامورین شوروی زندگانی نماییم و در این مدت تلگرافاً و مکتوباً عرایض خودمان را به مقام عالی رسانیده تاکنون جواب صادر نشده. استدعای عاجزانه داریم علاج فرمایید.

محل مهر ۲۵ نفر است. ۱۳۰۵/۱۱/۲۹، ریاست دارالانشاء

۱۵

۱۸۷

وزارت داخله، اداره شمال، ۱۶ اسفند ۱۳۰۵، نمره ۱۲۷۸

ریاست محترم مجلس شورای ملی

بر طبق رقیمة نمره ۵۳۳۶، راجع به اظهارات اهالی سرحد پيله سوار، شرح لازم در تحقیق امر و رفع شکایت متظلمین به ایالت آذربایجان نوشته شد. پس از وصول جواب، نتیجه را به استحضار خاطر خواهد رساند. [امضا]

۱۶

۱۸۸

وزارت جنگ، ارکان حرب کل قشون، رکن دویم، ۲۲ تیر ۱۳۰۶، نمره ۲۳۴۲/۲۶۶۶

مقام منیع ریاست محترم وزرای عظام، دامت شوکته

در تعقیب معروضه محرمانه و فوری نمره ۶۲۱۱ و نمره ۶۰۳۸ راجع به تجاوز مامورین سرحدی شوروی در حدود صحرای ترکمن و تصرف ۱۶ فرسخ مربع از اراضی مسلمة دولت

علیه ایران به وسیلهٔ احداث نهر جدید و تغییر مجرای رودخانه اترک، نظر به این که مامورین شوروی عملیات خودشان را در تغییر خط سیر رودخانه اترک و احداث مجرای جدید و بنای ساختمانهای سرحدی ادامه می‌دهند، مستدعی است مقرر فرمایید در موضوع مزبور از طرف مقامات مربوطه اقدامات مؤثرتری به عمل آید، زیرا بعد از چندی که نهر جدید دایر شده و مجرای سابق متروک و خشک گردید، اثبات این که تغییر خط سرحدی بر اثر عملیات و تجاوزات غیر مشروع بوده است خالی از مشکل نخواهد بود، و شانزده فرسخ مربع از اراضی دولت علیه به کلی از دست خواهد رفت. [امضا]، [مهر وزارت جنگ]

۱۷

۱۸۹

ریاست وزرا، ۲۹ مرداد ۱۳۰۶، نمره ۳۸۱۸

وزارت جلیله جنگ

در جواب مراسلهٔ نمره ۲۳۴۲ راجع به تجاوز مامورین سرحدی شوروی اشعار می‌دارد که در این باب مکرر به توسط وزارت امور خارجه اعتراض شده، حضوراً هم به سفیر شوروی مراتب را خاطر نشان نموده، به مسکو هم تعلیمات داده شده است که در باب آن حدود و تسویه آن طریقی اتخاذ نمایند. [امضا]

۱۸

۱۹۰

وزارت جنگ، ارکان حرب کل قشون، رکن دویم، ۱۹ آذر ۱۳۰۶، نمره ۵۵۳۱

مقام منیع ریاست محترم وزرای عظام، دامت شوکته

معطوفاً به مرقومه نمره ۳۸۱۸ و تعقیب معروضات نمره ۶۲۱۱ و نمره ۶۰۳۸ و نمره ۲۳۴۲ در موضوع تجاوز مامورین سرحدی شوروی به حدود اترک و تصرفات مالکانه آنها در شانزده فرسخ مربع اراضی مسلمة دولت علیه، به استحضار خاطر مبارک می‌رساند تصرفات مزبور علاوه بر این که یک تجاوز صریح غاصبانه را نسبت به حدود مسلمة دولت علیه تشکیل می‌دهد، اسباب تولید یک رشته عملیات شرارت آمیز از طرف سارقین و اشرار ترکمن گردیده، زیرا اراضی فوق الذکر به یک پناهگاهی برای اشرار و سارقین شده است که اغلب اوقات

انتظارات آن حدود و آسایش رعایای صلح طلب را مختل و سپس بر اثر تعقیب مامورین نظامی به همان اراضی پناهنده می‌شوند. مستدعی است در موضوع اراضی مزبور دستوراتی که مستلزم حفظ حقوق و حدود مسلمة دولت علیه و موجب تامین آسایش و رفاهیت رعایای صلح طلب از تجاوزات اشرار متکی به اراضی مزبور بوده باشد صادر فرموده و این وزارتخانه را از نتیجه اوامر و دستورات صادره مستحضر فرمایند.

از طرف وزیر جنگ، کفیل ارکان حرب کل قشون، سرتیب صفت الله شیبانی [حاشیه]: در موضوع اراضی متنازع فیه مشغول مذاکره هستم قبل از ختم مذاکره هر قراری داده شود سکت به اصل منظور وارد می‌کند.

۱۹

۱۹۱

تلگراف، از وزارت داخله به ایالت خراسان، شماره ندارد، ۲۰ دی ۱۳۰۶

به ایالت خراسان رمز می‌شود

امین تذکره سرخس به وزارت امور خارجه را پرت داده است که روسها به خاک ایران تجاوز نموده و می‌خواسته‌اند، علائم سرحدی را قریب یک فرسخ جلوتر در خاک ایران که نزدیک خانگیان واقع می‌شود نصب نمایند. اسدالله خان نایب سوار محلی کندکلی جلوگیری کرده، قضیه را به کمیسری سرخس ایران اطلاع داده و کسب تکلیف نموده است. و موافق اطلاعات غالب علائم سرحدی سابق هم خمیده شده و از بین رفته است. فوراً معلوم فرماید تفصیل چه بوده و عملیات مامورین روس و جلوگیری از آنها چه صورت داشته و عقیده ایالت راجع به تحکیم سرحدات و رفع این گونه معایب چیست. نتیجه تحقیقات را فوراً اطلاع دهید. [امضا]

۲۰

۱۹۲

تلگراف، از وزارت داخله به ایالت خراسان، شماره ندارد، ۲۸ دی ۱۳۰۶

به ایالت خراسان رمز می‌شود، ۱۱۹۳

از وزارت امور خارجه شرح لازم به سفارت شوروی نوشته شد. به مامورین سرحدی دستور مؤکد صادر فرماید که اگر از طرف مامورین شوروی به خاک مسلم ایران تجاوزاتی می‌شود جداً جلوگیری نمایند. [امضا]

تلگراف، از مشهد به تهران، نمره ۶۴۰، ۲۲ دی ۱۳۰۶

وزارت جلیله داخله

امین تذکره سرخس همان طور که به وزارت خارجه اطلاع داده مکلف بود به ایالت هم اطلاع می داد. به بنده و قشون هم فوراً را پرت رسیده، در رفع تجاوز روسها اقدام، به جنرال قنسولگری روس آنچه لازم است نوشته ام. تعلیمات از طرف ایالت و قشون به کمیسر ایران و حکومت محل داده شد. از هر تجاوزی جلوگیری می شود. باید شکر کنم. عقیده ایالت را در تحکیم سرحدات استعلام فرموده اید. به صرفه تا شروع تلگراف با دولت معروض افتاده. انشاءالله تعالی مورد توجه شود. یکی از معتقدات بنده تعیین حاکم لایق با حقوق کافی است برای سرحدات خراسان، خصوصاً سرخس، دیگر آزادی تلگراف که بتوان بی فوت وقت اقدام مؤثر نمود. ۲۱ دی

تلگراف، از مشهد به تهران، نمره ۷۴۵، ۲۵ دی ۱۳۰۶

وزارت جلیله داخله

تعقیب نمره ۱۰۹، مطابق را پرت در سرخس و سرحد یازتپه، روسها هزار متر در خاک ایران تجاوز، می خواستند ایجاد جاده نمایند. از طرف کمیسر ایران جداً ممانعت کرده بودند. کمیسر روس اظهار داشته: «سرحد قدیم روی همین جاده است که می خواهیم احداث نماییم.» از طرف ایالت و قشون به حکومت و ساخلو سرخس دستور داده شد نقطه وقوع را دقیقاً اطلاع بدهد. مجدداً خبر می رسد روسها عملیات خود را ترک و اظهار داشته اند: «عملیات آنها بر روی نگهبان قدیم است که در سنه ۱۸۸۱ تعیین سرحد شده، برای حل قضیه به عشق آباد مراجعه کرده اند. بنده به قشون نوشتم به ساخلو امر بدهند داخل در تعیین حدود سرحد و حتی مذاکره آن هم نشود. به حکومت سرخس هم همین طور دستور داده ام در دفتر ایالت و قشون و کارگزاری مطابق نقشه ۱۸۸۱ یافت نمی شود. تنها نقشه ای که در دست است و در کارگزاری

بوده، نقشه‌ای است که در کنوانسیون ۲۷ مه ۱۸۹۳ با نمایندگی^۱ محمد صادق خان و مهندس میرزا محمد علی خان سرتیپ تهیه شده. همین نقشه اخیر اگر مستند باشد، خط سرحد خیلی بالاتر از یازتپه واقع و اقدام روسها احداث جاده جدید. بعضی اراضی ایران از این طرف خط سرحد واقع ایران است. روسها توجه می دهند وزارت امور خارجه نقشه قطعی سرحد و خط سرحد را معرفی نمایند. در حفظ سرحد اقدام شود علایم سرحدی هم خراب شده، وقتی سرحد مطابق نقشه مستند شناخته شد تجدید ایجاد علایم سابقه سهل، قشون هم تعلیمات خواسته‌اند. البته مراقبت خواهد شد تجاوز نشود. عقاید خود را هم با پست عرضه می دارم.

۲۴ دی

۲۳

۱۹۵

تلگراف، از وزارت داخله به ایالت خراسان، نمره ۱۰۵۷، ۲۴ دی ۱۳۰۶

به ایالت خراسان رمز می شود

اگر چه مفاد نمره ۱۰۹ به وزارت امور خارجه اعلام شد، ولی معین نکرده بودید که اطلاعی که در این باب به ایالت رسیده با راپرت امین تذکره سرخس کاملاً مطابق بوده و علانم سرحدی به کلی از بین رفته است یا قضیه صورت دیگر دارد. این مساله را دقیقاً تحقیق و تلگراف فرمایید.

[حاشیه]: رمز شود.

۲۴

۱۹۶

وزارت داخله، اداره ایالت آذربایجان، ۵ آبان ۱۳۰۷

مقام محترم وزارت جلیله داخله

مسافرین اتباع دولت علیه که از جلفای شوروی به خاک ایران عبور می نمایند، وجه نقد و اشیا هر چه دارند مأمورین شوروی ضبط می کنند. از آن جمله یکی از صاحب منصبان اداره لشکری که برای معالجه به تفلیس رفته بود، در مراجعت، مبلغی وجه نقد او را توقیف کرده بودند. نظر به تقاضای اداره لشکری مراتب به جنرال قنسولگری شوروی نوشته شد، جوابی

رسیده که سواد آن لفاً ارسال می‌گردد. یکی از عارضین نیز حاجی کاظم نام است، چندی قبل از اسلامبول می‌آمده، در جلفا اشیا و وجه نقد او را توقیف کرده بودند. طبق تظلم مشارالیه به جنرال قنسولگری شوروی مراجعه شد، جوابی داده‌اند که سواد آن هم لفاً تقدیم شد. مقتضی است با امعان نظر در جوابهای جنرال قنسولگری شوروی تصمیمی اتخاذ و دستوری صادر فرمایند که تکلیف اقدام در این مورد معین و مسافرن خارجی تکلیف خود را بدانند. [حاشیه]: سواد راپرت ایالت آذربایجان و سواد ضمائ آن به وزارت جلیله امور خارجه فرستاده می‌شود که غدغن فرمایند با مذاکره با مقامات لازمه، قرار اساسی برای رفع تضییق مامورین شوروی نسبت به اتباع ایران بدهند و نتیجه اقدامات را نیز مرقوم دارند.

۲۵

۱۹۷

وزارت جنگ، ارکان حرب کل قشون، ۱۸ فروردین ۱۳۰۹، نمره ۲۶۰

بعدالعنوان - با عطف به امریه نمره ۷۱۸۶ محترماً خاطر عالی را مستحضر می‌دارد بر طبق تحقیقاتی که از طرف مامورین این تیپ به عمل آمده است، سنه ماضیه تقریباً شصت نفر از اتباع دولت شوروی، طایفه گرک که ساکن قره وگش روسیه می‌باشند به خاک ایران مقابل توشان قیر تجاوز و هر یک، ده پانزده طناب زمین که هر طناب، یک جریب محسوب است به وسیله ماشینهای فلاحی، تخم زراعت پنبه و کنجد نموده و محصول زیادی به روسیه حمل کرده‌اند. مجدداً در تاریخ ششم فروردین هذه السنه، کدخدای رعایای مزبور، انا قربان، ولد قول در دی به محل مذکور آمده و مثل سنه ماضیه اراضی را ما بین خود تقسیم، لیکن هنوز شروع به عملیات ننموده و اظهار داشته‌اند که از طرف روسها به ما فشار می‌آورند که باید در آن نقطه زراعت نمایم. فدوی دستور دادم عملیات آنها را جداً ممانعت نمایند که بعداً اقدامات لازمه را معمول دارد، ولی به طوری که ذیل نمره ۳۱۱ - ۸/۳/۱۸ به عرض رسانیده، همه ساله از طرف مامورین شوروی تجاوزاتی می‌شود و مامورین دولت علیه نیز به جهات این که موضوع نقاط متنازع فیه هنوز خاتمه پیدا نکرده، نمی‌توانند اقدامات اساسی تهیه و هر قدر این مساله بیشتر تاخیر افتد زیاده‌تر تضییع حقوق اتباع ایران و اختلاف امورات سرحدی را فراهم خواهد داشت. بنابراین مستدعی است مقرر فرمایید برای تعیین و تشخیص حدود سرحدی زودتر به وسیله مقامات مربوطه اقدام نمایند که یک منطقه بزرگ مهم از حال بلاتکلیفی خارج گردد. موکول است به نظریه مبارک. یگان تیپ مستقل استرآباد سرهنگ حکیمی

وزارت جنگ، ارکان حرب کل قشون، رکن دوم،
۲۶ فروردین ۱۳۰۹، نمره ۳۸۰/۲۹۱، محرمانه

مقام منبع ریاست محترم وزرای عظام، دامت شوکته

به طوری که خاطر مبارک مستحضر است، در اوایل سنه ۱۳۰۴ مامورین شوروی به عنوان عملیات دفع ملخ اجازه احداث نهری را در سرحد حسن خاتلو تقاضا نموده، تدریجاً در اراضی اطراف نهر ادعای مالکیت نموده، بالاخره دامنه تجاوزات را توسعه داده، به طوری که امروز فقط اراضی اطراف نهر - همان نهري که پنج سال قبل اجازه احداث آن را تقاضا می نمودند - بلکه خیلی دورتر از اراضی مزبور و تا حوالی قریه تازه کند را ملک خود دانسته، از زراعت رعایای ایرانی در یک قسمت از اراضی شمالی و شرقی قریه ممانعت می نمایند. راپرت واصله از لشکر شمال غرب حاکی است که مجدداً نهر مزبور را با سمیت تعمیر نموده و خیال دارند از آن جا تا پيله سوار - که تمام آن منطقه متنازع فیه است - خط آهن بکشند. بدیهی است چنانچه از این عملیات جلوگیری نشود، بعد از امتداد خط آهن، اصلاح وضعیت سرحد مشکل تر و اعاده صورت اولیه شاید غیرممکن گردد. اینک سواد راپرت فرمانده لشکر شمال غرب نیز برای استحضار خاطر مبارک لفاً ارسال و مستدعی است مقرر فرمایید نتیجه تصمیمات متخذة در موضوع مزبور را به اطلاع این وزارتخانه برسانند.

[امضا]

وزارت جنگ، ارکان حرب کل قشون، رکن دوم، ۳ اردی بهشت ۱۳۰۹، نمره ۵۷۸/۶۶۵

مقام منبع ریاست محترم وزرای عظام، دامت شوکته

راپرت واصله به ارکان حرب کل قشون، حاکی است که در اطراف اترک رعایای شوروی به اراضی سرحدی تجاوز نموده و غالباً مشغول زراعت می شوند. از طرف دیگر نظر به این که اراضی مزبور جزو منطقه متنازع فیه می باشد، هرگونه اقدامی از طرف مامورین نظامی بی نتیجه و مادمی که از طرف هیأت معظم دولت برای تعیین حدود و رفع اختلاف سرحدی اقدامی

نشود، در مقابل عملیات رعایای شوروی که از طرف مامورین سرحدی دولت شوروی تایید می شود، کاری نمی توان کرد. این وزارتخانه تا به حال مکرراً خاطر مبارک را به وخامت این وضعیت متوجه داشته و متذکر گردیده است که سکوت در مقابل این تجاوزات تدریجاً ادعای مالکیت دولت علیه را نسبت به اراضی متنازع فیه، ضعیف نموده و بالعکس تصرفات متمادی مامورین و رعایای شوروی در آتیه نزدیک مدرکی را برای اثبات مالکیت آنها تشکیل خواهد داد. اینک سواد راپرت واصله به ارکان حرب کل قشون تلواً برای تذکار و استحضار خاطر مبارک تقدیم می گردد.

[حاشیه]: توسط وزارت امور خارجه اقدام جدی شده است، چنان که خاطر شریف مسبوق است. ۹/۲/۳

۲۸

۲۰۰

وزارت جنگ، ارکان حرب کل قشون، ۱۰ فروردین ۱۳۰۹ نمره ۱۶۰

بعدالعنوان - تعقیب نمره ۵۶۹۹ طبق راپرت فرمانده فوج قهرمان، اخیراً مامورین شوروی در حدود حسن خانلو مشغول هستند نهری را که در چندی قبل در خاک دولت علیه امتداد داده بودند و مامورین دولت علیه نهر مزبور را پر نموده و متنازع فیه بوده است، با سمت ساختمان نمایند و خیال دارند پس از ساختمان پلی در روی نهر مزبور نصب و خط آهن کشیده که خط مزبور را از اراضی متنازع فیه به پیل سوار شوروی و از آنجا به لنکران امتداد دهند. با مراتب معروضه نظر به این که راجع به جلوگیری از این قبیل تجاوزات مامورین شوروی اقدامات عاجلی به عمل نیاید، بالاخره یک قسمت عمده از اراضی مسلم دولت علیه را تصرف و اعلام آن به حالت اولیه فوق العاده مشکل و اسباب زحمت خواهد شد. متمنی است با مراجعه به مقامات مربوطه در این مورد امر به اقدامات مقتضیه فرموده و نتیجه را اطلاع فرمایند.

فرمانده کل شمال غرب سرتیپ مقدم

۲۹

۲۰۱

ریاست وزرا، ۵ خرداد ۱۳۰۹، نمره ۱۶۴۸

وزارت جلیله جنگ

مراسله نمره ۳۸۰/۲۹۱ و ضمیمه آن راجع به نهر حسن خانلو و احداث نهر وصول یافت.

جواباً اشعار می شود که اقدامات لازمه به توسط وزارت جلیله امور خارجه شده است.
عبدالحمید ملک الکلام

۳۰

۲۰۲

وزارت امور خارجه، اداره کل امور سیاسی، اداره جماهیر شوروی،
۸ اردی بهشت ۱۳۰۹، نمره ۱۸۵، محرمانه

مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت شوکته

راجع به نهر حسن خانلو که موضوع مراسله نمره ۳۸۰/۲۹۱، مورخه ۲۶-۱-۱۳۰۹ وزارت جنگ به آن مقام منبع می باشد، معروض می دارد. از قضیه اختلافات سرحدی با دولت شوروی در ضمن راپرتهای عدیده و مخصوصاً طی نمره ۶۶۱۶، مورخه ۱۱-۸-۱۳۰۸ خاطر مبارک را مستحضر داشته، اینک در تکمیل آن راجع به نهر مزبور مبادرت به عرض می نماید.

آنچه از سوابق موجوده در دفتر وزارت امور خارجه مستفاد می شود، اینست که از سال ۱۲۸۰ هجری به این طرف آقاخان نام شیروانی، پسر مصطفی خان نام که در طرف سرحد روس سکونت داشته نهری از رودخانه ارس در خاک ایران شق می نماید. از طرف مامورین ایران راپرت قضیه به تهران داده شده و امر صادر می شود که از حفر نهر در خاک ایران جلوگیری نمایند. بعد مشکوة الملک نامی در ۸۷-۱۲۸۶ مامور می شود رفته، نهر را پر نماید. نظر به این که در آن زمان پستهای منظمی در سرحد وجود نداشته، همین که مامورین ایران مراجعت می کرده اند، مجدداً آقاخان نهر را پاک می کرده است. در حدود ۱۳۰۲ هجری ولیعهد وقت شخصاً به سرحدات اردبیل رفته و نهر را معاینه و به امین نظام، حاکم اردبیل امر می کند که نهر را پر نمایند. بعد پسران آقاخان مجدداً نهر را پاک می نمایند و از طرف ولایت عهد و امیر نظام، والی آذربایجان امر تلگرافی در جلوگیری صادر می شود. (بعهده احمد میرزا نایب الحکومه اردبیل). پس از شروع انقلاب در ایران که متعاقب آن قوای نظامی دولت روس به آذربایجان تجاوز نموده اند. در سال ۱۳۲۸ هجری سی نفر قزاق با دو نفر مهندس از اردبیل به طرف سرحد حرکت نموده و در صدد حفر نهر بر می آیند. دولت ایران باز در مقام جلوگیری برآمده، مشغول مذاکره و مکاتبه می شود. در تمام این مدت (از ۱۳۲۸ به این طرف) دولت در تهران و مسکو مشغول اقدام و اعتراض بر ضد حفر نهر در خاک ایران بوده، یادداشتها و مراسلات مفصلی به سفارت

روس ارسال داشته است. بعد از آن به واسطه شروع جنگ بین المللی و انقلاب روسیه گفتگویی به میان نیامده است تا این که چند سال قبل مجدداً خبر رسید که روسها می خواهند نهر را حفر نمایند و مقداری بیل و آلات دیگر وارد ایران کرده بودند که اداره گمرک آنها را ضبط و از اقدام به حفر نهر در خاک ایران جلوگیری نموده است. بعد سفارت شوروی در تهران مراسلاتی به وزارت امور خارجه نگاشته و اظهار نموده که به واسطه وجود ملخ در سرحدات ایران به زراعت طرف روسیه صدمه می رسد و به این جهت تقاضا نموده است، تسهیلاتی نسبت به هیأت مامور دفت ملخ در خاک ایران به عمل آید. از جمله تقاضاها این بوده است که دولت ایران اجازه دهد، نهر واقع در خاک ایران برای عملیات دفع ملخ حفر شود. دولت این تقاضا را قبول نموده، مشروط بر این که پس از ختم عملیات دفع ملخ اگر مقتضی بداند نهر را پر کند. از آن موقع به این طرف هم در پر کردن آن مکرر بین وزارتخانه های مربوطه مکاتبه شده و حتی وزارت مالیه در ضمن یکی از مراسلات پر کردن آن را لازم و بقای آن را موجب ضرر برای دولت دانسته است.

به طوری که کراراً متذکر گردیده، باید توجهی شود که قضیه اختلافات سرحدی با دولت شوروی خاتمه پذیرد تا در آتیه این نوع تجاوزات بسط نیابد و به طوری که در تجربه ثابت شده، از مکاتبه و اعتراض نتیجه مثبتی گرفته نمی شود. مراسله مذکور در فوق وزارت جلیله جنگ تلواً اعاده می شود.

[امضا، مهر وزارت خارجه]

محرمانه، ۲۰ اردی بهشت ۱۳۰۹، نمره ۵۲۰

ریاست جلیله وزرای عظام، دامت شوکته

سواد راپرتی که از ارکان حزب کل قشون راجع به تجاوزات روسها در نقاط سرحدی پيله سوار و غيره و حدود ترکمن به خاک پای مبارک ملوکانه ارواحنا فداه تقدیم شده است، لفاً ارسال و حسب الامر مطاع مبارک ابلاغ می شود. به طوری که در راپرت ملاحظه می فرمایید با این که این مسایل مکرر به هیأت دولت مراجعه شده، از تجاوزات جلوگیری به عمل نیامده است و ارکان حرب کل اطلاعی از نتیجه اقدامات ندارد. جای تاسف است، جریان کار طوری باشد که با

وجود اطلاع از اوضاع و پیش آمدها اهمیتی به تجاوز و تخطی دیگران داده نشود و مسایل مهمه مسکوت و بلا تعقیب بماند. یا این که اولیای امور در اقدامات خود نتواند به اخذ هیچ گونه نتیجه موفق شوند. البته توضیحات لازمه در این باب به عرض خاک پای مبارک خواهند رسانید.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[حاشیه]: در هر مورد اقدام رسمی نشده است. متأسفانه با دولتی طرفیم که هیچ بنایی در کارهایش نیست. اخیراً به لحن دیگری مشغول مذاکره شده ایم و راپرت آن به عرض خاک پای مبارک رسیده است.

۳۲

۲۰۴

دفتر مخصوص شاهنشاهی

به خاک پای مهر اعتلای بندگان، اعلیحضرت پهلوی شاهنشاهی، ارواحنا فدا - مستحضراً به شرف عرض خاک پای انور اعلی می‌رساند، فرمانده لشکر شمال غرب راپرتی در موضوع تجاوزات متعدد روسها در نقاط سرحدی حسن خاتلو و پيله سوار و باغچه سرا و آت طوقان و قریه آق بولاغ معروض داشته، مخصوصاً تجاوزات آنها را در حدود پيله سوار قابل توجه می‌داند. تجاوزات روسها در پيله سوار به طوری هست که قریباً از پيله سوار ایران جز اسم بی‌رسمی باقی نخواهد ماند، زیرا که از شمال و شرق و جنوب قریه، تجاوزات شده و فعلاً اغنام و احشام اهل قریه غالباً گرسنه مانده و قادر به خارج کردن از آنجا نیستند، زیرا به مجرد این که از دیوارهای قریه خارج شوند، فوراً مأمورین شوروی به عنوان تجاوز به خاک شوروی هدف شلیک قرار می‌دهند. مقصودشان این است که تدریجاً پيله سوار ایران از بین رفته رعایای آنجا متفرق و آثار مالکیت دولت علیه در آن نقطه از بین برود و همچنین در کنار آستارا چای، یک قسمت خاک ایران را که بر اثر تغییر مجرای رودخانه جزو خاک شوروی شده است متصرف، ولی یک قسمت دیگر که بر اثر تغییرات جریان آب از طرف شوروی بریده شده و جزو خاک ایران شده است، آنجا را نیز دخالت و تصرف کرده‌اند. در حدود ترکمن نیز یک منطقه وسیعی به واسطه این که جزو خاک ایران و فعلاً روسها متصرفند، میدان تاخت و تاز و شرارت یک عده اشراش شده که چون اراضی آنجا قانوناً ملک دولتی است، کمیسر سرحدی نمی‌تواند راجع به جلوگیری از شرارت و تعدیات اتباع شوروی در نقاط مذکور اقداماتی به عمل آورد، زیرا که هر اقدامی در این مورد به منزله تصدیق مالکیت روسهاست. تجاوزاتی هم همه روزه در آن حدود می‌شود، مثل این که اخیراً یک قسمتهایی را مشغول زراعت شده‌اند. راجع به تجاوزات مزبور

مکرر به هیأت دولت نوشته شده و تا به حال کمترین نتیجه‌ای گرفته نشده است و همین مساله باعث تجری روسها شده که روز به روز دامنه تجاوزات را توسعه می‌دهند. مراتب جهت استحضار خاطر انور عالی ارواحناده را پراتاً معروض گردید.

۳۳

۲۰۵

وزارت جنگ، ارکان حرب کل قشون، رکن دوم، ۳۰ فروردین ۱۳۰۹، نمره ۱۷۹۰

وزارت جلیله امور خارجه

متعاقب ۳۴۹/۱۴۱۹ به استحضار آن وزارت جلیله می‌رساند، راپرت اخیر واصله به ارکان حرب کل قشون، حاکی است که مامورین شوروی از اترک عبور نموده به اراضی واقعه در جنوب غربی توشان قیر و اراضی ایگده آقاچ که هر دو متعلق به دولت علیه است تجاوز کرده‌اند. و به امنیه‌های ساخلو شلیک نموده، فعلاً هم قوای خود را در نقاط مزبور تمرکز داده، اشخاصی که از دو هزارمتری آنجا عبور می‌کنند، مورد تهدید شلیک روسها واقع می‌شوند. علاوه بر تجاوزات فوق یک دسته از سواران شوروی نیز محل معروف به گودری اولوم را محل عبور و مرور خود قرار داده‌اند.

وزیر جنگ [امضا] اسعد

[حاشیه]: سواد مراسله فوق به انضمام سواد مراسله نمره ۶۱۸۷ برای استحضار مقام منبع ریاست محترم وزرای عظام دامت شوکته تقدیم می‌شود. [امضا]

۳۴

۲۰۶

ضمیمه مکتوب نمره ۱۷۹۰، محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

عطف به مرقومه نمره ۲۱۲۴ متضمن سواد مراسله سفارت کبرای شوروی که از تجاوز موهوم سه نفر نظامیان ایرانی به خاک شوروی شکایت شده بود، زحمت اشعار می‌شود، اراضی موضوع بحث، اراضی موسوم به توشان قیر است که داخل سرحدات دولت علیه واقع و اقدام نظامیان ایرانی برای جلوگیری از تجاوز روسها بوده است. مامورین و رعایای شوروی از سنه ماضیه به اراضی مزبور تجاوز نموده‌اند و این وزارتخانه مراتب را طی نمره ۲۷۹۴ به مقام

ریاست وزرای عظام و طی نمره ۵۷۴۸ به استحضار آن وزارت جلیله رسانده است. متأسفانه نه فقط نتیجه حاصل نشده، بلکه اینک مشاهده می‌شود روسها مامورین ایران را متجاوز قلمداد نموده‌اند. بدیهی است مادامی که از طرف آن وزارت جلیله تصمیماتی برای خاتمه دادن به اختلافات سرحدی اتخاذ نشود این مناقشات جریان خواهد داشت. تلواً سواد مراسله نمره ۲۷۹۴ که به مقام ریاست وزرای عظام عرض شده است نیز برای استحضار آن وزارت جلیله ایفاد می‌دارد.

وزیر جنگ اسعد

۳۵

۲۰۷

وزارت داخله، ۱ تیر ۱۳۰۹، نمره ۵۲۶۱

وزارت جلیله امور خارجه

سواد یک قسمت از راپرت پانزده روزه نظمیه شیروان، راجع به طرز رفتار مامورین سرحدی شوروی، نسبت به اتباع ایران، برای استحضار آن وزارت جلیله لغاً ارسال می‌شود.

[امضا]

۳۶

۲۰۸

وزارت داخله، قسمتی از راپرت ۱۵ روزه آخر فروردین نظمیه شیروان،

۲۸ فروردین ۱۳۰۹، نمره ۷

بعدالعنوان - اتباع شوروی در سرحدات قرب به سرحدات ایران، تا حال چندین نفرها را به وسیله گلوله از اتباع ایران مقتول، بخصوص در چندی قبل محمد رحیم، جوان ۲۱ ساله، ولد حاجی محمد رباطی را کشته و نعش او را آتش زده‌اند. و نیز مورخه ۹/۱/۲۵ مشهدی باقر، ولد حاجی و مشهدی احمد، ولد کربلایی اکبر و علی، ولد عبدالحمید و حسن، ولد اسماعیل و مشهدی حسن، ولد محمد صادق نامان تبریزی که از عشق آباد فراراً به شیروان وارد شده بودند حاضر، از مشارالیه مطالبه تذکره شده، اظهار داشتند. تذکره ما را در جزو اثاثیه و وجوهات نقدی که همراه داشتیم، يوم قبل در دره سرآنی، و خیرآباد، دو نفر سارق پیش کرده، مامورین

گمرک ما را لخت نموده و به گمرک چودمه اطلاع داده، وقعی به اظهارات مانگداشتند.^۱ مفصلاً از آنها تحقیق شد، اظهار نموده: يوم ۲۳ ماه جاری وارد سرآنی شده، مأمورین گمرک این جانبان را به خانه خود برده در آنجا کاملاً از وجه موجودی و اثاثیه و اشیای همراه مان جويا و مطلع شده و روز بعد یک رأس اسب خودشان را کرایه داده و یک نفر بلدهم به اتفاق روانه، چندی از قریه مزبور دور شدیم، مکاری مذکور به عنوان این که عده دیگر [ی] مسافر همراه و بایستی برسند، ما را نگاه داشته، در این بین یک نفر از سوارهای گمرک مصادف، پس از عبور از چند قدمی که دور شدیم، دو نفر شروع به تیرانداختن نموده، سپس مکاری اظهار داشت که مقصود سارقین لخت کردن شما می باشد. در صورتی که شخص مکاری در موقع مقابل شدن به سارقین، بالعکس با آنها خنده می نمود که معلوم گردید با یکدیگر همدست می باشند. بالاخره اثاثیه ما را گرفته خودمان را روانه نمودند و ثانیاً به واسطه این که یک قاب ساعت دیگر از ما باقی و مشارالیهما مستحضر بوده اند که پنج قاب ساعت داشتیم، پس از طی نمودن مقداری راه، یکی از سارقین تعقیب [و] مطالبه ساعت دیگر را نموده و او را هم اخذ [و] برگشتند. چون شخص مکاری هم قصدش این بود فرار نماید، مانع شده و او را نزد رئیس گمرک چودمه آورده، ولی به واسطه این که مشارالیه هم بی اعتنائی و جواب صحیحی نداد مومی الیه فرار نمود. نظر به این که قضیه کاملاً واضح و مبرهن بود که سارقین سرکرده های سوارهای گمرک می باشند، مشارالیهم را ضمن نمره ۱۲۹ برای تعقیب و جلوگیری از تعدیات مأمورین سرحدی به اداره ساخلویی اعزام، مراتب استحضاراً معروض.

رئیس نظمیه شیروان، بهرام وارسته

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی ۲۶ شهریور ۱۳۰۹ نمره ۱۸۱۴

مقام محترم وزارت جلیله داخله

نظمیه قوچان به وسیله نظمیه مشهد راپرت می دهد، به طوری که اطلاع حاصل شده قرایی که نزدیک سرحد دولت شوروی است، در اثر ایاب و ذهاب اهالی قرای مذکور به روسیه و همچنین ورود عمال دولت مزبور به آن قرا، اغلب از ساکنین اهالی مطیع عمال شوروی شده و

هر کدام به تفاوت در یک شعبه سیاسی شوروی مستخدم و موظفند، به هر نحوی شده از ایران به روسیه راپرت داده و در عوض، جنس یا وجه اخذ می نمایند و دولت معزی الیها در سرحد خود یک باب دکان به عنوان مبادله جنس باز نموده و در معنی، هرکس را به فهم خود فریب داده و محل استفاده خود قرار می دهند. مأمورین و نماینده های سرحد که گمرک باشد، به این طور قضایا اهمیت نداده و بالعکس مأمورین شوروی اقدام جدی در پیشرفت مقاصد خود می نمایند. رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی سر تیب کوپال

۳۸

۲۱۰

وزارت داخله، ۲۹ شهریور ۱۳۰۹، نمره ۱۵۲

اداره محترم کل تشکیلات نظمیه

مراسله نمره ۱۸۱۴ متضمن راپرت نظمیه قوچان، راجع به مراودات ساکنین قرای سرحدی باعمال شوروی ملاحظه شد. به طوری که ملاحظه می فرمایید، راپرت نظمیه قوچان خیلی مبهم و مجمل است و اسامی دهاتی که ساکنین آن با مامورین شوروی سر کار دارند، معلوم نیست. غدغن فرمایید تحقیقاً معین کنند که این دهات در کدام قسمت واقع شده و اسامی آنها چیست و چه اشخاصی طرف مراجعه روسها هستند و موضوع مراجعه آنها چه چیز است تا درست مطلب معلوم شده و اقدام لازم به عمل آید. [امضا]

۳۹

۲۱۱

دفتر مخصوص شاهنشاهی، ۲۳ آذر ۱۳۰۹، نمره ۲۷۱۸، محرمانه

ریاست جلیله وزرای عظام، دامت شوکته

سواد مشروحه اداره تشکیلات کل نظمیه، راجع به تجاوزاتی که از طرف مامورین شوروی در سرحدات اردبیل و آستارا می شود، لفاً ارسال و حسب الامر مطاع مبارک ملوکانه ارواحناده ابلاغ می شود که مندرجات آن را مورد توجه قرار دهند. اقداماتی که لازم است به عمل آورند و نتیجه را به عرض خاک پای مبارک برسانند.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی [امضا]

دفتر مخصوص شاهنشاهی، سواد مراسله اداره نظمیه، نمره ۲۷۹۶/۸۵۶

ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

نظمیه تبریز برطبق راپرت نظمیه اردبیل راپرت می دهد: «مامورین شوروی مقیم سرحدات اردبیل و آستارا چندی است از سرحدات خود تجاوز نموده و متدرجاً زمینهای سرحدی ایران را متصرف و پستهایی که بنا کرده و از عبور و مرور مامورین نقاط دیگر جلوگیری می نمایند. چنانچه در طول رودخانه سرحدی آستارا زراعت کاری را موقوف داشته و کنار رودخانه را سنگ چینی و محکم نموده، در نتیجه متدرجاً آب در خط سیر خود، زمینهای ایران را به مرور سرایشب نموده، رفته رفته مقداری از خاک ایران را به تصرف درآورده اند و همچنین در حدود نیورا و عنبران و خیران از ده الی چهارصد ورس تجاوز نموده و علائم سرحدی خودشان را نصب و متصرف گردیده اند و اخیراً برای پیشرفت این منظور سختگیریهای فوق العاده در حفظ خطوط سرحدی خود می کنند و هر کسی را نزدیک سرحدات مشاهده می نمایند تیراندازی کرده، بعضی اوقات هم هدف قرار می دهند و در اثر شدت این رویه خطوط سرحدی بین سرحد فخ مقصود و پيله سوار که مشترک و محل عبور و مرور مامورین دولتین است به کلی خطرناک و مامورین گمرک ایران را از مراوده باز داشته و مجبورند داخله ایران را از راههای صعب العبور طی نمایند. و چون مامورین سرحدی دولت علیه که از تیراندازی بی مورد محدود هستند، مامورین شوروی این مسامحت را مورد استفاده قرار داده، بدواً خطوط سرحدی را از مداخلات مامورین ایران ممنوع داشته و بعد از چندی راه عبور و مرور مسدود و به مرور زمان پاره ای نقاط را به تصرف خود در می آورند. و از سرحد نمین الی حدود پيله سوار که از طرف دولت علیه دو پست گمرک دایر شده و روسها در امتداد این خط هفت پست نظامی دارند و همیشه سواره حرکت می کنند، جدیداً یک پست دیگر هم در مقابل آق بلاغ اضافه کرده اند. اینک مراتب را زحمت داده، متمنی است از شرف عرض خاک پای مهر اعتلای بندگان همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه بگذرد.

رئیس کل تشکیلات نظمیه، سرتیپ کوپال

ریاست وزرا، اول دی ۱۳۰۹، نمره ۶۷۶۵۵

دفتر محترم مخصوص شاهنشاهی

در جواب مراسله نمره ۲۷۱۸ و ضمیمه آن راجع به تجاوزات مامورین شوروی در سرحدات اردبیل و آستارا اشعار می شود که تجاوزات مامورین شوروی روی اختلافات سرحدی است. اخیراً تصمیمی اتخاذ شده است که به این اختلافات خاتمه داده شود. وزارت امور خارجه مشغول مذاکره است. رفع اختلافات که شد این را برتتها هم موقوف می شود.

عبدالحمید ملک الکلام

وزارت داخله، اداره اول، ۲۹ شهریور ۱۳۱۰، نمره ۴۷۵، محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

معطوفاً به مرقومه نمره ۱۸۰۶۷ راجع به مذاکرات حکومت استرآباد با قنصل شوروی در خصوص خلیج حسینقلی، مراسله ای از حکومت استرآباد رسیده است که سواد آن و سواد ضمیمه آن برای استحضار آن وزارت جلیله لفاً ارسال می شود.

[امضا]

وزارت داخله، حکومت استرآباد، شرحی که از طرف حکومت به قنصلگری شوروی
مقیم استرآباد نوشته شده است. ۲۶ مهر ۱۳۰۹، نمره ۲۵۴۸

قنصل محترم جماهیر شوروی، مقیم استرآباد

در جواب مراسله شریفه مورخه ۲۶ مرداد ماه ۱۳۰۹، نمره Gk/G77، محترماً اشعار می دارد، نظر به این که حسینقلی متعلق به ایران است، حاجی نور علی حسینقلی چی می بایستی مشخصاً به مقامات صلاحیت دار مملکت شاهنشاهی عرض حال بدهد. در خاتمه احترامات

فایقه را تجدید می نماید.

امان الله اردلان، حکومت استرآباد

۴۴

۲۱۶

وزارت داخله، حکومت استرآباد، ۲۴ شهریور ۱۳۱۰، نمره ۲۹۵۸، محرمانه

عطف به مرقومه مبارکه نمره ۹۳۵۹، ۹/۶/۲۹ متضمن سواد مرقومه وزارت جلیله امور خارجه، نمره ۱۵۵۳۵ در همان موقع در جواب قنصل شوروی، مقیم استرآباد صریحاً نوشته شده است: «حسینقلی متعلق به ایران است.» و از آن تاریخ تاکنون که تقریباً یک سال است جوابی در این باب از قنصلگری شوروی داده نشده است و در این موضوع سکوت اختیار نموده اند. نظر به این که صدور این جواب و سکوت آنها، تعلق حسینقلی را به خاک دولت شاهنشاهی ایران تأیید می نماید، لهذا سواد جواب صادره به نمره ۲۵۴۸، ۲۶ مهرماه ۱۳۰۹. به عنوان قنصل شوروی لفاً تقدیم می گردد. مستدعی است مقرر فرمایند در دوسیه مربوطه ضبط شود.

امان الله اردلان، مهر حکومت استرآباد

۴۵

۲۱۷

وزرات امور خارجه اداره ممالک اروپای شرق، ۲۸ بهمن ۱۳۱۲، نمره ۴۲۴۵۴

مقام منبع ریاست وزرای عظام، دامت شوکته

سواد راپرت واصله از سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو، در خصوص مذاکراتی که آقای سفیر کبیر با کاراخان، در موضوع رفع اختلافات سرحدی و مسأله ترانزیت نموده اند، برای استحضار خاطر مبارک تلواً تقدیم می گردد.

وزیر امور خارجه، کاظمی [امضا]

محرمانه است، ۲۹ دی ۱۳۱۲، نمره ۲۴

وزارت جلیله امور خارجه در ملاقاتی که در ۲۶ دی ماه از کاراخان نمودم، به مشارالیه گفتم. «تاکی دولت شاهنشاهی باید منتظر جواب دولت شوروی در موضوع رفع اختلافات سرحدی بشود. سالهاست این مذاکرات می شود و همه به وعده و عید می گذرد و با وجود وعده ای که شما در تهران داده بودید که در ورود به مسکو موضوع راجداً تعقیب کرده به جانی برسانید و قولی که پس از مراجعت کراراً به خود من داده اید تاکنون اثری از آنها ظاهر نشده است.» جواب داد: «اشکالات این کار معلوم است، ولی من همیشه آن را در نظر دارم، به طوری که می دانید، اخیراً به واسطه دوره اجلاس کمیته اجرائیه شوروی روسیه و پس از آن اجتماع کمیته اجرائیه اتحاد جماهیر شوروی و حالیه به واسطه کنگره حزب بالشویک رجال شوروی، فوق العاده گرفتار هستند. من تصور نمی کنم که قبل از یک ماه در این باب بتوانند تصمیمی اتخاذ نمایند.» در جواب سؤال این جانب در موضوع نزانزیت گفت: «مقامات مربوطه مشغول تنظیم تعرفه های جدید هستند، و امیدوارم این مساله عنقریب به طور رضایت بخش و مطلوبی حل شود.» در باب قرار داد کویر خوریان گفت: «رپرت مذاکرات مقدماتی که آقای سهیلی در این خصوص در تهران نموده اند به من رسیده و آن را تحت مطالعه قرار داده ام و سعی خواهم کرد که هر چه زودتر نظر خود را در این خصوص به سفارت کبرای شوروی در تهران بنویسم.

سفیر کبیر

وزارت امور خارجه، اداره ممالک اروپای شرقی، ۵ اسفند ۱۳۱۲، نمره ۴۳۳۲۵

مقام منیع ریاست وزرای عظام، دامت شوکته

سواد راپرت واصله از سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو، راجع به مذاکراتی که در موضوع اختلافات سرحدی با کمیسر خارجه شوروی نموده است، تلواً برای استحضار خاطر مبارک تقدیم می گردد.

وزیر امور خارجه، کاظمی [امضا]

وزارت امور خارجه، سواد راپرت مذاکرات سفارت کبرای مسکو - محرمانه

کاراخان، ضمن ملاقات ۱۲ بهمن هذه السنه، باز موضوع بازنگشتگان شوروی را مطرح و اظهار داشت که: «هر چند تا به حال در این باب کراراً مذاکره شده، به طوری که مسبوقید، دولت ایران هیچ اقدامی ننموده و نه یهلف و کولاک که از دشمنان دولت شوروی هستند، بالاخره موفق شدند و جوهی از بانک بگیرند و ما ناچاریم این مساعدتی را که مقامات مربوطه ایران نسبت به دشمنان ما نموده است، مثل یک اقدام غیر دوستانه تلقی نمایم و هر چند عجلتاً موضوع از بین رفته، مع هذا لازم می دانم اخطار نمایم که تا به حال کمیسریای خارجه از تمام تقاضاهای سفارت کبرای ایران در مسکو، راجع به تخفیف یا تبدیل مجازات اتباع ایران، محکومین از طرف محاکم شوروی حسن استقبال نموده و برای انجام آن اقدامات ممکنه را به عمل می آورد. و در بعضی مواقع در کمیته اجرائیه مرکزی اتحاد جماهیر شوروی وساطت نموده و موفق به تخفیف مجازاتهای اتباع ایران می شد، ولی کمک و همراهی مقامات مربوطه ایران نسبت به بازگشتگان شوروی، کمیسریای خارجه را در وضعیت سختی گذارده و ما دیگر در آتیه نخواهیم توانست نسبت به این قبیل مراجعات سفارت کبرا، کمافی السابق اقدام بنماییم».

در جواب گفتم: «خیلی متاسفم از این که شما موضوع ادعای نه یهلف و کولاک را که یک دعوای حقوقی بوده و در دوائر عدلیه ایران مورد رسیدگی واقع و تمام مراحل قانونی را طی نموده، با امور اتباع ایران که در خاک شوروی به اتهام جرم جزئی به مجازاتهای شدید از قبیل ده سال حبس و با اعدام محکوم می شوند، مقایسه می نمایید، در صورتی که این دو موضوع وجهاً من الوجوه شباهتی به یکدیگر ندارند. مثلاً اگر دو نفر تبعه ایران از یک موسسه تجارتي مطالباتی داشته باشند و دعوای آنها در تمام مراحل عدلیه در خاک شوروی مورد رسیدگی واقع بشود، ما هیچ وقت شکایت نخواهیم کرد که چرا دولت شوروی از اجرای احکام جلوگیری نکرده است، ولی در مواردی که تبعه ایران به جرم ارتکاب مختصر جنایتی محکوم به ده سال حبس و اعمال شاقه می شود، ما به استناد این که حکم محکمه نسبت به جرم مرتکبه، فوق العاده شدید می باشد، تقاضای تخفیف مجازات را می نمایم و متأسفانه شما در این قبیل موارد جواب می دهید که حکم محکمه لایتغیر است و مراجعه ما را مداخله در امور داخلی تلقی می نمایید، و فقط در مواردی که اتباع ایران به جرم ارتکاب اعمالی که در هیچیک از ممالک مجازات آن

اعدام نیست، از طرف محاکم شوروی محکوم به اعدام می‌شوند. کمیساریات خارجه به مراجعات سفارت کبرا ترتیب اثر داده و برای جلوگیری از اجرای آنها اقدام می‌نماید، و از اظهارات شما چنین معلوم می‌شود که شما می‌خواهید، یک موضوع بسیار ساده حقوقی را با قضایائی که فوقاً ذکر نمودم مقایسه نموده و به این مناسبت اشاره به معامله متقابل می‌نمایید، در صورتی که در این جا معامله متقابل به هیچ‌وجه موردی نمی‌تواند داشته باشد، و من اساساً چنین اظهاری را از طرف شما انتظار نداشتم.» کاراخان در جوابهای این جانب چیزی نگفته، همین‌قدر خواهش کرد اظهارات او را به استحضار آن وزارت جلیله برسانم. سفیر کبیر

۴۹

۲۲۱

وزارت امور خارجه، اداره ممالک اروپای شرقی، ۱۷ اسفند ۱۳۱۲، نمره ۴۵۳۸۸

مقام منیع ریاست وزرای عظام، دامت شوکته

از سفارت کبرای شاهنشاهی ایران مقیم مسکو نسبت به ملاقات با کاراخان، قایم مقام کمیسارات خارجه شوروی و مذاکرات مشارالیه و جوابهایی که از طرف سفیر کبیر ایران داده شده، راپرتی رسیده است که سواد آن برای استحضار خاطر مبارک تلوأ تقدیم می‌شود. وزیر امور خارجه، کاظمی [امضا]

۵۰

۲۲۲

محرمانه است، ۵ دی ۱۳۱۲، نمره ۳

وزارت جلیله امور خارجه

در ملاقاتی که در ۲۸ آذر از کمیسر خارجه نمودم، در زمینه دستور تلگرافی آن وزارت جلیله، در موضوع رفع اختلافات سرحدی مذاکره کردم و گفتم: «حالا که خوشبختانه در نتیجه مساعی دولتین مشکلات اقتصادی مرتفع و مناسبات تجارتی مملکتین رو به اصلاح گذاشته، باید مسایل معوقه دیگر نیز که مهمتر از همه آنها، رفع اختلافات سرحدی است، هر چه زودتر حل شوند و حقیقتاً صفحه جدیدی در روابط مملکتین گشاده شود.» لیتونیوف با اظهار خوشوقتی از اصلاح امور تجارتی مطلب را یاد داشت و وعده داد که موضوع را در هیأت دولت

شوروی با نظر مساعد مطرح نماید. همان روز کاراخان را نیز ملاقات و در زمینه فوق با مشارالیه نیز صحبت و فرمایشات حضرت اشرف، آقای رئیس الوزرا و حضرت عالی را در ضمن مذاکرات تهران و وعده‌هایی که مشارالیه داده بود متذکر گردیدم. کاراخان گفت: «همیشه طرفدار این بوده که تمام مسایل معوقه، بین مملکتین مرتفع و موردی برای هیچ نوع سوء تفاهم باقی نماند.» خوشبختانه حالیه با رفع اشکالات اقتصادی یک قدم بزرگی در این راه برداشته شده و اکنون به طوری که کمیسر خارجه هم وعده داده، موضوع را در هیات دولت شوروی با نظر مساعد مطرح و سعی خواهد کرد هر چه زودتر ممکن است تصمیمی در این باب اتخاذ بشود و در آتیۀ نزدیکی نتیجۀ اقدامات خود را اطلاع خواهد داد. بعد کاراخان پرسید که مسایل معوق دیگر چیست؟ گفتم: «به طوری که در تهران هم تذکر داده شده، دولت شاهنشاهی مایل است موضوع پارک آقا بیگ و سایر خانه‌ها هم هر چه زودتر حل شوند.» مشارالیه گفت: «در این مسایل هم مطالعات لازمه را خواهد کرد. حاجت به عرض نمی‌بینم که اقدامات خود را برای نیل به مقصود، جداً تعقیب خواهم کرد، ولی چون حضرات تاکنون از این قبیل وعده‌ها خیلی زیاد داده و وفا ننموده‌اند، لذا نمی‌دانم وعده این دفعه آنها تا چه اندازه شایان اعتماد می‌باشد. سفیر کبیر

۵۱

۲۲۳

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی، ۲۷ آذر ۱۳۱۳، نمره ۴۱۰۲۰

مقام منبع ریاست وزاری عظام

از سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو، تلگراف رمزی راجع به مذاکرات رئیس اداره شرق، راجع به اختلافات سرحدی و غیره رسیده که سواد آن برای استحضار خاطر مبارک لفا تقدیم می‌شود. از طرف وزیر امور خارجه [امضا]

۵۲

۲۲۴

وزارت امور خارجه، سواد رمز از مسکو

رئیس اداره شرق به سفارت آمده، از طرف کریستین اسکی، اظهار داشت: کمیساریای خارجه کاملاً موافق است، موضوع اختلافات سرحدی را مرتفع نماید، ولی چون جلب موافقت

سایر دوایر ذی علاقه هنوز میسر نشده، مخصوصاً موانع را از قبیل دفع ملخ پیش کشیده. سال گذشته قریب یک ملیون خسارت متوجه زراعت اسلاو شده که اگر دولت ایران به تشریک مساعی باشد، برای حل بسیاری از اختلافات^۱ مفید خواهد بود. جواب داده شد: این مسایل ابدأ مربوط به اختلاف نیست. راجع به دفع ملخ منتهای جدیت از طرف ایران به عمل آمده و امسال هم توجه مخصوصی خواهد شد. در هر حال مصادره شوروی به موضوع دفع ملخ اهمیت می دهند. مستدعی است صورت مجلس کمیسیون را ارسال فرمایید. در این جا اظهار می دارند که: در اختلاف راجع به اراضی و مخصوصاً حقانیت به طرف دولت شوروی بوده.

۵۳

۲۲۵

وزارت امور خارجه اداره دفتر محرمانه، ۱۰ آذر ۱۳۱۳، نمره ۲۲۸۰، محرمانه

مقام منبع ریاست وزرای عظام، دامت شوکته

راپرتی از سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو، تحت نمره ۳۰۱، راجع به مذاکرات شارژ دافر ایران با کمیسر خارجه شوروی، در باب تجاوزات سرحدی و پاره ای مسایل دیگر واصل گردید که سواد راپرت مزبور و ضمائم آن برای استحضار خاطر مبارک تلوأ تقدیم می شود.
وزیر امور خارجه [امضا]

۵۴

۲۲۶

وزارت امور خارجه، اداره دفتر محرمانه، سواد راپرت سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو،
۲۳ آذر ۱۳۱۳، نمره ۳۰۱

در تاریخ ۸ آبان ماه، برحسب وقتی که قبلاً معین شده بود، با مسیو لیتونیوف، کمیسر خارجه، ملاقات و راجع به تجاوزات سرحدی مذاکرات مفصلی به عمل آمد که خلاصه آن را برای استحضار خاطر مبارک ذیلاً به عرض می رساند:

۱- راجع به تجاوزات مامورین سرحدی شوروی، در ناحیه حاتم قلعه، در تعقیب مذاکرات و مکاتبات زیادی که با کمیسرهای خارجه به عمل آمده بود، برای اهمیت دادن به موضوع لازم

دانستم با خود مسیو لیتونیوف ملاقات نمایم. و در ضمن ملاقات اظهار داشتم: «تجاوزات مامورین شوروی در ناحیه مزبوره و جلوگیری از عبور و مرور اهالی از جاده که در خاک مسلم ایران واقع می باشد و همچنین از زراعت رعایا در اراضی ایران، منافعی با روابط دوستانه بوده و باید هر چه زودتر از این عملیات جلوگیری شود و سفارت کبرا در این خصوص کراراً به کمیسرهای خارجه مراجعه نموده است و حال نیز تذکاریه ای در این باب تسلیم و خواهش می نمایم، توجه مخصوصی به این قسمت از سرحد مبذول داشته و امر لازمه صادر فرمایید که از تجاوزات به خاک ایران جلوگیری شده و مامورین سرحدی شوروی مصونیت اراضی و سرحدی شاهنشاهی را محترم بشمارند.»

۲- در خصوص حفر نهر جدید در قطعه ای واقع بین حسن خانلو و بهرام تپه، سابقاً برحسب دستور مبارک با مسیو سیلستکی، قائم مقام کمیسر خارجه و رئیس اداره شرق مذاکره و تذکاریه تسلیم نموده بودم که سواد آن از نظر مبارک خواهد گذشت. در ملاقات با لیتونیوف در همان زمینه مذاکرات را تعقیب و مخصوصاً خاطر نشان نمودم که تجاوز در این قطعه، بعد از سنه ۱۹۲۰ به عمل آمده و تعویق در حل این مساله اثرات خوبی در روابط دوستانه بین مملکتین که روبه استحکام و ترقی است نخواهد داشت و باید بدون این که این قضیه را مربوط به سایر مسایل نمود، هر چه زودتر با تعیین کمیسون، حل و تصفیه نمود و خواهش دارم برحسب پیشنهادی که از طرف وزارت متبوعه ام شده است تشکیل کمیسون را عملی نمایید که تعویقی در اجرای امر رخ ندهد.

۳- راجع به سایر مسایل سرحدی نیز تذکر دادم که هر چه زودتر اختلافات موجوده حل شود. در تحکیم و توسعه روابط حسنه بین مملکتین مؤثر خواهد بود. مسیو لیتونیوف جواب داد که: کاملاً مسایل را می دانم و حال نیز با مقامات مربوطه مذاکره و اهمیتی را که دولت ایران به مسایل مزبوره می دهد، خاطر نشان نموده و از تصمیمات متخذه شما را مستحضر خواهم نمود. و در خصوص اختلاف سرحدی به طور کلی اضافه نمود که در این باب آقای وزیر امور خارجه در مسکو مذاکراتی فرموده بودند. و حضرت معظم له در ژنو ضمن ملاقات با خود من مذاکره و یادآوری فرمودند، و من وعده دادم پس از مراجعت به مسکو مسایل را تحت مطالعه دقیق قرار بدهم و می توانم به شما صریحاً بگویم که شخص من و کمیسرهای خارجه طرفدار آن هستیم که مسایل متنازع فیه هر چه زودتر حل و تسویه گردد، ولی می دانید که در حل و فصل این قبیل امور مقامات دیگری نیز دخالت دارند که باید موافقت آنها هم جلب شود. کمیسریای خارجه خیلی

مایل است که زمینه مساعد برای حل این مسایل ایجاد گردد، ولی متأسفانه بعضی جریانات در سرحدات وجود دارند که مانع از تهیه مقدمات و زمینه مساعدی برای حسن تفاهم طرفین می‌گردد، ولی ما این پیش‌آمدها را به هیچ‌وجه مربوط به مسایل اساسی نمی‌نماییم. از آن جمله قضیه دفع ملخ است که دوایر فلاحی شوروی خیلی علاقه‌مند هستند زحمات آنها در این قسمت عقیم نماند، اما ادارات مربوطه ایران مساعدت نکردند که برای حفظ زراعت مملکتین از آفت ملخ، موسسات ما با آنها همکاری نمایند. گفتم: «امروز بهترین موقع برای ایجاد حسن تفاهم موجود می‌باشد و هرگاه اختلافات سرحدی که مانع بزرگ برای ایجاد و تحکیم حسن اعتماد بین مملکتین می‌باشد برطرف کرده، بهتر می‌توانیم زمینه موافقت در سایر مسایل پیدا نماییم. اما در خصوص ملخ نمی‌خواهم در این موقع وقت شما را به شرح جزئیات امر صرف نمایم، ولی به‌طوری که وزارت امور خارجه شاهنشاهی ضمن مراسله رسمی که در اوایل ماه ژوئیه به شارژدافر سفارت کبرای شوروی در تهران نوشته‌اند، اقدامات موسسات دولتی ایران در دفع ملخ کاملاً رضایت بخش و حتی از آنچه هیأت راهنمایی شوروی انتظار داشته بیشتر بوده است. به علاوه وسایل کار نیز از هر حیث فراهم و مکمل بوده و متخصصین شوروی هم مراتب فوق را تصدیق کرده‌اند. علی‌هذا از حیث مبارزه با ملخ در ایران، طرف شوروی نباید هیچ نگرانی داشته باشد.» جواب داد که: «اقدامات دولت شاهنشاهی در توسعه و ترقی امور فلاحی و زراعتی و جدیت در رفع آفات و حسن نیت برای کمک در مبارزه با ملخ که متوجه زراعت شوروی است، همیشه مورد حسن استقبال ما بوده است. فقط مقصود ما این است که چون دولتین در مسأله دفع ملخ، منافع مشترکی دارند و ممکن است عملیات لازم در ایران، به‌طوری که باید و شاید مجزی نشده باشد، لذا ما حاضر شدیم مساعدتهای خودمان را، چه فنی و چه عملی در دسترس متخصصین ایرانی بگذاریم. مثلاً از قرار اطلاعاتی که به ما رسیده است، در پاییز هذالسنه، ثبت اراضی که ملخ تخم‌گذاره کاملاً صورت نگرفته و این مساله خطرات زیادی را در بر دارد.» گفتم: «برعکس، به موجب اطلاعات صحیحی که سفارت کبرا دارد، ثبت اراضی آلوده به تخم ملخ بیش از آنچه متخصصین شوروی تخمین نموده بودند انجام یافته و در بهار آتی عملیات دفع ملخ با جدیت تمام ادامه خواهد یافت.» مسئولیتونیوف اظهار داشت: «بعضی اطلاعاتی به ما رسیده است که لازم دانستم به اطلاع شما برسانم و خواهش می‌کنم جنبه رسمی به آن نداده و به هیچ‌وجه آن را مربوط به مذاکرات قبل ننمایید. از قرار اطلاعات مزبوره چند نفر از صاحب منصبان لهستانی به‌عنوان سیاحت به سرحدات ایران آمده

و در آنجا تفتیشاتی نموده‌اند. البته در موقعی که روابط ما با دولت لهستان چندان روشن نیست، این قبیل قضایا در محافل سیاسی شوروی حسن اثری نخواهد بخشید.» جواب دادم: «من در این خصوص هیچ‌گونه اطلاعی ندارم. آیا اشخاصی که می‌گویید، در کدام سرحد ایران سیاحت می‌کرده‌اند.» گفت: «در نظر ندارم که در کدام مناطق بوده‌اند. و اضافه نمود که این اظهار فقط به‌طور دوستانه و برای اطلاع شما بود.» جواب دادم که: «آنچه مسلم است و من می‌توانم به‌طور قطع به شما بگویم، این است که دولت شاهنشاهی به‌هیچ‌وجه به صاحب منصبان دول خارجه اجازه رسیدگی و تفتیش به سرحدات را نداده و نخواهد داد و چنین سابقه وجود نداشته و چون من هیچ‌گونه اطلاعی ندارم می‌توانم فقط تصور نمایم که ممکن است سیاحانی مشغول سیاحت بوده‌اند و در اطلاعاتی که به شما رسیده است این اشخاص را صاحب منصبان لهستانی وانمود کرده‌اند.» در خاتمه مذاکرات، یک مرتبه دیگر اهمیت مسایل متنازع فیه سرحدی را به مسیو لیتونیوف خاطرنشان و خواهش نمودم برای حل آن اقدامات مؤثر مبذول دارند. مشارالیه جواب داد که: «راجع به ناحیه حاتم قلعه چنان که در اداره شرق به شما اطلاع دادند، دستورات لازمه صادر گردیده است که مأمورین شوروی از هر گونه اقداماتی که ممکن است موجب تولید سوء تفاهم گردد خودداری نمایند.» در خصوص حسن خانلو اظهار داشت که: «هر چند از قرار معلوم سابقاً کمیسیونی برای رسیدگی این موضوع تشکیل و به محل رفته و بدون اخذ نتیجه متفرق شده است، مع‌هذا دستور خواهم داد که مطلب را دقیقاً مطالعه نموده و تصمیم کمیسرهای خارجه را در باب پیشنهاد شما دایر بر تشکیل و اعزام کمیسیون جدید به سفارت کبرا اطلاع بدهند. و در خصوص کلیه مسایل متنازع فیه سرحدی طوری که به حضرت اشرف آقای وزیر امور خارجه وعده داده بودم، مشغول مطالعه مسایل مزبوره می‌باشم و تکرار می‌کنم که کمیساریای خارجه جداً ظرفدار حل و فصل سریع این اختلافات بوده که فعلاً مشغول جلب موافقت دوایر علاقه‌مند می‌باشد.»

به طوری که ملاحظه می‌فرمایید، لحن اظهارات مسیولیتونیوف خیلی دوستانه و مشارالیه چندین مرتبه در ضمن صحبت تکرار نموده: «کمیساریای خارجه جداً ظرفدار حل اختلافات سرحدی به طریق دوستانه و مسالمت‌آمیز می‌باشد.» بدیهی است سفارت کبرا، اقدامات خود را تعقیب و جریان مذاکرات را به عرض مبارک خواهد رساند. مستدعی است از هر نظری که برای ادامه مذاکرات اتخاذ خواهند فرمود، سفارت کبرا را قرین استحضار فرمایند.

سواد ترجمه تذکاریه، راجع به راه حاتم قلعه و نهر حسن خانلو لفاً تقدیم می‌گردد.

شارژ دافر [امضا]

وزارت امور خارجه، سواد تذکاریه

سفارت کبرای ایران، ضمن یاد داشتهای مورخ ۹ ژوئیه نمرة ۱۸۶۹ و ۱۵ اوت نمرة ۲۳۷۹ اقدامات غیر قانونی مامورین شوروی را در حفر نهر جدید، در خاک ایران در قطعه‌ای واقع بین بهرام تپه و حسن خانلو، اشعار و احتراماً از کمیسریای ملی امور خارجه خواهش نموده بود که برای موقوف داشتن عملیات مزبوره اقدام نمایند. نظر به این که موضوع فوق و همچنین مسأله نقض مصونیت ارضی ایران از طرف سرحدداران شوروی در ناحیه باغچه سرا و مسجد محله، تا به حال حل نشده. سفارت کبرای ایران پیشنهاد می‌نماید که برطبق قسمت ماده ۲ عهدنامه ۱۹۲۱ ایران و شوروی، کمیسیون مخصوص از نمایندگان طرفین برای حل مسایل ارضی فوق‌الذکر تشکیل گردد.

۱ آبان ۱۳۱۳

وزارت امور خارجه، سواد تذکاریه

راجع به حفر نهر جدید، از طرف مامورین شوروی در خاک ایران، در قطعه‌ای واقع بین بهرام تپه و حسن خانلو، سفارت کبرای ایران در تعقیب یادداشتهای خود ضمن تذکاریه مورخه ۲۲ اکتبر ۱۹۳۴ [۳۱ شهریور] احتراماً به کمیسرهای ملی امور خارجه پیشنهاد نموده بود که برطبق قسمت اخیر ماده ۲ عهدنامه ۱۹۲۱ کمیسیون مخصوص برای حل موضوع فوق و همچنین مسایل متنازع فیه ارضی که در نتیجه تجاوزات مأمورین سرحدی شوروی نسبت به سرحدات ایران در ناحیه باغچه سرا و مسجد محله تولید گردیده تشکیل شود. با اهمیت فوق‌العاده‌ای که سفارت کبرای ایران به حل دوستانه مسایل متنازع فیه سرحدی می‌دهد، امیدوار است که پیشنهاد مزبور سفارت کبرا، مورد حسن تلقی و قبول کمیسریای ملی امور خارجه واقع خواهد شد.

۱۸ آبان ۱۳۱۳

وزارت امور خارجه، سواد تذكاريه

سفارت كبرای ایران، ضمن یادداشت‌های مورخ ۲۱ سپتامبر [۳۰/۱۹۳۴/مهر] هذه السنه، نمرة ۳۰۰۳ و ۱۸ اكتوبر [۲۶ آبان] نمرة ۳۳۵۱، احتراماً توجه كميسريای ملی امور خارجه را به نقض مصونیت ارضی ایران از طرف مامورین سرحدی شوروی در ناحیه حاتم قلعه معطوف داشته بود. مامورین مذکور که به قسمتی از خاک ایران تجاوز نموده‌اند از عبور و مرور اهالی محل از جاده که در این قسمت واقع است مخالفت می‌نماید، از آن جمله در تاریخ ۹ ژوئیه [۱۷ مرداد] هذه السنه موقعی که مستحفظ سرحدی ایران، محمد و سه نفر از ساکنین محل از قطعه فوق‌الذکر به سمت حاتم قلعه عبور می‌نموده‌اند، از طرف سرحداتاران شوروی توقیف می‌شوند. و فقط در نتیجه اعتراض كميسر سرحدی ایران، اشخاص مذکور در تاریخ ۱۶ ژوئیه [۲۴ مرداد] مستخلص می‌گردند. در همان قطعه نظامیان ساخلو، شخص خان و یک نفر از اهالی حاتم قلعه، موقعی که در خاک ایران عبور می‌نموده‌اند از طرف مستحفظین سرحدی شوروی مورد شلیک واقع می‌شوند. همچنین سفارت كبرای ایران ضمن یادداشت‌های متعدد خود از ممانعتی که مامورین سرحدی ایران نسبت به زراعت رعایای ایرانی در ناحیه حاتم قلعه می‌نمایند، خاطر كميساريای ملی امور خارجه را مستحضر داشته است. نظر به این که حوادث سرحدی فوق‌الذکر در ناحیه مزبور که سلب آسایش و امنیت از اهالی سرحدنشین ایران می‌نماید، مخالف با روابط دوستانه بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی می‌باشد، سفارت كبرای ایران اطمینان کامل دارد که از طرف كميسريای ملی امور خارجه برای رفع و جلوگیری از این قبیل وقایع غیرعادی و رعایت مصونیت سرحد دولتی ایران از طرف مامورین سرحدی شوروی اقدامات لازمه مبذول خواهند داشت.

۱۸ آبان ۱۳۱۳

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی، ۱۱ اردی بهشت ۱۳۱۴، نمرة ۶۳۶۷

مقام منبع ریاست وزاری عظام، دامت شوکته

برای استحضار خاطر مبارک تلواً دو فقره صورت مذاکراتی که در ماه فروردین با آقای پاستوخف، سفیر کبیر سابق شوروی در وزارت امور خارجه، راجع به رفع اختلافات سرحدی

بین مملکتین به عمل آمده، تقدیم می‌دارد.

وزیر امور خارجه، کاظمی [امضا]

۵۹

۲۳۱

ریاست وزرا، ۱۳ اردی بهشت ۱۳۱۴، نمره ۱۰۴۱،

وزارت جلیله امور خارجه

در جواب مراسله نمره ۶۳۶۷، مذاکراتی که آقای وزیر امور خارجه با سفیر کبیر شوروی به عمل آورده‌اند، صحیح بوده و در قسمتی که اظهار داشته‌اند، در عهدنامه ۱۹۲۱. اشاره به ۱۸۸۱. برای رفع اجحافات می‌باشد که بعد از آن سنه، از طرف دولت تزاری شده، این هم کاملاً صحیح است و تأیید این جانب تذکر می‌دهم که در مقام استدلال می‌توان گفت: نظر کنید به عهده نامه ۱۹۲۱، و ببینید در آن عهدنامه بنابراین نبوده است که بین دولتین ایران و شوروی تعیین حدود شود. و اگر در فصل سوم ذکری از سرحد شده، فقط برای رفع اجحافات دولت تزاری بوده والا بین دولتین، سرحدات دیگر هم بود که می‌بایست ذکر شود و اگر مقصود این بود که همان سرحدی که در زمان تزاری معین شده تثبیت شود، حاجت به این عناوین نبوده، می‌گفتند سرحد بین دولتین همان است که در دوره تزاری معین شده است، ولیکن چنین نگفته‌اند و این مطلب را محرز دانستند که بین دولتین، تعیین سرحد تازه لازم نیست و همان سرحد قدیم معتبر است، الا این که بعد از تعیین سرحد از طرف دولت تزاری تعدیاتی شده بود. دولت شوروی آن تعدیات را حاضر شد که مرتفع سازد، به همین دلیل حدود آذربایجان که آنجا اجحافی نشده بود، مسکوت ماند و در حدود خراسان که اجحاف شده بود، مذکور شد، منتها این که متأسفانه به جای پروتکل ۱۸۸۱. اشتباهاً کمیسیون نوشته شده. و دلیل دیگر این که اگر مقصود تثبیت عملیات کمیسیون ۱۸۸۳. بود، عبارت آخر فصل سوم که می‌گوید: برای رفع اختلافات سرحدی و ارضی کمیسیونی معین خواهد شد بی‌معنی می‌بود، زیرا که در آن صورت، یعنی اگر تفسیر روسها صحیح بود، دیگر اختلافات سرحدی و ارضی باقی نمی‌ماند که محتاج به کمیسیون باشد و کمیسیون را فقط برای تنظیم آبهای سرحدی قرار می‌دادند، پس معلوم می‌شود که در آن قسمت اصلاحات می‌باید به عمل آید که محتاج به کمیسیون بوده و آن اصلاح رفع همان اجحافی است که بعد از ۱۸۸۱. به عمل آمده است. رئیس الوزرا [امضا]

وزارت امور خارجه، ادارهٔ دوم سیاسی

مذاکرات آقای پاستوخف، سفیر کبیر شوروی، با آقای وزیر امور خارجه، راجع به اختلافات سرحدی بین ایران و شوروی

روز سه شنبه، ششم فروردین ۱۳۱۴، آقای پاستوخف سفیر کبیر شوروی و آقای کار تاشف، مستشار سفارت کبرای مزبور در وزارت امور خارجه از آقای وزیر امور خارجه ملاقات و اظهار داشتند: چون سوء تفاهماتی که بین دولتين در بعضی از امور بوده، خوشبختانه به تدریج مرتفع شده و اعتماد و اطمینان برای طرفین حاصل شده است و دولت ایران یکی از امور مهمه بین مملکتین را رفع اختلافات سرحدی می‌داند. دولت شوروی به من ماموریت داده است با وزارت امور خارجهٔ ایران داخل مذاکره شوم و ترتیب این کار را که مدت‌ها است طول کشیده بدهم و نظر دولت شوروی را هم این طور بیان نمود که در قسمت مغان، منظور دولت ایران را اجرا و خط سرحدی را بر طبق این نقشه (نقشه‌ای راجع به ناحیهٔ مزبور دادند که نسخه‌ای از آن در وزارت امور خارجه تهیه شده و ضمیمه است) اصلاح و اراضی لازمه را به دولت ایران واگذار کند، دولت ایران هم رضایت بدهد که خط سرحد در قسمت ماورای بحر خزر و ترکستان به وضعیت فعلی خود بماند و فیروزه که مطابق عهدنامهٔ ۱۹۲۱، به ملکیت دولت ایران شناخته شده، به دولت شوروی مسترد گردد.

آقای وزیر امور خارجه از حسن تفاهمی که بین اولیای امور مملکتین حاصل شده است، اظهار مسرت نموده و امتنان از موافقت اولیای حکومت شوروی در رفع اختلافات سرحدی اظهار داشتند. چون باید در جزئیات این پیشنهاد مطالعات لازم به عمل آورند و به عرض دولت برسانند، پیشنهاد را به مقامات مربوطه برای مطالعات احاله و به عرض اولیای عظام دولت شاهنشاهی خواهند رسانید و در جلسهٔ دیگری نظریات دولت ایران را اظهار خواهند داشت و ضمناً خاطرنشان نمودند که اختلافات تنها در قسمت مغان نبوده و در سایر قسمتهای سرحدی و مخصوصاً در قسمت اترک اختلافاتی هست که باید تکلیف آنها هم معلوم شود.

آقای سفیر کبیر جواب دادند: من هم خیلی خوشوقت هستم که دولتين برای رفع کلیهٔ اختلافات که مهمتر [ین] آنها همین اختلافات سرحدی است حاضر شده‌اند و امیدوارم که حسن تفاهمی که بین طرفین هست این موضوع هم حل و تصفیه شود. دولت شوروی آنچه به من

اختیار داده با دولت ایران مذاکره کنم، مربوط به رفع اختلافات در حدود مغان است زیرا اساساً دولت شوروی اختلافی در قسمت شرقی بحر خزر تصور نمی‌کند وجود داشته باشد که شما آن را عنوان می‌کنید، مبنای کار ما همان طور که اظهار کردید عهدنامه ۱۹۲۱، در آنجا ذکر شده قسمت شرقی بحر خزر برطبق کمیسیون سرحدی ۱۸۸۱، تعیین می‌شود کمیسیون سرحدی هم که در آن وقت بعد از انعقاد عهدنامه به محل رفته و رسیدگی کرده خطر سرحدی را در حدود اترک همین طور تشخیص داده که فعلاً وجود دارد، یعنی مطابق اطلاعات و اسنادی که ما در دست داریم، عهدنامه ۱۸۸۱ فقط ذکر کرده که خط سرحدی بین دولتین، رود اترک است. بعد از آن که کمیسیونی مرکب از نمایندگان طرفین به محل رفت، در روی زمین وجود اترک را این طور معین کردند که فعلاً در دست طرفین است. به عقیده من ما باید یک ماده‌ای تنظیم کنیم که در قسمت شرقی بحر خزر خط سرحدی همان طوری که فعلاً هست تثبیت می‌شود و متخصصین دولتین به محل رفته و بر طبق آن نصب علائم سرحدی نمایند. در قسمت مغان هم چون بعد از عهدنامه ترکمان‌چای ما دیگر عهدنامه سرحدی نداشتیم، بنابراین همان اساس کار است. اگر درست دقت کنید ملاحظه خواهید فرمود آن چیزی را که ما در قسمت مغان پیشنهاد کرده‌ایم زائد و ما فوق آن چیزی است که عهدنامه ترکمان‌چای به دولت ایران داده است. اما این که اشاره به موضوع فیروزه کردید، فیروزه را دولت ایران در مقابل حصار و نیم دایره عباس آباد به دولت تزاری سابق واگذار کرده بود. اگر بنا شود فیروزه را دولت ایران مطالبه کند قریه حصار و عباس آباد را هم به دولت شوروی باید پس بدهند. ضمناً این نکته را هم یادآورد می‌شویم که دولت شوروی مایل است اختلافات سرحدی یک‌جا حل شود، نه این که قسمت مغان را حل کنیم بعد دولت ایران ادعا به یک نقطه دیگر سرحدی بنماید. با تمام این تفصیلات اگر دولت ایران اصراری به قضیه اترک دارد من باید به دولت خود مراجعه کنم و چون من این دو روزه عازم مراجعت به مسکو هستم جانشین من مذاکرات را تعقیب خواهد نمود.

آقای وزیر امور خارجه اظهار داشتند: ما هم کمال میل را داریم که کلیه اختلافات یک‌جا حل شود و در این که اظهار داشتید باید به دولت خودتان مراجعه کنید، البته این امر داخلی خودتان است ما هم منتظر خواهیم بود تا دستور به شما برسد، اما در اساس موضوع ما به قضیه حدود اترک اهمیت می‌دهیم و این که اشاره به کمیسیون سرحدی ۱۸۸۱. گردید، اساساً در سال ۱۸۸۱، کمیسیونی نبوده، بلکه عهدنامه مورخ به تاریخ ۱۸۸۱، است و کمیسیون در ۱۸۸۳، تشکیل شده و منظور دولتین هم در موقع عهدنامه ۱۹۲۱، از طرف

مجلس نیز تذکر داده شده و نماینده دولت شوروی هم منکر آن نشده است. و حال هم ما حرفی نداریم، جز آن که متخصصین طرفین به محل رفته معین کنند رود اترک در ۱۸۸۱، کجا بوده است و همان را اساس قرار دهند. منظور ما این است که برطبق عهدنامه ۱۹۲۱، عمل شود. نسبت به قسمت مغان هم به طوری که گفتم نسبت به پیشنهاد شما مشغول مطالعه هستیم.

آقای سفیر کبیر جواب دادند: اولاً به عقیده ما منظور دولتين در موقع عقد عهدنامه ۱۹۲۱، کميسيون سرحدی ۱۸۸۱، بوده است، مطابق سوابقی که در دست ما هست از همان سال ۱۸۸۱. کميسيونی دولتين معین کردند که خط سرحد را برطبق عهدنامه در روی زمین معین کنند، حال اگر کميسيون کار خودش را در ۱۸۸۳، تمام کرده تغییری در اساس کار نمی دهد. ثانیاً من تصور می کنم بهتر است دولت ایران از قضیه اترک صرف نظر کرده، راجع به قسمت مغان هم با پیشنهادی که ما کرده ایم موافقت و کار را خاتمه دهیم و اگر بنا بشود موضوع اترک را جداً عنوان کنید، یقین دارم که حل اختلافات سرحدی به اشکالات برخورد خورد، به هر حال من به دولت خود باید در این باب مراجعه و کسب دستور کنم.

آقای وزیر امور خارجه جواب دادند: لازم به تذکر نیست که عملیات حکومت تزاری در ایران چه بوده، مطابق اطلاعاتی که ما داریم وقتی عهدنامه ۱۸۸۱. بسته شده متعاقب آن کميسيونی برای تعیین خط سرحدی ورود اترک به سرحد رفت همان وقت راجع به این که رود اترک کدام است بین نمایندگان دولتين گفتگو رخ داده و ماموریت نمایندگان دولتين به جایی منتهی نشد، بعد از آن دولت تزاری روس به دولت ایران فشار آورده، برطبق دلخواه خود رود معروف به موسی خانی را به جای اترک به دولت وقت قبولانند، ولی تصدیق می نمایند که این طرز تعیین خط سرحدی مطابق حق و عدالت نبوده است و البته خود دولت شوروی هم متوجه این قضیه هست و این که در عهدنامه ۱۹۲۱. اشاره به ۱۸۸۱، شده، مقصود این بوده که از اجحافاتی که بعد در ۱۸۸۳ به عمل آمده صرف نظر شود.

آقای سفیر کبیر اظهار داشتند: درایام تزاری چه رفتاری با دولت ایران شده است، موضوعی است که حالا داخل آن نمی شویم، ولی ما عهدنامه ۱۹۲۱، را در دست داریم و معتقدیم که باید برطبق آن عمل شود و در آن هم کميسيون سرحدی ۱۸۸۱، تصریح شده است. به هر حال من به دولت خود مراجعه می کنم. بعد در این باب سفیر کبیر جدید با آقای مستشار که فعلاً سمت شارژ دافری خواهند داشت مذاکرات را دنبال خواهند کرد.

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی

مذاکرات آقای وزیر امور خارجه با آقای پاستوخف، سفیر کبیر شوروی، راجع به اختلافات سرحدی بین دولتین

روز پنجشنبه، ۲۸ فروردین ۱۳۱۴. نیم ساعت بعد از ظهر، در جلسه‌ای که مرکب از آقایان وزیر امور خارجه و معاون وزارت امور خارجه و آقایان پاستوخف، سفیر کبیر شوروی و کار تاشف، مستشار سفارت کبرای شوروی، بود مذاکرات ذیل به عمل آمد:

آقای وزیر امور خارجه اظهار داشتند: چند روز قبل به ما پیشنهادی راجع به رفع اختلافات سرحدی نمودید. البته چون من نمی‌توانستم همان روز نظریات دولت ایران را نسبت به پیشنهاد شما بدهم، حالا می‌خواهم قدری در این موضوع مذاکره کنیم. اساساً دولت ایران خیلی امتنان دارد که دولت شوروی حاضر شده است به اختلافات سرحدی خاتمه دهد. پیشنهادی که شما داده بودید و راجع به قسمت سرحدی مغان، یعنی بین بهرام تپه و پيله سوار بود، تحت مطالعه مامورین ایران قرار گرفته، شاید در اساس آن زیاد اشکالی نداشته باشیم، ولی مذاکره در جزئیات آن موکول به آن است که مطالعات کافی در آن باب به عمل آید و پس از مطالعات نظر دولت ایران را اظهار خواهم داشت. ولی مطلب مهم این است که اختلاف عمده ما در قسمت شرقی بحر خزر، یعنی در حدود رود اترک است که در این باب میل داشتیم نظریات شما را بدانم. به طوری که اطلاع دارید، در قسمت رود اترک اختلافی بین دولتین موجود است که سالهاست مورد گفتگو می‌باشد و حل نشده است. دولت ایران میل دارد به طوری که در عهدنامه ۱۹۲۱. نیز تصریح شده بر طبق عهدنامه ۱۸۸۱. خط سرحدی بین دولتین در آن ناحیه تشخیص شود، در صورتی که این قسمت حل گردد و در قسمت مغان هم منظور دولت شاهنشاهی تامین شود، دولت ایران ممکن است از دعاوی خود نسبت به سایر نقاط سرحدی قسمت خراسان یعنی، سرخس و غیره چشم پوشیده و قریه فیروزه را هم که به موجب عهدنامه ۱۹۲۱، حق مسلم دولت ایران است به دولت شوروی واگذار کند و چون بر طبق اطلاعاتی که وزارت خارجه دارد دولت شوروی به شما اختیارات لازم را برای رفع اختلافات کلیه نواحی داده امیدوارم که قبل از مسافرت به خاک شوروی در این موضوع قدم مهمی بردارید.

وزارت امور خارجه، اداره دوم سياسي، ۱۲ خرداد ۱۳۱۴، نمره ۱۱۷۳۱

مقام منبع رياست وزراى عظام، دامت شوكنه

سواد تلگراف رمز جناب مستطاب اجل آقاى كاظمى وزير امور خارجه، راجع به مسايل سرحدى ايران و شوروى براى استحضار خاطر مبارك لفاً تقديم مى شود و ضمناً معروض مى دارد كه مراتب به عرض خاك پاى مبارك اعلى حضرت همايونى ارواحنا فداه رسيده است. وزير امور خارجه [امضا]

وزارت امور خارجه، اداره دوم سياسي، تلگراف از ژنو، ۶ خرداد ۱۳۱۴، نمره ۴۳۴

در ضمن مذاكرات مفصل كه چند روز قبل با لیتوینف در روابط دولت ايران و شوروى نمودم، مخصوصاً مسايل سرحدى را تفصيلاً گفتگو كردم. در قسمت اترك به هيچ وجه موافقت نكرد، حتى اظهار تعجب مى نمود كه دولت ايران به ادعاى خود راجع به سرحد افزوده، زيرا تيمور تاش چند سال قبل كه به مسكو آمد گفت: تنها چيزى كه دولت ايران مى خواهد تسويه سرحد مغان است و ابدآ اسمى از اترك نبرد و من به زحمت در يك مدت طولانى توانستم دولت شوروى را راضى به تسويه اين قضيه كنم. اينك قطعاً پيشرفت نخواهد داشت كه موضوع اترك مجدداً مطرح شود.

كاظمى

وزارت امور خارجه، اداره دوم سياسي، ۱۳ اردى بهشت ۱۳۱۶، نمره ۶۷۸۳، محرمانه

رياست وزرا

دنباله مذاكرات و مكاتبات با سفارت كبرى شوروى در تهران و سفارت كبرى شاهنشاهى در مسكو، راجع به تعيين خط سرحدى ايران شوروى و الغاى ماده ۱۳ قرار داد ۱۹۲۱.

رونویس نامه‌ای که به سفارت مسکو نوشته شده، محض اطلاع به پیوست فرستاده می‌شود.
وزیر امور خارجه [امضا]

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی

مسکو، سفارت کبرای شاهنشاهی

در نامه ۶۹، مورخه ۱۶/۱/۱۴. اشاره شده بود که تعیین خط سرحدی، بر وفق مطلوب دولت شوروی، برای دولت شاهنشاهی بی‌اشکال نیست و در مقابل تفسیر نامساعد فصل سوم عهدنامه ۱۹۲۱. راجع به تعیین کمیسیون ۱۸۸۱ و همچنین تفویض فیروزه به دولت مشارالیه، لاقلاً باید عوضی به ما بدهند تا بتوان افکار عامه و مجلس شورای ملی را تا اندازه‌ای قانع نمود. از جمله خیلی به موقع است که علاوه بر فصل ششم، موافقت کنند. فصل ۱۳ عهدنامه مزبور را هم لغو نماییم. ذکر ماده مزبور شاید در ۱۹۲۱. برای دولت شوروی بی‌فایده نبود، زیرا اقتدار دولت هنوز بسط نیافته بود و سیاست خارجی ما هم نمی‌توانست روشن باشد و دولت شوروی به عقیده خود حق داشت از این که مبدا امتیازات مسترد شده را به سایرین واگذار کنیم، نگران باشد، اما امروز همه این کیفیات از بین رفته و اوضاع طوری شده است که بقای فصل سیزدهم دیگر فایده ندارد. حکمت فصل سوم از لحاظ منافع شوروی، ناچار در این بود که عناصر خارجی در مجاورت کشور مزبور راه نیابند و چون بندر و راه پهلوی و تهران و قزوین و همدان و خط آهن جلفا و تبریز و بانک استقراضی و امثال آن در آن زمان منحصر به فرد بود، با منع ایران از تفویض آنها به دیگران شاید تا حدی مقصود خود را تامین می‌کردند، ولی اکنون راههای متعدد از تهران به دریای خزر داریم و بنادر مختلفی در سواحل شمال احداث شده و بانک استقراضی به کلی از بین رفته و بانکهای دیگری تاسیس کرده‌ایم. با این ترتیب تحدید اختیارات دولت ایران نسبت به بندر و راه پهلوی و تهران و امثال آن معنی ندارد و نمی‌تواند از جهتی که ذکر شده، وجهاً من‌الوجوه حافظ منافع فرضی دولت شوروی باشد. ممکن است بگویند، بانک استقراضی و راه جلفا و تبریز متعلقاتی داشته و تمام معادن نفت و زغال سنگ طرفین راه به عرض ده فرسنگ و بسیاری از معادن دیگر در منطقه مزبور جزو امتیاز بوده، ولیکن باید متوجه باشند که معادن ایران در ولایات مجاور خاک شوروی منحصر به منطقه مزبور نیست و اگر دولت

شاهنشاهی احیاناً سیاست اعطای امتیاز را اختیار کند، اجرای فصل سیزده نسبت به معادن اطراف راه آهن تبریز و جلفا نمی تواند در نتایج سیاست مزبور اندک تأثیری داشته باشد. همچنین ممکن است گفته شود که خوشتر یا نیز امتیازاتی تحصیل کرده بود و دولت ایران با وجود فصل سیزدهم نخواهد توانست امتیازات او را به دیگران واگذار نماید، این هم عنوان بی وجهی است، زیرا او را ق مدعا به خوشتر یا در دوره مشروطیت تحصیل شده و به تصویب مجلس نرسیده و نمی توان لفظ امتیاز به آنها اطلاق نمود. و بنابراین دولت ایران وجهاً من الوجوه ترتیب اثری به آنها نمی دهد و نخواهد داد. (تفصیل این موضوع را در گزارش راجع به نفت خوریان و مکاتبات با سفارت کبرای شوروی و صورت مذاکرات بنده با سفیر کبیر شوروی که متعاقب اعطای امتیاز نفت به شرکت ایران و امریکا به عمل آمده بود، البته ملاحظه فرموده اید.) با این مقدمات و با سیاست صلح جوی دولت شاهنشاهی و مناسبات نزدیک و دوستی که با حکومت شوروی داریم، نباید راضی شوند ماده ای که حق حاکمیت ایران را در قسمتی از امور داخلی خود محدود می کند و حقیقتاً موهن شئون دولت شاهنشاهی است باقی بماند.

به دلایلی که فوقاً ذکر شد، اصرار در حفظ فصل سیزدهم مثل این است که دولت شوروی منفعت خود را صرف در ضرر و وهن ما ببیند، به علاوه وقتی که آنها توقع می کند برای تعیین سرحدات بر وفق فصل سوم عهدنامه عمل نکنیم، (به ضمائم مراسله نمرة ۱۵۴۰ - ۱۵/۸/۱۱ مراجعه فرمایید) یا انتظار دارند برخلاف روح و صریح فصل یازدهم عهدنامه، سرحدات قفقاز را به صورتی که هست، یعنی بر طبق قرارداد ترکمان چای بشناسیم، ناچار باید قدمی هم جلو بگذارند تا وزارت خارجه بتواند در مقابل دولت، نظریات و پیشنهادات خود را در این زمینه ها دفاع نماید. در این اواخر به مناسبت مذاکرات راجع به حل اختلافات سرحدی در باب الغای ماده ۱۳ عهدنامه ۱۹۲۱، مذاکره با سفیر کبیر شوروی به میان آمد و وعده داد مراتب را به مسکو اطلاع دهد. چند روز پیش مشارالیه اطلاع داد که پیشنهاد دولت شاهنشاهی در کمیساریای خارجه شوروی سوء اثر نموده و چنین استنباط کرده اند که دولت ایران رویه دوستی خود را با دولت شوروی تغییر داده و نسبت به آن دولت یک سیاست نامساعدی در پیش گرفته است و بدین جهت حاضر نیستند با پیشنهاد دولت ایران موافقت کنند.

سوء ظن اولیای دولت شوروی شاید بیشتر ناشی از این شده است که پیشنهاد دولت ایران با اعطای امتیاز استخراج نفت شمال شرق به یک کمپانی امریکائی و اعتراض دولت شوروی به این اقدام مقارن شده و روسها چنین تصور کرده اند که دولت شاهنشاهی واقعاً خیال آن را دارد

که در شمال ایران امتیازات زیادی به اتباع دولت ثالث بدهد، اگرچه ضمن مذاکرات تهران به سفیر کبیر شوروی خاطر نشان گردیده که اگر دولت ایران چنین خیالی داشته باشد می تواند خارج از موارد منظور ماده ۱۳ عهدنامه ۱۹۲۱. امتیاز یا امتیازاتی در شمال بدهد که به هیچ وجه مورد اعتراض موجه دولت شوروی واقع نگردد، اما همچو رویه نداریم و بر فرض که می داشتیم برای اجرای آن حاجت نبود فصل سیزدهم عهدنامه را لغو کنیم. در هر حال لازم است جناب عالی این موضوع را با کمیساریای خارجه مورد مذاکره قرار دهید و به وزیر امور خارجه شوروی حالی کنید که اگر دولت شاهنشاهی به مقام تقاضای القای این ماده برآمده فقط از این جهت است که وجود آن را برای شئون خود موهن می داند و برای عدم موافقت دولت شوروی در این باب هم حمله نمی توان تصور نمود، مگر این که خود دولت مزبور اتخاذ سیاست نامساعدی را که بدون علت به دولت ایران نسبت می دهد درباره خود قبول داشته و حقیقتاً مایل شده باشد که در روابط دوستی با ایران خللی وارد آورد. شاید اولیای دولت شوروی اظهار کنند که دولت ایران بدو الغای ماده ۶ عهدنامه ۱۹۲۱ را تقاضا نمود و دولت شوروی هم با این درخواست موافقت کرد و حال به مقام تقاضای الغای ماده ۱۳ برآمده ایم. البته در این صورت باید جواب داده شود که چون مقررات ماده ۶ با پیمان جامعه ملل منافات کامل دارد و ماده مزبور با ورود دولتین ایران و شوروی به این موسسه بین المللی و با امضای قرار داد راجع به تعریف متجاوز از بین رفته و دیگر نمی تواند وجود داشته باشد، بنابراین موافقت دولت شوروی با الغای ماده ای که دیگر وجود ندارد موافقتی نیست که با گذشتهای ارضی دولت ایران معادله کند و لذا دولت شوروی نباید از حیث موافقت خود با الغای ماده ۶ منتی بر دولت ایران بگذارد. (در این باب به ضمیمه مراسله شماره ۱۵۴۰، مورخه ۱۵/۸/۱۱. مراجعه فرمایید.)

خواهشمند است زودتر نتیجه مذاکرات را اطلاع دهید و برای آن که وقت تلف نشود ممکن است رئوس آن را تلگراف فرمایید. وزیر امور خارجه

وزارت جنگ، ستاد ارتش، رکن ۲، شعبه اطلاعات، ۹ تیر ۱۳۱۶، شماره ۱۰۰۷۶

ریاست وزرا

پاسخ نامه شماره ۵۰۱۰، مورخه ۱۶/۴/۶ (راجح به تجاوز مامورین شوروی در حدود یاز تپه به خاک شاهنشاهی و ساختن علامت مرزی) استحضاراً زحمت اشعار می دهد که گزارش قضیه

در تاریخ ۱۶/۲/۲۸. از طرف کلانتر مرز سرخس و کلات به ستاد ارتش واصل، اقدامات لازمه از ناحیه کلانتر مرز مزبور معمول و مراتب به وزارت امور خارجه نیز اطلاع داده شده است. کفیل ستاد ارتش - سرلشکر ضرغامی [امضا]

۶۷

۲۳۹

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی، ۲ دی ۱۳۱۶، شماره ۱۵۱۰۴

ریاست وزرا

پاسخ نامه شماره ۵۰۱۰، مورخ ۱۶/۴/۶. راجع به تجاوز مامورین شوروی به خاک ایران و ساختن علائم.

یادداشت جوابیه سفارت کبرای شوروی مشعر است بر این که در نتیجه تحقیقاتی که به عمل آمده، معلوم شده است که از طرف مامورین شوروی اقدام به ساختن علامت در خاک ایران به عمل نیامده است.

از طرف وزیر امور خارجه [امضا]

۶۸

۲۴۰

وزارت داخله، اداره سیاسی، ۱۵ تیر ۱۳۱۶،

تعقیب نامه شماره ۱۵۷۷۴/۱۰۰۹، مورخه ۱۶/۳/۲۵، طبق گزارش شرکت سهامی زراعتی سرخس به کلانتر مرز آنجا، در حدود دو خروار زمین بذرافشان مزرعه کند کلی [در] خاک شاهنشاهی که نزدیک خط سرحدی و وصل به راه خانگیران شوروی است، مامورین سرحدی شوروی از کشت رعایای ایران در اراضی مزبور جلوگیری نموده اند. کلانتر مرز فوراً به سرخس شوروی رفته و به کلانتر مرز سرخس ثابت می نماید که اراضی به خاک دولت شاهنشاهی تعلق دارد و قرار شد از تخطی و تجاوز مامورین شوروی جلوگیری نمایند. مجدداً در تاریخ ۱۳ ماه گذشته دسته امنیه سرخس گزارش داده که مامورین شوروی در حدود یاز تپه و کندکلی، سه کیلومتر به داخل خاک شاهنشاهی تجاوز و مشغول گذاردن بیل و علامات سرحدی در داخل خاک ایران می باشند. فوراً فرمانده دسته امنیه با چند سوار از طرف کلانتر مرز به محل مزبور

اعزام و علامات سرحدی را که مامورین شوروی در داخله خاک ایران بنا نموده بودند، خراب و برای محافظت خط سرحدی موقتاً یک پست امنیه در محل مزبور برقرار و دستور داده شده است که بعدها از تجاوزات مامورین شوروی، به خاک شاهنشاهی کاملاً جلوگیری نمایند. [حاشیه]: رونوشت در تعقیب نامه نمرة ۱۰۸۶، مورخه ۱۶/۳/۲۵، برای استحضار ریاست وزرا تقدیم می‌گردد. از طرف وزیر داخله [امضا]

۶۹

۲۴۱

وزارت امور خارجه، ۲۳ شهریور ۱۳۱۶، شماره ۱۳۰۱، محرمانه

ریاست وزرا

هفته قبل، سفیر کبیر شوروی در موقع ملاقات اظهار نمود: «جناب آقای سمیعی در مسکو با وزارت خارجه شوروی موافقت کرده‌اند، تمام دهنه نهر حسن خانلو در خاک شوروی مانده و خط سرحد هم قدری دورتر از بهرام تپه عبور کند.» مراتب از جناب آقای سمیعی استفسار جواباً تلگراف می‌نمایند:

گفتند «از نهر حسن خانلو نمی‌توانیم بگذریم و چون نهر هم خیلی کوچک است مشترک بودن آن تولید مشکلات زیاد برای طرفین جهت اداره نهر خواهند کرد.» جواب دادم: «شخصاً مخالفتی ندارم که تمام نهر به طرف شوروی بیفتد، ولی هر نظری نسبت به طرح قرار داد دارید به‌طور پیشنهاد متقابل بنویسید، تکلیف را در تهران معلوم کنم.» مراتب محض اطلاع به عرض رسید.

از طرف وزیر امور خارجه [امضا]

۷۰

۲۴۲

استانداری نهم، ۲۸ شهریور ۱۳۱۷، شماره ۲۵۳۴

وزارت داخله

طبق گزارش شماره ۱۰۶۰ بخشداری سرخس که رونوشت آن را به پیوست ملاحظه می‌فرمایند، یک نفر از سربازهای شوروی، مسلح به خاک دولت شاهنشاهی پناهنده و از طرف کلاتر مرز در شهربانی تحت نظر می‌باشد، و متعاقباً هشت نفر مامورین به خاک ایران تجاوز و

دو نفر از رعایای نوروزآباد را با خودشان به خاک شوروی برده‌اند. چگونگی و نتیجه اقدامات کلاتر مرز در اعاده دو نفر نامبرده به وسیله لشکر استعمال شده. نتیجه را ثانیاً به استحضار مقام وزارت خواهد رسید.

فرماندار مشهد [امضا]

۲۴۳

۷۱

ایالت خراسان، رونوشت نامه شهردار و بخشدار سرخس، ۱۶ شهریور ۱۳۱۷، شماره ۱۰۶۰

در روز قبل یک نفر از سربازهای شوروی با اسب و تفنگ و نارنجک فراراً به نوروز آباد سرخس آمده، و به گمرک شاهنشاهی پناهنده می‌شود که از نوروزآباد او را به سرخس، نزد آقای کلاتر مرز فرستاده‌اند و فعلاً در شهربانی سرخس تحت نظر است، و از قراری که شهربانی که به اتکای اظهار کدخدای نوروز آباد گزارش داده و رونوشت گزارش شهربانی سرخس لفاً تقدیم گردید و حضوراً هم کدخدا در بخشداری عنوان نمود، همان شب آن روز، هشت نفر مامورین شوروی مسلحاً به تعاقب سرباز پناهنده مزبور به خاک شاهنشاهی تجاوز نموده، به نوروز آباد آمده‌اند و دو نفر از رعایای نوروزآباد را با خودشان به خاک شوروی برده‌اند.

شهردار و بخشدار سرخس، وثیق [امضا]

۲۴۴

۷۲

ایالت خراسان، رونوشت بخشداری و شهرداری سرخس، ۱۳ مهر ۱۳۱۷ شماره ۱۱۵۱

از مقام استانداری نهم، تحت مرقومه شماره ۱۱۳۸۵ - ۱۷/۶/۲۴ راجع به پناهندگی سرباز روس که قبلاً در ابتدای واقعه به آن فرمانداری گزارش عرض شده بود، از بخشداری استعمال فرموده بودند که به شماره ۱۱۳۱ - ۱۷/۶/۳۰، محرمانه و مستقیم مراتب را به عرض برسانند. در گزارشی که به مقام استانداری عرض شده بود، معروض افتاد که یک نفر از آن دو نفری را که مامورین شوروی از نوروز آباد برده بودند، مراجعت کرده است. اینک از قرار اطلاعات حاصله و اظهار آقای کلاتر مرز سرخس و کلات آن یک نفر دیگر را هم مامورین شوروی آزاد کرده‌اند

که معاودت به نوروزآباد نموده است، استحضاراً معروض داشت. بدیهی است خاطر مبارک استانداری نهم را هم از معاودت این یک نفر دیگر قرین استحضار خواهد داشت.

بخشدار و مرزدار سرخس [امضا]

۷۳

۲۴۵

وزارت جنگ، ستاد ارتش، ۱۷ مهر ۱۳۱۷، شماره ۲۶۸۳۶، محرمانه

وزارت کشور

عطف به نامه شماره ۳۷۵۴ - ۶۳۳۴۸ - ۱۷/۷/۱۴ راجع به پناهنده شدن یکی از سربازان شوروی به کشور شاهنشاهی، زحمت اشعار می دهد، مراتب قبلاً از طرف قسمتهای مربوط به ستاد ارتش گزارش و سرباز مذکور حسب الامر مطاع مبارک شاهانه تحت نظر شهربانی، مانند زندانی آزاد قرار گرفته و دو نفر رعایای نوروزآباد ایران را که مامورین شوروی دستگیر نموده بودند، یکی از آنها شخصاً به خاک ایران وارد و دیگری را نیز روسها مسترد و فعلاً در محل اولیه مشغول زراعت می باشند.

کفیل ستاد ارتش - سرلشکر ضرغامی [امضا]

فصل چہارم

مہاجران

وزارت داخله، تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۰۵، نمره ۴۵۰

وزارت جلیله داخله

نظر به این که لازم دانستم از وضعیات داخلی شیراز هم خاطر مبارک به جزئیات مستحضر باشد، دستور داده‌ام سواد راپرتهای واصله از اداره نظمیه را مرتباً تقدیم دارند. اینکه سواد یک جزء راپرت واصله از نظمیه را راجع به چند نفر قفقازی که بدون سابقه وارد شیراز شده و طرف سوءظن بوده‌اند و استعلام کرده بودم، لفاً تقدیم می‌دارم.

والی ایالت فارس [مهر و امضا]

[حاشیه]: سواد ملفوف به وزارت خارجه

وزارت داخله، سواد مشروح اداره نظمیه، ۲۱ فروردین ۱۳۰۵، نمره ۱۱۲

مقام منبع ایالت جلیله، دامت شوکته

حسب الامر راجع به هویت چند نفر قفقازی تحقیقات شده و به‌طوری که از تأمینات اطلاع داده‌اند، مشارالیه‌م چند سال قبل در اثر فشار حکومت شوروی اشتراکی جمهوری روسیه از وطن خود مهاجرت و فرار نموده، مدتی را در عتبات عالیات به‌سر برده اخیراً به شیراز آمده و فعلاً مشغول تهیه وسایل حرکت و مراجعت خود به طرف روسیه می‌باشد.

رئیس نظمیه فارس [امضا]

[حاشیه]: سواد به وزارت امور خارجه

۳

۲۴۸

وزارت داخله، اداره جنوب، ۲۲ اردی بهشت ۱۳۰۵، نمره ۵۸۴۲

شیراز، ایالت جلیله فارس

مراسله نمره ۴۵۰ واصل شد. به اداره نظمیة دستور بدهید کاملاً رفتار و عملیات این قبیل عناصر را در تحت نظر داشته باشند.

[امضا]

۴

۲۴۹

نامه کی استوان^۱ به نخست وزیر، ۲۳ شهریور ۱۳۰۶

حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا

چند روز پیش در اخبار داخلی جراید پای تخت به طور اختصار خواندم که دولت ایران به مهاجرین روسیه اخطار کرده، به جز سکونت نباید هیچ گونه اجتماع داشته باشند. و مشروح این خبر را بی سیم مسکو با آب و تاب انتشار داده و البته از نظر عالی گذشته است. خاطر محترمتان مسبوق است که مجلس شورای ملی عهدنامه ایران و روس مورخه فوریه ۱۳۲۱ را به ملاحظه مواد ۵ و ۶ و ۱۳ و ۲۰ تصویب نمی کرد تا این که نماینده مختار روسیه در ۲۰ قوس [آذر] ۱۳۰۰ تحت نمره ۱۶۰۰ مطالب دولت ایران را تضمین نموده که از آن جمله راجع به مهاجرین می نویسد: «مقصود از مواد ۵ و ۶ قرارداد ما فقط در صورتی است که شروع به عملیات و مبارزه مسلحانه بر ضد روسیه و جمهوریهای شوروی متحده با او از طرف طرفداران رژیم واژگون شده یا یاران آنها در بین دول خارجه، آنهایی که به غیر از کمک نمودن به دشمنان جمهوریهای کارگران و دهاقین می توانند به بهانه یا همچنین جبراً قسمتی از خاک ایران را تصرف نموده و در آن محل برای حملات مستقیمه خود و یا به وسیله قوای کتتر رولوسیونرنها به جمهوریهای شوروی و یا خود روسیه حمله نمایند تشکیل داده شود. و به هیچ وجه مبارزه شفاهی و ادبی با رژیم شوروی از طرف دستجات ایرانی و یا دستجات فراریان روسیه تا حدی که معمولاً در بین دو دولت دوست اجازه داده می شود در موارد مزبوره در نظر گرفته نشده است الی آخر» تصدیق

۱. حسین کی استوان، نماینده دوره پنجم و ششم بندانزلی در مجلس شورای ملی.

می فرمایید با طرز انشایی که بی سیم مسکو به دنیا فهمانده و متأسفانه وزارت امور خارجه هم سکوت کرده، این طور می نمایند که دولت ایران سند رسمی فوق الذکر سفیر روس را به دولت شوروی بخشیده و عملاً در آینده اعتباری به تضمین آن باقی نمی گذارد. در این صورت دولت ایران در مقابل هر بهانه و اظهار آنها باید در آینده سر تسلیم و انجام فرود آورد که در حقیقت یک کاپیتولاسیون جدیدی را برقرار می دارد. دولت ایران دارای قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی است، مردم ایران در حدود قوانین آزاد و هر کس از بیگانه و [غیر] بیگانه در مقابل قانون مساوی الحقوق می باشند و اجتماعات هم در این مملکت آزاد است. هر چه فکر می کنم چگونه حکومت اجزائیه - اگر این انتشارات صدق باشد - مبادرت به چنین اقدامی نموده و یا با شنیدن انتشارات بی سیم مسکو سکوت اختیار کرده است، مصالح آن را نمی فهمم. لهذا تمنا دارم در این باب توضیح فرمایید که حقیقت قضیه چه بوده است.

[امضا]

۵

۲۵۰

ریاست وزرا، ۵ مهر ۱۳۰۶

جناب آقای کی استوان نماینده محترم

یادداشت جناب عالی مورخه ششم ماه جاری راجع به معاهده ایران و روس و تشریفات بی سیم مسکو سمت وصول داد. شایعات آژانس مزبور ربطی به ما ندارد. دولت اعلام کرده که این گونه تشکیلات را به رسمیت نمی شناسد. جلوگیری وقتی خواهد شد که آثار فساد ظاهر شود.

۶/۷/۵

۶

۲۵۱

وزارت داخله، اداره شرق، ۱۰ مهر ۱۳۰۶، نمره ۱۸۰۴

ایالت جلیله خراسان

راپرتی از اداره تذکره سرخس راجع به مهاجرت اتباع ایران به خارجه رسیده است که سواد آن لفاً ارسال می شود. درخصوص مهاجرت اتباع سرحدی به خارجه راپرتهای دیگری هم

مستقیم و غیرمستقیم به وزارت داخله رسیده است. پس از ورود به مقر ایالتی غدغن خواهید فرمود، به وسایل ممکنه ازین جریانات که مخالف مصالح مملکتی است، جلوگیری نموده و موجبات امیدواری و آسایش سکنه سرحدی را از هر حیث فراهم و آنها را از خیال هجرت منصرف نموده و نظریات ایالت جلیله را در رفع معایب فعلی و اصلاحات امور سرحدی اشعار دارند.

[امضا]

۷

۲۵۲

وزارت امور خارجه، راپرت اداره تذکره سرخس، ۲۳ مرداد [۱۳۰۶]، نمره ۶۳

به واسطه بعضی پیش آمدها و عملیات سوء مباشرین خالصه، لازم دانست که اوضاع حاضره این سرحد مهم را به عرض برساند. نظر به نقصان آب رودخانه هریرود در هذه السنه محصول فالیزو سبزبرگ زارعین خالصه کم و در بعضی نقاط به کلی از بی آبی سوخته است. من جمله سبز برگ قریه سکز از نرسیدن آب، محصولشان از بین رفته و دولت هم ربع از محصول فالیز سهم می برد و سه سهم دیگر متعلق به خود زارعین است. از قرار مذکور مباشر خالصه سکز مبلغ یکصد و بیست تومان وجه، بابت سهمی دیوان از زارعین به سختی مطالبه داشته و بر اثر فشار مشارالیه کلیه زارعین آن قریه هجرت کرده، به خاک روس می روند. سیدخان نام بلوچ، تبعه ایران که اغنام خود را برای تعلیف به خاک روس برده و در حدود سرحدی اقامت نموده، از مهاجرین مزبور جلوگیری نموده و نمی گذارد که آنها مراتب را به مامورین سرخس روس اطلاع بدهند. پس از وصول راپرت قضیه به سرخس، رئیس مالیه، آقای حاج موسی که از علمای محل است، برای نصیحت و استمالت و عودت دادن مهاجرین به سکز اعزام نموده و خود رئیس مالیه هم یک روز بعد از حرکت حاجی سیدموسی به سکز عزیمت کرده و پس از یک سلسله پیغاماتی که بین رئیس مالیه و زارعین رد و بدل شد، بالاخره اطمینان به زارعین داده که به مطالبات حق آنها رسیدگی نماید. از طرفی سیدخان بلوچ به حضرات نصیحت کرده، به هر نحوی بوده، اسباب رجعت زارعین را فراهم می نمایند. از آنجایی که روسها در موقع جنگ و انقلاب روسیه به واسطه عدم آذوقه به انواع سختی و مضیقه دچار شده اند، اینست که در این سنوات اخیر کلیه هم خود را به توسعه بسط عمل فلاحت مصروف داشته، عمماً قریب است که

گوی سبقت را از حیث بسط فلاحت ربوده، استفاده‌های کلی از این راه بیرد. ولی چیزی که هست، در حدود ترکمنستان زارع صحیحی ندارند و تراکمه هم در عمل زراعت عاجز و تن‌پرور هستند. از این جهت روسها درصدد هستند که به وسایل ممکنه و بذل مال، رعایا و زارعین این سرحد را برای انجام مقصود خود جلب بنمایند، ولو این‌که به هر قیمتی که برای آنها تمام بشود، در این راه مصرف می‌کنند. چنانچه نظایر این‌گونه اتفاقات رخ داده است. هر یک از رعایای ایران که به خاک روس مهاجرت می‌نمایند، همه نوع محبت درباره آنها نموده و نگاهداری می‌کنند و نیز برای فرار اتباع ایران در این سرحد به اقرب جواری که هست، هیچ‌گونه مانعی برای عبور آنها دربین نیست و از هر نقطه سرحدی که بخواهند داخل خاک روس شوند ممکن است، زیرا که یک همچو سرحدی که ۳۰ فرسخ طول و کشش سرحدات آن هم با عدم استعداد و قوه جلوگیری از هجرت آنها مستصعب است، در صورتی که لااقل بایستی دولت ایران هم در این سرحد عده‌ای به اندازه لزوم که پستهایی در مقابل پستهای روس دایر بنمایند تا در موقع این‌گونه قضایا و اتفاقات سوء بتوانند جلوگیری و ممانعت نمایند و به‌قرار راپرتی که به اداره حکومتی رسیده است، سه شب قبل هم یک محله از بلوچهای ساکنین حدود شیر تپه و لسکیمو به خاک روس هجرت کرده و دو محله دیگر هم درصدد و شرف حرکت هستند. از طرف کفیل حکومت، داد محمدخان، نایب سوار محلی مأمور و اعزام شده است که از دو محله دیگر جلوگیری بنماید. ولی هجرت بلوچها به خاک روس به پاره‌ای ملاحظات بیشتر اهمیت داشته و مضراتی را دربردارد، زیرا که این شرارت و سرقتهایی که می‌شود به وسیله بلوچهای طرفین است.

وزارت داخله، اداره ایالت آذربایجان، ۱۰ بهمن ۱۳۰۷، نمره ۱۲۲۱۹

مقام محترم وزارت جلیله داخله

مهاجرین قفقاز ساکنین آذربایجان عرض حالی به وزارت جلیله دربار پهلوی داده و از وزارت معزی‌الیها نیز مراتب به ایالت مراجعه گردیده. اینک سواد مرقومه وزارت معزی‌الیها متضمن سواد عرض حال مهاجرین با سواد مراسله جوابیه ایالت تقدیم می‌شود که از مراتب، استحضار حاصل فرمایند.

علی منصور

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، سواد عرض حال مهاجرین قفقاز آذربایجان، بدون تاریخ، بدون نمره

آقایان رعایای بدبخت ساکنین آذربایجان که از ارامنه و مسلمین، علاوه بر چهار صد خانوار می‌باشند^۱، عرایض خود را به وسیله حضرت اشرف، به خاک پای وجود مهر آسای اعلیحضرت، شاهنشاه پهلوی، خلدالله ملکه و سلطانه، به قرار ذیل می‌رسانند:

از مصائب وارده [به] ماها در قفقاز [و] ایام زمامداری شاهزاده عباس میرزا، کاملاً تمام دنیا و خصوصاً اهالی محترم و خوشبخت ایران مسبوقند که در آن زمان چگونه قشون روس به قفقاز ریخته، عباس میرزا، با داشتن ده مقابل قشون علاوه بر قشون روس چطور بی‌غیرتانه شکست خورده، فرار نموده و اهالی قفقاز به مناسبت تعصب وطنی و اسلامیت چه جانبازی و خودکشیها کرده، برای این که عیال و ناموس آنها دست دشمن نیفتد، زنان خود را کشته، با روسها جهاد کرده، چه کشته شدند، چه فرار به ایران کرده، مهاجر شدند. پدران ما بدبخت‌تر از همه بوده، اسیر گردیده، تبعه روس گردیدند. با این حال تعصب وطن و اسلام، اجداد ما را به ایران کشیده است. از ملک و مال کشیده، پناه به خاک مقدس ایران آوردیم. بدبختانه در زمان سابق ایرانیها ما را خارجه نامیده و به سردی به ما نگاه می‌کردند. در هر محکمه، ماها را به اسم تبعه خارجکی^۳ محکوم و مظلوم نموده، اظهار می‌کردند که ظالم و تبعه روس هستند، ولی برای رفقای ما که موفق به فرار شده بودند، مهاجر نامیده گردیده، دولت آن زمان محبتها کرده و امتیازات به آنها از کسر مالیات و مداخله در محاکمات، در تحت نظر سلاطین و حمایت سلاطین بوده، فعلاً که مملکت ایران به عون ملک العنان صاحب حقیقی پیدا کرده و اعلیحضرت پهلوی، جلوس به تخت سلطنت نموده، همه کس راحت و عموم در امن و آسایش زندگانی می‌نمایند ما جماعت قفقاز بیشتر آرزومند و مشتاق هستیم که به تبعیت اصلی اجدادی خودمان عودت کرده، فی‌الواقع اولاد مخصوص پدر تاجدار ایران گردیم. ولی به‌طوری که بدواً عوض شد، ایرانیها با ما عادت به سوء سابقه بدی که داشته، ما بیچارگان را می‌بایست، بدبخت اسرای ایران صدا کنند، ظالم تبعه روس نامیده و همیشه در مقام انتقام با ما هستند. مستدعیات عموم ما این است که اولاً

۲. اصل: هر

۱. اصل: می‌باشد

۳. اصل: خارجه‌کی

اعلیحضرت همایونی اجازه فرمایند ماها به تبعیت اصلی ایرانی خودمان عودت کنیم که نهایت آرزوی ماست. ثانیاً فرمان مبارک همایونی به سرافرازی خانهزادان صادر شود که همیشه تحت الحمايه شخص اعلیحضرت همایونی باشیم. ثالثاً من باب رعیت نوازی و تلافی مصایبی که به ما در قفقاز وارد شده، گرفتن قشون و وظیفه را به ما بخشیده و اغماض فرمایند. البته در مواقع لازمه همه قسم جان فشانی و فداکاری خواهیم نمود. رابعاً امورات ماها که تا انحای کاپیتولاسیون در محاکم وزارت خارجه و کارگزاریهای گیلان و آذربایجان و تهران و همه جای ایران، حکم چه بر له و چه بر علیه ماها صادر شده و بعد از الغای کاپیتولاسیون با روسها، حکم از دولت صادر شده بود که امور گذشته قبل از الغای کاپیتولاسیون قطعی است و محاکم حق رسیدگی و ارجاع ندارند، همان حکم دولت در حق امور ماضیه ماها که در ایام تبعیت قبل از الغای کاپیتولاسیون قطعی و تمام گردیده باقی و برقرار مانده، دیگر محاکم پس از تجدید تبعیت به اسم این که حال تبعه ایران شده‌اید باید به امورات ماضیه رسیدگی شود مزاحمت ندهند. عموم تمنا دارند که مستدعیات خانهزادان را به عرض رسانیده، اجازه صادر فرمایند که عرایض شما قبول شده و درخواست تبعیت نمایید تا به دلخوشی اعلام نموده تا دنیا هست از قید اسارت متخلص در دعاگوی ذات مقدس شاهانه ارواحنا فداه گردند.

۱۰

۲۵۵

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، ۲ بهمن ۱۳۰۷، نمره ۱۱۹۳۴

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی^۱

مرقومه نمره ۳۳۵۰، محتوی سواد عرض حال مهاجرین قفقاز زیارت گردید. اساساً نظر بنده این است که نسبت به مهاجرین و کلیه اشخاصی که واجد شرایط تابعیت دولت علیه بوده و سابقه سوئی نداشته باشند که از قبول آنها مضراتی تولید شود، موافقت به عمل آید، و مطابق همین نظریه نیز تاحال رفتار نموده‌ام، اما در عرض حال مهاجرین قفقاز ملاحظاتی است که باید به عرض برسد، و آن این است که اولاً مهاجرین مزبور خود را به اسم و رسم معرفی نکرده‌اند، و چون نسبت به هر یک از افراد لازم است درمورد سابقه و تطبیق وضعیت او با قانون دقتهای مقتضیه به عمل آید. مقرر خواهند فرمود فرداً فرد خودشان را معرفی نمایند. ثانیاً شرایط ثلاثه

۱. وزیر دربار عبدالحسین تیمورتاش بود که در ۲۸ آذر ۱۳۰۴ به این مقام منصوب و در ۳ دی ۱۳۱۱ برکنار شد.

را که در مورد قبول تابعیت ایرانی پیشنهاد کرده‌اند، بنده به هیچ وجه قابل توجه نمی‌دانم، زیرا مثل این است که بخواهند تولید یک قسم کاپیتولاسیون برای خودشان نمایند. البته تمام افراد تبعه ایران در ظل سرپرستی و حمایت عالیه بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه می‌باشند و در عین حال باید متساویاً مطیع مقررات قانونی و نظامات دولت شاهنشاهی بوده، در حقوق مملکتی نیز بالسویه بهره‌مند باشند. بنابراین قید حمایت مخصوص و معافیت از خدمت نظام وظیفه و عدم تعقیب قضایای حقوقی که مربوط به سابق است یک تبعیض‌بینی خواهد بود، از حیث حقوق بین این اشخاص و سایر افراد ایرانی. مخصوصاً موضوع عدم تعقیب قضایای حقوقی سابق را به این ملاحظه پیش آورده‌اند که در دوره استیلای روسهای تزاری آذربایجان، بعضی از مهاجرین مثل آقا حسن گنجه، مقداری املاک محصلی و حتی اراضی سرحدی جلفا، متعلقه به دولت را به وسایل معموله آن وقت تصاحب کرده و چون می‌دانند چنین تملکات غاصبانه همیشه قابل تعقیب است، حالا محض این که خود را مصون از تعقیب بدانند می‌خواهند به وسیله قبول تابعیت و قبولانیدن شرایط مخصوص خودشان منظور مزبور را تأمین کنند. بنابر مراتب معروضه، عقیده بنده این است که دولت علیه احتیاج به اتباع جدیدی ندارد که بخواهد بر علیه حقوق خصوصی و عمومی مملکت از تابعیت ایرانیه استفاده نمایند. فقط ممکن است در حدود مقررات قانونی و اصول جاریه مملکتی نسبت به هر کسی که تقاضای تابعیت نماید و پذیرفتن او مضر نباشد، از طرف دولت علیه بذل توجه و موافقت به عمل آید.

وزارت داخله، ایالت خراسان و سیستان، ۲۸ فروردین ۱۳۰۹، نمره ۹۸۶

وزارت جلیله داخله

رمز نمره ۳۹ عز وصول بخشید. راجع به اسکان مهاجرین تراکمه و ایرانیهای مقیم عشق‌آباد که به ایران می‌آیند، البته بر طبق نظریات مبارک عمل خواهد شد. برای این که خاطر محترم بهتر مستحضر باشد زحمت می‌دهد، ایرانیهایی که از عشق‌آباد مهاجرت می‌نمایند اغلب تاجر [و] کاسب و کارگر می‌باشند [و] کمتر طبقه رعیت در بین آنها یافت می‌شود. تراکمه هم، یک قسمت از تراکمه رعایای ایران هستند که بر اثر اردو کشیهای سابق از ایران رفته‌اند و یک قسمت

هم [از] تراکمه، رعایای روس هستند که از سختی اوضاع و مخصوصاً سختگیری بلشویکها در زندگانی و عقاید مذهبی آنها منزجر و مایل هستند به ایران مهاجرت کرده از نعمت امنیت پهلوی متنعم باشند. راجع به ایرانیها تصور می‌کنم، بهترین وسیله این است: آنها به خود مشهد آمده، در مشهد یا در ولایات داخلی مشغول کسب و کار باشند و هر کدام هم بخواهند در امور زراعتی وارد شود، در خالصجات دولتی یا آستانه به آنها ترتیب رعیتی داده شود. اما تراکمه، اینها که کمتر می‌توانند در شهرها زندگی نمایند، بهتر این است در قسمت قره‌تپه و پیش کمر که شانزده الی بیست فرسخ از سرحد دور است و نزدیک به گنبد قابوس و مراکز ساخلویی است، جا و رعیتی داده شود که هم مشغول رعیتی بوده و هم تحت نظر سالخویی تربیت بشوند، با لشکر هم که از امور صحرا خوب بصیر است عموماً مذاکره کرده‌ام عقیده آنها هم همچنین است. البته نظریات مبارک که نباید مخصوصاً تراکمه تشویق به آمدن ایران بشوند بسیار صحیح و کلام ملوک است، زیرا تشویقات عمدی و مخصوص ممکن است تولید رنجش روسها را بکند، ولی هر کس به میل خود به ایران آید ارفاق نموده در محلهای مقرر جابه‌جا می‌شوند بدون این که کسی ملتفت باشد. دیگر بسته به رای مبارک است.

والی ایالت خراسان و سیستان محمود جم

۱۲

۲۵۷

۱۴ اردی بهشت ۱۳۰۹، نمره ۱۴۱

قربانت شوم - متمنی است معلوم فرمایند، عقیده ایالت خراسان، در ضمن راپرت نمره ۹۸۶ خودشان راجع به رؤسای تراکمه ماورای بحر خزر که به وزارت جلیله داخله اظهار [کرده‌اند] از چه [قرار] بوده و چه تصمیمی در این باب اتخاذ فرموده‌اند.

۱۳

۲۵۸

وزارت داخله، اداره اول، ۲۲ اردی بهشت ۱۳۰۹، نمره ۲۹۲۴

قربانت شوم - در جواب مرقومه محترمه، مشعر بر استعلام از موضوع راپرت نمره ۹۸۶ ایالت خراسان درخصوص مرقومه ساکنین ماورای بحر خزر، زحمت افزا می‌شود که در این

باب سواد واصله رمزاً به ایالت خراسان تلگراف شده بود که از جلب و تشویق این قبیل اشخاص برای آمدن به ایران خودداری نمایند، ولی اگر خود آنها مایل به آمدن به ایران باشند مانعی به جهت آنها نخواهد بود. و در این صورت محلی که از سرحد دور باشد برای سکونت آنها در نظر گرفته و اطلاع دهند و ایالت هم کتباً در این باب جوابی برای استحضار خاطر محترم لفاً ارسال می شود.

۲۵۹

۱۴

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره اطلاعات، ۲۷ آبان ۱۳۰۹، نمره ۲۵۳۸

مقام محترم وزارت جلیله داخله

نظمیه گیلان راپرت می دهد، روسها برای ازدیاد نفوس اتباع خود در داخله ایران و نزدیک نمودن آنها به جامعه، وسایلی اتخاذ نموده و می نمایند. اتباع شوروی که در مؤسسات روسها از قبیل اداره شرق، زاکاستورک، پرس آز نفت و غیره مشغول کار می شوند، بعد از آن که مدت پنج سال در ایران توقف کردند، از طرف رؤسای مربوطه به آنها اخطار می شود به روسیه مراجعت نمایند و ضمناً به عناوینی مشارالیه را وادار به تجری نموده و از معاودت به روسیه تمرّد کرده، تذاکر خود را تحویل داده، در ایران اقامت می نمایند. و چون اشخاص مزبور با اهالی مربوط و آشنایی دارند، ظاهراً از عملیات روسها تنقید کرده و در باطن برای پیشرفت مقاصد آنها کار می کنند. و مهاجرینی که به وسایل مختلفه به ایران می آیند. غالباً با دستور خودشان است که با تأدیه وجهی روانه می گردند و بعد از اطمینان از ورود این قبیل اشخاص به ایران، برای این که عملیات آنها مورد توجه واقع نشود، در جراید اعلان دستگیری و اعدام آنها را درج می نمایند، و فراریهای روسیه این روزنامه را برای تبرئه خود در موقع لزوم مدرک قرار می دهند. اینک مراتب را به استحضار آن وزارت جلیله می رساند.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی، سرتیپ کوپال

[حاشیه]: اداره اول، سواد به وزارت خارجه فرستاده شود.

ریاست وزرا، ۶ تیر ۱۳۱۰، نمره ۳۰۲۷

وزارت جلیله داخله

اداره تشکیلات کل نظمیه مملکتی نسبت به مهاجرین روسیه که در سنه ماضیه، فراراً به ایران آمده‌اند، پیشنهاد کرده است که چون بر طبق راپرتهای نظمیه‌های ولایات، مهاجرین مزبور به جهت عدم آشنایی به اوضاع و زبان ایرانی، قدرت تهیه شغل و کسبی ندارند و از طرف دیگر هم اهالی از قبول آنها برای زراعت و فلاحه به واسطه عدم اطمینان خودداری می‌کنند و معیشت آنها دشوار و اتصالاً جهت مخارج به نظمیه‌های ولایات مراجعه می‌نمایند [که] در وزارتین داخله و طرق به کارهای بلدی و راهسازی استخدام شوند، لهذا غدغن خواهید فرمود، این قبیل مهاجرین را به کاری مناسب وادارند و نتیجه را اعلام کنند.

[امضا]

[حاشیه]: قبلاً در این باب اقدام و دستور داده شده است که از این اشخاص، هر کدام قادر به کار کردن در عملیات ساختمانی بلدی و طرق باشند، از طرف مامورین ادارات بلدی و طرق به کار گماشته شوند. اینک نیز به‌طوری که مقرر فرموده‌اند، تاکید به عمل آمد. به حکام نقاط مربوطه و به وزارت طرق نوشته شود. ۱۰/۶/۴

وزارت داخله، اداره اول، تیر ۱۳۱۰، نمره ۴۴۶۳

حکومت جلیله خمس

یک عده از مهاجرین شوروی که توقف آنها در مناطق سرحدی مقتضی نبوده به آن جا اعزام شده‌اند. سابقاً هم دستور داده شده بود که باید آنها را به کارهای مختلفه مشغول فرمایند که بتوانند معاش خود را به آن وسیله تأمین نمایند. شکایاتی از آنها می‌رسد که به واسطه عسرت معاش در زحمت هستند و اینک تأکید می‌شود که این اشخاص را به هر نحوی است در کارهای بلدی و طرق از قبیل عملگی یا کارهای دیگر که مقتضی باشد، مشغول و مراقبت نمایند که وسایل معاش آنها تأمین و رفع زحمت و شکایت بشود.

وزارت داخله اداره اول، ۱۳ آبان ۱۳۱۱، نمره ۷۹۲۱

اداره محترم کل تشکیلات نظمیه

عین مشروح و لادیمیردژا خاشویلی نام، تبعه شوروی لغاً ارسال می شود که غدغن فرماید نسبت به اظهارات مشارالیه تحقیق لازم به عمل آورده، نتیجه را با عودت ورقه اطلاع دهند.

[امضا]

حضرت مستطاب اجل آقای وزیر داخله، دام اقباله

۱۲ اکتبر هذه السنه، از طرف تشکیلات نظمیه کل مملکتی به بنده پیشنهاد داده شد که از مملکت ایران خارج شوم. فرض خود می دانم که خاطر انور عالی را مستحضر دارم که مدت ۱۵ سال است که بنده در ایران اقامت دارم و در تمام این مدت به کارهای دولتی اشتغال داشته ام و به سمت میکانیکی راه آهن تبریز و کشتی رانی دریاچه رضائیه و در شرفخانه اقامت داشته ام. در سیاست هیچ وقت دخالت نداشته ام و هیچ گاه تحت محاکمه نبوده ام. تقریباً ده ماه است که از خدمت سابق استعفا کرده و برای پیدا کردن شغل جدیدی به تهران مسافرت کردم، در اوایل ماه جاری تلگرافی از ساری، از رئیس طرق، آقای شفافی، دریافت نمودم، مبنی بر این که بزودی به ساری حرکت کرده، نزد ایشان روم و در راه آهن مشغول کار شوم. بنده برای دریافت جواز به کمیساریا رجوع کرده، ولی عوض دادن جواز، کمیساریا اظهار داشت که «باید شما از مملکت ایران خارج شوید». تلگراف حضرت شفافی را که برای گرفتن جواز به کمیساریا ارائه داده بودم، اینک نمی خواهند مسترد دارند و به علاوه نمی خواهند، قبض رسید، راجع به تذکره دولت شوروی [را] به بنده بدهند. این قبض که شاهد بی میلی و استعفای بنده است از تبعیت دولت شوروی، بی نهایت برای بنده لازم است، زیرا با داشتن قبض مزبور می توانم اقدام کنم که به تبعیت دولت علیه ایران پذیرفته شوم. به واسطه اختلال امور مادی، بنده فوق العاده مایلم شغلی را دارا شوم. لذا با کمال توقیر و احترام خواهش می نمایم که به ادارات مربوطه دستور صادر فرماید که هر چه ممکن زودتر جواز بنده را برای مسافرت به ساری صادر کنند و قبض رسید

نیز راجع به تذکره دولت شوروی که از بنده گرفته‌اند مرقوم دارند.
چون هر قدر سعی کردم نتوانستم موفق شوم که شرفیاب شده، حضوراً عرایض و شکایات
خود را به عرض رسانم با پست ارسال حضور انورتان می‌دارم. ۱۱/۷/۳۰ تهران [امضا]

۱۹

۲۶۴

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره اقامت اتباع خارجه،
۱۴ آذر ۱۳۱۱، نمره ۳۳۷۲۸/۴۶۳۳

مقام محترم وزارت جلیله داخله

عطف به مرقومه نمره ۷۹۴۱ متضمن مشروح ولادیمیردژخاشویلی، تبعه دولت شوروی
دارنده تذکره نمره ۱۴۴۵، مورخه ۱۹۲۵/۱/۱۰ صادره از ...^۱ با اعاده مشروح مزبور، به
استحضار آن وزارت جلیله می‌رساند، نظر به این که مشارالیه از عناصر نامطلوب شناخته شده و
اقامت او در ایران منافی و مخالف مصالح می‌باشد، به او اخطار گردید از خاک ایران خارج شود.
رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی، سرتیپ آیرم

۲۰

۲۶۵

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه، نظمیه اصفهان، شعبه سیاسی،
۲۹ خرداد ۱۳۱۲، نمره ۲۱۷

مقام محترم حکومت جلیله، دامت شوکته

به طوری که خاطر محترم مستحضر است و مکرر به عرض رسانیده، عده‌ای قریب شصت
نفر مهاجرین شوروی و غیره حسب الامر مقامات عالی به اصفهان اعزام شده‌اند که در این جا
مشغول کار شده، اعاشه نمایند. عده‌ای از اینها خودشان کار پیدا کرده و چند نفر نیز حسب الامر
در اداره محترم بلدییه پذیرفته شده‌اند. جمعی دیگر هستند که اخیراً اعزام شده‌اند و دارای عیال
و اطفال خردسال و مطلقاً راه اعاشه ندارند و وضعیت آنها از هر جهت رقت‌آور است. با ریاست
محترم بلدییه مذاکره شد، مساعدتهای لازمه را کرده و چند نفری را به کار گمارده‌اند. بقیه را

۱. یک کلمه از متن سند افتاده است.

اظهار می‌دارند جز عملگی و سپوری نمی‌توانند به کاری بگمارند.» چون تمام این اشخاص که هر یک مشاغلی در خارجه داشته و بعضی از آنها نیز صنعتگر هستند، حاضر نیستند عملگی و آب پاشی نمایند و بعضی هم به واسطه کبرسن یا علت مزاج و وضعیت سابقه و خانوادگی مقتضی نیست مجبور کرد عملگی نمایند و از نقطه نظر این که این اشخاص پناهنده به مملکت شاهنشاهی شده، سزاوار نیست با حالت گرسنگی و بیچارگی در اصفهان سرگردان بمانند، مراتب را به عرض می‌رساند که حکومت جلیله فکر اساسی برای عده فعلی و اشخاصی که بعداً اعزام می‌شوند بفرماید. این اداره عقیده دارد، چنانچه حکومت جلیله مقتضی بدانند یک نفر نماینده تعیین، با نماینده بلدی و ریاست تفتیش و سیاسی نظمیه، کمیسیونی تشکیل و با مراجعه به پرسنل آنها که در نظمیه تشکیل شده هر یک را به کاری بگمارند و برای عملی شدن، این طور به نظر می‌رسد که چنانچه دهات خالصه دولتی در اصفهان است با اداره مالیه مذاکره شود، عده‌ای که زارع هستند به دهات خالصه اعزام شوند و آنهایی که صنعتگرند، ریاست محترم بلدی، رؤسای هر صنفی را خواسته قرار بگذارند آنها را به کاری وادارند و کسانی که مطلقاً از زراعت و صنعت اطلاع ندارند در اداره محترم بلدی و مؤسسات دیگر و ادارات مقتضی بوده شوند. فعلاً صورت عده‌ای که این دو روزه وارد و خیلی پیرشان هستند، متضمناً تقدیم و استدعا دارد تصمیم عاجلی اتخاذ و مرقوم فرمایند که از همان قرار عمل شود. چنانچه صورت کلیه مهاجرین لازم است مرقوم فرمایند فرستاده می‌شود.

کفیل نظمیه اصفهان [امضا]

تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره سیاسی، ۱۹ تیر ۱۳۱۲، نمره ۳۵۸۲ / ۶۸۳۳

تعقیب دستورات سابق در خصوص مهاجرین، چون مقرر شده است مهاجرین در نتیجه اشتغال به کار، معاش خودشان را تأمین نمایند، لذا در نقاطی که اقامت آنها مجاز است باید با اطلاع حکام به دهات و قراء تقسیم کنید که تحت نظر نایب الحکومه‌ها و کدخدایان و مامورین امنیه، مشغول به امور رعیتی یا شغل دیگری بشوند و مخصوصاً مامورین موظف هستند برای آنها کار تهیه نمایند تا مرتکب سرقت و اعمال بی‌رویه نگردند. نتیجه اقدامات را راپرت کنید.

مورخه ۱۲/۵/۱۹ از طرف رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی سرهنگ رکن‌الدین.

وزارت داخله، اداره سیاسی، ۲۱ تیر ۱۳۱۲، نمره ۳۲۴۹، محرمانه

مقام محترم وزارت جلیله داخله

عطف به مرقومه محترمه نمره ۳۰۲۲ و ضمائم آن در خصوص مهاجرین مقیم اصفهان به استحضار آن وزارت جلیله می‌رساند، نظر به این که مهاجرینی که از روسیه فراراً به ایران می‌آیند، اشخاص مجهول الهویه هستند و سابقه‌ای از آنها در دست نیست و بایستی در طی توقف، عملیات آنها معلوم گردد، توقف مهاجرین مزبور در حدود سرحدات شمال و شمال غرب صلاحیت ندارد و به همین جهت برای اقامت به شهرهای مرکزی سوق داده می‌شوند. نظمیۀ اصفهان به حکومت پیشنهاد نموده است کمیسیونی تشکیل و برای این که آنها به امور زراعت در قرای حومه اصفهان وادار شوند، اقدام لازمی به عمل آید. متمنی است امر فرماید به حکومت اصفهان تعلیمات لازم صادر نمایند، مهاجرینی که شغل آنها زراعت است به قرای حومه اصفهان غیر از بختیاری، خصوصاً فریدن برای امر فلاحت معرفی گردند و ضمناً به نایب‌الحکومه‌ها و کدخدایان و مامورین امنیه دستور دهند مراقب اعمال و افعال آنها بوده، چنانچه مبادرت به اعمال سوئی بنمایند، راپرت کنند تا طبق مقررات در تعقیب آنها اقدام شود. تشکیلات نظمیۀ کل مملکتی

[حاشیه]: سواد در جواب مراسله نمره ۲۸۲۶ حکومت جلیله اصفهان ارسال می‌گردد که تعلیمات لازمه صادر فرمایند.

[امضا]

وزارت داخله، اداره سیاسی، متحدالمال، ۲۲ تیر ۱۳۱۲، نمره ۳۲۵۳

حکومت جلیله اصفهان

در تعقیب تعلیمات سابقه، راجع به مهاجرین اشعار می‌دارد که اساساً منظور این است، این اشخاص به کارهای مختلفه عملگی یا فلاحتی و هر نوع کارهای دیگری که از آنها ساخته است به فراخور حال مشغول بشوند تا به آن وسیله بتوانند معاش خود را تأمین بنمایند و کلیۀ مامورین باید برای انجام این منظور و تهیه وسایل اعاشه آنها اقدامات لازمه به عمل بیاورند. و مامورین نظمیۀ مخصوصاً کمال مراقبت را داشته باشند که عملیات خلاف انتظامی مرتکب نشوند.

[امضا]، مهر وزارت داخله

۲۴

۲۶۹

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه، نظمیه اصفهان، شعبه سیاسی،
۲۶ تیر ۱۳۱۲، نمره ۳۳۶/۲۶۴، محرمانه

اداره جلیله حکومتی

سواد متحدالمال اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی را در تعقیب $\frac{۲۱۷}{۱۲/۳/۲۹}$ برای استحضار خاطر محترم لفاً تقدیم می دارد. فعلاً قریب چهل نفر از مهاجرین شوروی که بعضی از آنها دارای عائله هستند، در اصفهان متوقف می باشند.

چند نفر از ملاکین از قبیل آقارضاخان کاشفی و فخرالاشراف، چندی پیش برای بردن آنها را به املاک خود، به این اداره مراجعه کرده اند. مستدعی است برای پیشرفت منظور، تشکیلات کل نظمیه نسبت به مهاجرین فوق الذکر تصمیم مقتضی اتخاذ و از نظریات حکومت جلیله، این اداره را مستحضر فرمایند. در خاتمه به عرض می رساند که مهاجرین را مطابق دستور نمی توان به فریدن اعزام داشت.

کفیل نظمیه اصفهان [امضا]

[حاشیه]: جواب دهید، چنانچه آقایان مزبور، مایل به بردن مشارالیه به املاک خود هستند، مانعی نیست. در قسمتهای دیگر مطابق دستور اداره محترم نگهداری شود.

۲۵

۲۷۰

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه، نظمیه اصفهان، شعبه سیاسی،
۲ مرداد ۱۳۱۲، نمره ۳۵۳/۳۸۱

اداره جلیله حکومتی

عطف به مرقومه نمره ۳۵۶۳ متضمن سواد متحدالمال نمره ۳۲۵۲ وزارت جلیله داخله در خصوص مهاجرین زحمت می دهد، به طوری که در نمره ۲۱۷ معروض داشت، بایستی حکومت جلیله فکر اساسی برای کلیه مهاجرین بفرمایند، زیرا بدون تصمیم قطعی و ترتیب اساسی نمی توان اقدامی به عمل آورد. دو نفر از ملاکین هم که برای بردن چهار نفر از مهاجرین مراجعه کردند، بالاخره عملی نشد. چنانچه حکومت جلیله با نظریه مراسله فوق الذکر نظمیه

موافقت دارند و مقتضی دانند، در جلسه هیأت ملاکین ترتیبی برای اعزام این عده به دهات اتخاذ فرمایند. این دو روزه نیز قریب بیست نفر وارد و بلا تکلیف و بی خرجی هستند. مستدعی است فکر عاجلی برای اجرای دستور مرکز بفرمایند که تکلیف قطعی مهاجرین فعلی و اشخاصی که جدیداً وارد می شوند معلوم باشد. کفیل نظمیه اصفهان [امضا]

[حاشیه]: جواب دهید بهتر است، اولاً نظمیه مشخص [کند] در میان عده مذکور چند نفر زارع و چند صنعتگر با تعیین این که در چه رشته ای مهارت دارند، معین کند تا اقدام لازم به عمل آید.

۲۶

۲۷۱

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه، نظمیه اصفهان، ۵ مرداد ۱۳۱۲، نمره ۴۸۲/۴۰۸

اداره جلیله حکومتی

عطف به نمره ۴۶۳۳، در تعقیب مذاکرات شفاهی، چند نفر از مهاجرین را برای عملگی به کارخانه بافندگی و ریسندگی اعزام داشته، ولی از پذیرفتن آنها خودداری کرده اند. به طوری که راپرت می رسد، چند نفر آنها از فرط گرسنگی و بی چیزی مریض شده اند. مستدعی است مقرر فرمایند تا وصول نظریه مرکز فعلاً آنهایی را که از عهده عملگی بر می آیند، در کارخانه مزبور بپذیرند. کفیل نظمیه اصفهان [امضا]

۲۷

۲۷۲

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه، نظمیه اصفهان، شعبه سیاسی،

۸ مرداد ۱۳۱۲، نمره ۳۷۲/۳۰۱

اداره جلیله حکومتی

عطف به نمره ۳۷۱۸، صورت کلیه مهاجرینی که فعلاً متوقف هستند، منضمماً تقدیم و خاطر حکومت جلیله را مستحضر می دارد. عده ای به شوفری، میکائیکی و کفاشی اشتغال، ولی بقیه شغل معینی ندارند. یک روز فعلگی نموده روزهای دیگر بیکار هستند. مستدعی است تصمیم قطعی برای آنها تعیین و اعلام فرمایند.

کفیل نظمیه اصفهان [امضا]

۲۸

۲۷۳

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه، نظمیه اصفهان، شعبه سیاسی،

۲۴ مرداد ۱۳۱۲، نمره ۴۳۴/۳۶۲

اداره جلیله حکومتی

تعقیب مراسله نمره ۳۷۲/۳۰۱ - ۱۲/۵/۸، سه ورقه صورت مهاجرین را منضمماً تقدیم و ضمناً به عرض می‌رساند، به طوری که ملاحظه می‌فرمایند، جمعی از این اشخاص حرفه صنعتی ندارند. بیکار و برای عملگی هم حاضر نیستند. بر فرض بعضی از آنها هم فعلاً برای عملگی حاضر شوند، در زمستان بیکار خواهند بود. چون همه روزه جمعی از آنها در نظمیه حاضر شده، تقاضای شغل نموده، اظهار گرسنگی می‌نمایند و اوقات مامورین مربوطه را اشغال، و به علاوه مقتضی نیست در شهر بیکار و ولگرد باشند. مستدعی است تصمیم عاجلی اتخاذ و جواباً اعلام فرمایید تا امریه عالی درباره آنها اجرا شود.

کفیل نظمیه اصفهان [امضا]

۲۹

۲۷۴

وزارت داخله، حکومت اصفهان، ۶ شهریور ۱۳۱۲، نمره ۴۸۷۲

اداره جلیله نظمیه

عطف نمره ۴۸۲/۴۰۸، به رئیس کارخانه ریسندگی و بافندگی دستور مقتضی داده شد.

[امضا]

۳۰

۲۷۵

وزارت داخله، حکومت اصفهان، ۹ شهریور ۱۳۱۲، نمره ۵۰۰۳

اداره جلیله نظمیه

عطف به مراسله نمره ۴۸۲/۴۰۸، سواد مشروح به شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی

اصفهان لفافه ارسال می‌شود. [امضا]

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه، نظمیه اصفهان، شعبه سیاسی،

۷ شهریور ۱۳۱۲، نمره ۴۹۲/۴۱۵

اداره جلیله حکومتی

تعقیب نمره ۴۸۲/۴۰۸، چند روز است، عده‌ای از زن و مرد مهاجرین بر اثر بیکاری و گرسنگی در چهار باغ با وضعیت رقت‌انگیزی مشغول تکدی و چند نفرشان نیز مریض شده‌اند. این اداره تا سرحد امکان با آنها مساعدت کرده است، لیکن به طوری که در معروضه نمره ۱۴۷/۱۱۰، پیشنهاد شده، بالاخره بایستی کمیسیون از نمایندگان حکومت جلیله بلدی و نظمیه تشکیل و به وضعیت آنها رسیدگی نموده، به هر یک کاری مراجعه نمایند. فعلاً اقدام عاجل دو چیز است که می‌تواند از وضعیت آنها جلوگیری نماید. یکی امر فرماید رئیس نظیف و ساختمان بلدی بدون عذر و تأمل اشخاصی را که از تفتیش به آن جا می‌فرستند، به کار عملگی و سپوری بگمارند و روزانه اجرت آنها را تادیه نمایند. دیگر این که انفرمیه شفاخانه خورشید و طبیب امدادی، همیشه یکی دو مرتبه به آنها سرکشی نماید. در خاتمه چنانچه رأی عالی اقتضا فرماید، مقرر فرماید از طرف شیر و خورشید سرخ مساعدتی با چند نفر آنها که پیر و ناتوان و بی‌کس و قادر به کار کردن نیستند بشود. منتظر اقدام مقام عالی است.

کفیل نظمیه اصفهان [امضا]

[حاشیه]: اداره شیر و خورشید، محلی برای اعانت ندارد. از بلدی مراتب را تحقیق و سپس جواب دهید.

شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی اصفهان، سرمایه اولیه ۳۱۴۰۰۰۰ ریال،

۷ شهریور ۱۳۱۲، نمره ۶۷

مقام محترم حکومت جلیله اصفهان، دامت شوکته

مرقومه مبارک نمره ۴۸۷۳ - ۱۲/۶/۶، متضمن سواد مراسله اداره محترم نظمیه، راجع به مهاجرین، زیب وصول یافت. جواباً به استحضار خاطر مبارک می‌رساند، این که اداره محترم نظمیه، معروض داشته است کارخانه ریسندگی از پذیرفتن چند نفر مهاجرین خودداری نموده

است، واقع امر این است که شش روز است، پنج نفر آنها را که اداره نظمیه اعزام داشته بود، در این کارخانه مشغول کار می‌باشند و گذشته از این که سابقه عملگی نداشته و از عهده کاری برنمی‌آیند، و ندانستن زبان هم مزید بر اشکال شده است. مع‌هذا برای امثال امر مبارک با آنها مدارا شده و به کارهای ساده آسان گماشته شده‌اند. با این وصف تصدیق خواهند فرمود که کارخانه به سهم خود از آنها دستگیری کرده و قبول آنها پیش از این عده، موجب خسارت شرکا و مسئولیت این جانبان خواهد بود.

[امضا]: الحاج سید جوادی، اقل حیدر اردلان، مهر شرکت

۳۳

۲۷۸

وزارت داخله، حکومت اصفهان، ۹ شهریور ۱۳۱۲، نمره ۵۰۷۵

وزارت جلیله داخله

در تعقیب راپرت نمره ۴۷۹۲، راجع به مهاجرین معروض می‌دارد، نیمی از دویست مهاجرین مزبور به حالت بی‌تکلیفی و گرسنگی و مرض در کوچه‌ها و خیابانها مستدعی است عاجلاً در این باب دستورات لازمه صادر فرمایند.

۲۷۹

وزارت داخله، حکومت اصفهان، ۹ شهریور ۱۳۱۲، نمره ۵۰۷۴

اداره محترم بلدیہ

سواد مراسله نمره ۴۹۲/۴۱۵ به اداره نظمیه لفاً ارسال می‌شود و لازم است در ضمن اشتغال مهاجرین مزبور به عملگی تا حد امکان اقدام و برای معاینه مرضای آنها هم به طوری که تقاضا شده است به شفاخانه خورشید دستورات لازمه داده، نتیجه را اطلاع دهید.

[امضا]

وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیه، نظمیه اصفهان، شعبه سیاسی،

۱۲ شهریور ۱۳۱۲، نمره ۵۰۰/۴۲۳

مقام محترم حکومت جلیله، دامت شوکته

به طوری که طی مراسلات عدیده به عرض رسیده، اغلب از مهاجرین که به اصفهان وارد می شوند، علاوه بر آن که به حدی پیرو فرسوده هستند که از عهده انجام کاری بر نمی آیند، لدی الورود گرسنه اند و محتاج به مساعدت آنی می باشند. در موضوع این اشخاص که فاقد استعداد جسمانی برای کار هستند شرحی به مرکز عرض شد. جواباً طی نمره ۷۸۸۵، مرقوم داشته اند که مخارج آنها باید از بودجه بلدیه یا خیریه تادیه شود و بنابراین مستدعی است، دستور فرمایند اداره بلدیه برای کمک خرج این قبیل مهاجرین که نظمیه معرفی می نماید از موسسه شیر و خورشید یا محل دیگر ترتیبی بدهند که این گونه اشخاص تا حدی آسوده شوند. کفیل نظمیه اصفهان [امضا]

وزارت داخله، بلدیه اصفهان، ۱۴ شهریور ۱۳۱۲، نمره ۲۶۵۰

مقام محترم حکومت جلیله، دامت شوکته

عطف به مرقومه نمره ۵۰۷۴، متضمن سواد مراسله اداره محترم نظمیه، راجع به مساعدت با مهاجرین معروض می دارد، در حدود امکان با آنها مساعدت شده و خدمت به آنها رجوع گردیده، مرضای آنها را هم در مریضخانه معالجه نموده اند، باز هم مساعدت خواهد شد. رئیس بلدیه [امضا]

۳۷

۲۸۲

وزارت داخله، حکومت اصفهان، ۱۵ شهریور ۱۳۱۲، نمره ۵۲۱۸

اداره محترم نظمیه

عطف به مراسله نمره ۵۰۰/۴۲۳، اشعار می شود. در بودجه بلدییه برای این قبیل مصارف، محلی منظور نشده مؤسسه شیر و خورشید سرخ نیز چنانچه اطلاع دارید، تازه تأسیس شده و سرمایه ای که بتواند به مصرف این قبیل اعمال خیریه برساند ندارد. برای حل این مشکل به مرکز مراجعه شده است. چنانچه دستوری دادند البته از نتیجه مستحضر خواهند شد.

[امضا]

۳۸

۲۸۳

وزارت داخله، اداره امور سیاسی، ۱۹ شهریور ۱۳۱۲، نمره ۴۵۷۸، محرمانه

حکومت جلیله اصفهان

مراسله نمره ۴۷۹۲، راجع به مهاجرین شوروی و اصل و به طوری که در ضمن مراسله نمره ۳۲۴۹، اشعار گردید، چون اقامت این اشخاص در مناطق سرحدی مقتضی نبوده، لهذا به داخله مملکت اعزام شده اند و تصمیم این است، در شهر و دهات به استثنای نقاطی که ملل مسیحی سکونت دارند به کارهای مختلفه مشغول شوند و ضمناً مأمورین امینه و نظمیه و کدخدایان در شهر و دهات مراقب رفتار آنها باشند که بر خلاف نظم و سیاست اقدامی نکنند. این قبیل مهاجرین به تمام شهرهای مرکزی مملکت فرستاده شده، در میان آنها صاحبان حرف و صنایع هستند که از وجودشان می توان استفاده کرد و به طور کلی منظور هیأت محترم دولت این است که به هر یک [از] آنها در خور استعداد و قابلیت که دارند، کارهای مختلفه از قبیل صنعتگری یا عملگی یا فلاحتی رجوع شود که بتوانند به آن وسیله معاش خود را تأمین نمایند. البته تجمع همه آنها در شهر اقتضا نخواهد داشت و با جلب نظر اداره نظمیه و امنیه محل ممکن است یک عده را به دهاتی که مناسب است اعزام نمایند و ترتیبی برای اشتغال آنها به کارهای مختلفه بدهند.

در خاتمه برای اطلاع حکومت جلیله اشعار می دارد که مطابق اخبار واصله مهاجرت این

قبیل اشخاص از خاک شوروی تقلیل یافته و تصور نمی‌رود عده دیگری بعدها به اصفهان یا جاهای دیگر اعزام شود.

[امضا]، مهر وزارت داخله

وزارت داخله، ۳ خرداد ۱۳۱۶، نمره ۱۶۶/۳۹۱

ریاست وزرا

از چندی به این طرف، عده‌ای از مهاجرین شوروی که به عنوان پناهندگی به کشور ایران آمده و در نقاط مختلفه کشور زندگانی می‌کنند و مامورین شهربانی هم مراقب اعمال آنها بوده‌اند، در صدد تحصیل تابعیت دول خارجی، از قبیل ترکیه و آلمان برآمده و چند نفر آنها هم تاکنون موفق به قبول تابعیت بعضی از کشورهای خارجی و اخذ گذرنامه شده‌اند، ولی چون قبلاً به نام مهاجرت و پناهندگی بدون گذرنامه مرتب و اجرای مقررات ورود اتباع خارجه در ایران توقف داشته و مطابق مقررات مخصوص با آنها رفتار و تحت نظر می‌باشد، اداره کل شهربانی تابعیتی را که بعداً در ایران تحصیل می‌نمایند بر خلاف مقررات دانسته و پیشنهاد نموده‌اند که این گونه اشخاص که در حین توقف ایران تابعیت خود را تغییر می‌دهند، باید از کشور شاهنشاهی خارج شده و در صورت تمایل، طبق مقررات از نماینده دولت شاهنشاهی در خارجه اجازه ورود تحصیل و به ایران معاودت نمایند، و البته چون معاودت این اشخاص به ایران مقتضی نیست و اداره کل شهربانی، پس از این که قبول تابعیت خارجی را نمودند، دیگر نمی‌توانند عملیات آنها را تحت مراقبت قرار دهند و باید با آنها معامله اتباع خارجه نمایند و ممکن است از این آزادی سوء استفاده کرده و مبادرت به عملیاتی که مخالف مصالح کشور باشد بنمایند، لهذا با موافقت نظر وزارت امور خارجه انجام این منظور را موکول به صدور تصویب‌نامه از طرف هیات دولت دانسته‌اند که بعد از صدور، به مامورین مربوطه دستور داده شود از دادن ویزا به این اشخاص خودداری نمایند. بنابراین مراتب معروض می‌گردد که مقرر فرمایید، تصویب نامه صادر و به وزارت داخله ابلاغ نمایند.

[امضا]

ریاست وزرا، ۲۲ خرداد ۱۳۱۶، نمره ۷۶، محرمانه

وزارت داخله

گزارش شماره ۱۶۶/۳۹۱ دریاب مهاجرین شوروی که به عنوان پناهندگی به کشور ایران آمده و در نقاط مختلفه کشور زندگانی می‌کنند، در صدد تابعیت دول خارجی برآمده‌اند. ملاحظه جواباً اشعار می‌شود، لازم است صورت دقیقی از مهاجرین که تابعیت خارج را قبول کرده‌اند تهیه نموده، به هیأت وزرا بفرستید، چون اقامت اتباع خارجه در ایران بسته به داشتن جواز اقامت است، در هر مورد که مقتضی بدانند، شهربانی جواز اقامت این اشخاص را ضبط و از ایران خارج نماید.

رئیس‌الوزرا محمود جم [امضا]

وزارت داخله، اداره کل شهربانی، ۳۰ مرداد ۱۳۱۶، نمره ۱۸۲۹۲

وزارت داخله

معمولاً مهاجرین کلیمی شوروی که از مرز عشق‌آباد از راه غیر مجاز، بدون گذرنامه و سند تابعیت به کشور شاهنشاهی وارد می‌شوند، از مشهد به کرمانشاهان اعزام و با صدور لسه پاسه از طرف شهربانی آن جا و اخذ ویزا از قنصلگری انگلیس به فلسطین عزیمت می‌نمایند، و بدین وسیله از اقامت آنها در کشور شاهنشاهی جلوگیری می‌شود. به طوری که شهربانی کرمانشاهان گزارش می‌دهد، اخیراً از سفارت انگلیس به قنصلگری آن جا دستور داده شده است، به واسطه انقلاب در فلسطین، از صدور ویزا نسبت به مهاجرین مزبور خودداری شود. و به قرار معلوم تا رفع غائله فلسطین به آنها ویزا داده نخواهد شد. فعلاً عده‌ای از این قبیل مهاجرین در کرمانشاهان متوقف و بلا تکلیف بوده و اقامت و تجمع آنها در نقاط مرزی مقتضی نخواهد بود. متمنی است غدغن فرمایید از هر اقدامی که در این خصوص به عمل خواهد آمد، این اداره را مستحضر نمایید.

رئیس اداره کل شهربانی سر پاس مختار [رکن‌الدین]

وزارت داخله، اداره سیاسی، ۴ شهریور ۱۳۱۶، نمره ۹۰۹، تلگراف رمز

یهودیه‌ها [بی] که در کرمانشاهان جمع شده‌اند، چند نفر [ند] و آیا هنوز قنصلگری انگلیس در دادن ویزا به آنها امتناع دارد یا خیر؟

وزارت داخله، استخراج تلگراف کرمانشاه، ۳ مهر ۱۳۱۶

داخله، ۹۰۹، یهودیه‌های مهاجر عبارت هستند: ۲۹ مرد، ۲۵ زن، ۲۴ پسر [و] ۲۱ دختر، قنصلگری انگلیس هنوز ویزا نمی‌دهد، ولی محتمل است بعد از دو سه ماه بدهند. ۷۹۰۰، ییگری

ریاست وزراء، شهریور ۱۳۱۶، نمره [افتاده است]

وزارت داخله

در جواب نامه شماره ۳۴۱/۱۰۰۵، در باب کلیمیه‌های مهاجرین شوروی که از مرز عشق‌آباد از راه غیر مجاز، بدون گذرنامه و سند تابعیت به کشور شاهنشاهی وارد و معمولاً از مشهد به کرمانشاهان اعزام شده و فعلاً در کرمانشاهان متوقف و بلا تکلیف مانده‌اند، اشعار می‌گردد، برای جلوگیری از مشکلات وجود این قبیل اشخاص، لازم است دستور مقتضی به شهربانی و امنیه و ایالت خراسان صادر فرمایند. به طور کلی از ورود کلیمیه‌ها به ایران ممانعت نموده و نگذارند عده دیگر [ی] به آنها اضافه شود. و راجع به یهودیه‌هایی که در کرمانشاهان جمع شده‌اند، لازم است به آنها گفته شود که توقف مشارالیه‌م در کرمانشاهان صلاح خود آنها نیست، بهتر این است که به بغداد رفته، در آن جا توقف و منتظر تعیین تکلیف باشند. چنانچه به این گفته قانع نشده و از آن جا حرکت نکنند، ضرورت ندارد مزاحم و متعرض آنها بشوند.

رئیس‌الوزراء، محمود جم [امضا]

[حاشیه]: رونوشت نامه فوق به اداره کل شهربانی ارسال گردید تا به طوری که مذکور گردیده است، اقدام فرمایند.

وزارت داخله

اخطار [ی] از شعبه اقامت اتباع خارجه اداره شهربانی، در تاریخ ۱۵/۳/۱۶ در تحت شماره ۵۳۵۳ به این بنده ژرژ گراسیموف ابلاغ گردیده است که بر طبق مدلول قانون ورود و اقامت اتباع خارجه (بند ج) از کشور ایران خارج شوم. نظر به این که این بنده، مدت هفت سال است که در ایران می باشم و از مهاجرین روسیه هستم و بر طبق مدارک موجوده که از اداره طرق و آقای حسن وثوق و سایرین در دست دارم، در این مدت با کمال صداقت مشغول انجام وظیفه بوده و تقریباً چهار سال است که در قریه جعفرآباد با قراف مشغول فلاحت می باشم و چندین هزار درخت به عمل آورده و چندین هزار حیوانات اهلی پرورش نموده ام که عملیات بنده موجب سرمشق سایر رعایا و اسباب آبادانی بوده است و هیچ گاه داخل امور سیاسی نبوده و چون تخصص بنده در علم فلاحت است از این جهت همیشه اوقات در دهات به شغل و کسب خود مشغول بوده ام و چون از وجود بنده ضرری متوجه کشور ایران نگردیده، بلکه اسباب آبادانی و سرمشق دیگران بوده ام، بنابراین مطابق ماده ۱۲ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه تقاضای تجدید نظر و رسیدگی کامل به اوضاع و احوال خود و مدارک موجوده که در دست دارم می نمایم، زیرا بنده از مهاجرین و روس سفید هستم و کشور ایران را وطن ثانی خود می دانم و چون مدت هفت سال هم در ایران بوده و هستم، مطابق قانون هم حق ورود به تابعیت ایران را دارم. در خاتمه عاجزانه استدعای رسیدگی کامل و دستور مقتضی به اداره شهربانی را دارم.

[امضا]

وزارت داخله، بی تاریخ، بی نمره

ژرژ گراسیموف، مهاجر روسی، عرض حالی به وزارت داخله داده و اظهار کرده بود: از طرف اداره کل شهربانی به او اخطار شده است از ایران خارج شود و مشارالیه بر طبق ماده ۱۲ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه، تقاضای تجدید نظر نسبت به این تصمیم نموده بود. لهذا کمیسیون تجدید نظر در جلسه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۶ تحت ریاست جناب آقای فروهر، کفیل

وزارت داخله، با حضور آقای فرهت، مدعی‌العموم، آقای دانشور، نماینده اداره کل شهربانی و آقای همایون، معاون اداره سیاسی وزارت داخله، تشکیل، به پرونده و سوابقی که از اداره کل شهربانی آورده بودند مراجعه و با توضیحاتی که نماینده اداره کل شهربانی دادند، تصمیم متخذه در اخراج مشارالیه از طرف کمیسیون تأیید گردید.

[امضا]

۴۷

۲۹۲

وزارت داخله، اداره سیاسی، ۱۴ تیر ۱۳۱۶، نمره ۱۲۵۷

اداره کل شهربانی

عین نامه چهارده نفر از مهاجرین شوروی، به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، در شکایت از تبعید خودشان از تبریز به یزد و تقاضای معاودت به تبریز، لفاً ارسال می‌گردد. غدغن فرمایید اقدامی که مقتضی است به عمل آورده، وزارت داخله را نیز از نتیجه اقدام مستحضر دارند. نامه را هم اعاده فرمایند.

[امضا]

۴۸

۲۹۳

۱۳۱۶/۳/۴

به پیشگاه اقدس اعلیحضرت پهلوی، شاهنشاه ایران، دامت شوکته

فدویان، امضاکنندگان ذیل با کمال امیدواری به عرض عالی می‌رسانند. ما بندگان^۱ از فشار دولت بالشاویک از خاک روسیه مهاجرت^۲ کرده، به سایه اقدس اعلیحضرت ارواحنافداه پناهنده شده‌ایم. از نه ماه گذشته که ما را از شهر تبریز به شهر یزد تبعید کرده‌اند، چون زبان ما ترک است، زبان فارس نمی‌دانیم، مثل مرغ در قفس مانده‌ایم و هوای این سرزمین با طبیعت^۳ ما موافقت ندارد، با تمام اهل بیت صغیر و کبیر، چهارده نفر هستیم. زنان و بچگان^۴ ما همه مریض

۱. اصل: بنده‌گان

۲. اصل: مهاجرت

۳. اصل: تبیعت

۴. اصل: بچه‌گان

و یک نفر از بچگان ما وفات کرده. از شدت سرمای زمستان و تنگی معاش، عسرتها کشیده‌ایم، که مقصر دربار اعلیحضرت را این قدر جزا نمی‌دهند و حال آن‌که از ما هیچ تقصیری سر نزده. حالا گرمای یزد روز به روز شدت می‌کند. اگر این تابستان را این جا بمانیم، شبه نیست که صغیر و کبیر ما همه تلف خواهیم [شد]. امیدوار هستیم مراحم عالیّه قبله عالم، این مظلومیت را قبول فرموده، امر عودت فدویان به ترکستان ایران [را] صادر فرمایند.

محل امضای مشهدی محمد، اسماعیل، مشهدی حسین

وزارت داخله، اداره کل شهربانی، ۲۹ تیر ۱۳۱۶، نمره ۱۲۱۵۶/۱۲۲۸

وزارت داخله

معطوفاً به نامه شماره ۱۲۵۷، با اعاده عین عریضه چهارده نفر، مهاجرین شوروی که به پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تقدیم داشته‌اند، اشعار می‌دارد، کلیه مهاجرین دارای وضعیت خاصی می‌باشند و توقف آنها در شهرهای غیر مجاز ممنوع است. اشخاص مزبور هم برای اقامت به یزد اعزام شده و تحت مراقبت می‌باشند و آذربایجان غربی و شرقی از نقاط ممنوعه و مهاجرین نباید در آن حدود متوقف باشند.

رئیس اداره کل شهربانی سر پاس مختار [امضا]

اداره کارگزینی، ۹ خرداد ۱۳۱۷، نمره ۶۴۷، محرمانه

بخش نامه

مقتضی است، دستور فرمایید از استخدام مهاجرین اتباع شوروی خودداری نموده و به هیچ اسم و رسم آنها را به خدمت نپذیرند.

به جای وزیر داخله فریدونی

فصل پنجم

روابط فرهنگی

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، مراسله حکومت خراسان

۲۳ اسفند ۱۳۰۹، نمره ۱۵۰۱۰

اداره محترم نظمیه ناحیه شرق

ضمن مشروح‌ای جنرال قنصل دولت شوروی در مشهد، تقاضای افتتاح کلویی به نام کلوپ اتباع شوروی در مشهد، [را] نموده^۱ و نظامنامه آن را برای ملاحظه و تصویب فرستاده‌اند. اینک با ارسال صورت نظامنامه مقرر می‌شود برطبق جریان عادی و قانونی افتتاح کلوپهایی که به تصویب دولت رسیده، در این امر اقدام و نتیجه را زودتر برای اطلاع ایالت اشعار دارید. والی ایالت خراسان و سیستان، محمود جم

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی اداره اطلاعات،

۲۲ فروردین ۱۳۱۰، نمره ۵۷۰/۲۱۱

مقام محترم وزارت جلیله داخله

سواد راپرت نظمیه خراسان به ضمیمه سواد نظامنامه کلوپ شوروی در مشهد را لفاً ایفاد می‌دارد تا به هرطور مقتضی است، مقرر فرمایید اقدام نمایند. و چون صورت اسامی هیأت مدیره کلوپ تعیین نشده بود، به نظمیه آن جا دستور داده شد که صورت اسامی مزبوره را مطالبه نماید. پس از وصول ایفاد خواهد شد.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی، سرتیپ کوپال

۱. اصل: تقاضا نموده

۳

۲۹۸

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، راپرت نظمیه مشهد،

۱۱ فروردین ۱۳۱۰، نمره ۵۵۷/۹۲

مقام عالی ریاست محترم کل تشکیلات نظمیه مملکتی، دامت شوکته

مورخه ۲۳ اسفند ۱۳۰۹. ایالت جلیله خراسان، نمره ۱۵۰۱۰ که ورقه نظامنامه کلوپ اتباع شوروی را ارسال و اشعار داشته: «جنرال قنصول دولت شوروی در مشهد تقاضای افتتاح کلویی به نام کلوپ اتباع شوروی در مشهد نموده و نظامنامه آن را برای ملاحظه و تصویب فرستاده‌اند، لذا برطبق امریه رمز نمره ۴۲۵۴ مانع افتتاح نشده. اینک سواد نظامنامه ارسالی را برای استحضار خاطر عالی تقدیم که هر قسم امر فرمایند اطاعت گردد.

رئیس نظمیه ناحیه شرق، سرهنگ نوائی.

۴

۲۹۹

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، نظامنامه کلوپ

اتباع اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مشهد

۱- نام القصر کلوپ:

۲- کلوپ شوروی مشهد که به نام کلوپ اتباع اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مشهد موسوم است، این مقصد را تعقیب می‌کند که اتباع شوروی را در زمینه توسعه‌ی علایی تمدنی و اجتماعی و معارفی و ادبی و ورزشی و غیره، مجتمع ساخته و برای اعضای کلوپ موجبات استراحت معارفی و عاقلانه و تفریحات سالم را فراهم آورد.

نظر به مراتب فوق عملیات کلوپ عبارت خواهد بود از: تأسیس مجالس شب‌نشینی ادبی و اجتماعی و مجالس خطابه و کنسرت و سینما و هیاتهای تأترال و معارفی و غیره و تأسیس سیاحتها و مسابقه‌ها و بازیهای ورزشی و همچنین اصلاح و تکمیل دائمی کتابخانه و قیمت کتب

۳- اعضای کلوپ:

[۱- ۳]- اعضای کلوپ عبارتند از اعضای افتخاری و اعضای اصلی و داوطلب.

[۲- ۳]- اعضای افتخاری کلوپ فقط اشخاصی می‌توانند باشند که اعم از هر تابعیتی که داشته

باشند، خدمات برجسته‌ای نسبت به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا در امر اتحاد و نزدیکی ملل اتحاد شوروی و ایران انجام داده باشند.

[۳-۳] - اعضای افتخاری برحسب پیشنهاد هیأت مدیره کلوپ و به توسط مجامع عمومی اعضای کلوپ انتخاب می شوند.

[۳-۴] - اعضای افتخاری کلوپ و اعضای خانواده آنها از تأدیه هرگونه وجوه کلویی معاف می باشند.

[۳-۵] - اعضای اصلی کلوپ فقط از اتباع اتحاد جماهیر شوروی خواهند بود. کلیه اشخاصی که از اتباع خارجه به استثنای اعضای افتخاری داخل می شوند، جزو اعضای داوطلب خواهند بود. [۳-۶] - اشخاصی که می خواهند به عضویت کلوپ داخل شوند باید توصیه کتبی دو نفر از اعضای اصلی کلوپ را ارائه دهند.

[۳-۷] - پس از تسلیم اظهاریه مبنی بر تقاضای عضویت، اسامی کاندیدها به ملاحظه اعتراضات محتمله، مدت دو هفته در معرض مطالعه نصب خواهد شد.

[۳-۸] - اعضای اصلی و اعضای داوطلب را هیات مدیره کلوپ قبول و شورای کلوپ تصویب می کنند.

[۳-۹] - اعضای اصل و اعضای داوطلب، حق ورودیه و حق عضویت [را] که میزان [آن] برای هر شش ماه از طرف هیات مدیره کلوپ معین می شود، تأدیه خواهند کرد. تبصره - اعضای بیکار و بی بضاعت از تأدیه وردیه و حق عضویت معاف خواهند بود. [۳-۱۰] - اخراج از عضویت کلوپ ممکن است به جهات ذیل به عمل آید:
الف - رفتار منافی اخلاق.

ب - عدم پرداخت حق عضویت، متجاوز از سه ماه.

ج - اخراج از عضویت کلوپ به توسط هیات مدیره انجام و از طرف شورای کلوپ تصویب می شود.

۴ - هیات اداره کلوپ، هیات اداره کلوپ مرکب است از:

[۴-۱] - مجمع عمومی اعضای کلوپ.

[۴-۲] - شوروی

[۴-۳] - هیات رئیسه شورای کلوپ که هیات مدیره کلوپ نامیده [می شوند].

۵ - مجمع عمومی

[۱ - ۵] - مجمع عمومی به راپرتهای شش ماهه هیات مدیره کلوپ رسیدگی کرده، تغییرات در نظامنامه کلوپ را که قبل از تصویب مقامات مربوطه ایران رسمیت نخواهند داشت، تصویب کرده، مهمترین مسایل مربوطه به عملیات و حیات کلوپ را حل و تسویه نموده و برطبق پیشنهاد هیات مدیره کلوپ و یا شورای کلوپ، اعضای شورای کلوپ و کمیسیون تفتیش را از بین خود انتخاب خواهند کرد.

[۲ - ۵] - مجمع عمومی از طرف شورای کلوپ شش ماه یک مرتبه تشکیل می‌گردد. بدین شکل که دوره عملیات کلوپ برای زمستان و تابستان به توسط مجمع افتتاح و خاتمه یابد. تبصره - برحسب تقاضای اقلای یک ثلث اعضای کلوپ در صورت احتیاج فوری، هیات مدیره باید مجمع عمومی را تشکیل بدهد.

۶ - شورای کلوپ

[۱ - ۶] - شورای کلوپ هیاتی است که در فواصل بین مجامع عمومی قائم مقام آنها می‌باشد. [۲ - ۶] - شورای کلوپ اصول اساسی و طرز کارهای کلوپ را تعیین می‌کند، بودجه و نقشه کارهای کلوپ را رسیدگی کرده، عضویت اعضای جدید را تصویب، هیات رئیسه و یا هیات مدیره کلوپ را از بین خود انتخاب و مسایل اساسی را در مواردی که در هیات مدیره حل و تسویه می‌شود تصفیه می‌کند.

[۳ - ۶] - شورای کلوپ اقلای دوماه یک مرتبه تشکیل می‌گردد.

[۴ - ۶] - شورای کلوپ مرکب است از: ۱۵ نفر عضو و پنج نفر عضو علی‌البدل که از طرف مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.

[۵ - ۶] - اعضای شوروی و اعضای علی‌البدل همه روزه در کلوپ کشیک داده و اجرای تنظیمات داخلی کلوپ را برطبق تعلیمات و مقررات جاریه و همچنین اجرای نظامنامه کلوپ را مراقبت خواهند کرد.

۷ - هیات مدیره کلوپ

[۱ - ۷] - هیات مدیره کلوپ مرکب است از پنج نفر عضو و سه نفر عضو علی‌البدل

[۲ - ۷] - هیات مدیره و رئیس و قائم مقام هیات مدیره از طرف شورای کلوپ انتخاب می‌شوند.

[۳ - ۷] - هیات مدیره از بین اعضای خود، یک نفر منشی هیات مدیره و مدیر کلوپ و یا ناظر کلوپ و تحویلدار و کتابدار و متصدی قسمت کتب و سایر کارکنان [۴] انتخاب و یا تعیین

- می‌کند. آنها در جلسات متناوب شورای کلوپ به تصویب می‌رسند.^۱
- [۴ - ۷] - هیات مدیره تمام کارهای کلوپ را مطابق روح اصول و ترتیباتی که شورا^۲ و مجمع عمومی تصویب می‌کند اداره می‌کند. هیات مدیره، اداره کلوپ [زا] در قسمتهای ذیل انجام می‌دهد:
- [۵ - ۷] - در جلسات خود به راپرتها [ی] راجع به مسایل عمومی کارهای کلوپ رسیدگی می‌کند.
- [۶ - ۷] - مسایل مربوطه به طرزهای کلویی راحل و تسویه می‌کند.
- [۷ - ۷] - متناوباً راپرتها [ی] متصدیان امور کلوپ را استماع می‌کند.
- [۸ - ۷] - تمام مسایل اساسی که دارای جنبه اداری و مالی و مربوط به کلوپ باشد حل و تسویه می‌کند.
- [۹ - ۷] - تصمیم اعضای خود را بین شعبه‌ها منظور و مجری می‌دارد.
- [۱۰ - ۷] - انتظامات داخلی کلوپ را تعیین می‌کند.
- [۱۱ - ۷] - به توسط اعضای خود در مهمترین شعبه‌های کلوپ نماینده می‌شود.
- [۱۲ - ۷] - هیات مدیره که شعبه تشکیل می‌دهد، شعبه معارفی و شعبه تشکیلاتی مالی و اداری.
- [۱۳ - ۷] - تمام مسایل مربوطه به امور جاریه کلوپ که در درجه دوم اهمیت واقع است و مربوط به کارهای اداری و مالی کلوپ باشد.
- [۱۴ - ۷] - جلسه هیات مدیره کلوپ اقلماً ماهی دوبار تشکیل می‌شود.
- [۱۵ - ۷] - هیات مدیره کلوپ دارای مهر مخصوصی می‌باشد.
- ۸ - تفتیش
- [۱ - ۸] - کمیسیون تفتیش از طرف مجمع عمومی به مدت شش ماه و مرکب از پنج نفر عضو انتخاب می‌شود.
- [۲ - ۸] - جلسه کمیسیون تفتیش اقلماً یک بار در هر دو ماه تشکیل خواهد شد.
- [۳ - ۸] - کارهای کمیسیون تفتیش به قرار ذیل است:
- [الف] - اظهار عقیده راجع به مهمترین مسایل مادی و مالی کلوپ.
- [ب] - تهیه بودجه به اتفاق هیات مدیره.
- [ج] - مراقبت در نگهداشتن صحیح دفاتر محاسبات و محاسبه کلوپ.
- [د] - کمیسیون تفتیش قبل از تشکیل هر مجمع عمومی در قسمت مالی و مادی کلوپ چه در

۲. اصل: شورای

۱. اصل: می‌رسد

رشته محاسبات و چه از لحاظ صحت اقدامات هیات مدیره در استفاده از وجوه کلوپ تفتیشات کلی به عمل می آورد.

۹- وجوه کلوپ

[۱ - ۹] - وجوه کلوپ عبارت است از:

الف - ورودیه ب - عضویت ماهیانه ج - عایدات کتابخانه و شب نشینها و بازیهای کلوپی د - اعانه

[۲ - ۹] - میزان هرگونه وجوه پرداختی از طرف هیات مدیره کلوپ معین می شود.

[۳ - ۹] - وجوه کلوپ به توسط هیات مدیره و برطبق بودجه که برای هر شش ماه تهیه می شود، به مصرف می رسد.

۱۰ - اموال کلوپ

[۱ - ۱۰] - کلوپ می تواند با رعایت کامل قوانین ایران همه نوع اموال منقول و غیر منقول تهیه کند.

[۲ - ۱۰] - در صورت انحلال کلوپ، مسأله اموال کلوپ از طرف کمیسیون تصفیه امور حل خواهد شد.

۱۱ - ثبت کلوپ

[۱ - ۱۱] - کلوپ در مبنای قوانین جاریه ایران و دوایر مربوطه به ثبت می رسد

۱۲ - انحلال کلوپ

[۱ - ۱۲] - کلوپ ممکن است یا برحسب تصویبنامه مجمع عمومی و یا برحسب پیشنهاد ژنرال قنصلگری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیست منحل بشود.

[۲ - ۱۲] - در صورتی که کلوپ به جهاتی منحل شود، مجمع عمومی کمیسیون تصفیه امور را مرکب از پنج نفر که سه نفر آنها در مجمع عمومی انتخاب و دو نفر دیگر را ژنرال قنصلگری جماهیر شوروی معین می کند تشکیل خواهد داد.

ریاست محترم کلوپ شوروی مشهد، امضای روسی لایقر

۳۰۰

۵

وزارت داخله، اداره اول، ۲۵ فروردین ۱۳۱۰، نمره ۷۷، محرمانه

اداره محترم کل تشکیلات نظمیه

عطفاً به مراسله نمره ۵۷۰/۲۱۱ راجع به کلوپ شوروی در مشهد، مقتضی است به مراسله نمره ۲۴ این وزارتخانه مراجعه و نظامنامه مزبور را اصلاح نموده و پس از تعیین هویت و اسامی هیأت مدیره، اجازه افتتاح بدهند. [امضا]

۳۰۱

۶

وزارت داخله، ایالت آذربایجان، راپرت اداره نظمیه ایالتی،

۲۳ اسفند ۱۳۰۹، نمره ۳۸۹۳/۵۴۵۷

بعدالعنوان - در جواب مرقومه نمره ۱۴۶۶، لزوماً اشعار می دارد، چنانچه سابقاً راپرت شفاهی عرض شده، در لیلۀ ۹/۱۱/۱۳ به مناسبت تصادف با فوت لنین، در کلوپ شوروی دعوت خصوصی از عده ای اتباع شوروی بوده است که در آنجا نازین نام روسی که خود را معاون قنصلگری شوروی معرفی می کند، نطقی دراطراف خدمات لنین و فواید کمونیزم به زبان روسی ایراد و برای پیشرفت مرام بالشویزم شرح مبسوطی بیان نموده است. ضمناً دو پرده نیز نمایش به زبان ترکی به معرض نمایش گذارده اند که آن هم مؤید نطق مشارالیه بوده است. چون در لیلۀ مزبور به علاوه اتباع شوروی، عده چند نفری از اتباع ایران نیز حضور یافته بودند، از طرف این اداره اقداماتی به عمل آمد که در آتیه نظیر پیدا نکند.

رئیس نظمیه شمال غرب سرهنگ عبدالله سیف

۳۰۲

۷

وزارت امور خارجه، اداره جماهیر شوروی، تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۰۹، نمره ۸۱۰

وزارت جلیله داخله

در جواب مرقومه نمره ۵۲۳، راجع به کلوپهای شوروی، زحمت افزا می شود، در جلسه دو روز گذشته با حضور آقای اصائلو، مدیر اداره اول آن وزارت جلیله، در اداره جماهیر شوروی

وزارت خارجه تشکیل شد. نظریات ادارهٔ نظمیهٔ بندر پهلوی مورد مذاقه واقع گردید. قبل از اظهار نظریات خود، باید توضیح داده شود این که ادارهٔ نظمیهٔ بندر پهلوی نوشته: عمارت کلوپ جزو ابنیهٔ شیلات و موقتاً به کلوپ واگذار شده و بدون پرداخت مال الاجاره از طرف دولت داده شده، لزوماً زحمت می‌دهد، اراضی کلوپ در غازیان جزو اراضی شیلات بوده، ولی اراضی شیلات متعلق به دولت شوروی است و برطبق قرارداد شیلات در جزو سهم دولت شوروی محسوب می‌شود و خود بنای کلوپ را هم کلن روسها ساخته‌اند. بنابراین ادعای مالکین بر ابنیهٔ شیلات مزبور نمی‌توان داشت. اما راجع به اساس نظامنامه، برحسب پیشنهاد آقای اصانلو، این طور به نظر آمد که چند ماده به نظامنامهٔ کلوپ اتباع شوروی اضافه شود که ضمناً بعضی از نظریات ادارهٔ نظمیهٔ پهلوی که قابل توجه به نظر می‌آمد تأمین گردد.

اولاً ماده‌ای اضافه شود که تشبثات سیاسی و تحریکات ممنوع و کلوپ حق مداخله در امور سیاسی نداشته باشد. نسبت به این ماده، وزارت امور خارجه نظر مخالفی ندارد. ثانیاً مرادۀ اتباع ایران به کلوپهای شوروی ممنوع شود. اساس این پیشنهاد صحیح است، ولی گنجاندن چنین ماده‌ای در نظامنامه آنها چندان صحیح به نظر نمی‌آید، زیرا به طوری که اولیای آن وزارت جلیله استحضار دارند رفتار بعضی از کلوپهای خارجه در تهران که اتباع ایران را به عضویت نمی‌پذیرفتند مورد ایراد واقع شده است. چون روسها به این قبیل قضایا فوق‌العاده اهمیت می‌دهند اگر بنا بشود به آنها اظهار شود که کلوپهای آنها اتباع ایران را نپذیرند و به کلوپهای سایر خارجیان گفته شود که حتماً اتباع ایران را باید به عضویت بپذیرند، این موضوع ممکن است سوء تفاهماتی ایجاد نماید مگر این که قید شود که کلوپ منحصر به اتباع شوروی بوده و هیچ ملت دیگر را نپذیرند و اگر این قید ممکن نشود ممنوعیت ایرانها در نظامنامه مناسب نیست. بنابراین شاید بهتر به نظر می‌آید که مأمورین ایران اشخاصی را که به کلوپهای شوروی مرادۀ می‌نمایند تحت مؤاخذه و تعقیب قرار داده و به تدریج آنها را از معاشرت و مرادۀ منع نمایند. به هر صورت اگر آن وزارت جلیله یا ادارهٔ تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی برای اجرای این منظور، نظر دیگری داشته باشند، ممکن است مورد دقت قرار داد. ثالثاً پیسهای نمایشات و فیلمهای سینماها را قبلاً به ادارهٔ نظمیه ارائه داده و پس از تصویب به معرض نمایش گذارده شوند. با این نظر نیز وزارت امور خارجه موافق و به علاوه مراقبت کامل مأمورین نظمیه را به طور کلی در امور کلوپهای شوروی توصیه می‌نماید.

[امضا] مهر وزارت امور خارجه

۳۰۳

۸

وزارت داخله، اداره اول، فروردین ۱۳۱۰، نمره ۲۶، محرمانه

اداره محترم تشکیلات نظمیه

عطفاً به مراسله نمره^۱... راجع به کلویهای شوروی، با ارسال سواد مراسله جوابیه وزارت جلیله امور خارجه، زحمت می دهد که غدغن فرماید راجع به ممنوعیت به تشبثات و عملیات سیاسی در کلوپ و همچنین راجع به ارائه بدوی موضوع پیسهای تأثر و سینما توگراف به نظمیه محل و کسب اجازه برای دادن نمایش، دو ماده به اساسنامه مزبوره اضافه نمایند. درخصوص مراودات اتباع ایران با کلویهای شوروی مقتضی است قبلاً مراقبتهای لازمه بشود که حتی الامکان اتباع ایران به کلویهای مزبوره مراوده ننمایند.

۳۰۴

۹

وزارت امور خارجه، اداره امور سیاسی، ۳۰ اسفند ۱۳۰۹، نمره ۳۵۶۱۹

سواد مراسله ای که اخیراً از سفیر کبیر شوروی راجع به کلویهای شوروی رسیده است، لفاً ارسال می دارد که تا از اقدامی که به عمل آمده است وزارت امور خارجه را مستحضر فرماید که جواب داده شود.

[امضا]

۳۰۵

۱۰

وزارت امور خارجه، سواد مراسله سفارت کبیرای شوروی در تهران،
۹ مارس ۱۹۲۱، نمره ۱۶۴.

آقای وزیر

قریب به دو ماه است که دوستدار کراراً با جناب اشرف و همچنین جناب اشرف آقای وزیر دربار راجع به بستن کلویهای مستخدمین شوروی در ولایات و خاصه، تعطیل کلوپ در پهلوی

مذاکرات نموده و چند مرتبه به دوستدار اظهار شده که بستن کلوپها نتیجه سوء تفاهمی بوده که به واسطه قصور مامورین محلی ایران واقع شده بوده و سوء تفاهم مزبور حالیه روشن شده و به مامورین محلی تعلیمات مربوطه داده شده و با این حال کلوپ پهلوی و شاید کلوپ همدان تاکنون به حال تعطیل باقی می باشند. دوستدار تصور نمی کند که مامورین محلی عدم توجه به اوامر مرکز را جایز بدانند. بدین جهت از جناب اشرف خواهشمند است اشعار فرمایند وعده هایی که راجع به افتتاح کلوپهای مزبور، چندین مرتبه به دوستدار داده شده چه وقت عملی خواهند شد. درانتظار جواب، احترامات فائقه را تقدیم می دارد.

[امضا]

۱۱

۳۰۶

وزارت داخله، اداره اول، ۵ فروردین ۱۳۱۰، نمره ۱۰۵

وزارت جلیله امور خارجه

عطفاً به مرقومه نمره ۳۵۶۱۹، راجع به کلوپهای شوروی، چنان که کراً به استحضار آن وزارت جلیله رسیده است، با شرط رعایت مقررات تصویب شده دولت، برای افتتاح کلوپها مانعی نیست.

[امضا]

۱۲

۳۰۷

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره اطلاعات،

۱۱ فروردین ۱۳۱۰، نمره ۲۵/۲۰۶

مقام محترم وزارت جلیله داخله

از قرار راپرت نظمیه استرآباد، از طرف حکومت بندر جزو نظمیه آنجا چند مرتبه به متصدی کلوپ شوروی آنجا اخطار شده که برطبق تصویبنامه هیأت معظم دولت، تقاضای اجازه نامه رسمی کلوپ را بنماید. تاکنون نظامنامه و اساسنامه آن را نفرستاده اند. لذا مراتب را به استحضار آن وزارت جلیله رسانیده تا به هرطور مقتضی است مقرر فرمایند اقدام نمایند.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی سرتیب کوپال [امضا]

وزارت داخله، اداره اول، فروردین ۱۳۱۰، نمره $\frac{۱۳۲۹}{۲۹}$

اداره محترم کل تشکیلات نظمیه

عطفاً به راپرت نمره ۲۰۶/۲۵ راجع به کلوپ شوروی در بندر جز، اشعار می دارد، قنسول شوروی، مقیم استرآباد، در ۲۲ دی ماه ۱۳۰۹ اساسنامه کلوپ را نزد حکومت فرستاده و تقاضای صدور اجازه برای افتتاح کلوپ نموده است. غدغن فرمایید نظمیه استرآباد با اطلاع حکومت، اساسنامه کلوپ را مطابق دستوری که ضمن نمره^۱ ... داده شده است اصلاح نموده و اجازه افتتاح کلوپ مزبور را بدهد.

وزارت داخله، حکومت گیلان و طوالش، ۴ خرداد ۱۳۱۰، نمره ۳۵۶۳

وزارت جلیله داخله

سواد راپرت اداره نظمیه گیلان را که متضمن سواد راپرت نظمیه پهلوی است، لفاً تقدیم داشت که از مدلول آن استحضار حاصل فرمایید.

[امضا، مهر حکومت گیلان و طوالش]

[حاشیه]: به حکومت نوشته شود، مراقبت و اقدامات مقتضی به عمل آورند که از مسافرت محصلین ایرانی جلوگیری شود. سواد راپرت و خلاصه دستوری را که به حکومت صادر شده است، به وزارت جلیله دربار پهلوی و وزارت معارف نوشته شود.

وزارت داخله، حکومت گیلان و طوالش، راپرت نظمیه پهلوی.
 ۲۹ اردی بهشت ۱۳۱۰، نمره ۱۶۳، محرمانه

مقام محترم ریاست نظمیه گیلان

طبق اطلاع حاصله دوشنبه ۱۹ ماه جاری در مدرسه شوروی جلسه ای مرکب از کلیه معلمان مدرسه و روسای موسسات شوروی و اولیای اطفالی که در موسسات مذکور مستخدم می باشند تشکیل، در نتیجه مذاکرات پیشنهاد می شود از امسال، در تابستان صدی شصت از شاگردان مدرسه شوروی را با سه نفر معلم که دو نفر آن تبعه دولت علیه ایران خواهند بود، برای گردش و ملاحظه صنایع به روسیه اعزام [و] مدت سیر در شهرهای روسیه چهل و پنج روز خواهد بود. و متفقاً مسافرت مذکور را تصویب می نمایند. تا اقدامات اساسی به عمل آید، مراتب عرض و خاطر محترم را مستحضر می دارد اگر چنان که محسوس است، این مسافرت در صورتی که از طرف دولت علیه تصویب شود، فقط برای تقویت افکار شاگردان مدرسه است، در امور و جریانات حزبی که پس از مراجعت علاوه بر انتشارات مشاهدات خود، در حالات و روحیه و اخلاق آنان نیز نتایج کلی داشته و بهترین تبلیغی است برای بچه هایی که در خارج از روسیه مشغول تحصیل اند. بدیهی است پیشنهاد مذکور بدون مقدمه نبوده است که از مراکز معینی صادر نموده اند و به طوری که محرمانه تحقیق شده مخارج مسافرت مذکور یک قسمت از عواید نمایش مدرسه و تیاترهای کلوپ شوروی تأمین خواهد شد.

رئیس نظمیه بندر پهلوی سلطان فصل الله

گزیده تصاویر اسناد



وزارت امور خارجه

وری

اداره.....

دایرة.....

۴ نمونه (۱۰)

تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۰۴ سنه.....

نمره ۱۹۲۳۲ ضمیمه.....

مکتب صلح طهران در تبع

بخدمت راجه پرنس و در خدمت امیر سردار اعظم
 ریت برت سلسله تیره شریه حبیب الله مبارک
 تهرانی سرکارم در تبریک شب صیفی دول
 مردی طبع نغمه می

۱۳۰۴

۳۸۲-ج



وزارت داخله

تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۰۶

نمره ۲۹۲۱ ضمیمه

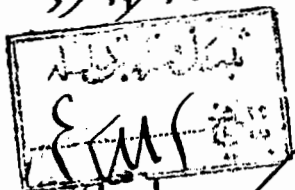
اداره

دایره

مقام مخ وزارت علیه خدمت درگاه
تعیین سرورده ۲۰۵۸ ابان که تردد براساس قرضه گرامر در ردی
تعیین آراء راجع به نصب (داد و پریشک) تقدیم داشته بودیم
جواب بستم تکلیف بر قوم نفر نه اند استدر استین تکلیف و این
در جواب قرضه گرامر دله شو در مطالبه دارند .



۱۱۷۱
۱۱۷۱
۱۱۷۵
۱۱۷۵



تایید
۱۱/۱۱

۲۰۵۸ ۱۱۸۵ ۱۱۸۵

۱۱۸۵ ۱۱۸۵ ۱۱۸۵

۲۰۵۸ ۱۱۸۵ ۱۱۸۵
۱۱۸۵ ۱۱۸۵ ۱۱۸۵
۱۱۸۵ ۱۱۸۵ ۱۱۸۵

$\frac{9}{\sqrt[3]{9}}$

از رسال عینی مرسله نموده (۹۳۴۶) ایالت جلپیه خراسانی صادره
وزارت جلپیه امور خارجه را وجه بطایره دولت شود در که بطایره ای
میشد آورده است جهت بیه که بایالت نمرالیه دستور صادر فرماید
نمانده دولت را بیه مسترد بدارند و در هنگام برگزیده در

انصاف دارد اموال خیریه در نزد دولت شود دست نرسد گردد
وزیر دربار چکوی سمرقانی

[illegible][illegible]

۳ نمونه (۱)



وزارت داخله

امواج کفر ناز

اداره

سواد نمرة مورخه ۹۰/۴/۳۱ وزارت اداره که اصل آن نمرة ۹۰۳ ثبت شد

درست معبد فیه خزان قنول برادر اخرا در کثایت که در دهنه دشتا کسین مراکز آن نموده در رسد زشته و اثر بکینه در دهنه زدر
تبلیغات و ثبات ضد ترور دارند تره بر بر سر نقد باغضا خزان قنول کسین در دهنه دشتا کسین در دهنه زدر
در رسد زشته است اگر چه با بر قوت فخر که نسبت به در دهنه دشتا کسین در دهنه زدر در رسد زشته است اگر چه با بر قوت فخر که نسبت به در دهنه دشتا کسین در دهنه زدر
نموده در همین زمینه جود بهار تقفیر و طمان بخیر شفا ایراد گردید سهند بطنیه تا کید نشد که کاملاً بر وقت و
مردوب باشند جود بهار تقفیر و طمان بخیر شفا ایراد گردید سهند بطنیه تا کید نشد که کاملاً بر وقت و
راجع به حوادث جاریه مکتب خود ۵ در اینجا بدید بهای وید فارغ بهتر میوه در ربط به شکست ضد
نموده نموده عارض در حقیقت جود بهار تقفیر و طمان بخیر شفا ایراد گردید سهند بطنیه تا کید نشد که کاملاً بر وقت و
در دهنه دشتا کسین در دهنه زدر در رسد زشته است اگر چه با بر قوت فخر که نسبت به در دهنه دشتا کسین در دهنه زدر

محرمانه
اداره
مورخه ۹۰/۴/۳۱
وزارت داخله
تقریر و همین وزارت در

۶۰۰-ل

۹



بشاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۱
نمره ۱۹/۱۲۲ ضمیمه

اداره کل تشکیلات نظامیه

وزارت معارف

نظمیه اصفهان

شعبه احوالات

اداره جلیه کدیت

نخستین آن اداره جلیه متفرقی شدند طبق معتمدان محترم کدیت کدیت کدیت
مهر بر جلیه منعقد نمایند برای جدگیری از کدیت کدیت کدیت کدیت
مهر بر جلیه اداری کدیت کدیت کدیت کدیت کدیت کدیت کدیت
نخستین اقدام نمایند در ارامنه جلیه دعوت کدیت کدیت کدیت

مهر بر جلیه کدیت کدیت کدیت کدیت کدیت کدیت کدیت

ح ۲ نوک (۱) اداره
خارج گشت رز رز
وزارت که اصل آن بنمره ثبت شد
مورخه ۱۸/۵/۱۱۱۵
نمره
وزارت صید و شکار
در رتبه قنصل روس به مدت شش ماه در تقیقات نظیه ثبت به اتباع
روس فن الله ش که معاینه است در جلد تقیقات اسکله نظیه رتبه فقط در دریا که فوراً
بسته و الا خود نظیه مبارک به بتن آن خواهد که فیه این است که هر رتبه مطابق نظامات
و دستورات دولت ثبت در فتح است که کار با این حرف قانع نمیشود و اقدام در کارها خلاف
روابط و ترشانه بگویند بر فرض عدم صلاحیت هر یک رتبه و صلاحیت و اگر گاهی از
یک رتبه فرزند با این طریق بهم زد اظهار حق و فرصت لازم است که جاس مناسب تهیه یا بسته شود
و بیات عالی دولت تقیقات به بنه نرسیده بر فرض آنکه بیات دولت و مصالح ملک تقیقات
در اجاب نماید تصدیق میفرماید که در هر حال باید به طور وقت بود که ضمیمه عنایه کتاف بود
مستورات تقیقات کاخ رحمت فرمانیه که بنه در جواب اعتراضات هم بگویم ۱۶/۱۱/۱۱۱۵
اسرار بهای الدوله و کمران ۱۵
۱۵۵
در رتبه قنصل روس به مدت شش ماه در تقیقات نظیه ثبت به اتباع
روس فن الله ش که معاینه است در جلد تقیقات اسکله نظیه رتبه فقط در دریا که فوراً
بسته و الا خود نظیه مبارک به بتن آن خواهد که فیه این است که هر رتبه مطابق نظامات
و دستورات دولت ثبت در فتح است که کار با این حرف قانع نمیشود و اقدام در کارها خلاف
روابط و ترشانه بگویند بر فرض عدم صلاحیت هر یک رتبه و صلاحیت و اگر گاهی از
یک رتبه فرزند با این طریق بهم زد اظهار حق و فرصت لازم است که جاس مناسب تهیه یا بسته شود
و بیات عالی دولت تقیقات به بنه نرسیده بر فرض آنکه بیات دولت و مصالح ملک تقیقات
در اجاب نماید تصدیق میفرماید که در هر حال باید به طور وقت بود که ضمیمه عنایه کتاف بود
مستورات تقیقات کاخ رحمت فرمانیه که بنه در جواب اعتراضات هم بگویم ۱۶/۱۱/۱۱۱۵

ادلرء



انواع سیرت است.

وزارت داخلہ

سواد..... امرہ..... مورخہ ۱۱/۳/۱۱..... وزارت
ادارہ.....
وزارت چھوڑ دیندے، آپ ہر صفت کبران ثوروں پر لکھتے، آمد، عداوت، نہ، آمد، مدد، غلام،
مکر، کد، نفی، راج، وفاق، روس، درک، لکھتے، خرب، سلاطین، یقینات، یقینہ، راج، نفی،
ادارہ، نفی، و قیاف، ترم، تندر، گن، را، مدد، تہ، نوئے، میدان، بندہ، افی، رسید، شت، در اثر
این اقدام بہ کس از تندر، گن، روس، پرہیز، و جناب، مکر، خست، خرب، در نظر، مردم، تارند
جواب، لایم، دادہ، شد، افی، ر، شت، نیجا، ہم، از، را، خرم، یاد، یہ، محمد، برو، مکر، کنت، دولت
از، زت، و مقصد، مکر، تہ، خرب، است، با، راج، یہ، مقدمات، مربوط، اگر، تعلیم، تہ، لایم،
دادہ، شو، منظور، زت، اورا، اطلاع، دہتہ، ہم، از، را، ۱۷، حکومت، کر، شت، یہ، ہم

با دستور فقهی رسیده متون مذکور در این اثر است
که از ترفیع مقام است این شعر را در این
/ اطلع در روز ۱۱/۹/۵

[illegible]



— ﴿ وزارت مالہ ﴾ —

وہ لوگ جو اپنے

سواد سید محمد شمس محمد ۱۳۱۵ مورخه ۱۴۰۴ وزارت که اصل آن بنمره ثبت شد

وزارت قصید قرائت در موضوع منع رواج عورتی کاغذ در دسترس مملکت لکھنؤ
 حاضر ادب و انوار حصہ تحفہ در طرقت ہندو کی کہ تہا آتی
 وزارت مالہ و لداں کمرنگی کاٹ صادر ہے کہ در حوزہ ماہرین خود از رواج
 عورتی کاغذ صگر نہایت است۔ لداں مالہ گدن طبع یہ بہ لداں صگر از رواج
 عورتی کاغذ کمبود نہایت از سائہ کاٹ لداں صگر لکھنؤ و ہواہ عات و کتبہ د
 لداں مالہ لکھنؤ و کمبود نہایت از سائہ کاٹ لداں صگر لکھنؤ و ہواہ عات و کتبہ د
 لکھنؤ ۱۱۴۲ ہجری ۱۲۰۹ شمسی وزارت مالہ لکھنؤ و ہواہ عات و کتبہ د
 در چند مملکت قیاس ہے۔ وزارت مالہ لکھنؤ و ہواہ عات و کتبہ د
 مالہ لکھنؤ و کمبود نہایت از سائہ کاٹ لداں صگر لکھنؤ و ہواہ عات و کتبہ د

فارس

۱۳۴۴/۴/۲۵

برونگل جلسات

منصفه، د روزارت امور خارجه بتاریخ د هم و یازد هم
میرمه ۱۳۱۲

حاضرین: حضرت اشرف آقای نرونی رئیس المیزان

جناب سقاب آجن آقای کاظمی وزیر امور خارجه

آقای سیناخ رئیس اداره اروپای شرقی

آقای کاراخان تائم مقام کمیسر خارجی شوروی

آقای یاسخوف سفیر کمیسر شوروی در طهران --

آسترف، معاون اداره شرقی کمیسر خارجه شوروی

آقای اینیورین نایب اول سفار کبری شوروی در طهران --

حضرت اشرف آقای نرونی جلسه را افتتاح و اظهار

فرمودند که در وقت ایران مایل است برای حل بعضی

مسائل که تعقیب نشده از توقف مسیو کاراخان در طهران

استفاده نماید و اکنون جلسه را افتتاح نموده و مذاکرات

را در خصوص بعضی مسائل شخصاً بمحل خواهد آورد

پرواقای کاظمی وزیر امور خارجه چند روز است که وارد

شده و فرصت نکرده اند با مسائلی که سابقاً آقای نرونی

بسمت وزیر امور خارجه تعقیب فرمودند کاملاً آشنا بشوند.

آقای کاراخان اظهار داشتند که سائل اساسی که باید

تعقیب بشود موضوع روابط تجاری شوروی و ایران است

که فعلاً حل و تعقیب آن جریان دارد زیرا مسیو شوستاک،

نماینده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در اینجاب

تعلیماتی از مسکو دارد و فعلاً هم مشارالیه با آقای اینیورین

رئیس اداره کل تجارت وارد مذاکرات میباشند و میتوان

ПРОТОКОЛ

ЗАДАНИЕ В ТИШНОСТНОСТИ МИНИСТРА И

Д. С. С.

2 и 3 Октября 1932 года.

ПРИСУТСТВУЮЩИЕ: Г. ГОРУГИ - Председатель
Собрания, Г. КАРАХАН - Министр
Иностранных Дел,
Г. МАСТАК - Член
Правительства, Г. ПОСТАК - Секретарь
Правительства.

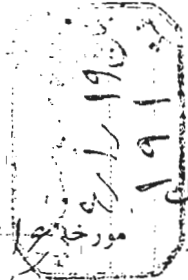
Г. КАРАХАН - Председатель
Правительства, Г. МАСТАК - Член
Правительства, Г. ПОСТАК - Секретарь
Правительства, Г. ГОРУГИ - Министр
Иностранных Дел, Г. МАСТАК - Член
Правительства, Г. ПОСТАК - Секретарь
Правительства.

Заседание открывает г. Горуги, который
говорит, что Советское Правительство хочет
воспользоваться пребыванием в Тегеране г.
Карахана для урегулирования некоторых не-
решенных вопросов. Он открывает заседа-
ние и будет лично вести переговоры по не-
которым вопросам потому, что Министр Ино-
странных Дел, г. Карехан, только несколько дней
как приехал и не успел в полной мере оза-
бочиться с теми вопросами, которые в прош-
лом вел г. Горуги в качестве Министра Ино-
странных Дел.

Г. Карахан заявляет, что основным вопро-
сом, подлежащим урегулированию, является во-
прос советско-персидских торговых отноше-
ний, который уже находится в процессе раз-
решения, так как Торговый Представитель
СССР, г. Постак, имеет по этому вопросу ин-
струкцию из Москвы и уже приступил к пере-
говорам с Директором Департамента Торговли
г. Бахнаком и можно надеяться, что в течение
одного-двух месяцев вопрос будет урегули-



وزارت جنگ



مورخه ۱۳۰۵ ماه ۵

ارکان حزب کل قشون

دکن جرم
شعبه
نمبره ۵۳۱۱/۷۲۹۲/۵

مقام شایسته ریاست محترم وزارت جنگ

مخترا، ظربا که انستریب دارد بطریق درپرت ضد ترش سوزش
اناب جفیر باقی تنظیم که ماورین درت سوزی قریب شاد برکت مع
ازک بکانت ایران سنا درنورد. مسئول سخنان و جرات خطیای برکت تعیین
باشند علیه اخص مزید تضاد ظربا که سوز درپرت ضد ترش سوزش
رضنا معروضی دارد که مراتب بیستقیما بوزارت سید بزرگوار
از طرف وزیر جنگ

درجوا بمراسله حروف
و اعداد تمیزه که منضم
نموده است با نمره ذکر شود

کنیر از کاکتیر خون ترب
صند احمد

سند شماره ۱۸۳
مورخه ۱۳۰۵
مقام شایسته ریاست محترم وزارت جنگ
مخترا، ظربا که انستریب دارد بطریق درپرت ضد ترش سوزش
اناب جفیر باقی تنظیم که ماورین درت سوزی قریب شاد برکت مع
ازک بکانت ایران سنا درنورد. مسئول سخنان و جرات خطیای برکت تعیین
باشند علیه اخص مزید تضاد ظربا که سوز درپرت ضد ترش سوزش
رضنا معروضی دارد که مراتب بیستقیما بوزارت سید بزرگوار
از طرف وزیر جنگ

[illegible][illegible][illegible][illegible]



بنام خداوند متعال
۱۳۱۲

نمره ۹۲ هم ضمیمه

وزارت داخله

اداره کل تشکیلات نظمیه

(نظمیه اصفهان)

فرست ۲۱۵
اداره صبیحه سرور
۱۳۱۲/۱۱/۱۴
۷۴

شعبه

تفتیب ۱۳۱۲/۴۰۸
جناب رده است عنایت از زنی و مرد به هم پیوسته
در کس درجه پنج با وضعیت وقت اینک از معنیه کتبی و جنه فزونی
سُ لَدَیْنِه اداره سرحد اطفال با اینها مساعدت کرد است لیکن بطور
مردنه ۱۳۱۲/۱۱/۱۴ بیایدند با هدف با تیر کپی از اینها کاه

صبیه - بدیه و نظیه تکیه در صحبت آنها رسید که عنایت به هر یک کار به هر یک
فقه اندام صبر و جز است در تمایز از وضعیت آنها صدگر نماید که امر را به علم
مطیف و صحبت بدیه بدین مژده و تا مراد از گفتن با اینها نیستند
و بهر رنگارند در روزانه اجرت آنها را تا دیه نایه دیگر اکتفا اندزیه گفتند
لباب امداد برهنه یکم مرتبه با اینها سرکن نماید در خانه چای به اینها و تیر
از طرف رده و خورشید رخ مساعدت با جنه فزونی آنها در و تا تراف و دیگر
نیست بقیه مشغول اندام مقام مایه - گفتن نظمیه ۱۳۱۲/۱۱/۱۴



۵
۹
۱۳۱۲/۱۱/۱۴
اداره کل تشکیلات نظمیه
اصفهان

Teleg. Add.

" RISBAF "

Code Used:

"Bentley's."

شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی اصفهان

The Spinning and Weaving Co. Ltd.,

سرمایه اولیه ۳۱۴۰۰۰۰ ریال

(نمرہ ثبت دراصفہان ۸)

عنوان تلگرافی

« ریسپاف »

نمبر: شش

No.

تاریخ ۷/ ۱۳۱۲
Isfahan

Isfahan

تتم مقرر مکتبہ صلیبہ اہل فہم و ذہن

۵
مردم بک (۳۸۷۳) متضمن سردار است (اداره محترم) راجع
میرزا حسین رئیس و جعفریست. میرزا جعفر خطاب در این
ایکمه دلالت محترم قطعه مودع در است که کارخانه بندگی از این
ضد نفوذ و جری خود دارد است. واقع امر این است که سرور
بلیغ نقد آنرا که دلالت قطعه اعوام داشته بود در این کارخانه
به دست و گذشت از این بقیه علی بنده و در عهد کارخانه
و در این زمان به هم رسید بر شکست شد است سواران این
با آنرا مداراست و کارخانه را ده آسان گشته است
عاید صفت تقدیر خوانده و نبرد که کارخانه بهم خود از آن
کرده و قبول آنرا میرزا این مدتی موجب خیرات شرکاء
این جانب خواهد بود

0- -C 2/1/94

15/11/2020

(Handwritten signatures)

فهرست اعلام

آلمان ۳، ۲۴، ۵۷، ۱۲۵، ۱۴۵، ۲۲۹
آیرم - سرتیپ محمدحسین ۵۲، ۲۱۹

الف

ابرام اف (نایب قنصل شوروی در تبریز) ۴۳
ابراهیم ۶۶
ابراهیم اف - دکتر علی اکبر ۶۶
ابراهیم خیاط ۴۵
ابراهیم زاده - قلی ۶۵
اترک (رود) ۱۵۳، ۱۶۲-۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۹۳-۱۹۷
احمد ۲۹
احمد ۳۷
احمدبیک مهاجر ۳۱، ۳۴-۳۶
احمدزاده اردبیلی - مهدی مختار ۱۰۲-۱۰۳
ارامنه - ارمنی - مسیحی ۴۰-۴۱، ۴۳-۴۴، ۴۷، ۴۹، ۵۲، ۷۱-۷۳، ۱۲۸، ۲۱۲، ۲۲۸
ارخالکی (مکان) ۱۱۶
اردبیل ۲۵-۲۹، ۳۳، ۵۲، ۱۷۲، ۱۷۸-۱۸۰
اردلان - امان الله ۱۸۱
اردلان - حیدر ۲۲۶
ارس (رود) ۱۷۲
ارسپوع گرهان - ایوان ۱۵۳
ارفع (حاکم بندر پهلوی) ۴۵-۴۷
ارمنستان ۱۲، ۷۳
اروپا - فرنگ ۵، ۷۰، ۱۰۲، ۱۳۰، ۱۴۲

آ

آبادان ۳۰-۳۱
آت طوقان (مکان) ۱۷۴
آذربایجان ۴، ۱۲، ۲۵-۲۶، ۳۸-۳۹، ۴۲-۴۴، ۴۷-۵۱، ۱۱۱-۱۱۳، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۲-۱۳۳، ۱۶۳-۱۶۴، ۱۶۸-۱۶۹، ۱۷۲، ۲۱۱-۲۱۴، ۲۳۴، ۲۴۳
آذربایجان ۱۳۵
آراسته - نادر ۳۹، ۵۰، ۵۳، ۱۳۰-۱۳۱
آرسن خان ۱۷
آزاداد - سلطان نصرت الله خان ۲۶، ۳۷، ۱۱۳
آستارا ۲۵-۳۷، ۷۸، ۸۱، ۱۷۸-۱۸۰
آستارا چای (مکان) ۱۷۴
آسترف (معاون اداره شرق کمیسری وزارت خارجه شوروی) ۱۴۱
آقابالا ۳۵
آقابکف ۴۳، ۷۲-۷۳
آقا حسن گنجه ۲۱۴
آقاخان شیروانی ۱۷۲
آقازاده سجل نوعی - میرزاصفر ۳۰، ۳۲-۳۳
آقاعلی سلمانی ۳۵
آقاعینی (علی) دلاک ۳۵
آقا نورالله (حاج) ۶۴
آق بولاغ (مکان) ۱۷۴، ۱۷۹
آلفین (نایب نماینده تجاری سفارت شوروی) ۱۳۵

انگلیس - انگلیسی ۳، ۴۱-۴۲، ۱۱۶، ۲۳۰-۲۳۱	اروپای شرقی ۵۳، ۱۴۰، ۱۸۱-۱۸۲، ۱۸۴
اهواز ۵۳	استرآباد ۱۵-۱۶، ۱۹، ۶۰، ۱۱۰، ۱۱۶
ایتالیا ۳	۱۲۵-۱۲۶، ۱۲۸، ۱۶۹، ۱۸۰-۱۸۱، ۲۴۶-۲۴۷
ایران/بیشتر صفحات ۵۸	اسدآباد
ایران پور ۱۲۴	اسدالله خان نایب ۱۶۶
ایروان ۱۲	اسعد (وزیر جنگ) ۱۷۵-۱۷۶
ایزدی - امیر ۶۱	اسفندیاری - یمن ۱۲۷-۱۲۹، ۱۰۶
ایگده آفاج (مکان) ۱۷۵	اسکندر تخم گل فروش ۵۲
اینهورن (نایب اول سفارت شوروی در تهران) ۱۴۱	اسکی - کریستین ۱۸۵
ایوانف (رئیس بانک ایران و روس) ۱۲۸، ۱۲۵	اسلامبول ۱۶۹
ایوانف - پطر ۲۳-۲۰	اسماعیل ۱۷۶
	اسماعیل ۲۳۴
	اصانلو (مدیر اداره اول وزارت داخله) ۲۴۳-۲۴۴
	اصفهان ۱۹، ۵۲، ۶۱-۶۲، ۶۴، ۷۱-۷۲، ۱۱۶
ب	۲۱۹-۲۲۹
بابایف - میکائیل ۴۸	افتخار (نماینده مالیّه آذربایجان) ۱۱۳
بادکوبه ۴، ۲۷-۳۰، ۳۶-۳۷، ۶۶-۶۷، ۶۹، ۹۸	افتخاری - رحیم ۵۲
۱۰۶، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۳۷	افغانستان ۱۵۹، ۶۲، ۲۰
بارفروش ۷۹، ۸۸-۹۰، ۱۱۵-۱۱۶، ۱۱۸-۱۱۹	اقبال - حسین ۹۶
۱۲۳-۱۲۵، ۱۲۷-۱۲۹	اکبری - محمدعلی ۵۸
باغچه سرا ۱۷۴، ۱۹۰	الشتر (مکان) ۵۵
باغچه سرایی - میرزا ابراهیم ۳۵-۳۶	الکساندروویچ شازف - ایوان ۱۵۳
باقر (مشهدی) ۱۷۶	الکس پطرف - ایوان ۴۱
باکو ۸۳	امریکا ۱۹۹
بخارا ۶۲	امیرآباد ۱۵۱-۱۵۲
بختیار ۲۲۱	امیرحسین بیگ یلاق ۲۸
بروجرد ۵۵	امیر طهماسبی - عبدالله خان ۱۰۸
بغداد ۲۳۱	امین - حبیب الله ۶۴
بلژیک ۳	اناقربان (نام) ۱۶۹
بلوچها ۲۱۱	انصاری - سرلشکر محمود (وزیر داخله) ۴
بندر پهلوی (انزلی) ۱۰-۱۱، ۱۳-۱۴، ۲۹، ۳۲	انصاری - علی قلی (مشاور الممالک) ۷۹
۳۴، ۴۵-۴۶، ۶۶-۶۹، ۸۲، ۸۷، ۹۲، ۹۴-۹۵	۸۱-۸۲، ۸۴-۸۵، ۱۶۳
۹۸، ۱۰۰-۱۰۶، ۱۰۸، ۱۳۴-۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰	

[illegible]

۲۷	حبیب‌اللهی - حسن آقا	۲۱۴، ۱۹۹-۱۹۸، ۱۶۹، ۴۸، ۴۰-۳۸	جلفا
۳۷	حبیب‌اللهی - میرزارحمان	۷۲-۷۱، ۵۲	جلفای اصفهان
۱۷۶	حسن	۱۶۸	جلفای شوروی
۱۸۷، ۱۷۴، ۱۷۲-۱۷۰	حسن خانلو (مکان)	۲۳۱-۲۳۰، ۲۱۵، ۲۴-۲۳	جم - محمود
۲۰۲، ۱۹۰-۱۸۹		۲۳۷	
۴۶	حسین	۲۸	جمعه مسجد اردبیل
۱۸۰	حسینقلی چی - حاجی نورعلی	۲۷	جودت (روزنامه)
۱۹۴	حصار (مکان)	۲۷-۲۵	جودت - میرزاغلام
۷۱	حکمت - علی اصغر	۳۵، ۳۳	جوهرچی - غلام
۱۶۹	حکیمی - سرهنگ	۱۵۷	جیحون (رود)
۱۰۶	حیدریه (تاجر)		

چ

	چ	۴۲	چرکسی (نژاد)
۲۰۱	خانگیران (مکان)	۲۷	چشمه‌باشی (مکان)
۴۸	خانیانس - آراقره	۳۱	چوبار (مکان)
۱۰۷	خدابنده - محمود	۱۷۷	چودمه (مکان)
۳۴	خدادادخان	۲۲۵، ۶۱	چهارباغ اصفهان
۱۶۲، ۱۵۴، ۱۵۱، ۶۲، ۲۴-۲۰	خراسان	۱۵۱	چهچه
۲۳۱، ۲۱۶-۲۱۴، ۲۰۹، ۲۰۳، ۱۹۶، ۱۶۸-۱۶۶		۱۱۶	چین
۲۳۸-۲۳۷			

ح

۶۳-۶۲	خراسانی - حبیب‌الله		ح
۵۵	خرم‌آباد	۱۹۱، ۱۸۹، ۱۸۶	حاتم قلعه
۳۰	خزاعی - امیرلشکر [حسین آقاخان]	۲۲۶	حاج سیدجوادی
۳۱	خطبه‌سرا	۱۰۱، ۹۱	حاج سید محمود مجتهد
۱۸۱-۱۸۰	خلیج حسینقلی	۲۱۰	حاج سید موسی
۲۱۷	خمسه	۸۶	حاج ملک
۶۱	خوانسار	۳۳، ۲۶-۲۵	حاجی خان
۱۵۲-۱۵۱	خور	۲۸	حاجی صلاح
۱۹۹، ۱۴۳	خوریان	۱۱۶	حاجی طرخان (مکان)
۵۵-۵۳	خوزستان	۳۶	حاجی علی
۱۹۹	خوشتاریا	۱۶۹	حاجی کاظم
۱۱۶	خوی	۱۰۲	حبیب‌الله خان

- خیرآباد ۱۷۶ رضاخان آژان ۶-۵
خیران (مکان) ۱۷۹ رضاشاه، اعلیحضرت پهلوی، سردار سپه ۳، ۶۳، ۷۰، ۷۷، ۸۳، ۹۱، ۹۳، ۹۹، ۱۰۵-۱۰۶، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۸-۱۲۹، ۱۴۰، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۹۷
- داداش زاده، داداش اف - میرزا رحمان ۲۵-۲۶، ۳۷
دانشناک، دانشاکیها ۴۰، ۴۳، ۴۷-۵۰
دامغان ۱۱۶
دانشور (نماینده اداره کل شهربانی) ۲۳۳
دانمارکی ۱۱۶
دبیر سیاقی (کفیل حکومت گیلان) ۴۶
درگاهی - سرتیپ محمد ۱۸، ۷۷، ۹۵، ۱۰۸
دروازه باغشاه شیراز (خیابان) ۵
درونگر (مکان) ۱۵۶
دره آب گرم (مکان) ۱۵۱-۱۵۲
دریاچه رضائیه ۲۱۸
دریای خزر - بحر خزر ۱۹۳-۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۸
دژاخشویلی - ولادیمیر ۲۱۸-۲۱۹
دولتشاهی (کفیل شهربانی اصفهان) ۶۴
دهکان - فرخ (فرخی) ۲۵-۲۶
- د
رازانی - حسین ۹۶
رئوفی (رئیس نظمیة گرگان) ۵۹
رباطی - حاجی محمد ۱۷۶
رحمانی - غلامحسین ۳۷
رحیم خان مفتش ۸
رشت ۱۱، ۱۹، ۳۱-۳۲، ۳۵، ۵۷، ۶۵-۶۷، ۶۹-۷۰، ۷۸، ۸۰-۸۱، ۸۳، ۸۶-۸۸، ۹۱
۹۴-۹۶، ۱۰۰-۱۰۱، ۱۰۸، ۱۳۴-۱۳۵
رضاخان ۱۸
- ز
زاسلاوسکی (قنصل شوروی در استرآباد) ۱۶
زاکاریان - دکتر ۲۸
زاهدی - سرتیپ، سرلشکر فضل الله ۴۳
زمان اف - حاج یوسف ۱۱
زمانی - صادق خان ۲۵-۲۶، ۳۱، ۳۳-۳۶
زنکلانو (رودخانه) ۱۵۸
- ژ
ژرژ (نام) ۱۰۸
ژنو ۱۸۷، ۱۹۷
- س
ساری ۷۸-۷۹، ۱۰۴-۱۰۵، ۱۱۵، ۱۲۲-۱۲۹، ۲۱۸
سبزواری ۱۱۶
سپاهی - مهندس علی قلی خان ۱۵۳-۱۵۴
ستارزاده - جلیل ۳۰، ۳۳، ۳۵
سجل نوعی - میرزا صفر آقازاده ← آقازاده سجل نوعی - میرزا صفر

۲۲۲	فخرالاشراف	ع	
۱۷۹	فخ مقصود (مکان)	عابداف ← آقابکف	
۲۲	فدراتسوف	عباس آباد	۱۹۴
۴۲	فرانس بطرویچ - گراویدن	عباس قلی اف - میرزااحمد	۱۰۵-۱۰۶
۴۱	فرانسه	عباس میرزا (شاهزاده)	۲۱۲
۱۲۱، ۶۰، ۵۴	فروغی - محمدعلی ۳	عبدالحمید	۱۷۶
۱۴۴-۱۴۱		عبدالله بیک	۲۹
۲۳۲، ۱۰۸، ۶۸	فروهر	عبدالله خان - دکتر	۱۱
۲۳۳	فرهت (مدعی العموم)	عتیقہ چی - آقارضا	۲۸
۲۲۲-۲۲۱، ۶۱	فریدن	عدل - مصطفی	۶۳
۲۳۴	فریدونی (معاون وزیرداخله)	عزت خیاط	۲۵-۲۶، ۳۵-۳۶
۲۴۸	فضل الله (رئیس نظمیه بندرپهلوی)	عشق آباد ۲۲-۲۳، ۶۲-۶۳، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۷۶	
۸۶-۸۵	فقیه التجار اصفهانی	۲۳۱-۲۳۰، ۲۱۴	
۲۴	فلامینک - پیر	علمدار (مکان)	۳۸-۳۹، ۱۱۶
۲۳۰	فلسطین	علی	۴۶
۱۹۸، ۱۹۶، ۱۹۴-۱۹۳	فیروزه	علی	۱۷۶
۱۵۳	فیودویچ - الکساندر	علی اف - ابراهیم	۸
		علی اف - حسن آقا	۱۰۵-۱۰۶
ق		علی بالافراش	۱۰۸
۱۴۰، ۴	قاجار - قجری	علی خان طالشی	۳۲
۲۱۵	قره تپه	علیزاده - حسن	۱۱۳
۱۶۹	قره وگش (مکان)	علیزاده قدیمی - کوچک	۶۲-۶۳
۱۹۸، ۱۱۶، ۸۱، ۷۹-۷۷	قزوین	عمادالسلطنه فاطمی	۹۱
۱۹۹، ۱۲۵، ۴۳، ۲۶، ۱۲، ۴	قفقاز - قفقازی ۴، ۱۲	عنایتی (مامور وزارت امور خارجه)	۴۵
۲۱۳-۲۱۱، ۲۰۷		عنبران	۱۷۹
۶۶	قلی		
۱۱۶، ۱۸	قم	غ	
۱۷۸-۱۷۷، ۱۰۷، ۸۱، ۷۸، ۲۴	قوچان	غازیان	۴۶، ۹۲، ۱۰۳، ۲۴۴
۱۵۳	قوزخانی جای (مکان)	غلامحسین	۲۵-۲۶، ۳۶
۱۵۶-۱۵۵	قوزقان (مکان)		
۱۶۹	قول دردی (نام)	ف	
		فارس	۵-۶، ۸-۹، ۱۲، ۲۰۷-۲۰۸

۱۵۸، ۱۵۶، ۱۵۳	گلریز (مکان)	ک	
۳۹	گرمرو	کاراخان (قائم مقام کمیسری امور خارجه شوروی)	۱۸۵-۱۸۱، ۱۴۴-۱۴۰
۲۱۵	گنبد قابوس	کارتاشف (مستشار سفارت شوروی)	۱۹۶، ۱۹۳
۱۷۵	گودری اولوم (مکان)	کاشان	۱۱۶
۸۰-۷۷، ۴۶-۴۵، ۴۳، ۱۴-۱۳، ۱۱	گیلان	کاشفی - آقارضاخان	۲۲۲
۸۴-۸۲، ۸۸-۸۶، ۹۱، ۹۳، ۹۷-۹۶، ۱۰۱-۱۰۰		کاظمی - سیدباقر	۶۰، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۸۱-۱۸۲
۱۱۱، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۳۴-۱۳۷، ۲۱۳، ۲۱۶			۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۷
۲۴۸-۲۴۷		کربلایی اکبر	۱۷۶
	ل	کربلایی رحمان (رحمت)	۳۶، ۲۶-۲۵
۲۳-۲۲	لارینی - عیسی خان	کرماک - کلنل ماک	۱۵۹
	لاف (نماینده بحری شوروی در مشهدسر)	کرمانشاه - کرمانشاهان	۱۸، ۲۰، ۴۱، ۵۴-۵۶
۱۲۶-۱۲۵			۱۰۷، ۲۳۱-۲۳۰
۱۵۲	لاله‌زار (خیابان)	کریم‌اف - کریم	۱۲
	لنپنسکو (قنسل شوروی در استرآباد)	کشاوری (مترجم قنسلگری شوروی)	۵۵
۱۲۸، ۱۲۶-۱۲۵		کشف رود	۱۶۰-۱۵۹
۵۷-۵۵	لرستان	کلات	۲۰۳، ۲۰۱
۲۱۱	لسکیمو (مکان)	کلاتراف - مشهدی علی	۵۳
۱۵۶، ۱۵۳	لطف‌آباد	کلبدادی (سردار جلیل)	۱۲۱
۳۹	لطفی (حاکم مرند)	کل شهرین (مکان)	۵
۱۷۱، ۳۶، ۳۰، ۲۸	لنکران	کندکلی (مکان)	۲۰۱، ۱۶۶
۲۴۳، ۴۶-۴۵	لنین	کوپال - سرتیپ، سرلشکر محمدصادق	۲۶-۲۵
۶۶	لنینگراد		۱۷۸-۱۷۹، ۱۸۳، ۲۱۶، ۲۳۷، ۲۴۶
	لوله کلانی - فروس ← نونه کرانی - آقافرضی	کی استوان - حسین	۸۲، ۲۰۸-۲۰۹
۱۸۹-۱۸۸، ۱۱۶، ۳	لهستان - لهستانی	گ	
۱۹۷، ۱۸۹-۱۸۶، ۱۸۴	لیتونیوف	گراسیموف - ژرژ	۲۳۲
۴۰	لیدزه - ساکواره (ویس قنسل شوروی)	گرجی - گرجیها	۶۱، ۴۳-۴۱
۶۰	لیدف (فرمانده کشتی روسی)	گرگ که (طایفه)	۱۶۹
	م	گرگان	۵۸-۶۰
	ماتروخین (نایب قنسل شوروی در خوزستان)	گرگان رود	۳۱-۳۰
۵۳		گرگر (مکان)	۳۸-۳۹

۱۶۷، ۱۷۷، ۲۱۵، ۲۳۰-۲۳۱، ۲۳۷-۲۳۸	مارکین (رئیس بانک ایران و روس)	۱۲۵
۲۴۳-۲۴۲		۱۲۸-۱۲۷
مشهدسر ۷۸، ۸۱، ۱۱۶-۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۵	مازندران ۸۹، ۱۱۵-۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۱-۱۲۵	
مشهدی احمد ۱۷۶		۱۲۹-۱۲۷
مشهدی جبار سمسار ۶۶	ماکو ۲۰، ۱۱۶	
مشهدی حسن ۱۷۶	مانوک (نام) ۴۸	
مشهدی حسین ۲۸	محمد ۱۹۱	
مشهدی حسین ۲۳۴	محمد حسین بیک ۳۷	
مشهدی غنی ۳۵	محمدخان ۲۱۱	
مشهدی مجید ۲۸	محمد رحیم ۱۷۶	
مشهدی محمد ۲۳۴	محمد صادق ۱۷۶	
مصباح الملک (محمد باقر خان نمینی) ۲۹	محمد صادق خان ۱۶۸	
۳۳-۳۲	محمده ۵۵	
مصر ۳	مختار - رکن الدین ۲۳۴، ۲۳۰، ۲۲۰	
مصطفی خان ۱۷۲	مختاری - پاسیار ۷۰	
مظفری ۴۶	مراد (رئیس تلگرافخانه بندر پهلوی) ۹۴	
معصوم خانی - میرزا محمدخان ۱۵۳	۱۰۴-۱۰۳	
معظمی - میرزا سید احمدخان ۱۵۴-۱۵۲	مراغه ۳۹	
معین الاسلام ۱۸	مرتضی ۳۶	
مغان ۱۹۷-۱۹۳	مروند ۱۱۶، ۳۹	
مغول ۱۲	مستشار ۱۹۵	
مفتاح السلطنه - میرزا دودخان ۷	مستوفی الممالک (حسن) ۷۷، ۸۶، ۹۱، ۹۵	
مقدم - سرتیپ ۱۷۱	مسجد شاه قزوین ۷۷	
مقیم - حاج معین التجار ۱۳۵	مسجد محله ۱۹۰	
ملایر ۵۵	مسکوی ۷، ۹، ۲۹، ۶۵-۶۶، ۷۹-۸۵، ۹۳، ۱۰۴	
ملک الکلام - عبدالحمید ۱۸۰، ۱۷۲، ۱۲۱	۱۰۶، ۱۱۸، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۲	
ملکو مینانس - خاچیک ۵۱-۴۸	۱۸۱-۱۸۷، ۱۹۴، ۱۹۷-۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۸-۲۰۹	
منتظم الدوله ۷۹	مشار - حسن (مشار الملک) ۷، ۳	
منصور - علی ۲۱۴، ۲۱۱، ۴۹، ۴۷، ۳۸	مشایخ (کفیل ایالت آذربایجان) ۴	
موسوی گلبادی ۱۰۴	مشکوة الملک ۱۷۲	
موسی خان - دکتر ۱۱	مشکین ۳۹، ۲۸	
موسی خانی (رودخانه) ۱۹۵	مشهد ۱۹-۲۱، ۲۳-۲۴، ۳۲، ۷۸، ۸۱-۸۲، ۱۵۴	

۱۰۹	نصرت‌الدوله - فیروزمیرزا	۲۸	مهدی
۹-۸، ۶	نصیر - مهدی	۱۵۴	میخائیل گوریویچ - ورله‌یف
۳۳	نقاش‌زاده - محمودخان	۳۵، ۳۲، ۳۰	میرایوب معلم
۱۷۹، ۲۹-۲۵	نمین	۶۶	میر تقوی - آقامیر
	نمینی - محمدباقر خان ← مصباح‌الملک	۶۶	میر تقوی - میرحبیب
۲۳۸	نوائی - سرهنگ	۶۶	میر تقوی - میرعباس
۳۶	نورالهی - حسین آقا	۶۶-۶۵	میر تقوی - میرمحمد
۳۷-۳۶	نورالهی - علی آقا	۱۷۲	میرزااحمد
۳۶	نورالهی - علی اصغر	۲۹	میرزاایوب خان
۲۰۴-۲۰۳	نوروزآباد	۲۸	میرزاییک
۳۷	نوروزخان	۳۶-۳۵، ۳۳، ۳۱-۲۹، ۲۶-۲۵	میرزاپاشا
	نونه کرانی - آقافرزی (فروس لوله کلانی)	۳۱	میرزاجی معلم - میرزاحاجی نادری معلم
۳۵-۳۴		۳۵	
۲۷	نیساری (کفیل قوای نظامی اردبیل)	۱۰۸	میرزاعباس فراش‌باشی
۱۱۶	نیشابور	۳۱	میرزا عبدالرحیم معلم
۱۷۹	نیورا (مکان)	۳۱، ۲۶-۲۵	میرزا محمدحسین
		۱۶۸	میرزامحمدعلی خان مهندس
و		۲۸	میرزامصطفی
	والدین (جنرال قنصل شوروی در شیراز)، ۵، ۷	۲۹	میرعبدالله بیگ
۹		۱۵۳	میرقلعه (مکان)
۱۷۷	وارسته - بهرام	۸۲	میرممتاز - حسین
۴۱-۴۰	والکویچ - الکساندر	۴۸	میساکیان - شوارش
۲۳۲، ۱۶۲	وثوق - حسن	۱۶۲	میلسپو - دکتر آرتور
۲۰۳	وثیق (شهردار سرخس)	۷۳-۷۱، ۴۳-۴۲	میناسیان - دکتر کارو
۶۱	وقار (رئیس شهربانی اصفهان)	۱۲۸، ۱۲۵	میننی سیانس ارمنی
۱۰۰	ولی عصر (عج)		
۱۸۳	ونه یه لف (نام)	ن	
۱۱۶	ونیزی	۲۴۳، ۴۲	نازین - الکساندر
۲۷	وهاب‌زاده - میرزابیوک آقا	۵۳	ناصری (مکان)
ه		۱۲	نخجوان
		۱۱-۱۰	نسوان شرق (مجله)
۵۰، ۴۸	هارج (روزنامه)	۲۷	نصرت آقا

۱۳۴	یاسایی	هدایت - مهدی قلی (مخبر السلطنه) ۱۳، ۳۸
۱۱	یاوری - اسدالله	۱۰۸، ۱۰۴، ۸۶
۲۳۴-۲۳۳	یزد	هریرود ۲۱۰، ۱۶۰-۱۵۹، ۱۵۶-۱۵۳
۲۳-۲۲	یساقی - حبیب	هشترخان ۶۹
۶۷	یغبیاتینسکی	همایون (معاون اداره سیاسی وزارت داخله)
۳۷، ۲۵	یورتچی قریه	۲۳۳
۱۰	یوزباشی - حسین علی	همدان ۲۴۶، ۱۹۸، ۵۸-۵۵
۱۶۱، ۳	یورنیف (سفیر شوروی در تهران)	هندی ۱۱۶
۴۱-۴۰	یوکان ایمرادزه - والری	هویق (مکان) ۳۱
۴۲-۴۱	یهودی - یهودیها - کلیمی ۱۲	
۲۳۱-۲۳۰		ی
		یازتیه ۲۰۰، ۱۶۸-۱۶۷